اطلاعات

روحانی: برای تأمین امنیت منطقه،باید تجاوز آمریکا و رژیم صهیونیستی قطع شود

* مداخلات و تجاوزات رژیم صهیونیستی و حمایت آنها از تروریست ها جزو نگرانی‌های منطقه و سه کشور ایران ،ترکیه وروسیه است
* آنچه امروز در این منطقه رخ می‌دهد ناشی از توطئه های آمریکا است

صفحه ۲

یورونیوز: بولتون به خاطر مخالفت با تعلیق تحریم‌های ایران اخراج شد

* پیش از اخراج بولتون از کاخ سفید، درگیری لفظی شدیدی بین وی با ترامپ بر سر تحریم‌های ایران رخ داد
* دنفیس وان: اخراج بولتون نشانه آغاز فصل جدید سیاست خارجی ترامپ است

صفحه ۱۲

دوشنبه ۲۵ شهریور ۱۳۹۸ - ۱۶ محرم ۱۴۴۱ - ۱۶ سپتامبر ۲۰۱۹ - سال نودوچهارم - شماره ۲۷۳۷۹ - ۱۲ صفحه به همراه ۸ صفحه ضمیمه - تک شماره ۱۰۰۰ تومان

برخورد قاطع با فرار مالیاتی

۱۵ گروه و ۵۰ صنف شغلی ملزم به نصب کارتخوان شدند

* مدیرکل تنظیم مقررات سازمان امور مالیاتی: از همه ظرفیت‌های قانونی برای برخورد قاطع با مرتکبان فرار مالیاتی استفاده خواهد شد
* با پایان‌یافتن مهلت ثبت‌نام فعالان بخش درمان فقط ۲۰ درصد از مشمولان ثبت‌نام کرده‌اند
* رئیس کل سازمان امور مالیاتی: وکلا، مشاوران حقوقی، دفاتر اسناد رسمی، مشاوران املاک، تالارهای پذیرایی، رستوران‌ها اغذیه‌فروشی‌ها، مراکز اقامتی، فروشگاه‌های وسایل نقلیه آرایشگاه‌ها، قنادی‌ها، مراکز میوه و تره‌بار، مجموعه‌های ورزشی و دفاتر خدمات ارتباطی ملزم به نصب کارتخوان هستند
* شهروندان در صورت مراجعه به صاحبان مشاغل مذکور و نصب‌نبودن پایانه فروش مراتب را به شماره تلفن ۱۵۲۶ اطلاع دهند
* صاحبان گروه‌های شغلی و اصناف ذکر شده از ابتدای مهر ملزم به نصب و استفاده از پایانه فروش هستند و در غیر این صورت جریمه خواهند شد
* ۶۰ درصد درآمد پزشکان را هزینه و بقیه را سود می‌دانیم که در صورت کتمان درآمد، ۱۰۰ درصد درآمد آنها مشمول مالیات می‌شود و ۳۰ درصد هم جریمه غیرقابل بخشش برای خاطیان در نظر گرفته می‌شود
* در حالی که رقم مالیات قشر پزشکان غیردولتی ۱۲۰۰ میلیارد تومان است، فقط حدود ۲۰۰ میلیارد تومان آن پرداخت می‌شود
* با آن دسته از مؤدیان خرد که درآمد سالانه آنها کمتر از ۵۰۰ میلیون تومان باشد، می‌توانیم توافق کنیم
* رسیدگی مالیاتی گروه‌های شغلی و اصناف ذکر شده مطابق پزشکان خواهد بود

صفحه ۴

در شب روشنگری دینی از دو اثر دکتر محقق داماد با عنوان‌های «فاجعه جهل مقدس» و «در دادگاه جهل مقدس» رونمایی شد / عکس: احسان کاظملو

تجلیل از رشادت علمی روشنگر دینی، دکتر سیدمصطفی محقق داماد

صفحه ۳

رئیس قوه قضائیه دستورالعمل کاهش جمعیت زندانیان کیفری را ابلاغ کرد

تدبیر آیت الله رئیسی برای پیشگیری از ورود زنان و نوجوانان به زندان

* دادستان عمومی و انقلاب و سرپرستان نواحی دادسرا مکلف‌اند بر تمامی قرارهای صادره توسط قضات دادسرا که منتهی به بازداشت شده است از حیث تناسب قرار تأمین و امکان پذیرش آن با توجه به تأمین‌های معرفی شده از سوی متهم نظارت نمایند تا از صدور قرارهای نامتناسب یا تأخیر در پذیرش تأمین و زندانی شدن متهم جلوگیری شود
* رؤسای کل دادگستری استان‌ها و دادستان‌ها مراقبت نمایند تا با استفاده از ظرفیت‌های قانونی در خصوص قرارهای تأمین کیفری و مجازات جایگزین حبس، تا حد امکان از ورود افراد کمتر از هجده سال سن، افراد فاقد پیشینه کیفری و زنان به زندان جلوگیری شود
* رؤسای کل دادگستری استان‌ها ضمن نظارت بر نحوه بکارگیری ظرفیت‌های قانونی در راستای حبس‌زدایی توسط قضات و ارائه آموزش‌های لازم در این زمینه به آنان، برنامه ریزی نمایند تا حداقل پانزده درصد آرای صادره از محاکم کیفری متضمن مجازات جایگزین حبس باشد

صفحه ۵ (حقوقی)

محسن هاشمی: شکل گیری شوراهای اسلامی مرهون آیت‌الله طالقانی است

* رئیس شورای شهر تهران: خطبه‌های ماندگار مرحوم طالقانی هنوز می‌تواند رهنمودی برای مدیران کشور و باعث نزدیکی احزاب سیاسی باشد
* نخستین کتاب در حوزه اقتصاد که توسط یک عالم دینی نوشته‌شده متعلق به مرحوم طالقانی است
* سعید خال: بزرگداشت طالقانی، تکریم مسلک و مرام و اخلاق است

صفحه ۳

در جلسه شورای اجتماعی کشور

وزیرکشور: نمی توان برای همه کشور سبک زندگی یکسانی تعریف کرد

* رحمانی فضلی: اکنون ۶ تا ۷ درصد بانوان جامعه با بدحجابی مواجه هستند و بیش از ۹۰ درصد حجاب دارند
* نسل جدید نسبت به شرعی بودن حجاب اقناع نشده است و باید سیاست‌های انگیزشی در زمینه این آگاه سازی انجام شود
* باید از سیاسی کردن و دوقطبی کردن جامعه در مسأله حجاب به شدت جلوگیری شود

صفحه ۲

یکصدوشصت و ششمین شماره ماهنامه فرانسوی‌زبان «روودوتهران» منتشر شد

Le hajj vu d'Iran (II)

یکصد و شصت و ششمین شماره ماهنامه فرانسوی زبان «روو دو تهران» وابسته به موسسه اطلاعات، در هشتاد و چهار صفحه منتشر شد. پرونده این شماره به موضوع «حج ایرانیان» (بخش دوم) اختصاص دارد.

((مناسک و معارف حج براساس روایات شیعه))، ((زیارت مکه مکرمه و تنش در روابط ایران و عربستان))، ((سازمان‌دهی رسمی حج در ایران)) و ((بازنمایی زیارت مکه مکرمه در نگارگری‌های اسلامی)) بخش‌های مختلف این مجموعه را تشکیل می‌دهند.

((تخت سلیمان، گواه زنده تاریخ ایران))، علامه امینی، پاسدار غدیرخم و نقش شاردن در معرفی ایران سایر عناوین این شماره هستند.

علاقمندان می‌توانند مطالب و مقالات خود را به صورت تایپ شده در موضوعات مرتبط با ایران و اسلام به زبان فرانسه برای بررسی و چاپ در ماهنامه، به آدرس روزنامه اطلاعات یا نشانی الکترونیکی mail@teheran.ir ارسال و پیشنهادات خود را با شماره تلفن ۲۹۹۹۳۶۱۵ یا با مراجعه به سایت مجله به آدرس www.teheran.ir مطرح نمایند.

روحانی: برای تأمین امنیت منطقه، باید تجاوز آمریکا و رژیم صهیونیستی قطع شود

رئیس جمهوری گفت: حضور آمریکایی‌ها در سوریه تجاوزگرانه، غیرقانونی و مداخله‌جویانه است که همواره این بخش از منطقه را ناآرام نگه داشته است.

حجت الاسلام والمسلمین حسن روحانی رئیس جمهوری عصر دیروز پیش از سفر به آنکارا به منظور شرکت در پنجمین نشست اجلاس سه جانبه سران ایران روسیه و ترکیه در فرودگاه مهرآباد تهران، گفت: برای هر سه کشور مساله امنیت منطقه حائز اهمیت است. هر سه کشور در همین منطقه و در همسایگی سوریه زندگی می کنند و آنچه مهم است این که قریب به ۹سال است که مردم سوریه با مشکلات فراوان در برابر تروریست‌ها و حامیان آنها مواجه هستند

رئیس جمهوری تأکید کرد: خوشبختانه در دو سال و نیم اخیر بعد از روند آستانه که این سه کشور ضامن آتش بس در سوریه هستند، روند مناسبی ایجاد شده است.

روحانی خاطرنشان کرد: این سه کشور ضامن آتش بس در سوریه و اکثریت مردم سوریه هم تحت پرچم حاکمیت سوریه هستند، اما هنوز بخش هایی در اشغال تروریست ها ست. در منطقه ادلب هنوز تروریست ها حضور دارند و ادامه جنگ با تروریست‌ها در این منطقه ضرورت دارد.

رئیس جمهوری با اشاره به مشکلاتی که سوریه در منطقه شرق فرات با آن مواجه است، تاکید کرد: حضور آمریکایی‌ها حضوری تجاوزگرانه، غیرقانونی و مداخله‌جویانه در سوریه است که همواره این بخش(ادلب) از منطقه از سوریه را نا آرام نگه داشته است. مداخلات و تجاوزات رژیم صهیونیستی و حمایت آنها از تروریست ها و حملات رژیم صهیونیستی به مردم سوریه و زیرساخت‌های این کشور جزو نگرانی‌های منطقه و این سه کشور است.

وی بیان داشت: در واقع بخشی از مسائل مانده که بزرگترین آن مساله ادلب و شرق فرات است. البته علاوه بر مبارزه با تروریسم، مداخله نکردن خارجی، مساله آینده سوریه، بازگشت آوارگان، بازسازی سوریه، اصلاح قانون اساسی، انتخابات ۲۰۲۱همه مسائل مهم پیش رو است که در این اجلاس سه جانبه بحث و بررسی خواهد شد. روحانی خاطرنشان کرد: همانطور که بارها اعلام کردیم مسائل منطقه باید توسط کشورهای منطقه از طریق گفتگو و مصالحه حل شود؛ در زمینه سوریه و یمن نظر ما همین است.

وی ادامه داد: آنچه امروز در این منطقه رخ می‌دهد که بسیاری از کشورهای دنیا را نگران کرده، ناشی از برنامه‌ریزی‌های غلط و توطئه‌های آمریکا در منطقه است. آنها از عربستان سعودی و امارات پشتیبانی می‌کنند، اسلحه و اطلاعات می‌دهند و بخشی از عملیات جنگی توسط آمریکایی ها اداره می شود. روزانه شمار زیادی از بی گناهان در یمن کشته می‌شوند ودر منطقه ناامنی وجود دارد.

روحانی اضافه کرد: آمریکا به جای آنکه خودش را محکوم و اعتراف کند حضور آنها در منطقه مشکل آفرین است، هر از گاهی کشورها یا مردم مبارزه یمن را متهم می‌کند. اگر می‌خواهیم در این منطقه امنیت واقعی برقرار شود ،باید تجاوز آمریکا و مداخلات تحریک‌آمیز رژیم صهیونیستی قطع شود وگرنه شاهد ناامنی‌ها خواهیم بود.

وی بیان داشت: غیر از مسأله ثبات و امنیت منطقه که امیدوارم در این اجلاس قدم‌های مؤثری در ارتباط با آن برداشته شود، امیدوارم سه کشور بتوانند برای کمک به مردم و آینده سوریه توافق کنند. البته همواره تأکید کرده ایم و اکنون هم تأکید می کنیم آینده سوریه متعلق به مردم سوریه است، تصمیم با آنهاست و کشورهای دیگر باید به دولت مشروع و قانونی دمشق و همچنین به مردم عزیز سوریه یاری و کمک کنند.

رئیس جمهوری افزود: مسأله دوم روابط با همسایگان است. روابط نزدیک و صمیمی با همسایگان همواره برای ما مهم بوده و امروز هم برای ما اهمیت دارد. آمادگی داریم با همه همسایگان مان روابط برادرانه و دوستانه داشته باشیم.

روحانی خاطرنشان کرد: هم روسیه و هم ترکیه همسایه ما هستند و با این دو کشور و با سایر کشورهای همسایه غیر از یک تا دو کشور روابط بسیار دوستانه و صمیمی داریم.

رئیس جمهوری با بیان این که معتقدیم حل مشکلات منطقه باید از طریق گفتگو انجام بگیرد، تاکید کرد: در یمن باید از طریق گفتگوهای یمنی – یمنی باشد و آنها خودشان باید مشکل را حل و فصل کنند و بمباران مردم یمن باید خاتمه پیدا کند.روحانی با تاکید بر این که روابط با همسایگان برای ما مهم است، اظهار داشت: امروز هم برای رفع مشکلات اقتصادی کشورمان بهترین راه‌حل بعد از مقاومت و ایستادگی مردم، روابط اقتصادی نزدیک با همسایگانمان است.

رئیس جمهوری افزود: در این سفر هم با آقای پوتین راجع به روابط‌مان با روسیه مذاکره دو جانبه خواهیم داشت و هم با آقای اردوغان راجع به روابط دوجانبه با ترکیه و امیدوارم روابط سه کشور و روابط ایران با همه همسایگان روز به روز نزدیکتر شود.

بدرقه رئیس جمهوری در سفر به ترکیه

وزیر کشور: نمی توان برای همه کشور سبک زندگی یکسانی تعریف کرد

وزیر کشور با تاکید بر این که باید از سیاسی کردن و دوقطبی کردن جامعه در مساله حجاب به شدت جلوگیری شود، گفت: کشف حجاب یکی از اولویت‌های اصلی ماست و لازم است با این مساله برخورد جدی و پیشگیرانه صورت گیرد.

به گزارش ایرنا، عبدالرضا رحمانی فضلی در جلسه شورای اجتماعی کشور که به بررسی برنامه های عملیاتی و اجرایی دستگاه ها برای تقویت فرهنگ عفاف و حجاب اختصاص داشت، گفت: نباید با اعتقادات جامعه به عنوان ابزار سیاسی و دوقطبی کردن جامعه برخورد شود. در صورتی که این اتفاق بیفتد، شورای اجتماعی در مقابل آن موضعگیری می کند.وی با بیان این که موضوع عفاف و حجاب نباید به صورت فصلی پیگیری شود، گفت: حجاب جزو موارد قانونی، اجتماعی و دینی ماست و نباید بعد از تابستان بی‌خیال بدحجابی شویم. اکنون ۶تا ۷درصد بانوان جامعه با بدحجابی مواجه هستند و بیش از ۹۰درصد حجاب دارند. رحمانی فضلی تصریح کرد: آمار دستگاه‌های مختلف نشان می دهد که کمتر از ۱۰درصد بانوان جامعه با بدحجابی مواجه هستند. در این باره، یک درصد هم زیاد است و باید با مشارکت مردم، وزارت آموزش و پرورش و سازمان تبلیغات کار فرهنگی انجام شود. همچنین نقش فضای مجازی کاملا مشهود است و باید از این ظرفیت برای ارائه نکات آموزشی و حذف آسیب‌ها استفاده کنیم.

وزیر کشور با بیان این که معرفی نوع الگوی پوشش بسیار مهم است گفت: نسل جدید نسبت به شرعی بودن حجاب اقناع نشده است و باید سیاست های انگیزشی در زمینه این آگاه سازی از سوی صدا و سیما و دیگر دستگاه های فرهنگی انجام شود. همچنین در جامعه ما تفاوت هایی در سبک زندگی وجود دارد. باید به گونه‌ای عمل شود که برای کل کشور یک الگوی واحد نداشته باشیم.رحمانی فضلی با اشاره به فعالیت‌ها و برنامه‌های سازمان یافته شبکه‌های خارجی درباره حجاب گفت: دستگاه ها باید جوسازی‌ها علیه حجاب را در جامعه رصد کنند.

او با بیان این که از وزارت صنعت و معدن درخواست شده است به موضوع تولید چادر مشکی توجه بیشتری داشته باشند گفت: کارخانه‌های تولید چادر مشکی باید تقویت شوند. تا زمانی که به واردات چادر مشکی نیاز داریم هزینه واردات آن باید کم شود یا تقریباً به صفر برسد.

شورای نگهبان به طرح ساماندهی صنعت خودرو ایراد گرفت

سخنگوی شورای نگهبان با ارسال نامه‌ای به رئیس مجلس شورای اسلامی، با اعلام ایرادهای طرح ساماندهی صنعت خودرو، این مصوبه را برای اصلاح به مجلس برگرداند.

به گزارش ایسنا، در نامه سخنگوی شورای نگهبان آمده است :

طرح ساماندهی صنعت خودروکه با اصلاحاتی در جلسه مورخ بیست و هفتم مرداد یک هزار و سیصد و نود و هشت به تصویب مجلس شورای اسلامی رسیده است در جلسه مورخ ۱۳۹۸/۰۶/۰۶شورای نگهبان مورد بحث و بررسی قرار گرفت و با توجه به اصلاحات به عمل آمده به شرح زیر اعلام نظر می شود:

۱– ایراد بند ۱سابق این شورا نسبت به ماده ۲مصوبه علیرغم اصلاح به عمل آمده، کماکان به قوت خود باقی است .

۲–در ماده ۱،۷–۲–تعیین زمان پنجساله از اولین شماره گذاری، در صورتی که با گذشت این زمان نیز خسارت و تلفات حادثه، قابل انتساب به شرکت سازنده داخلی یا نماینده رسمی شرکت سازنده خارجی یا وارد کننده خودرو باشد خلاف موازین شرع شناخته شد.

۲–۲– از جهت این که مشخص نیست شناسایی مسئولیت مدنی برای شرکت سازنده داخلی یا نماینده رسمی شرکت سازنده خارجی یا وارد کننده نافی مسئولیت کیفری است یا خیر، ابهام دارد. پس از رفع ابهام اظهار نظر خواهد شد.

۲–۳– از درباره میزان تاثیر هر کدام از اسباب در حادثه و مسئولیت آنها، نظر فقهای معظم شورای نگهبان متعاقبا اعلام می شود.

۳– با عنایت به نظر هیات عالی نظارت بر حسن اجرای سیاست‌های کلی نظام در باره طرح ساماندهی صنعت خودرو مصوبه مغایر بند ۲اصل ۱۱۰قانون اساسی شناخته شد. به پیوست نظر این هیات به شماره ۹۸۳۵۷/۰۱۰۱مورخ ۱۳۹۸/۰۶/۰۶در باره طرح مذکور عینا اقدام لازم ارسال می شود.

تذکر: در ماده ۷با توجه به این که در مواد قبلی از عیب و نقص خودرو ذکری به میان نیامده است استفاده از واژه مذکور در عبارت در صورتی که خریدار از عیب و نقص مذکور مطلع نباشد، نیازمند اصلاح است.

دکتر صالحی: منتظر تصویب و ابلاغ نقشه راه فناوری‌های کوانتومی هستیم

مراسم افتتاحیه "اولین مدرسه تابستانی علوم و فناوری‌های کوانتومی به زبان ساده" صبح روز شنبه با حضور و سخنرانی علی‌اکبر صالحی، معاون رییس جمهور و رییس سازمان انرژی اتمی ایران و وحید احمدی، مشاور وزیر علوم، تحقیقات و فناوری و رییس مرکز تحقیقات سیاست علمی کشور و حضور بهروز کمالوندی، معاون امور بین‌الملل، حقوقی و مجلس، رئیس پژوهشگاه علوم و فنون هسته‌ای و جمعی از مدیران این سازمان برگزار شد.

به گزارش ایسنا، در این دوره که به اهتمام سازمان و همکاری پژوهشگاه علوم و فنون هسته‌ای و انجمن ترویج علم ایران برگزار می‌شود، مدیران و دست‌اندرکاران مدیریت و برنامه‌ریزی علم و فناوری از سازمان‌ها، نهادها و انجمن‌های علمی مرتبط و نیز ۵۰تن از دانش‌آموزان برتر در سطح شهر تهران به عنوان پایلوت این طرح جدید، حضور دارند.

این دوره با هدف آگاهی‌بخشی و فرهنگ‌سازی در سطح جامعه علمی و عام در زمینه فناوری‌های کوانتومی، تا روز چهارشنبه ۲۷شهریور ادامه دارد و مبانی فیزیک کلاسیک، تاریخچه فیزیک کوانتومی، مبانی و کاربردهای مکانیک کوانتومی و معرفی فناوری‌های کوانتومی از مباحث این دوره ۵روزه هستند.

علی‌اکبر صالحی با اشاره به دانش کم بشر در خصوص مفاهیم فیزیک از جمله ماده و انرژی، نور، مدل‌های فیزیکی و ریاضی در این زمینه‌ها و سئوالات عدیده‌ای که هنوز ذهن انسان را به خود مشغول می‌دارد، به ورود سازمان انرژی اتمی ایران به حوزه فناوری‌های نوین پرداخت و اظهار داشت: سازمان انرژی اتمی یکی از سازمان‌های پیشتاز در امر فناوری‌های نوین و مرزهای دانش و یکی از افتخارآمیزترین سازمان‌ها و نهادهای دولتی است که توانسته قدم‌های بلندی در عرصه علم و فناوری بردارد. فعالیت‌های دانشمندان ارزشمند این سازمان قدرت و ظرفیتی بالقوه از نظر علم و فناوری در کشور ایجاد نموده است. این ظرفیت توان زیادی از حیث اقتدار به نظام جمهوری اسلامی بخشید.

وی با بیان اهمیت فوق‌العاده انرژی هسته‌ای از منظر مقام معظم رهبری به منظور تضمین تامین انرژی آینده کشورمان و اقتدارآفرینی این فناوری برای ملت ایران، افزود: صنعت هسته‌ای پیشران و پیش‌برنده دیگر صنایع کشور با استانداردهای بالا است. کشورهای دارنده صنعت هسته‌ای پیشرفته، لاجرم در دیگر صنایع هم پیشرفته هستند. این صنعت به دلیل استاندارد بالا، دیگر صنایع را با خود به جلو می‌کشد. ضمن این‌که صنعت هسته‌ای میعادگاه خیلی از صنایع است.

صالحی ادامه داد: سازمانی که در این مسیر حرکت می‌کند و در این بستر قرار دارد، یقیناً نسبت به فناوری‌های نوظهور باید به‌مثابه یک رصدکننده عمل کند. اگر بخواهد چنین سازمانی در پوسته تعریف شده بماند، ماموریت و مسئولیت خودش را انجام نداده است.

رییس سازمان انرژی اتمی با اشاره به رصد سازمان در سال ۱۳۹۵و توجه به فناوری نوظهور کوانتومی، به بیان تاریخچه‌ای از این فناوری پرداخت و گفت: دو مفهوم برهم نهی و درهم تنیدگی دو عنصر اساسی فناوری کوانتومی هستند. با این مفاهیم کوانتوم مکانیک به عنوان یک فناوری شکل می گیرد. کوانتوم مکانیک یک پدیده علمی و فنی است که به دنبال خلق فناوری‌های جدید است. یکی از این فناوری‌ها در حوزه محاسبات است. اگر فناوری کوانتومی در حوزه محاسبات به‌کار گرفته شود، شاهد ساخت کامپیوترهایی خواهیم بود که از حیث پردازش قابل مقایسه با کامپیوترهای موجود نخواهند بود. حالت کامپیوتر کوانتومی نسبت به یک سوپر کامپیوتر در برخی محاسبات همانند سوپرکامپیوتر نسبت به چرتکه است. در این کامپیوترها هم از برهم نهی و درهم تنیدگی استفاده‌می‌شود.

وی ادامه داد: مورد دیگر حسگرهای کوانتومی است که بسیار حساس و باظرافت هستند. فناوری به این مفهوم است که تا آنجا که امکان دارد در اندازه‌گیری‌ها ریزتر و ریزتر بشوید. این موضوع در اندازه‌گیری پدیده‌هایی نظیر زمان، نور و سرعت مصداق دارد. به عنوان مثال اگر بتوانیم در حسگرها اندازه‌گیری میدان مغناطیسی زمین را با دقت بسیار بالا انجام دهیم، در آن صورت میدان مغناطیسی هر نقطه نزدیک به هم با یکدیگر متفاوت است. اگر روزی برسد بتوانیم میدان مغناطیسی را در فواصل سانتی‌متر و تفاوت آن‌ها را اندازه بگیریم، قدم بزرگی برای بشر خواهد بود.

صالحی در بخش دیگری از سخنانش به ارتباطات کوانتومی پرداخت و گفت: یک بحث مهم در ارتباطات این است که مصون از دسترسی شخص ثالث باشد و کسی نتواند وارد ارتباطات دو نفر بشود. در حال حاضر چنین مصونیتی وجود ندارد. در ارتباطات کوانتومی بحث رمزنگاری خیلی مهم است که می تواند این مصونیت را به همراه بیاورد. چینی‌ها در این زمینه از همه پیشتازترند و سال گذشته اولین ماهواره کوانتومی را در فضا قرار دادند. بحث دیگر شبیه‌سازی کوانتومی است که با استفاده از آن می‌توانید تقریباً ۱۰۰درصد کاری که می خواهید در آزمایشگاه انجام دهید را با این فناوری انجام دهید. زمینه‌های دیگر سنجش و اندازه‌گیری کوانتومی و نیز تصویربرداری کوانتومی است که همکاران ما در بخشی از این زمینه‌ها ورود جدی پیدا کرده‌اند.

معاون رییس جمهور با تقدیر از مدیران و متخصصانی که تلاش نمودند و اولین گام‌های اساسی در ایجاد زمینه‌های دستیابی به فناوری‌های کوانتومی را برداشته‌اند، گفت: با انجام موفقیت‌آمیز آزمایش درهم تنیدگی، اعتماد به‌نفس لازم ایجاد شد و وارد این عرصه شدیم. مرکز فناوری های کوانتومی را در سازمان ایجاد کردیم و با همکاری جمعی از متخصصین در رده‌های دکترا، کارشناسی ارشد و کارشناسی که در زمینه‌های مختلف اشراف، علم و تجربه دارند، فعالیت‌ها را به جلو می‌بریم. در صدد هستیم آزمایشگاهی نسبتاً کامل را ویژه این فناوری برپا کنیم که امیدواریم ظرف یکسال آینده تکمیل شود. علاوه بر این به دلیل سرمایه‌گذاری عظیمی که مورد نیاز است و از عهده این سازمان خارج است، استفاده از امکانات کشور به صورت هم‌افزا مد نظر است. به‌همین منظور شبکه‌ای از آزمایشگاه ها را در برخی دانشگاه ها که ظرفیت فعالیت در حوزه‌ای از این فناوری ارزشمند را دارند، ایجاد کردیم و امکانات آن را فراهم نمودیم تا یک آزمایشگاه ملی به صورت مجازی ایجاد شود. آزمایشگاه فناوری کوانتومی سازمان نیز به صورت مکمل این آزمایشگاه مجازی خواهد بود. مدیران و متخصصین مربوطه به سرعت و شبانه‌روز کار می‌کنند تا هرچه زودتر این امر به انجام‌برسد.

وی با اشاره به اشتیاق و استقبال نهادها و دستگاه‌هایی که مرتبط با این فناوری هستند، گفت: نقشه راه فناوری‌های کوانتومی تنظیم شده و به شورای عالی انقلاب فرهنگی، وزارت علوم، تحقیقات و فناوری و مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی ارسال شده است که ان‌شاءالله هرچه زودتر به تصویب برسد و ابلاغ شود.

رئیس سازمان انرژی اتمی با بیان دستیابی سریع دانشمندان کشورمان به سوخت ۲۰درصد و حیرت دنیا از این امر، گفت: نظریه‌ای دارم مبنی بر این‌که در برخی امور نمی‌توانیم در طول حرکت کنیم. بلکه باید در عرض حرکت کنیم. زمانی که سوخت راکتور تهران رو به اتمام بود و زمان زیادی نداشتیم، از همکارانم خواستم روی سوخت ۲۰درصد کار کنند. منتها معتقد بودم اگر بخواهیم ابتدا طراحی مفهومی و بعد طراحی واقعی و نمونه‌سازی و ساخت واقعی سوخت را دنبال کنیم شاید سال‌ها طول می‌کشید. این حرکت در طول بود. به آنها گفتم همه را با هم انجام بدهید. یعنی عده‌ای طراحی مفهومی، عده‌ای ساخت کارخانه و دیگران امور دیگر را همزمان انجام بدهند. نهایتاً در کمتر از دو سال به موفقیت رسیدیم. حضرت آقا فرمودند سوخت ۲۰درصد نمونه مصداقی از "ما می توانیم" است.

وی تصریح کرد: در فناوری کوانتومی هم باید در عرض حرکت کنیم. اگر بخواهیم در طول گام برداریم، شاید هفتاد، هشتاد سال طول بکشد به نتیجه برسیم. در حال حاضر همزمان گروه‌های مختلفی را ایجاد کرده‌ایم که در ۶، ۷زمینه از جمله حسگرها، کامپیوتر، ارتباطات و تصویربرداری کوانتومی کار می‌کنند. گام‌های بلندی برداشته‌ایم. حتی شروع به نوشتن متن کرده‌ایم. کتاب درسی برای دبیرستان‌ها و دانشگاه‌ها می‌نویسیم. سایت دایر کرده‌ایم و درصدد افزایش آگاهی عمومی هستیم.

صالحی ابراز امیدواری کرد، نسبت به این فناوری توجه ویژه‌ای بشود و گفت: فناوری کوانتومی آنچنان به سرعت در حال پیشرفت است که اگر کوتاهی کنیم، افسوس خواهیم خورد. وی با بیان این‌که یقین دارم اساس حرکت‌های علمی در دبیرستان‌ها خواهد بود، گفت: پژوهش‌سرایی را برای دبیرستان انرژی اتمی در دست اقدام داریم که مساحتی بالغ بر ۲۰۰۰، ۳۰۰۰متر دارد و مباحث فناوری کوانتومی و سلول‌های بنیادی در آن دیده شده است. در این راستا سازمان انرژی اتمی ایران آمادگی هر نوع سرمایه‌گذاری جهت ترویج این علم و فناوری را در جامعه دارد. البته همکاری شورای عالی انقلاب فرهنگی و مجلس شورای اسلامی در این زمینه ضرورت دارد که امیدواریم به نتیجه برسد. وی تصریح کرد: کسانی که در روند دستیابی و توسعه این فناوری قرار می گیرند، اگر آگاهانه باشد، یقیناً شبانه‌روزی برای تحقق مفاهیم علمی و فنی آن کار می‌کنند. اگر به دنبال جایزه نوبل و یا کشف آیات الهی باشید و یا بخواهید برای کشورتان افتخارآفرینی کنید، در این حوزه به دست می‌آورید. می‌توانیم اهمیت فناوری کوانتومی را به اهمیت برق تشبیه کنیم. آن‌وقت اگر دنیای بدون برق را با دنیای با برق مقایسه کنیم به همان نسبت، دنیای با فناوری کوانتومی در مقابل دنیای بدون این فناوری اهمیت دارد. با این تصور زمانی می‌رسد که مردم فکر می‌کنند که قبلاً چگونه مردم بدون فناوری کوانتومی زندگی می‌کردند.

وی تاکید کرد: اگر این فناوری به آنجا که مد نظر است برسد، هر انسانی به یک اندیشمند بالقوه با امکانات محاسباتی و تجهیزات اندازه‌گیری که در اختیار دارد، تبدیل می‌شود و می‌تواند کارهای بزرگی انجام دهد. در بعد عرفانی می‌گویند "رسد آدمی به جایی که بجز خدا نبیند". در بعد مادی هم باید تا جایی که می‌توانیم علم الهی را تسخیر کنیم. فناوری کوانتومی پر از آیات الهی کشف‌نشده است.

صالحی با ابراز امیدواری نسبت به راه‌اندازی دوره‌های فوق لیسانس و دکترای این علم و فناوری در دانشگاه‌های درجه یک و فنی کشور، گفت: امیدواریم با این ذهن‌های فعال در مدارس و دانشگاه‌هایمان شاهد تربیت نسل‌های غنی برای آینده کشور باشیم.

در بخش دیگری از مراسم افتتاحیه، دکتر وحید احمدی، مشاور وزیر علوم، تحقیقات و فناوری و رییس مرکز تحقیقات سیاست علمی کشور از تلاش‌های سازمان انرژی اتمی ایران در زمینه فناوری‌های کوانتومی که از فناوری‌های سطح بالا است، قدردانی و اظهار کرد: در گذشته نخبگان علمی با مردم زبان مشترکی داشتند. به این مفهوم که مردم نیز درکی از مفاهیم علمی داشته‌اند. اما در حال حاضر فاصله میان مردم و نخبگان از نظر فهم و درک علمی رو به افزایش است. گویی عده‌ای باید به دنبال علوم و فناوری‌های جدید باشند و لزومی ندارد که مردم از جزئیات مطلع شوند.

رییس مرکز تحقیقات سیاست علمی کشور در ادامه تصریح کرد: اشکال این فاصله نخبگان و مردم در این است که هم مردم قدر و منزلت علم را نمی‌دانند و هم خود نخبگان از فعالیت‌های علمی و موفقیت‌های‌شان در این زمینه لذت نمی‌برند. به این دلیل که دیده و حس نمی‌شوند و اهمیت آنها به فراموشی سپرده می‌شود.

مشاور وزیر علوم، تحقیقات و فناوری با اشاره به تلاش ملل پیشرفته در این زمینه، گفت: برخی از کشورهای پیشرفته نظیر ژاپن تلاش زیادی کردند تا مردم را در جریان پیشرفت‌های علمی کشورشان قرار دهند و همزمان با نخبگان جامعه، مردم را مطلع نگهدارند.

احمدی با اشاره به اقدامات سازمان انرژی اتمی ایران در خصوص ایجاد پژوهش‌سرای دبیرستان انرژی اتمی که به موضوعاتی از قبیل فناوری کوانتومی و سلول‌های بنیادی خواهد پرداخت، گفت: این‌ها اقدامات بسیار خوبی هستند و ضرورت دارد مردم در سطح گسترده با علوم و فناوری‌هایی که به سرعت در حال رشد هستند، آشنا شوند.

زارعی: مذاکره برای آمریکا به معنای رسیدن به تفاهم نیست

عضو هیأت علمی دانشگاه تهران گفت: آمریکا در حالی بحث مذاکره را مطرح می‌کند که در همین زمان وزیر خارجه ما را تحریم کرده است، پس مشخص است مذاکره برای آمریکا به معنای رسیدن به تفاهم نیست.

به گزارش فارس، سعدالله زارعی در نشست «مذاکره مجدد با آمریکا، راهگشا یا بن بستی دیگر» که به همت اتحادیه جامعه اسلامی دانشجویان برگزار شد، گفت: در عرف سیاسی برای رسیدن به توافق روشی وجود دارد که اگر بر این اساس رفتار آمریکا را مورد بررسی قرار دهیم می بینیم آنچه آنها دنبال می کنند از نظر معنا و مفهوم با آنچه ما به عنوان مذاکره می شناسیم، بسیار متفاوت است.

وی افزود: برای آمریکا مذاکره ابزاری است برای رسیدن به اهداف دیگر. آمریکا در حالی بحث مذاکره را مطرح می‌کند که در همین زمان وزیر خارجه ما را تحریم کرده است. پس مشخص است مذاکره برای آمریکا به معنای رسیدن به تفاهم نیست.این استاد دانشگاه یادآور شد: آمریکایی‌ها برای ما خطوطی را مشخص می‌کنند و بعد اسم آن را مذاکره می‌گذارند. این همان تهاجم نظامی است. وی ادامه داد: مقامات آمریکایی صراحتاً و تلویحا اعلام کرده‌اند که ایران باید برخی شرایط را برای دستیابی به یک توافق جدید بپذیرد. شروطی مانند این که موجودیت رژیم صهیونیستی را بپذیریم، یا این که هر گونه اقدام منطقه‌ای ایران باید با توافق قدرت‌های غربی باشد. این استاد دانشگاه ادامه داد: آنها حتی انتظار دارند ایران در مورد اقدامات صنعتی خود هم محدودیت‌هایی را بپذیرد و این خطوط قرمز فقط منحصر به صنعت هسته‌ای نیست بلکه سایر علوم را شامل می‌شود. آمریکا می‌خواهد استانداردهای زندگی آمریکایی در جامعه ایران رعایت شود و ملت ما، جوانان، بانوان و اقشار دیگر همه مبتنی بر این سبک رفتار کنند. بر اساس همین هم پذیرش کنوانسیون‌های بین‌المللی مانند ۲۰۳۰را دنبال می کنند. این استاد دانشگاه گفت: آمریکایی ها می‌خواهند توان نظامی ایران را متجاوزانه و خارج از عرف معرفی کنند، در حالی‌که تمامی تسلیحات ایران بر اساس قدرت بازدارندگی و دفاعی طراحی شده است .آنها انتظار دارند حضور و نفوذ ایران در منطقه با خط قرمز غرب هماهنگ باشد. وی تاکید کرد: آمریکا تلاش دارد کشورهای کوچک، فقیر و غیرقدرتمند در غرب آسیا تشکیل شود، برای همین هم طرح خاورمیانه جدید را مطرح کردند.

زارعی گفت: آمریکا چنین شروطی را دارد و نام این را هم را مذاکره می‌گذارد، اما تفاوت این مذاکره با تهاجم نظامی چیست؟ در تهاجم نظامی کشور مهاجم به دنبال تقسیم کشور دیگر، خلع سلاح آن، عقب‌نشاندن آن کشور از مواضع خود یا پذیرش یک رژیم در منطقه است. مذاکره برای همین خواسته‌ها در واقع جنگ سیاسی است که در آن ژنرال‌ها با کت و شلوار بر سر میز می‌نشینند، ولی صدای شمشیر و جنگ‌افزارها به گوش می‌رسد.

وی با اشاره به اعمال فشار حداکثری علیه کشورمان گفت: آمریکا با استفاده از این واژه نشان داد فشار کم و متوسط جواب نداده و کشوری که مدعی ابرقدرتی است نمی‌تواند با فشارهای کم و متوسط به نتیجه برسد، پس با اعمال فشار حداکثری به بی‌نتیجه بودن قدرت خود و افول هژمونی آمریکا اعتراف کرد.زارعی یادآور شد: فشار متوسط آمریکا ۹۸ درصد بود که ما آن را تحمل کردیم، برای همین بحث فشار حداکثری یا ۱۰۰درصدی فقط یک عملیات روانی است. فشار حداکثری آمریکا هم چهار سال است که ادامه دارد و مقاومت چهار ساله ما نشان از شکست این فشارها دارد. وی با بیان این که ترامپ فردی متوهم است، گفت: شما توییت‌های ترامپ را بررسی کنید؛ مسلماً شاهد مجموعه‌ای از اوهام خواهید بود. سخنان وی نشان می‌دهد که دچار یک توهم است.

زارعی در ادامه افزود: فقط ترامپ نیازمند یک عکس با رئیس جمهوری ایران نیست بلکه اوباما هم نیازمند عکس با رئیس جمهوری ایران بود و در مجموع آمریکا به این نیازمند است. شکست‌های متوالی سبب شده آنها برای بازسازی چهره آمریکا یک عکس یادگاری به نشانه پیروزی سیاست خارجی ثبت کنند.

گفتگوی قائم مقام وزیر امور خارجه هند با ظریف درباره روابط دوجانبه

قائم‌مقام‌وزیر امور خارجه هند که به‌منظوربرگزاری شانزدهمین دور مشورت‌های سیاسی بین وزارتخانه های امور خارجه دو کشور در تهران به سر می‌برد، با وزیر امور خارجه کشورمان دیدار کرد.«ویجی گولکه» در این دیدار با تشریح اهداف سفر خود به تهران، درباره روابط فیمابین، همکاری‌های دو کشور در حوزه‌های دوجانبه و منطقه و همچنین دیگر مسائل مورد علاقه گفتگو و تبادل‌نظر کرد. وزیر امورخارجه کشورمان هم در این دیدار با توجه به روند رو به گسترش همکاری‌های دو کشور در حوزه‌های مختلف و ابراز علاقمندی درباره عملیاتی کردن ظرفیت‌های همکاری، با ابراز نگرانی از وضع مردم کشمیر اظهار امیدواری کرد وضع آنها بهبود یابد.

گفتگوی مقامات کاخ سفید برای کاهش تحریم‌های ایران

یک شبکه تلویزیونی آمریکا در گزارشی اختصاصی بامداد یکشنبه از گفتگوی مقامات کاخ سفید در مورد کاهش تحریم‌های ایران یا ارائه معافیت موقت خبر داده است.

شبکه سی ان ان به نقل از دو مقام دولت ترامپ اعلام کرد: گفتگوهای صورت گرفته در کاخ سفید برای کاهش تحریم های ایران به دلیل اجرای طرح فرانسه و هموار کردن مسیر دیدار احتمالی ترامپ با حسن روحانی رئیس جمهوری ایران در سازمان ملل صورت می گیرد .دو مقام آمریکایی همچنین افزودند که وزارت خزانه داری هنوز به درخواست کاخ سفید، اقدام به تهیه پیش نویس طرح کاهش تحریم های ایران یا پذیرش پیشنهاد کمک مالی ۱۵میلیارد دلاری فرانسه نکرده است.

استیو منوچین وزیر خزانه داری آمریکا روز پنجشنبه گذشته نسبت به انتشار برخی گزارش ها در مورد برنامه واشنگتن برای کاهش تحریم های ایران واکنش نشان داد.منوچین در همین مورد به خبرنگاران گفت: ما تماس های مستقیمی با مکرون رئیس جمهوری و بورنو لومِر وزیر مالی فرانسه داشته‌ایم و آنها کاملا درک می کنند که برای انجام این کار به ایالات متحده احتیاج دارند و این چیزی نیست که ما در زمان حاضر در نظر داشته باشیم.

یادداشت

عدل و عقل
چند نکته و نظر درباره دستورات اخیر ریاست قوه‌قضائیه و کاهش جمعیت کیفری در زندانها

سید مسعود رضوی

مهم‌ترین رکن سلامت نظام سیاسی و اداری و تقنینی، و نیز مهم‌ترین عامل صحت در مناسبات اجتماعی و فرهنگی و اخلاقی، دستگاه قضا و دادگستری است. علاوه بر همه این مسایل، هر مفسده اقتصادی، هرگونه اختلاس و ارتشاء، رانت‌جویی و بهره‌وری ناعادلانه از روابط و اطلاعات و مکاتبات دولتی و حکومتی، هر نوع بهره‌وری از امکانات عمومی، یا زایل کردن حق‌الناس و یا جلوگیری از رشد و بهره‌وری فرد یا جمع و زیان‌زدن به خزانه یا ممانعت از منفعت عمومی و حفاظت انفال و سود عام و... جملگی با دستگاه قضایی سر و کار پیدا کرده و دادگستری و قوه‌قضائیه و بازرسی‌های متعدد و بازوهای انتظامی و اجرایی باید بدان رسیدگی نمایند. این حوزه به تنهایی آنقدر بزرگ و وسیع است که نظارت برای آن نیازمند هوش و تخصص و زیرکی و کارآمدی و دانش فراوان است. فربه شدن قوانین و پیچیدگی نظامات و دستگاه‌ها و جریان پرونده‌ها در این سامانه عظیم، کاری بسیار دشوار است و به شفاف‌سازی مداوم، نظارت تمام وقت و بازرسی و سلسله مراتب قدرتمند و آزموده نیاز دارد. بنابراین باید به سمت کاهش تصدی‌گری، افزایش نظارت و شفافیت، چرخش اخبار و اطلاعات ضروری و قابل دست‌یابی برای همگان، بهره‌وری از فناوری و امکانات الکترونیک و بالاخره جلوگیری از مداخله جریانهای نظامی و امنیتی حرکت نماییم تا عدلیه یا دستگاه قضایی سالم و کارآمد و خادم مردم تحقق یابد.

آیت‌الله سید ابراهیم رئیسی، به عنوان بالاترین مقام این قوه یا سیستم یا سامانه قضایی، باری بزرگ و مسئولیتی مهم را بر دوش گرفته است. تا این زمان که دوران چند ماهه‌ای از تصدی وی بر مسند ریاست قوه‌قضائیه می‌گذرد، چندین مورد بخشنامه، دستور و بازرسی و حتی تغییر احکام و برکناری قضات را در مدیریت ایشان شاهد بوده‌ایم و امیدهای بسیاری در درون کشور و در میان علاقمندان به عدالت و ملت و منافع عموم پدید آورده است. نیروهای قاطع و کارآمد اگر با دانش و پشتوانه قاطع و سلامت اخلاقی و اعتقادی در رأس امور قرار گیرند، اثر مثبت بر سیستم و سامانه و نهادهای زیر مجموعه و زیر دست خود برجای خواهند نهاد و این به معنای فرد محوری و کیش شخصیت نیست، بلکه اقتدار مدیریت و نقش مثبت شخصیت‌ها در جریان جاری، و جریان‌سازی‌های آتی است. آیت‌الله رئیسی می‌تواند یکی از درخشان‌ترین چهره‌ها در تداوم عدل و اشاعه عقل در دستگاه قضایی کشور باشد و مشکلات متناوب و مفسده‌های متناظر و زیانهای متعدد را که از این حوزه به روح و جسم افراد، و منافع و مناسبات ملت و جامعه وارد می‌شود، برطرف سازد تا هم آلام مردم تسکین یابد و هم همتی بر رفع ظلم و رانت و فساد باشد. دستگاه قضا و دادگستری، مهم‌ترین رکن تحولات اخلاقی و بهبود روابط اجتماعی و پیشرفت اقتصادی و رهایش سیاسی است اگر مستقل و به دور از هر اشاره و فرمان و فرمایش یا هر شائبه قدرت باشد. به ویژه دستگاه‌های ناپاسخگویی که به بهانه امنیت و اطلاعات نظامی و اقتصادی و محرمانگی، خود را مصون و پنهان کرده و همچون وسوسه‌ای مدام در کار عدالت و قضات عدلیه دخیل می‌شوند و همین گروهها آغازی بر پایان آن تمایلات مثبت و تغییرات مفید و تحولات عادلانه و تکامل سیستم هوشمندهستند.

واپسین دستور رئیس قوه‌قضائیه، بخشنامه مهمی است که اگر سالها و دهه‌ها پیش، به حرف و پیشنهاد حقوقدانان و صاحب نظران و آسیب شناسان و دلسوزان مملکت توجه می‌شد، به زندگی هزارها و بلکه صدها هزار خانوار ایرانی خسارات کمتری به بار می‌آمد.

با این همه این اهتمام و این جریان ارزشمند را که سرآغاز تحولات عدلیه و دادگستری نوین ایران تواند بود باید به فال نیک بگیریم و امیدواریم با همیاری و همفکری فقهای عظام و حقوقدانان دانشور، وکلای شریف و قضات مجرب و نکته سنج، این جریان و این جریان‌سازی به ثمر رسیده و بستری برای گشایش‌های حقوقی و اعتلای نظام قضایی کشورمان ایجاد نماید.

مردم اگر طعم عدالت را بچشند و اگر امنیت و عدالت را به صورت آگاهانه و قاطع و بدون هرگونه تبعیض مشاهده کنند، قطعاً در دیگر امور نیز پیشتاز و پشتیبان نظام و دولت و حرکت‌های اساسی در کشور خواهند بود و مدافعه و محافظت از ارکان و امکانات و امنیت وطن را یکسره بر عهده خواهند گرفت. عدلیه می‌تواند با عملکرد خود مردم را حامی حکومت یا رویارو و منتقد و سرانجام دشمن نظام کند.

همچنان که می‌تواند فساد را ریشه کن کند یا گسترش دهد، قانون را اعتلا بخشد یا خوار کند، اخلاق را تعمیم دهد و یا به امری فراموش شده در پستوهای تاریک محبوس نماید. نظام قضایی می‌تواند زندان‌ها را دانشگاه و دانشگاه‌ها را زندان کند، می‌تواند با عملکرد صحیح یا سقیم خود جامعه را ایمن و مردم را بازوی عدل و نظم و نجات و فرهنگ قلمداد و یا با خود همراه سازد یا جنگلی از رقابت و دشمنی و رانت و فساد و فقر و نکبت خلق کند. مسئولیت قوه قضائیه، بی‌شک بیش از دیگر نهادهاست، همچنان که قدرت و صعوبت و مقاومتش در برابر فرمایش‌ها و اشارات و فسادها و وسوسه‌ها نیز باید صدها برابر بیش از دیگر نهادها و مدیران و مسئولان باشد.

دستورالعمل جدید کاهش جمعیت کیفری، که سالهاست به یک معضل بزرگ دستگاه قضا تبدیل شده، نسبتاً جامع و در برگیرنده اقسام گروه‌های زندانی و طبقات مختلف و توجه به وضع افراد و جنسیت‌ها و مشکلات آنان و نیز مصلحت‌های اجتماعی و مفسده‌های موجود و ناموجود است. حتی به یک معنا، برآیند تجربه‌های تلخ سنوات و دهه‌های اخیر است که زندانها به بلای مخوف و دخمه‌های پرورش جرم و مجرم، بیمار و تبهکار، و مرکز اعتیاد و سربازگیری گنگ‌های خیابانی و گروه‌های زورگیر و حتی سازمان‌های مخوف دنیای مادون، مافیا و نظام پیچیده برون و درون سیستم، از خیابان تا بالاترین سطوح نهادهای بوروکراتیک را با خود همراه می‌سازد. یک وجه دیگر آن هم ایجاد و تشویق خرده فرهنگهای ناپایدار و فاسد است که در پوشش بیکاری و نکبت از میان نوجوانان بی‌امید و بی‌آینده یا جوانان و کودکان حاشیه‌نشین، سربازگیری کرده و منتظر آینده و بهره‌گیری از خشونت و شرارت و تهدیدهای متکی به این گروه‌هاست.

حتی کودکان زباله‌گرد نیز بخشی از همین مافیای پنهان‌اند که امیدواریم در کنار کودکان کار و کودکان بدسرپرست و بچه‌های بی‌کس و بی‌هویت، مورد توجه دستگاه قضا، بهزیستی و کمیته امداد قرار داده شوند. آنان هم نیازهای اقتصادی و آموزشی دارند و هم باید روان درمانی و بازپروری شوند.

سرفصل‌های دستورات نوین برای کاهش جمعیت کیفری عبارت است از: قرارهای تأمین کیفری از نوع کفالت و وثیقه، بدون محدودیتها و ایرادات غریب و عجیب، پذیرفته و صادر شود. قرارهای صادره نظارت و با قضات کشیک در همه زمانها مستند و مجری باشد. زنان و خردسالان و بیماران و کهنسالان و برخی دیگر از گروه‌های آسیب دیده از زندان معاف و به شیوه‌های جایگزین احاله شوند. معتادان، ابداً به زندان معرفی نشوند.

آزادی‌های مشروط، مرخصی‌ها و برخی دیگر از قرارهای تأمین مورد توجه و تأکید فراوان قرار گیرد و کیفرها با توجه به محکومیت، سهل‌گیری بیشتر برای آزادی مشروط و ارائه مرخصی و دیدارها داشته باشند. آزادی‌های پاره وقت و تحت نظارت سامانه‌های الکترونیک جاری و مورد استفاده قرار داده شود و...

جزئیات این طرح و دستورالعمل مهم قضایی به صورت مستوفا در مطبوعات و رسانه‌های جمعی و خبرگزاری‌ها منتشر و منعکس شده است. اما بسیار نیاز به همفکری و مشاوره حقوقدانان و روانکاوان، جامعه‌شناسان و مدیران امور بهزیستی و حتی دلسوزان و افراد با تجربه در بیرون و درون دستگاه قضایی، دانشگاه‌ها، مطبوعات و نهادهای مرتبطه دارد. مثلا اگر قرار است زنان به زندان معرفی نشوند و برای افراد بدون پیشینه کیفری و پسران و دختران کمتر از هجده سال نیز قرار بازداشت و زندان صادر نشود، برخی گشت‌ها، برخی گروه‌های شبه انتظامی و آموزش نادیده در عرصه‌های حقوقی و انتظامی، چگونه عمل می‌کنند و آیا قرار نیست اینها در نهادهای فرهنگی مستحیل و مسیر تازه‌ای برای دستور کارشان تعریف شود؟ توجه به خانواده‌های زندانی و تمایزات میان آنها، مسئله سرپرست‌ها و... می‌تواند با گسترش کار شورای حل اختلاف و برخی نهادهای درمانی و ایمن‌سازی در مجموعه‌های زندانها و دادگستری‌ها مورد توجه قرار گیرد و بالاخره نقش مطبوعات و گروه‌های شفاف‌ساز و آگاهی بخش، نقش وکلا، نقش صدا و سیما در آموزش حقوق و کاهش جرم، نقش آموزش و پرورش در آگاهی بنیادین حقوق افراد و... اینها نیز می‌توانند به تدریج و با توجه به اولویت‌ها مورد بحث و موضوع دستورالعمل‌های آتی قرار گیرد.

همچنان که مداخلات امنیتی و ملاحظات فاقد وجاهت و پاسخگویی در مورد بسیاری از احکام شداد و غلاظ و پرونده‌های غریبی مانند دستگیری پنجاه و چند نفر در موضوع ترور دانشمندان هسته‌ای و سپس پرداخت پول برای جلب نظر و سکوت ایشان و دهها مسئله دیگر، در آینده باید موضوع بحث و نقد قرار گرفته تا دادگستری مستقل و اشاعه عدل و امنیت تحقق یابد و به اموری محدود، بسنده نشود. تا آن زمان، این گام ارزشمند را آغاز تحولات قضایی و رفع نقایص و مشکلات قلمداد می‌کنیم.

عیادت یادگار گرامی امام از آیت الله رسولی محلاتی

در پی بستری شدن آیت الله سید هاشم رسولی محلاتی از یاران دیرین امام راحل و عضو دفتر امام خمینی، آیت الله سید حسن خمینی از وی عیادت کرد.

به گزارش جماران، یادگار امام در این عیادت در جریان روند درمان آیت الله رسولی محلاتی قرار گرفت و سلامتی ایشان را از خداوند متعال مسألت کرد.

یادداشت

موانع توسعه و ثبات ارزش پول ملی

دکتر ناصر خادم‌آدم

یکی از وظایف بانک‌های مرکزی حفظ ثبات ارزش پول ملی است. سال ۱۹۲۱ در آلمان تحت رفرم پولی دوازده صفر از اسکناس رایج هزار بیلیون مارکی به نام (بیل) یا (بی) مارک برداشته شد. آنرا برابر با یک (گز و شن‌مارک) قرار دادند. با این تدبیر در کنار دیگر سیاست‌های توسعه، با توجه به عدم کارآیی اقتصاد و افزایش مستمر تورم به دنبال جلوگیری از استمرار سقوط ارزش پول و کسب ثبات آن بودند. حذف صفر، ممکن است در شرایطی در چارچوب اصلاح سیاست‌های پولی و توسعه، از پاره‌ای نارسایی‌ها بکاهد، در عین حال به تنهایی نمی‌تواند کاهش ارزش پول و قدرت خرید را در شرایط نامتعادل اجتماعی و اقتصادی متوقف کند یا ضرورتاً ضامن پایداری فرایند توسعه باشد.

ارزش پول، شاخص قدرت و توانمندی اقتصاد است. در حقیقت ارزش پول ملی و توسعه از یکدیگر متأثرند و در ارتباط با اقتصاد بین‌الملل مورد ارزیابی و قابل سنجش می‌باشند. توسعه نیازمند تقویت زیربناها و ساختارهاست. قبل از آن هم هموارسازی مسیر راه و از میان برداشتن موانع ضرورت دارد، که می‌توان آنها را زیر لوای قدرت قانون با سیاست‌های قاطع، اجرایی کرد.

مهمترین سد راه توسعه در شرایط کنونی وابستگی اقتصاد به بهره‌برداری از درآمدهای نفتی است. درآمدهای حاصل از این منابع که بیشتر از طریق هزینه‌های جاری به مصرف می‌رسد، به‌طور مستقیم و غیرمستقیم مهمترین مانع توسعه، ضربه زننده به تولیدات غیرنفتی، مروج اقتصاد دلالی، کاهندهٔ فرصت اشتغال مولد و درآمد، مسبب واردات بی‌رویه و عدم توازن در تجارت غیرنفتی، رونق‌دهندهٔ انواع قاچاق و در رأس آن مواد مخدر، یکی از علل تورم مستمر و کاهش ارزش پول ملی، همچنین وابستگی اقتصاد به قدرت‌های جهانی است که خود از مهمترین موانع راه توسعه می‌باشد. به همین دلایل است که اشتغال و تولید را باید در اولویت اهداف قرار داد.

تدابیر استفاده از منابع ملی نیاز به یک چرخش یکصدوهشتاد درجه‌ای دارد. با توجه به اینکه فروش و حق استفاده این منابع متعلق به همهٔ نسل‌هاست، بهینه است که تولید آنرا به حداقل رسانید و آیندگان را از سهم انتفاعی آن محروم نکرد. ضرورت دارد که درآمدهای حاصل از فروش منابع نفتی در جهت سرمایه‌گذاری‌های توسعه هزینه شود تا ظرفیت بالقوهٔ پس اندازی برای نسل‌های آینده هم به ارث بماند. پس سیاست توزیع یکسان سرمایه‌های ملی میان تمامی گروه‌های اجتماعی مردود است، زیرا این تدبیر فزون بر ناعادلانه بودن و مخدوش کردن برنامه‌های اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی، اثرات منفی و مخرب در ترویج فرهنگ رایگان خواری، عدم مسئولیت‌پذیری افراد جامعه و مشارکت در جریان توسعه برجای خواهد گذاشت.

دامنهٔ وسیع نارسائی‌ها که به نمونه‌هایی از آنها اشاره رفت، از عوامل بازدارنده و تضعیف‌کنندهٔ اقتصاد ملی است که آثار آن در شاخص‌های کاهش ارزش پول ملی و قدرت خرید افراد جامعه انعکاس می‌یابد. این ساختار از دید روانشناختی، بر محور تنازع بقاء و اندیشهٔ فردسالاری می‌چرخد. مغایر آزادی و سازوکار دموکراسی از جمله در شاخهٔ اقتصادی عمل می‌کند، در نهایت به ورشکستگی اخلاقی می‌گراید، عامل بازدارندهٔ انسجام افراد جامعه و مانع تکامل مردم‌سالاری مدنی است. پس این بافت معیوب نیاز به بازسازی دارد و شایسته است طراحی الگوی نوینی جایگزین آن شود. در مرکز ثقل این الگو اهداف اشتغال و تولید جایگاه مقدم دارد.

استراتژی اقتصاد در چارچوب صنعتی کردن کشور شکل می‌گیرد. این به مفهوم ورود تکنولوژی و استفاده از تکنیک‌های سازوار با ساختارها به‌طور پویا و به موازات آهنگ توسعه است. در این راستا از نظر بخشی تقدم با اقتصاد مواد غذایی، اقتصاد معادن و اقتصاد گردشگری است. از جهت منطقه‌ای، اقتصاد روستایی و مناطق کمتر پیشرفته با توجه به برنامه‌های آمایش سرزمین و حفاظت از محیط زیست در اولویت برنامه‌های توسعه قرار دارند. در تجارت خارجی، صادرات کالاهای غیرنفتی، پرهیز از خروج مواد خام، طراحی تبدیل آنها به فرآورده‌های صنعتی با هدف بالا بردن ارزش افزوده کالاها و خدمات باکیفیت رقابت‌پذیری در بازارهای جهانی و جهت‌گیری صادراتی آنها مقدم است. در زمینه واردات، محدود کردن آن به کالاها و خدمات استراتژیک و ضروری در هماهنگی با ساختار تولیدات داخلی و توجه به عدم آسیب‌رسانی به اهداف تولید و اشتغال و صرفه‌جویی در مصرف منابع ارزی در تقدم سیاست تجارت خارجی قرار دارد.

در مقولهٔ آموزش سرمایهٔ انسانی، تحصیلات جوانان باید بازار محور با توجه به نیازهای توسعه طراحی شود، تمایلات احساسی انتخاب رشته‌ها براساس ارزش‌های مبتنی بر مدرک‌گرایی و با تصور ارتقاء ارزش‌های اجتماعی به دنبال کسب عناوین دانشگاهی بودن در ارتباط با هدف توسعه، خطاست. بخصوص اگر بدون ارتباط با ظرفیت محل اشتغال در بازار کار و نیازها به‌طور پویا برنامه‌ریزی شود، نتیجه‌اش به افزایش بیکاری و نبود امکان درآمد خواهد انجامید.

در کشورهای پیشرفته، آن دسته از افراد، دوران دبیرستان را در شکل متداول برای کسب دیپلم متوسطه به پایان می‌رسانند که با توجه به نیازهای جامعه، هدف ادامهٔ تحصیل دانشگاهی را دارند. این انتخاب اغلب آگاهانه و با توجه به نیازهای ساختار اجتماعی، اقتصادی و پویایی عرضهٔ محل اشتغال در بازار کار در سطح ملی تحقق می‌پذیرد. با این تصویر توسعهٔ مدارس فنی و حرفه‌ای از مقطع دورهٔ دوم دبیرستان گزینهٔ قابل توصیه برای آموزش و تربیت سرمایهٔ انسانی توسعه محور خواهد بود.

البته منظور بسنده کردن به برپایی نمونه‌هایی از این نوع آموزشکده‌ها و تنها برای منتخبی از رشته‌ها نیست، بلکه هدف برنامه‌ریزی طرح وسیعی برای کارآموزی در اکثریت رشته‌های اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی در سطح کلان است تا جوابگویی به تقاضای سرمایه انسانی مورد نیاز توسعه به‌طور پویا قابل عمل باشد. این طرح علاوه بر آنکه از شرایط لازم در راستای توسعه به سوی اقتصاد صنعتی است، پیش‌نیاز پیوند جامعهٔ دانش آموخته و تحولات رفتارهای همسو با تکامل جامعه مدنی نیز خواهد بود.

تاریخ فرایند توسعه مؤید آن است که در کشورهای پیشرفته قبل از صنعتی شدن، کشاورزی بخش غالب بود. این بخش که در برخی کشورها تا بیش از نود درصد شاغلین را در اقتصاد در بر می‌گرفت، نقش پیش‌برنده توسعهٔ صنعتی را به عهده داشت. عامل انتقال سرمایه و نیروی انسانی آزاد شده از بخش کشاورزی به بخش صنعت بود، ضمن آنکه توانمندی این بخش در جوابگویی به اهداف اقتصاد مواد غذایی پا برجا ماند. در ایران هم بخش کشاورزی می‌تواند علاوه بر جوابگویی به اهداف امنیت غذایی، نقش اساسی در سرعت بخشیدن به توسعهٔ روستایی، تکامل اقتصاد کشاورزی به اقتصاد مواد غذایی و فرآیند صنعتی شدن اقتصاد ایفاء کند. اما شرایط لازم آن استمرار طرح اصلاحات کشاورزی است که از تاریخ اصلاحات ارضی تاکنون ناتمام مانده و مبحث مستقل قابل بررسی می‌باشد.

از نظر منطقه‌ای، مناطق روستایی در اولویت برنامه‌های توسعه قرار دارند. روستاها حوزه‌های اقتصادی هستند که مرکز ثقل فعالیت‌های آنها متکی به بخش کشاورزی است. در گذشت زمان و جریان توسعه، خاصه در مرحلهٔ صنعتی شدن، قسمت‌هایی از مناطق روستایی می‌توانند به شاخه‌های صنعتی تکامل یابند، مکمل آن داد و ستد تجاری هم در محدوده آن رواج می‌گیرد. الگوی تلفیق اقتصاد مواد غذایی، اقتصاد صنعت و اقتصاد تجارت را در مناطق غیرشهری کشور چین می‌بینیم که به‌شکل بستهٔ فعالیت‌های اقتصادی شامل بخش‌های قبل از تولید تا مراحل تولید، تجارت و حتی عملیات مستقیم تجارت خارجی و صدور کالا به خارج را در بر می‌گیرد. این الگو که از ویژگی توسعه مناطق روستایی برخوردار است نه تنها باعث اشتغال و درآمدزایی برای جامعه روستایی، بلکه عامل جلوگیری از مهاجرت‌های معکوس را فراهم می‌سازد. استقرار این الگو برای مناطق کمتر توسعه یافته را باید در اولویت قرار داد تا بتوان زهر اقتصاد فقر را گرفت و دامنهٔ توسعه را از جمله به محدوده تخته نشین‌های سیستانی هم رساند.

دو ظرفیت بالقوه نیمه خفته توسعه در اقتصاد گردشگری و اقتصاد معادن کشور نهفته است. توسعه گردشگری می‌تواند نقش بیمه‌کننده و تقویت اقتصاد ناوابسته به ثروت‌های تمام شدنی منابع ملی را داشته باشد. نمونهٔ توسعه گردشگری و اثرات آن در توسعه اقتصادی را می‌توان از جمله در نیم قرن اخیر در کشور همسایه ترکیه که جاذبه‌های گردشگری آن کمتر از ایران است، مشاهده کرد. کشور ایران دارای زمینه‌های متنوع و وسیعی برای طرح‌های گردشگری و پیوند آن با توسعه روستایی است. زیبایی‌های طبیعی جذاب برای مهمان‌پذیری داخلی و خارجی دارد. تاکنون نه تنها برنامه‌ریزی جامع بهینه برای تبدیل این ظرفیت بالقوه به بالفعل نشده، بلکه اقتصاد آن در روندی کند و فضایی با سازوکار سنتی و دیمی قرار دارد.

فرآورده‌های معادن از داده‌های مهم و ضروری برای صنایع در فرآیند توسعه صنعتی است. شاخه‌یی از اقتصاد، که ظرفیت بالقوهٔ بالایی برای اشتغال‌پذیری دارد. زمینه‌ساز ورود فرآورده‌های آن به بخش صنایع تبدیلی بوده، از نتیجه آن اشتغال، درآمدزایی و دستیابی به ارزش افزوده فراهم می‌شود. فزون بر آن یکی از عوامل موثر در توسعه مناطق غیرشهری است. تولیدات نهایی آنها علاوه بر جوابگویی به تقاضای داخلی، فرصت‌هایی برای صادرات و کسب درآمدهای ارزی به دست می‌دهد.

اقتصاد مواد غذایی بخش‌های اقتصادی قبل از کشاورزی، کشاورزی و عملیات بعد از آن را شامل می‌شود. توسعه و تکامل ساختار آن هم باعث اشتغال و درآمدزایی در مناطق روستایی است. همچنین در تأمین امنیت غذایی و توسعه روستایی نقشی اساسی دارد. در زنجیره آن، علاوه بر بخش تولیدات کشاورزی، برای صنایع مربوط به داده‌ها و ستانده‌ها از جمله صنایع تهیه بذور، کود و سموم، ماشین‌آلات کشاورزی، صنایع برق و آب، سیلوها، سردخانه‌ها و صنایع غذایی فرصت‌های فعالیت‌های اقتصادی فراهم می‌شود. فزون بر آن در سرتاسر زنجیره فعل و انفعالات مربوط به توزیع داده‌ها و ستانده‌ها تا مقصد مصرف کنندگان نهایی، طرح‌هایی تأثیرگذار در توسعه روستایی، عرضه محل اشتغال و ایجاد درآمد در سطح کلان و به‌خصوص در مناطق روستایی است.

بقیه در صفحه ۴

معاون فرهنگی دفتر آیت‌الله آملی: سرمایه اجتماعی «یا حسین» باعث همگرایی است

سرویس فرهنگی: نشست تحلیلی «بر آستان اندیشه» با محوریت «بررسی آراء و اندیشه‌های آیت‌الله‌العظمی، استاد جوادی‌آملی» و با موضوعات: مؤلفه‌های تقویت سرمایه‌های اجتماعی در نهضت حسینی، شکوفایی عقل در پرتو نهضت حسینی، روز یکشنبه ۲۴ شهریورماه در سالن همایش‌های شهرداری منطقه۱۲ برگزار شد.

به گزارش خبرنگار ما، در ابتدای این جلسه، دکتر یوسفی، از شاعران آیینی، بخشی از سروده‌های خود درباره نهضت عاشورا را قرائت کرد.

دکتر خراسانی، معاون فرهنگی دفتر آیت‌الله آملی در قم طی بیاناتی در این جلسه گفت: بحث سرمایه‌های اجتماعی برای اولین بار در سال ۱۳۱۶ در یکی از دانشگاه‌های آمریکا مطرح شد و در طول این سال‌ها، ابعاد مختلف آن بررسی شده‌اند. دلیل این‌که ذهن من متوجه این بحث شد آن بود که یک پرونده علمی تحت عنوان «سرمایه اجتماعی»، از آثار آیت‌الله جوادی آملی تعریف شد و روی آن کار کردیم. در ذهنم بود که نهضت امام حسین که از مدینه تا کربلا از یک‌طرف و از کربلا تا امروز از طرف دیگر شروع شده است، می‌تواند به عنوان «مکتب امام حسین» نامیده شود. در این صورت، جا دارد که جنبه‌های مختلف این مکتب بررسی شوند. من به عنوان مقدمه یک پرسش جدی برای نسل امروز مطرح می‌کنم: هزارو اندی سال پیش در کربلا طی یک نیم‌روز اتفاقی افتاد (گرچه مقدماتی هم داشت)، اکنون چرا ما ۲ ماه عزاداری می‌کنیم؟ چرا قبل از شهادت به استقبال عزاداری می‌رویم؟

این پرسش را یکی از علمای اهل سنت از علامه امینی پرسیده بود. علامه امینی گفت در قضیه غدیر خم همه مسلمانان بودند و زمان کمی بعد از آن، همه چیز عوض شد و تاریخ تحریف شد. اگر ۲ ماه برای امام حسین عزاداری نکنیم، چه بسا گفته شود که حسین برای اغراض شخصی کشته شد، یا ماجرا به شکل‌های دیگر تحریف شود.

وی افزود: پرسش دوم آن‌که ماهیت این عزاداری چگونه باید باشد؟ بعد از شهادت امام‌حسین، حضرت زینب پرچم را برداشت و نقش پیام‌رسانی، یک مسأله جدی بود. نکته‌ای که حضرت زینب را به عنوان سرمایه اجتماعی به ما معرفی می‌کند، بحث مشارکت و اعتماد است. پیام‌رسانی از همان گودال قتلگاه شروع شد و تا برگشت به مدینه ادامه داشت. ایشان تمامی سفر، همان انقلاب امام حسین را ادامه داد، به گونه‌ای که هدف ناتمام امام حسین را تکمیل کرد. خون امام حسین یک سرمایه بود که جوشش اسلام از آن است. پرچم امام حسین را امام سجاد و حضرت زینب بلند کردند. تاکتیک امام سجاد در آن عصر خفقان «دعا» بود. معارف اسلام را در قالب دعا بیان کرد و از هر فرصتی برای انتقال پیام مکتب امام حسین استفاده کرد. وقتی حضرت زینب در برابر عبیدا... قرار گرفت، عبیدا... سعی کرد ماجرا را به گردن قضا و قدر بیندازد و گفت: «دیدی خدا با شما چه کرد؟»، حضرت زینب گفت: «خدا نکرد و شما کردید.» حضرت زینب مسأله اختیار انسان را به‌خوبی تبیین کرد و در نهایت گفت «من در این ماجرا جز زیبایی ندیدم.»

دکتر خراسانی ادامه داد: ما امروز از نهضت امام حسین برای ترویج و تبلیغ «دین ناب» به عنوان یک سرمایه اجتماعی استفاده می‌کنیم. نقش مذهب در بین ما شیعیان جایگاه بالایی دارد. پس دشمن سعی می‌کند دین را تحریف کند. امروز کسی نمی‌تواند ادعا کند که جامعه و سبک زندگی ما قرآنی است. قرآن کجای زندگی ما قرار دارد؟ امروز در زندگی ما «دروغ» نهادینه شده است. با حرف چیزی درست نمی‌شود. امروز از ما عمل می‌خواهند. ما تا تحقق قرآن در زندگیمان، فاصله داریم. امروز حرف‌های ما مستدل نیستند. هر کسی، هر حرفی را می‌زند، حتی به نام دین. متأسفانه در فضای مجازی هیچ‌کس از او نمی‌پرسد چرا حرفت مستدل نیست.

وی تصریح کرد: ما هنوز نتوانسته‌ایم منطق امام حسین را معرفی کنیم. بهترین چیز برای معرفی مکتب امام حسین، سخنان ایشان از مدینه تا کربلا است. اوج عزت حسینی آن است که از زیر ذلت و سلطه خروج کنیم. امام حسین، به عزت دعوت می‌کند. اگر جایی دیدید که جمله‌ای بوی ذلت می‌دهد، آن جمله از مکتب حسینی نیست.

معاون فرهنگی دفتر آیت‌ا... جوادی آملی در قم ادامه داد: سرمایه اجتماعی، یعنی یک «یا حسین» می‌تواند مردم را جمع کرده و یک همگرایی و تعاون ایجاد کند.

وی افزود: اسلام را باید از اسلام‌شناس و مراجع گرفت. اگر پیوند مردم و مرجعیت دچار تحریف شود، مکتب عاشورا هم منحرف می‌شود. آیت‌ا... جوادی آملی ۵ تا اثر در رابطه با حوادث عاشورا دارد. قرار است گام‌هایی در راستای انطباق مکتب حسینی با سبک زندگی و سرمایه اجتماعی و رفتار اجتماعی برداشته شود.

تجلیل از رشادت علمی روشنگر دینی، دکتر سیدمصطفی محقق داماد

سرویس فرهنگی، مراسم رونمایی از دو اثر جدید دکتر سید مصطفی محقق داماد با عنوان فاجعه جهل مقدس و در دادگاه جهل مقدس در محل بنیاد موقوفات افشار عصر روز گذشته برگزار شد. به گزارش خبرنگار ما، دکتر محقق داماد، رئیس گروه مطالعات اسلامی فرهنگستان علوم، از جمله اندیشمندان معاصر است که سعی کرده نسبت به تحولات جدید، نگاه دینی خود را ارائه کند. در این مراسم که با عنوان شب روشنگری دینی برگزار شد سخنرانان سعی کردند به تبیین دیدگاه‌های دکتر محقق داماد بپردازند.

دکتر شهین اعوانی، عضو هیأت علمی مؤسسه پژوهشی حکمت و فلسفه ایران، به عنوان اولین سخنران این مراسم گفت: معرفی آثار دکتر محقق داماد برای من افتخار است.

وی فاجعه جهل مقدس را مجموعه مقالاتی دانست که حاصل تأملات ایشان است و ادامه داد: من ویژگی‌ای که کمتر در میان استادان می‌بینم این است که دکتر محقق داماد هیچ وقت خطابه یا سخنرانی صرف ندارد. بلکه ایشان یادداشت دارد و با برنامه‌ریزی دقیق مطالبی را در خور آن مراسم فراهم می‌کند. این روش مرا به یاد کلاس‌های تحصیلم در آلمان می‌اندازد که آنجا هم به همین روش بود و در انتهای کلاس سوالاتی طرح می‌شد و استاد آن یادداشت‌ها و سوالات را در مقاله خود وارد می‌کرد. کتاب فاجعه جهل مقدس موضوع جهل از دیدگاه قرآن، حدیث، فقه، ادبیات، اخلاق است. ایشان در آثارشان از اشعار شاعران بزرگ برای فهم مطالب بهره می‌برد. با خواندن این دو اثر متوجه می‌شویم که حقیقت چقدر در پارادوکس قرار می‌گیرد. آنکه می‌کشد برای خدا می‌کشد و آنکه کشته می‌شود نیز برای خدا کشته می‌شود.

از نظر وی این محاکمات فقط در غرب نیست بلکه در اسلام نیز سهروردی و حلاج را دگم‌اندیشان به قتل رساندند. عین القضات نیز در خانواده متشرع به دنیا آمد ولی ۳۳ سالگی گرفتار جهل مقدس جامعه‌اش شد و از سوی قشری اندیشان به طرز فجیعی کشته شد.

دکتر محقق داماد همچنین در اثرش به مایستر اکهارت که عارفی غربی است به شکل مبسوطی پرداخته که چگونه اسیر جاهلان مقدس شد و از میان رفت. همچنین فاجعه عاشورا نیز که اکنون هم مصادف با ایام محرم است نیز از دیگر مطالب ایشان است که فاجعه عاشورا نمونه مهم و جدی فاجعه جهل مقدس است که چگونه دگم‌اندیشان و دنیا دوستان، امام حسین(ع) و یارانش را به شهادت رساندند. دکتر اعوانی همچنین به دادگاه سقراط که اولین دادگاه تفتیش عقاید در فلسفه بود اشاره کرد و گفت: سقراط خردمند بود اما به جهل خودش اعتراف کرده بود و این نکته‌ای است که ما باید خوب درک کنیم که جهل مقدس همراه با اعتقادات دینی است اما نه از اعتقادات دینی است بلکه با هوای نفس همراه است و از عقل و تعقل نیز دور است و اینها جاعلانی هستند که گمان باطل دارند که برای خدا عمل می‌کنند در حالی که آنها در جهل مقدس خود فرو رفته‌اند.

وی در پایان سخنانش به بحث تقدم اخلاق بر دین پرداخت که در آثار دکتر محقق داماد آمده و ایشان از عبارت پیشادینی برای تشریح این مفهوم استفاده کرده است.

در ادامه این مراسم حجت‌الاسلام دکتر مصطفی بروجردی به بخشی از نهج‌البلاغه با ترجمه دکتر سید جعفر شهیدی را برای حضار قرائت کرد که فحوای این بخش مربوط به کسانی است که جاهلند و در نادانی خود غوطه‌ورند ولی در میان مردم دانا و آدمی‌نمایان او را دانا نامیده و جز مذهب خویش مذهب دیگری را بر حق نمی‌داند.

وی افزود: دکتر محقق داماد شخصیت فرهیخته و اندیشمندی است که از خانواده‌ای اصیل و ارجمند برخوردار است.

حضور در دانشگاه و حوزه منجر به این شد که ایشان شخصیتی علمی در مجامع بین‌المللی داشته باشد. بی‌تردید ویژگی‌های ایشان در خلق آثار ایشان نیز نقش داشته باشد. در این دو اثر که رونمایی می‌شود با جنبه انسان دغدغه‌مند که با به‌کارگیری همه ظرفیت‌های فکری و فرهنگی به مهم‌ترین آسیب جدی بپردازد، روبه‌رو هستیم. ایشان به دنبال آگاه‌کردن جامعه است. او به عنوان روشنگر دینی به دنبال این است که جامعه اسلامی را آگاه کند و جامعه اسلامی بیش از هر چیزی به روشنگران دینی نیازمند است. از دغدغه‌های مهم روشنگران دینی، آسیب‌شناسی دینی است و دین دائما از درون و برون در معرض خطر است و آنچه برای دین خطرناک‌تر است مبارزه با کسانی است که در خود دین به آفت تبدیل شده‌اند و دکتر محقق داماد به قلمی شیوا عمق فاجعه جهل دینی را گوشزد می‌کند.

دکتر بروجردی گفت: در این آثار تنوع مباحث و ورود و خروج مطالب و بهره‌گیری از ادب پارسی و عربی اجازه خستگی به خواننده را نمی‌دهد و خواننده می‌تواند مطابق ذوق خود از تمامی فصول بهره ببرد. همچنین باید گفت که این دو اثر آکادمیک هم هستند. اما متنی برای دانشگاه نیستند بلکه دغدغه مؤلف این است که دامنه مخاطب بیش از دانشگاه باشد تا دیگران هم به این موضوع توجه کنند و نشان از چیره دستی ایشان دارد. به نظر حقیر آکادمین‌ها از این دو اثر بهره می‌برند چرا که جزو نخستین آثاری هستند که به موضوع جهل مقدس پرداخته و گام نخست را برداشته و باید به این موضوع توجه داشت که راهکار نظری و عملی ارائه کرده‌اند.

دکتر بروجردی به تبیین مفهوم جهل مقدس نیز پرداخت و آنها را از زوایای مختلف بررسی کرد و گفت: جهل مقدس یک فاجعه است زیرا تبعات این جهل چنان اثرات منفی بر روح و روان جامعه دارد که نمی‌توان از کنار آن به سادگی کنار رفته. با گسترش جهل مقدس، سعی حکیمان نادیده گرفته و دینداری حقیقی به کنار رفته و تزویر و خرافه‌پرستی در جامعه نهادینه می‌شود. برای مبارزه با جهل مقدس باید نسبت به مریدبازی و مرادی هشدار داد و سخنان و تأملات نقادانه را گسترش داد و دیالوگ را در جامعه را ترویج کرد و خود انتقادی و نقادی را نهادینه کنیم و یافته‌های خود را دائماً نقد کنیم.

دکتر محسن محبی، وکیل و حقوقدان، آخرین سخنران این مراسم بود که به تبیین بخش‌هایی از تاریخ ایران پرداخت و گفت: در طول این سال‌ها مسأله نواندیشی در مقام مبارزه با دگم اندیشی و جهل بوده است اما تبدیل به جریان نشده و جامعه به دنبال هویت خود بوده است. پیدایش جهل مقدس محدود به دین نیست و محصول تحولات اجتماعی و سیاسی است و محدود به زمان ما هم نیست. اما آموزه‌های دینی بهترین بستر برای جهل مقدس‌اند چرا که آموزه‌های دین مربوط به عالم غیب هستند و از مشاهده و آزمایش دورند. از نظر دکتر محقق داماد جهل مقدس باعث گسترش خرافه می‌شود. این وضعیت البته کم و بیش در اروپا بوده است. جهل مقدس بیشتر در آداب و مناسک دینی است هر چه زمینه شریعت فربه‌تر، تخم جهل برای رشد بیشتر است. البته جهل مقدس در میان دینداران بیشتر است و بی‌دینان به خرافه کمتر به این مباحث ورود می‌کنند. درباره زمینه‌های جهل مقدس بسیار می‌توان گفت. به علت غلظت زمینه دینی، جهل مقدس گسترش می‌یابد تا جایی که روحانیون در خود دین هم قربانی تکفیر و جهل مقدس می‌شوند و در طول تاریخ عده‌ای از روحانیون هم قربانی این موضوع شدند. برای حل جهل مقدس باید از درون دین آغاز کرد و دکتر محقق داماد که خود اندیشمند دینی است به این نکته توجه کرد.

وی در پایان گفت: امروز در عصر ما یک فقیه به حکومت رسیده و نظر به سیاست دارد و امام که ابن عربی‌شناس هم بودند هیأت را در خدمت الهیات درآورده و برای علاج هم باید از الهیات سیاسی آغاز کرد. فقه شیعه یک سپر قوی دارد و آن اجتهاد و نواندیشی است که باعث شده دین شیعه به ورطه خرافه و جهل مقدس نیفتد. حکومت دینی باید به دموکراسی دینی تن دهد. برای اینکه ما از جهل مقدس رها شویم باید به اندیشمندی همچون دکتر محقق داماد تبریک بگوییم و او را کمک کنیم و زمینه را برای گسترش اندیشه‌های او فراهم کنیم.

دکتر سید مصطفی محقق داماد نیز در پایان این مراسم در سخنانی گفت: عرضی ندارم جز اینکه در چند کلمه تشکر کنم؛ از جانب رنج و تلاش یک تلاشگر و تلاشگری در این آب‌وخاک، تشکر می‌کنم که تلاش را تکریم کردید.

آنچه دانش و علم در جهان است و تمامی خدمات بشر از علم می‌بینند معلول جهل است اما کدام جهل، جهلی که متوجه جاهل‌بودن خود باشد. تمامی علما که پیشرفت کردند به جاهل‌بودن خود توجه داشتند. این جهل خوبی است اما امان از آن جهلی که نداند جاهل است. من زمانی فکر کردم که مغولان فاجعه آفریدند اما آنها خواجه نصیر را به کار گرفتند.

امان از آن روزی که مدیریت جامعه دست کسی بیفتد که نداند جاهل است. خداوند برای ملتی نخواهد که این‌گونه باشد و از این بدتر کسانی جاهل باشند و ندانند که جاهلی می‌کنند و جهل‌شان را به نام خدا می‌بندند و به‌نام خدا سر می‌بُرند. اینها جاهلانی هستند که گرفتار جهل دینی و اعتقادی شدند. آن کسی که بر روی سینه امام‌حسین نشست و سر امام را برید گفت می‌دانم که تو کیستی اما برای خدا سر تو را می‌برم.

وی گفت: الهیات را کم نگیرید و معرفت داشته باشید و به جای اعتقاد فکر بنشانید. نگویید من معتقدم. بگویید من فکر می‌کنم.

دکتر محقق داماد گفت: این آثار من بعد عمومی دارد و جنبه روشنگری دارد و مبارزه با جهل مقدس. در این جامعه و در این راه اگر متد انتخاب کنم موفق نمی‌شوم من چنان می‌نویسم که کسی نداند چه می‌کنم. در قالب تفسیر قرآن روشنگری دینی انجام دادم. اهل فن بخوانند می‌دانند من چه چیز را دنبال می‌کنم و این دو اثر من ادامه آن آثار است.

محسن هاشمی: شکل گیری شوراهای اسلامی مرهون آیت‌الله طالقانی است

سرویس فرهنگی: مراسم چهلمین سالگرد بزرگداشت مفسر قرآن کریم و ابوذر زمان، حضرت آیت‌ا... سید محمود طالقانی، روز یک‌شنبه، ۲۴ شهریورماه، با حضور محسن‌هاشمی رفسنجانی، رئیس شورای اسلامی شهر تهران و محمدجواد حقشناس و شهربانو امانی از اعضای شورای اسلامی شهر تهران و حجت الاسلام والمسلمین سیدمحمود دعایی در گلزار شهدای بهشت زهرا برگزار شد.

به گزارش خبرنگار ما، محسن‌هاشمی رفسنجانی، رئیس شورای شهر تهران، در این مراسم گفت: مبارزات آیت‌ا... طالقانی از صنعت نفت شروع شد. جا دارد از خانواده محترم ایشان یاد کنیم. من توفیق داشتم خدمت فرزندان ایشان ارادت پیدا کنم. من با یکی از نوه‌های ایشان که فرزند خانم اعظم طالقانی بود، دوستی نزدیک داشتم. در سال‌های ۵۴ تا ۵۷ همه روحانیون زندانی، در زندان اوین بودند. ما هفتگی که به ملاقات آیت‌ا... رفسنجانی می‌رفتیم، خانواده آیت‌ا... طالقانی را می‌دیدیم و من توانستم از نزدیک با خانواده ایشان آشنا شوم و بزرگواری آنها را حس می‌کردم. دیدیم که بعد از رحلت ایشان، خانواده ایشان چقدر با متانت رفتار کردند و اجازه سوءاستفاده به کسی ندادند، ضمن این‌که برای اصلاح مسیر انقلاب، حرف خود را می‌زدند و برای حفظ انقلاب وظایف خودشان را انجام دادند و همان‌طور که می‌دانید از سالم‌ترین خانواده‌های مبارزان برای انقلاب هستند. وی افزود: آیت‌ا... طالقانی، با ساده‌زیستی و اخلاق خوبی که داشت، برای حفظ جایگاه روحانیت زحمت کشید و نحوه زندگی و ارتباط ایشان با گروه‌های سیاسی زبانزد بود؛ همچنان که نحوه برقراری ارتباط آنها با مردم، غبطه دیگران را برمی‌انگیخت. آثار ایشان، از آثار برجسته و در سطح بالایی بودند. اولین کتاب اقتصادی که علما نوشتند متعلق به ایشان است که در سال ۱۳۲۲ منتشر شد که از تمامی کتاب‌های مشابه بالاتر بود و حتی در سطح کتاب مرحوم محمدباقر صدر بود. تفسیر پرتوی از قرآن که ۶ جلد آن چاپ شد سطح بسیار بالایی داشت. نکته مهم دیگر آن که تقریباً ۲ یا ۳ ماه بعد از انقلاب به ریاست شورای انقلاب انتخاب شد و بعد امام جمعه تهران شد که تریبون مهمی است. خطبه‌های ماندگار ایشان جای بررسی و تفسیر دارد و هنوز هم می‌تواند رهنمودی برای مدیران کشور و باعث نزدیکی احزاب سیاسی باشد و امیدوارم آنها را از صدا و سیما هم ببینیم و نگذاریم فراموش شوند.

وی ادامه داد، بحث طرح شوراها در قانون اساسی، نکته‌ای است که ما در شورا باید به آن توجه کنیم. اگر ایشان این موضوع را مطرح نمی‌کردند، ما الان بحث شوراها را در قانون اساسی نداشتیم و شوراهای اسلامی سراسر کشور مرهون ایشان هستند. در ادامه این مراسم، سید مهدی طالقانی، فرزند آیت‌الله طالقانی، طی سخنانی گفت: بهشت‌زهرا که می‌آیم به یاد نماز جمعه آخر پدر می‌افتم. ایشان همه درددل‌ها و دلخوری‌هایش را در آن روز گفت. دلخوری از کسانی که در انقلاب سهمی نداشتند ولی ادعا می‌کردند که انقلاب مال آنهاست. انشاا... کسانی که از انقلاب سوءاستفاده کردند، سرجای خودشان بنشینند. وی افزود: دکتر خال را از سی و اندی سال پیش می‌شناسم. یکی از مدیرانی که شایسته بود سمت مدیریتی داشته باشد، دکتر خال است. ما در سطح مدیران مملکتی چنین چیزی نداریم. آقای خال شایسته این سمت است و در بهشت‌زهرا تحول ایجاد کرد.

دکتر سعید خال، مدیرعامل بهشت‌زهرا در این مراسم گفت: این بزرگداشت، بزرگداشت مسلک و مرام، رواداری و اخلاق است، رواداری کار هر کسی نیست. امروز بیش از هر زمانی نیازمند تفکر طالقانی وهاشمی رفسنجانی هستیم. رواداری، نیاز امروز جامعه ما است. از خانواده آیت‌ا... طالقانی، آقای مهندس‌هاشمی رئیس شورای شهر تهران، دکتر حق‌شناس رئیس کمیسیون فرهنگی شهر تهران، بنیاد شهید و کارکنان سازمان بهشت‌زهرا در برپایی این مراسم تشکر می‌کنم.

در بخش پایانی، حاضران در کنار خانواده آیت‌ا... طالقانی با قرائت فاتحه و نثار گل به مزار ایشان ادای احترام کردند.

وزیر علوم: امسال با متقلبان علمی با جدیت برخورد می کنیم

وزیر علوم با تأکید بر این‌که عده‌ای دنبال ایجاد یأس در دانشگاه‌ها هستند، گفت: استادان جوان و رؤسای دانشگاه‌ها نقش مهمی در ایجاد امید، انگیزه و رفع یأس و ناامیدی در بین دانشجویان دارند.

به گزارش ایسنا، دکتر منصور غلامی در نشست رؤسای دانشگاه‌ها و مراکز آموزشی و پژوهشی با بیان این‌که اثرگذاری دانشگاه‌ها و مراکز پژوهشی روز به روز باید شفاف‌تر و ملموس‌تر شود، اظهار کرد: طرح‌های پژوهشی باید بیشتر به سمت حل مسائل جامعه بروند که خوشبختانه اتفاقات خوبی در این زمینه صورت گرفته است.

وزیر علوم افزود: نگرانی ما در بحث بودجه این است که به موقع بودجه اختصاص نیابد. درباره تخصیص منابع مالی تجهیزات دانشگاه قول داده شده که به زودی اختصاص یابد. در زمینه بودجه جاری نیز قول داده شده، حداقل ۴درصد به دانشگاه‌ها داده خواهد شد. از سازمان برنامه و بودجه انتظار داریم مسائل با تأمین کامل اعتبارات دانشگاهی حل و فصل و نگرانی‌ها مرتفع شوند.

وی با یادآوری این‌که گسترش کمی مراکز آموزش عالی به هیچ‌وجه توجیه ندارد، اعلام کرد: البته اینطور نیست که رشته‌های بین رشته‌ای تعریف نکنیم. به حوزه آموزشی باید نگاه ویژه‌ای داشته باشیم؛ زیرا ممکن است برخی دوره‌ها و مقاطع نیاز به بازنگری داشته باشند.

وزیر علوم همچنین در حاشیه نشست در جمع خبرنگاران از هماهنگی بیشتر وزارت علوم و دانشگاه‌ها برای مقابله با تخلفات علمی خبر داد و گفت: بحث برخورد با متخلفان علمی از گذشته یعنی قبل تصویب آیین‌نامه فوق در وزارت علوم شروع شده است اما امسال این موضوع با جدیت و هماهنگی بیشتر بین تک تک دانشگاه‌ها پیگیری می‌شود.

معاون حقوقی و امور مجلس وزیر علوم، تحقیقات و فناوری گفت: بیشترین میزان تقلب در رشته‌های پزشکی، علوم انسانی، فنی مهندسی و بیشتر در مقطع کارشناسی ارشد است.

حسین سیمایی درباره برخورد قضایی با آگهی‌های فروش پایان‌نامه در سایت دیوار اعلام کرد: مکاتبه و تقاضا برای مسدود کردن بخش آگهی این سایت را مطرح کرده‌ایم. همچنین چند سایت دیگر فروش پایان‌نامه هم شناسایی شده و قاضی یک سایت را مسدود کرده است.

وی افزود: ما معتقد هستیم وزارت علوم باید به عنوان ضابط بتواند این مؤسسات را تعطیل و پرونده را برای تصمیم‌گیری در دادگاه ارسال کند.

انتشار جلد سوم «قصه ضرب‌المثل‌های کرمانی»

جلد سوم «قصه ضرب‌المثل‌های کرمانی» به روایت یحیی فتح نجات، مؤسس روزنامه کرمان امروز به همت مرکز کرمان‌شناسی با همکاری بنیاد ایران‌شناسی منتشر شد.

در بخشی از مقدمه ناشر بر جلد سوم این کتاب آمده است: در پژوهش‌هایی که برای تألیف کتاب «قصه ضرب‌المثل‌های کرمانی» داشته‌ام، منابع و مآخذ متعددی را مورد مطالعه قرار دادم که یکی از این کتاب‌ها، اثر وزین و ارزشمند ادیب خوش قریحه و منتقد سخن‌سنج و توانای ادبیات فارسی که بر شعر معاصر جهان نیز وقوف درخور تحسینی دارد، جناب دکتر محمدرضا شفیعی کدکنی، استاد برجسته دانشکده ادبیات دانشگاه تهران که با عنوان رستاخیز کلمات در سال ۱۳۹۱ توسط انتشارات سخن انتشار یافته است. خدای را شاکرم که سومین جلد کتاب «قصه ضرب‌المثل‌های کرمانی» در سایه فرهنگ‌پروری ادیب فرزانه، جناب آقای سید محمدعلی گلابزاده، رئیس بنیاد ایران‌شناسی شاخه کرمان و مرکز کرمان‌شناسی و با همکاری صمیمانه و امر مشفقانه خانم لیلا گهرگزی مسئول بخش کامپیوتر مرکز کرمان‌شناسی و نیز سخت‌کوشی خانم نرگس بامری که کار حروف‌نگاری این جلد را به انجام رساند به دست مردم فهیم و فرهنگ‌پرور کرمان رسیده است.

ثبت سفارش ها از ماه آینده با امضای الکترونیک انجام می گیرد

امضای الکترونیک در سامانه جامع تجارت در مهر رونمایی و انجام ثبت سفارش ها به امضای الکترونیک مجهز می‌شود.

به گزارش ایرنا، علی رهبری رئیس مرکز توسعه تجارت الکترونیک وزارت صنعت دیروز در نشست خبری با تشریح فعالیت‌های مرکز توسعه تجارت الکترونیک گفت: سیاستگذاری و تنظیم مقررات یکی از موضوعات این حوزه است که تاکنون آیین نامه پلتفرم‌ها، تدوین طرح تسهیل شروع به کسب‌وکار الکترونیک، طرح نظارت هوشمند و غیر مانع و آیین نامه تبلیغات در این زمینه انجام و تصویب شده است.

وی درباره توسعه دولت الکترونیک بیان کرد: در این بخش محورهایی از جمله سامانه جامع تجارت و سامانه تدارکات الکترونیک مد نظر است، به این صورت که فرایندهای مناقصه دولت از ابتدا تا انتها و انواع معاملات مجهز به امضای الکترونیک می‌شود. رئیس مرکز توسعه تجارت الکترونیک با اشاره به محور سوم یعنی گواهی الکترونیک گفت: توسعه بکارگیری امضا و تسهیل فرایندهای امضای الکترونیک همراه زیرمجموعه این محور به شمار می‌رود.

وی ادامه داد: باتوجه به اینکه روزانه ۱۱۰ هزار بارنامه صادر می‌شود، به زودی سامانه بارنامه برخط با امضای الکترونیک رونمایی می شود که مصوبات آن در وزارت اقتصاد و راه انجام شده است. همچنین بازرگانان در سامانه جامع تجارت ملزم به اخذ امضای الکترونیک می‌شوند.

وی با اشاره به بالا بودن مصرف کاغذ در دولت بیان کرد: در دولت بسیاری از فعالیت‌های اداری و مالی به صورت کاغذی انجام می‌شود که هم مصرف کاغذ را بالا برده و هم دولت از این نظر چابک نیست. مرکز توسعه تجارت الکترونیک پیشگام شده که اسناد مالی و اداری را مجهز به امضای الکترونیک کرده و استفاده از کاغذ را حذف کند.

به گفته رهبری، این سازمان تا پایان سال اولین مرکز دولت است که اسناد مالی و اداری را کاملا الکترونیک انجام داده و هیچ سند حسابداری را پرینت نمی‌کند.

وی در پاسخ به پرسشی درباره رمزارزها گفت: نمی‌توانیم جلوی فناوری بلاک چین را بگیریم و همچنین سیاستگذاری در این زمینه نباید فقط از طرف سازمان خاصی انجام شود، بلکه باید کارگروه مشخصی تشکیل دهیم.

این مقام مسئول با بیان اینکه منشا شکل‌گیری بلاک چین، تضعیف نظارت های مرکزی است، اظهار داشت: اصل رمزارز این است که بدون مشخص بودن طرفین تراکنش انجام شود؛ بنابراین نمی‌توان نظارت خاصی روی آن انجام داد. اما اینکه میزان تراکنش‌های مالی ایران در دوران تحریم چقدر باشد، سوالی است که هنوز دستگاهی پیدا نکردیم تا رقم دقیق ارائه داده و بگوید چقدر رمز ارز در دور زدن تحریم ها موثر است. رئیس مرکز توسعه تجارت الکترونیک وزارت صنعت در پاسخ به سوال دیگری درباره تخلفات درسامانه ثبت سفارش توضیح داد: از ابتدای آذر سال گذشته مدیریت سامانه ثبت سفارش به این مرکز سپرده شد. آسیب‌های سامانه را شناسایی کردیم و همچنین سعی کردیم کاربری سامانه را ارتقا دهیم و ۱۶ فرایند جدید به سامانه اضافه شد. وی ادامه داد: با انجام اقداماتی برای بهبود در لایه امنیت سامانه و افزودن لایه‌های نظارتی بیشتر به آن، امکان ذخیره برخط داده‌ها فراهم شد تا بتوانیم داده اصلی با داده دستکاری شده را مقایسه کنیم و به این ترتیب امکان خطا به حداقل رسیده است.

رهبری ادامه داد:گزارش سالانه تجارت الکترونیک حاکی از آن است که در سال ۹۷ رقم تجارت الکترونیک کل کشور ۲۰۸ هزار میلیارد تومان، متوسط مبلغ تراکنش‌های تجارت الکترونیک به ازای هر خرید ۱۸۷ هزار تومان و تعداد کل تراکنش‌ها یک میلیارد و ۱۱۳ میلیارد بوده است.

وی درباره پرونده سکه ثامن خاطرنشان کرد: برای اعطای نماد اعتماد به سکه ثامن، تمام قواعد صدور نماد اعتماد را رعایت کرده و پروانه اتحادیه آن را در وب سایت بررسی کردیم. تا خرداد سال ۹۷ شکایت خاصی از این سامانه وجود نداشت اما پس از آن متوجه فروش سکه در این سایت شدیم و تذکراتی هم دادیم.

نامبرده ادامه داد: از پرونده سکه ثامن به این نتیجه رسیدیم که باید رتبه‌بندی کسب‌وکارهای اینترنتی را آغاز کنیم و این طور نباشد که هرکس نماد اعتماد را دید، فکر کند کاملا باید به آن سایت اعتماد کند. رتبه بندی به این موضوع که چقدر می‌توان به آن سایت اعتماد کرد، کمک می‌کند.

وی در ادامه از انتشار رتبه بندی کسب و کارهای اینترنتی از اوایل مهر خبر داد و با تاکید بر اهمیت مدیریت متمرکز پیش‌فروش‌ها تصریح کرد: این اقدام را در حوزه خودرو آغاز کرده‌ایم تا در آینده نزدیک برای مجوز پیش‌فروش خودرو سامانه‌ای داشته باشیم. برای سایر کالاهای ارزشمند هم باید مکانیزمی داشته باشیم که اگر مصرف‌کننده می خواهد کالایی بخرد و در آینده تحویل بگیرد، سامانه‌ای وجود داشته باشد که اگر نام خریدار آن جا ثبت شده و خاطر او مطمئن شود و همچنین فروشنده تنها به اندازه اعتبارش بتواند پیش‌فروش کند.

برخورد قاطع با فرار مالیاتی

رئیس کل سازمان امور مالیاتی کشور از الزام ۱۵گروه مشاغل و ۵۰ صنف برای نصب دستگاه های کارتخوان در خصوص تحت نظارت قرار گرفتن از سوی سازمان امور مالیاتی خبر داد.

به گزارش خبرگزاری صدا و سیما، امید علی پارسا که در برنامه گفتگوی ویژه خبری شبکه دوم سیما سخن می گفت، با اشاره به اینکه باید فضایی فراهم شود که به لحاظ اداری و اجرائی، همه مودیان مالیاتی صادقانه مطابق مقررات خوداظهاری کنند و مالیات خود را بپردازند، افزود: در سالیان گذشته تحت عنوان طرح جامع امور مالیاتی، گام‌هایی در این رابطه برداشته شد، ولی ما هنوز به ریز داده مبنا کردن نظام مالیاتی نرسیده ایم.

وی با اشاره به نصب و راه اندازی سامانه پایانه‌های فروش در مطب‌های پزشکان افزود: هماهنگی و تفاهمی با نظام پزشکی کشور شده است، اما در همان گام‌های نخست، شرکت‌های تولیدکننده کارتخوان آماده نبودند که در پی آن بحث آماده نبودن زیرساخت‌ها مطرح شد، اما پس از آن تا تاریخ ۱۵ شهریور همه زیرساخت‌ها آماده شد.

رئیس کل سازمان امور مالیاتی کشور گفت: فقط عزم و اراده می‌خواهد که پزشکان به سامانه امور مالیاتی متصل شوند و ثبت نام کنند که تاکنون حدود ۲۰ درصد یا همان ۱۵ هزار نفر به سامانه متصل شده اند، اما انتظار ما بیش از این ارقام است.

وی در ادامه به سهم ۸ درصدی مالیات مردمی از درآمدهای دولت اشاره کرد که در دیگر کشورهای دنیا این رقم حدود ۳۰ درصد است و افزود:همچنین عدد کل مالیات‌های کسب شده از همه بخش‌های کشور فقط نصف حقوق کارکنان نظام را تشکیل می‌دهد.

پارسا به مجازات‌های در نظر گرفته شده برای پزشکانی که به سامانه امور مالیاتی متصل نشده اند، اشاره کرد و ادامه داد: قوانین و مقررات آنقدر سنگین است که دیگر فرار مالیاتی به نفع هیچکس نیست. زیرا اگر مطلع یا مظنون شویم که کسی مترصد فرار مالیاتی است یا کتمان می‌کند، به طریقی می‌رسیم به درآمد مشمول مالیاتی آن‌ها و در این باره باید گفت ۱۰۰ درصد درآمد کتمان شده مشمول مالیات خواهد شد.البته این در حالیست که در مورد پزشکان ۶۰ درصد درآمد را هزینه و مابقی را سود می‌دانیم، اما در صورت کتمان درآمد، ۱۰۰ درصد درآمد مشمول مالیات می‌گردد و ۳۰ درصد هم جریمه غیرقابل بخشش برای خاطیان در نظر گرفته می‌شود؛ ضمنا ۲ درصد از فروش افراد به عنوان جریمه شرکت نکردن در سامانه امور مالیاتی در نظر گرفته خواهد شد.

وی تصریح کرد: در قانون امور مالیاتی، فرار، کتمان، اختفاء، ارائه اطلاعات غیر واقعی، ارائه اسناد غیرواقعی و استفاده از اسناد دیگران جرم محسوب می‌شود و مردم باید آگاه باشند و کارت بازرگانی و دستگاه کارتخوان (پوز) خود را در اختیار دیگران قرار ندهند، زیرا در نهایت مالیات به دارنده کارت بازرگانی و دستگاه پوز تعلق می‌گیرد.

رئیس کل سازمان امور مالیاتی به مشوق‌های مالیاتی اشاره کرد و افزود: در بخشنامه بخشودگی مالیاتی آمده کسانی که اقدام به پرداخت مالیات نکنند، مشمول بخشودگی جرائم نمی‌شوند و در جای دیگری از بخشنامه آمده که با مودیان خرد که درآمد سالانه زیر ۵۰۰ میلیون تومان داشته باشند می‌توانیم توافق کنیم.

وی رقم مالیات قشر پزشکان غیردولتی را حدود یک هزار و ۲۰۰ میلیارد تومان بیان کرد و افزود: حدود ۲۰۰ میلیارد تومان از این رقم پرداخت می‌شود و مابقی را می توان فرار مالیاتی محسوب کرد.

این مقام مسئول گفت: مردم برای اطمینان از وصل بودن دستگاه‌های پوز داخل مطب‌ها می‌توانند به وجود آرم سازمان امور مالیاتی کشور به روی پرینت دستگاه توجه کنند، زیرا دستگاه‌های غیر متصل به سازمان، شخصی هستند و مشکوک به فرار مالیاتی هستند.

وی در مورد وجود حس تبعیض پزشکان مبنی بر اینکه چرا رسیدگی مالیاتی از پزشکان شروع شده است، افزود: من مجری قانون هستم و قانون را دیگران نوشته اند، ولی برای شروع هر کاری از یک جایی باید شروع کرد؛ به این منظور نام ۱۵ گروه از مشاغل از ۲۴ شهریور برای روزنامه رسمی ارسال و اعلام می‌شود که رسیدگی مالیاتی آنها هم مطابق پزشکان بررسی خواهد شد.

پارسا گفت: این ۱۵ گروه و ۵۰ صنف عبارتند از: وکلا، مشاوران حقوقی و خانواده، دفتر اسناد رسمی، مشاورین املاک، تالارهای پذیرایی رستوران‌ها و کبابی ها، اغذیه فروشی و فست فودها، مراکز اقامتی اعم از هتل، هتل آپارتمان، مسافرخانه، نمایشگاه‌ها و فروشگاه‌های وسایل نقلیه، آرایشگاه‌های زنانه و مردانه، آجیل و خشکبار، قنادی، میوه و تره بار، مجموعه‌های فرهنگی ورزشی، لوازم و تحریر، بازی‌های رایانه ای، دفاتر خدمات ارتباطی و دیگر اماکن در کل کشور.

وی نحوه مالیات ستانی از پزشکان در سال ۹۹ را طبق اظهارنامه بیان کرد و افزود: سال آینده هر فرد باید مطابق درآمد واقعی خود مالیات بدهد و روی هم رفته سال آینده هیچگونه مالیات علی الراس برای پزشکان نخواهیم داشت.

از سوی دیگر مدیرکل دفتر تنظیم مقررات سازمان امور مالیاتی با اشاره به پایان یافتن مهلت ثبت نام فعالان بخش درمان اعم از صاحبان مشاغل پزشکی، پیراپزشکی، داروسازی و دامپزشکی در سامانه صندوق فروش خاطرنشان کرد: فقط ۲۰ درصد از مشمولین در مهلت تعیین شده به این سامانه مراجعه و ثبت نام کرده اند.

علی رستم پور با اشاره به ضرورت عمل به تکالیف قانونی از سوی مودیان گفت: صاحبان این مشاغل از ابتدای مهر ملزم به نصب و استفاده از پایانه فروش هستند و در غیر این صورت، مشمول جرایم مربوطه خواهند شد.

وی گفت: براساس بند (ی) تبصره (۶) قانون بودجه سال ۱۳۹۸، صاحبان مشاغل پزشکی، پیراپزشکی، داروسازی و دامپزشکی مکلف به استفاده از پایانه فروشگاهی از ابتدای سال ۱۳۹۸ جاری بوده اند.

مدیرکل دفتر تنظیم مقررات سازمان امور مالیاتی تاکید کرد: با توجه به اینکه مبارزه با فرار مالیاتی از برنامه‌های کلیدی این سازمان محسوب می‌شود و تمامی ارکان نظام هم بر جدیت برخورد با مصادیق فرار مالیاتی اجماع دارند، لذا از تمامی ظرفیت‌های قانونی در جهت برخورد قاطع با مرتکبان فرار مالیاتی استفاده خواهد شد.وی همچنین با اشاره به ماده ۲۷۴ قانون مالیات‌های مستقیم که موارد جرم مالیاتی را مشخص و مجازات‌های خاصی را هم برای مرتکبان آن در نظر گرفته، اضافه کرد: بدیهی است در صورت شناسایی موارد مربوط به فرار مالیاتی یا اطلاع رسانی شهروندان در این زمینه، با مرتکبان فرار مالیاتی برابر قانون برخورد خواهد شد و اصل بر اجرای قانون از سوی تمامی افراد جامعه و تحقق عدالت مالیاتی است.

رستم پور در خاتمه یادآور شد: شهروندان در صورت مراجعه به محل کار صاحبان مشاغل مذکور و نصب نبودن و استفاده نکردن آنان از پایانه فروش، مراتب را به شماره تلفن ۱۵۲۶ به سازمان امور مالیاتی کشور اطلاع دهند.

نفت ، طلا ، سکه و ارز

بازار جهانی

هر بشکه نفت سبک آمریکا (وست تگزاس)	۵۴/۸۵ دلار
هر بشکه نفت دریای شمال (برنت)	۶۰/۲۲ دلار
متوسط سبد نفت کشورهای اوپک	۶۰/۵۱ دلار
هر اونس (۳۱/۱ گرم) طلا	۱۴۸۸/۷۴ دلار

بازار داخلی

سکه طلا طرح قدیم (به وزن ۸/۱۳ گرم)	۳۹۶۰۰۰۰ تومان
سکه طلا طرح جدید (به وزن ۸/۱۳ گرم)	۳۹۸۸۰۰۰ تومان
نیم سکه طلا (به وزن ۴/۰۶گرم)	۲۰۳۲۰۰۰ تومان
ربع سکه طلا (به وزن ۲/۰۳ گرم)	۱۲۴۲۰۰۰ تومان
سکه یک گرمی	۸۶۱۰۰۰ تومان
هر گرم طلای ۱۸ عیار (بدون مزد ساخت)	۴۰۳۳۰۰ تومان
دلار آمریکا(نرخ سیستم بانکی برای کالاهای اساسی)	۴۲۰۰ تومان
دلار آمریکا(سامانه سنا - میانگین بازار ثانویه و بازار آزاد)	۱۱۴۲۷/۴ تومان
دلار آمریکا(نرخ صرافی)	۱۱۳۰۰ تومان
یورو(نرخ سیستم بانکی برای کالاهای اساسی)	۴۶۵۱/۳ تومان
یورو(سامانه سنا - میانگین بازار ثانویه و بازار آزاد)	۱۲۶۹۲/۴ تومان
یورو(نرخ صرافی)	۱۲۶۰۰ تومان
پوند انگلستان(نرخ سیستم بانکی برای کالاهای اساسی)	۵۲۵۰/۷ تومان
پوند انگلستان(سامانه سنا - میانگین بازار ثانویه و بازار آزاد)	۱۴۱۲۵/۵ تومان
پوند انگلستان(نرخ صرافی)	۱۴۱۹۰ تومان
درهم امارات (نرخ سیستم بانکی برای کالاهای اساسی)	۱۱۴۳/۷ تومان
درهم امارات (سامانه سنا - میانگین بازار ثانویه و بازار آزاد)	۳۱۱۳/۱ تومان
درهم امارات (نرخ صرافی)	۳۱۲۵ تومان

برپایی ۲ نمایشگاه عرضه مستقیم لوازم التحریر در تهران

رئیس اتحادیه فروشندگان نوشت‌افزار و لوازم مهندسی با بیان این‌که از دیروز ۲ نمایشگاه پاییزه در بوستان ولایت و حکیمیه تهران آغاز به کار کرده اند، گفت: در این نمایشگاه‌ها لوازم‌التحریر حداقل ۱۰ تا ۱۵ درصد ارزان‌تر از قیمت‌های بازار عرضه می‌شود.موسی فرزانیان در گفتگو با ایسنا با اظهار اینکه طبق برنامه‌ریزی‌ها باید چهار نمایشگاه در سطح شهر تهران برگزار می‌شد اما به دلیل عدم استقبال تنها دو نمایشگاه برگزار می‌شود، گفت: در این دو نمایشگاه در پی افزایش قابل توجه قیمت کاغذ که تاثیر مستقیمی بر قیمت دفتر مشق داشت، عرضه مستقیم دفتر با نرخ دولتی انجام خواهد شد. وی ادامه داد: قیمت دفترهای دولتی از سوی سازمان حمایت‌مصرف‌کنندگان‌وتولیدکنندگان تعیین شده و نظارت قابل توجهی بر توزیع این اقلام وجود خواهد داشت. رئیس اتحادیه فروشندگان نوشت‌افزار و لوازم مهندسی در پاسخ به اینکه آیا برای دیگر اقلام لوازم‌التحریر در این نمایشگاه قیمت‌گذاری صورت خواهد گرفت، افزود: نظارت دقیقی در زمینه قیمت‌گذاری و عرضه کالا صورت خواهد گرفت و قیمت‌های تعیین شده حداقل ۱۰ تا ۱۵ درصد ارزان‌تر از قیمت‌های بازار است.

وی با بیان اینکه از سال گذشته واردات مداد و اقلام اساسی بازار لوازم‌التحریر ممنوع شده و از ابتدای سال جاری برخورد قابل توجهی با محصولات قاچاق و وارداتی صورت می گیرد، خاطرنشان کرد: اقلام اساسی لوازم‌التحریر از جمله مداد، خودکار، پاک‌کن و تراش تولید داخلی دارند و با توجه به وضعیت فعلی تولید، بیش از ۵۰ درصد نیاز بازار را تامین می‌کنند و این ظرفیت تولید در حال افزایش است.فرزانیان خاطرنشان کرد: در حال حاضر بازار با کمبود مدادهای رنگی خاص که در طراحی و فعالیت‌های هنری مورد استفاده قرار می‌گیرد، مواجه است که در این زمینه رایزنی‌هایی برای ورود این مدادرنگی‌های خاص به کشور صورت گرفته است.

یارانه نقدی شهریور فردا شب واریز می‌شود

یکصد و سومین مرحله پرداخت یارانه نقدی در ساعت ۲۴ سه‌شنبه ۲۶ شهریور به حساب سرپرستان خانوارها واریز می شود. سازمان هدفمندی یارانه ها با اعلام این خبر اضافه کرد: مبلغ یارانه دریافتی هر یک از مشمولان دریافت یارانه نقدی همانند نوبت‌های گذشته ۴۵۵ هزار ریال است.

افزون بر یارانه‌ها، افزایش حداقل مستمری خانوارهای مددجویان تحت حمایت کمیته امداد امام خمینی (ره) و سازمان بهزیستی کشور هم چهارشنبه ۲۶ شهریور واریز می‌شود که بلافاصله امکان برداشت آن وجود دارد.

موانع توسعه و ثبات ارزش پول ملی

بقیه از صفحه ۲

آنچه برشمردیم بخشی از موادخام مصالح مورد نیاز برای معماری ساختار اقتصادی و اجتماعی توانمند می‌باشد. بلوغ آن در گرو بررسی، تشریح استدلالی برای الگوسازی علمی یکان یکان طرح‌ها و پیوند منظومه‌یی آنها به یکدیگر است.

اقتصاد فقر، اقتصاد کلنگی است، باید طرحی نو برانداخت و بر ویرانه‌ها با استفاده از ظرفیت‌های بالای عوامل و منابع کشور، بنایی در شأن سابقه تاریخی این سرزمین برپا کرد. اجرای این فکر نه رؤیایی، بلکه قابل عمل است. دستیابی به آن، اراده سیاسی، درک، همت و مشارکت همگانی را می‌طلبد. اصلاح نظام برنامه‌ریزی، ستون‌ها و زیرساخت مقدم را برای تحول می‌سازد. الگوی آن در گرو برپایی شبکه‌های کارشناسی مولد اندیشه‌های مستقل و متعهد، مبتنی بر ضوابط علمی، حاصل استفاده از تجربیات تاریخی در سطح بین‌الملل و ستانده‌های معادلات علمی و متکی بر فکر ریاضی است. می توان چکیده یادآوری کرد که:

منابع و ذخائر ملی متعلق به تمامی نسل‌هاست. بهره‌برداری از آن در حد سرمایه‌گذاری در ساختارها و زیربناها در فرآیند توسعه فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی موجه خواهد بود. رایگان‌پردازی و رایگان خواری طبیعت تاراج منابع را دارد، نوعی تجاوز به حقوق نسل‌های آینده است و سد راه توسعه پایدارخواهدشد.

منابع معدنی هم همان طبیعت منابع نفتی را دارد، این منابع نیز ملی و متعلق به همه نسل‌هاست، پس درآمدهای حاصل از آن هم باید در مسیر توسعه کشور هزینه شود. حراج خام فروشی صادراتی، تنها با استدلال داشتن مزیت نسبی و با نگاه به شاخص ارزآوری در شرایط از دست دادن فرصت برای کسب ارزش افزوده، مردود است. مزیت نسبی آن را باید در ارتباط تقویت قدرت اقتصادی، توجه به اولویت اهداف توسعه که اشتغال و تولید باشد و نیز مزیت عدم وابستگی و حفظ استقلال در سیاست خارجی، مورد محاسبه قرار داد. با این فرض، مزیت نسبی در جلوگیری از صادرات خام این منابع و برنامه‌ریزی برای فرآوری صنعتی و کسب ارزش افزوده، سنجیده می‌شود. از جمله صدور سنگ خام معدنی به کشور چین و یا سنگ آهن و مس به دیگر کشورها و بازگرداندن فرآورده‌های صنعتی آن با قیمت‌های چندبرابر، مغایر عقل اقتصادی و دهن کژی به اهداف اشتغال و تولید است که، سازوکار هدف گذاری و برنامه‌ریزی را باطل می کند.

دولت کوچک و کارآمد و تقویت بخش خصوصی که از تدابیر هدف‌گیری شده، چند دهه گذشته در کشور بوده، یکی از موتورهای محرکه سرعت بخشیدن به جریان توسعه است. بخش خصوصی به معنای فعال کردن و مشارکت دادن تمامی عوامل تولید با مدیریت سرمایه‌های انسانی غیردولتی در الگوهای متفاوت می‌باشد. هدف اقتصاد بخش خصوصی که قانون اساسی هم به آن تأکید دارد، در سطح وسیع در حد رؤیا در جا می‌زند. ظاهراً این مهم نیز در اسارت فضای اقتصاد نفت زده نامتحرک است.

تعاونی‌ها یکی از الگوهای بخش خصوصی با هدف بهینه کردن ترکیب عوامل تولید، با انگیزه مدیریت غیردولتی است. متأسفانه با تحریف و نادیده گرفتن فلسفه تعاونی، حضور بافت اجرایی دولتی را در بسیاری از ساختارهای به اصطلاح تعاونی می‌بینیم که این نام را یدک می‌کشند، و همان نتیجه ناکارایی غلبه اقتصاد تحت دخالت دولت را دارند. آنها نفی‌کننده ویژگی پیوستگی و مشارکت عوامل تولید تحت مدیریت بخش خصوصی بوده، که خود مغایر فلسفه اقتصاد تعاون واقعی است.

یکی دیگر از نارسایی‌ها در گردش فرآیند تولید، وجود حجم خارج از حد ضایعات است که، کاهش دادن درصد قابل ملاحظه آنها قابل پیش‌بینی است. کاهش ضایعات به مفهوم دریافت محصول بیشتر در شرایط داده‌های ثابت است. به عبارت دیگر، با کاستن ضایعات، بدون افزایش عوامل تولید، محصول بیشتری قابل دسترسی خواهد بود. نمونه آن را از جمله در فرآیند تولیدات اقتصاد مواد غذایی می‌توان دید در بررسی‌هایی در این بخش، برای بعضی از محصولات از مبداء قبل از تولید تا مقصد مصرف کنندگان نهایی تا نزدیک چهل درصد ضایعات برآورد شده، مشخص است که باتوجه به محدودیت منابع و عوامل تولید، اهمیت ستانده برای امنیت غذایی و داشتن نقش استراتژیک در استقلال و عدم وابستگی کشور، بالا رفتن افزایش درآمد و قدرت خرید گروه‌های اجتماعی و نیز توسعه روستایی، جلوگیری از ضایعات تأثیرگذاری مثبت بر توانمندی اقتصاد ملی خواهد داشت.

از موانع دیگر در اقتصاد توسعه، سازوکار معیوب شبکه‌های توزیع و حضور واسطه‌های غیرضروری و بدون ارائه خدمات با عملکرد انحصاری در ساختار اجتماعی و اقتصادی است. این بافت مروج اقتصاد دلالی و ضد اقتصاد تولیدی بوده، عامل سرایت بیماری اقتصاد غیرمولد می‌باشد که تأثیری منفی به فرآیند توسعه می‌گذارد. اثبات این واقعیت را می‌توان در فاصله تفاوت قیمت‌های تولیدکنندگان و مصرف کنندگان محصولات فرآورده‌های غذایی مشاهده کرد. در چرخه این فرآیند بیشترین سود به بسیاری از گروه انحصارگران دلال با عملکردهای بدون ارائه خدمات می‌رسد که با دست به دست چرخاندن غیرضروری شماری از فرآورده‌ها در بسیاری از حلقه‌های مسیر توزیع، ضربه‌های محکمی به حقوق تولیدکنندگان و مصرف کنندگان وارد می‌سازند. جهت جلوگیری از دخالت و نفوذ بافت سوداگران و مانع شدن از به تهدید و تعطیل کشانده شدن چرخه‌های تولید، راه حل را می‌توان در طراحی تعاونی‌ها در نظام توزیع با مشارکت جامعه کشاورزان و روستائیان، در چارچوب بخش خصوصی تحت سیاست گذاری دولت ولی بدون مشارکت اجرایی دولتی مورد بررسی قرار داد.

نکته دیگر آن که، در تمام کشورهای توسعه یافته درآمدهای دولت بیشتر متکی به دریافت‌های مالیاتی است. هراندازه اقتصاد مولد شکوفاتر و پرقدرت‌تر باشد، ستانده‌ها بیشتر و به موازات آن دریافت‌های مالیاتی فزون‌تر خواهد بود. درآمدهای مالیاتی، منابع اصلی برای جوابگویی به برنامه‌های توسعه هستند. از این فرصت توانمندسازی اقتصاد و به تبع آن پرداخت مالیات بیشتر به دولت‌ها فراهم می‌شود. برنامه‌ریزی‌های موفق تکرار و روان‌سازی این چرخه را در جریان توسعه بیمه می‌کنند. در صورت اتکاء به درآمدهای مالیاتی از وابستگی اقتصاد به درآمدهای حاصل از ذخائر ملی کاسته می‌شود، و به فرض ضرورت، استفاده از آن منحصراً در جهت برنامه‌های توسعه بکار می‌رود.

تغییر مسیر دریافت‌های دولت از ذخائر ملی به ستانده‌های مالیاتی، تدبیری در راستای تقویت اقتصاد ملی، ثبات ارزش پول ملی، افزایش قدرت خرید و سدی در مقابل تجاوز و سیاست‌های استعماری و استثماری جهانی است. ضمن آنکه برای پرداخت‌کننده مالیاتی این فرصت فراهم می‌شود، تا در فرآیند انتخاب دولت‌ها خواسته‌های خود را در راستای جریانی دموکراتیک از طریق آرای عمومی منعکس کنند.اقتصاد فقر از جمله نتیجه شاخص‌های فرهنگ رایگان خواری، قاچاق کالاها و خدمات، آلودگی به فساد و رانت‌خواری، دست‌اندازی دلالانه و تخریب سازوکار بازار در سطح کلان و عامل مخرب بافت اقتصاد مولد است. این انتظار و توهم دور از ذهن است که با حذف صفر و بدون داشتن برنامه و اقدام برای رفع موانع، نارسایی‌ها و اصلاح زیربناها و ساختارها، بشود خمیدگی کاهش ارزش پول ملی را راست کرد، یا بتوان زمان چراغانی جشن افزایش قدرت خرید در اقتصاد را نوید داد. این سیاست هر خاصیت که داشته باشد به تنهایی توان خنثی کردن اقتصاد دلالی و بازگرداندن آن به اقتصاد مولد را ندارد.

در نهایت ذهن ریاضی این واقعیت را تداعی می کند که حاصل صفر ضرب در صفر، صفر است و بازی با صفر سرگرمی انحرافی است.

گامی برای کاهش شمار زندانیان

رئیس قوه قضائیه با صدور دستورالعملی، ساماندهی زندانیان و کاهش جمعیت کیفری زندان‌ها را ابلاغ کرد. در این دستورالعمل چنین آمده آست:

در اجرای بند ۶۴ سیاست‌های کلی برنامه ششم توسعه، مصوب ۱۳۹۴.۰۴.۰۹ مقام معظم رهبری «مدظله العالی» و مقررات قانون آیین دادرسی کیفری و قانون مجازات اسلامی در زمینه حبس‌زدایی، «دستورالعمل ساماندهی زندانیان و کاهش جمعیت کیفری زندان‌ها» ابلاغ شده از سوی آیت الله رئیسی رئیس قوه قضائیه به شرح مواد آتی است:

ماده ۱– اختصارات به کار رفته در این دستورالعمل به شرح زیر است:

الف– سازمان: سازمان زندان‌ها و اقدامات تأمینی و تربیتی کشور؛

ب– مرکز: مرکز آمار و فناوری اطلاعات قوه‌قضائیه ؛

پ– قانون آیین دادرسی کیفری: قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲ با اصلاحات و الحاقات بعدی؛

ت– قانون مبارزه با مواد مخدر: قانون مبارزه با مواد مخدر مصوب ۱۳۶۷ با اصلاحات و الحاقات بعدی؛

ث– قانون مجازات اسلامی: قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲؛

ج– قانون نحوه اجرای محکومیت‌های مالی: قانون نحوه اجرای محکومیت‌های مالی مصوب ۱۳۹۴؛

چ– سامانه: سامانه مدیریت پرونده‌های قضایی (سمپ).

ماده ۲– به منظور کاهش صدور قرارهای تأمین کیفری منتهی به بازداشت اقدامات زیر انجام می‌شود:

الف – در خصوص اظهار نظر نسبت به قرارهای بازداشت موقت صادره، دادستان‌ها یا معاونان آنها تا حد امکان شخصاً نسبت به ضرورت قانونی، عواقب و آثار این قرار به ویژه نوجوانان، جوانان، زنان، سالخوردگان، بیماران و افراد فاقد سابقه کیفری بررسی و اعلام نظر نمایند.

ب– قرارهای تأمین کیفری از نوع کفالت و وثیقه تا حد امکان به نحوی صادر شود که متهم فرصت کافی جهت معرفی کفیل یا تودیع وثیقه داشته باشد. در صورت تأمین قرار، وفق مقررات و خارج از وقت اداری، مرجع صادر کننده قرار یا قاضی کشیک، مکلف به پذیرش آن می‌باشد. دادستان‌ها در اجرای «دستورالعمل فوریت‌های قضایی و نحوه عملکرد واحد کشیک مصوب ۱۳۹۵»، مکلف‌اند واحد کشیک قضایی را خارج از وقت اداری و روزهای تعطیل به این امر اختصاص دهند. مرکز با همکاری سازمان بستر لازم را جهت ارتباط مکانیزه واحد کشیک قضایی با زندان فراهم می‌نماید تا بدون نیاز به اعزام زندانی، درخواست وی برای قاضی کشیک ارسال و با حضور وثیقه گذار یا کفیل در واحد کشیک و طی مراحل قانونی، دستور قضایی دائر بر آزادی متهم در بستر سامانه به زندان اعلام شود.

پ – مرجع صادرکننده قرار تأمین کیفری و همچنین رئیس زندان یا معاون وی در اجرای حکم مقرر در تبصره ماده ۲۲۶ قانون آیین دادرسی کیفری مکلف اند به منظور دسترسی متهم به کفیل یا وثیقه گذار و یا اشخاصی که برای این منظور معرفی می‌کند، تمهیدات لازم را فراهم نمایند.

تبصره ۱– واحد کشیک قضایی برای پذیرش کفیل یا تودیع وثیقه از مطالبه اصل پرونده خودداری نماید. مرکز مکلف است نسبت به ایجاد شبکه دسترسی واحد کشیک قضایی به پرونده و ثبت اقدامات، امکانات لازم را فراهم نماید. تا فراهم شدن بستر لازم برای تحقق این امر توسط مرکز، اوراقی از پرونده که برای اتخاذ تصمیم در این خصوص لازم است باید خارج از وقت اداری و روزهای تعطیل در دسترس قاضی کشیک قرار گیرد.

تبصره ۲– با پیشنهاد دادستان مرکز استان و موافقت رئیس قوه قضائیه، در حوزه قضایی شهرستان حسب ضرورت و به تناسب آمار متهمان تحت قرار، واحد کشیک قضایی اختصاصی در زندان تشکیل می‌شود. مدیر کل زندان‌های استان مکلف است مکان مناسب برای استقرار واحد کشیک قضایی اختصاص دهد.

تبصره ۳– در اجرای ماده ۲۲۵ قانون آیین دادرسی کیفری مرجع قضایی در زمان معرفی متهم به زندان، اطلاعات کامل قرار تامین کیفری را به نحوی که تودیع وثیقه یا پذیرش کفیل نیازمند دسترسی به اصل پرونده نباشد، در برگ اعزام زندانی و سامانه درج می‌کند. در صورت عدم رعایت موارد مذکور، رئیس زندان مکلف است بلافاصله مراتب را جهت پیگیری به مرجع قضایی و سازمان منعکس نماید.

ت– دادستان‌ها باید ترتیبی اتخاذ نماینده تا در صورت معرفی کفیل یا تودیع وثیقه در وقت اداری یا خارج از آن و فراهم بودن موجبات پذیرش تأمین، متهم به زندان معرفی نشود.

ماده ۳–رئیس دادگستری با همکاری مرکز تمهیدات لازم را جهت برقراری ارتباط از طریق سامانه الکترونیکی برخط (آنلاین) فراهم می‌نماید تا ضمن تسریع در فرآیند احراز مالکیت، ارزیابی و توقیف ملک در وقت اداری یا خارج از آن، از اعزام متهمان به زندان جلوگیری شود. تا زمان برقراری ارتباط، تمهیدات لازم جهت استقرار کارشناسان رسمی دادگستری و نمایندگان ادارات ثبت اسناد در واحدهای قضایی و واحد کشیک اختصاصی معمول گردد.

تبصره – چنانچه به نظر قاضی صادرکننده قرار تامین کیفری و یا قرار قبولی آن، ملک معرفی شده از لحاظ قیمت روز، مساحت و موقعیت، تکافوی مبلغ وثیقه را بنماید، نیازی به کارشناسی جهت ارزیابی و تقویم آن نمی‌باشد.

ماده ۴– دادستان عمومی و انقلاب و سرپرستان نواحی دادسرا مکلف‌اند بر تمامی قرارهای صادره توسط قضات دادسرا که منتهی به بازداشت شده است از حیث تناسب قرار تأمین و امکان پذیرش آن با توجه به تأمین‌های معرفی شده از سوی متهم نظارت نمایند تا از صدور قرارهای نامتناسب یا تأخیر در پذیرش تأمین و زندانی شدن متهم جلوگیری شود. همچنین، لازم است ضمن بررسی روزانه آمار بازداشتی‌های دادسرا، دستورات لازم را صادر کنند. سازمان نیز موظف است در مقاطع سه ماهه، اسامی زندانیان تحت قرار را به تفکیک استان برای دادستانی کل کشور و حوزه ریاست قوه قضائیه ارسال و روند افزایش یا کاهش آنان را به نحو تحلیلی گزارش کند. دادستان کل کشور پیگیری و اقدامات لازم را جهت تعیین تکلیف وضعیت این افراد به عمل خواهد آورد.

ماده ۵– طرح‌هایی که منتهی به دستگیری جمعی افراد می‌شود صرفاً با موافقت دادستان حوزه قضایی و پس از ارائه آموزش‌های لازم به ضابطان قابل اجرا خواهد شد.

تبصره – دادستان کل کشور تمهیدات لازم را جهت اجرایی شدن این ماده فراهم می‌آورد.

ماده ۶– با توجه به مواد ۱۵ و ۱۶ قانون مبارزه با مواد مخدر، دادستان‌ها مراقبت نمایند:

الف – افراد معتاد جزء در شرایط مقرر در قانون، تحت هیچ شرایطی به زندان معرفی نشوند؛

ب – از تبدیل عنوان «اعتیاد» به عنوان مجرمانه «استعمال مواد مخدر» با هدف فراهم شدن زمینه بازداشت فرد معتاد و معرفی وی به زندان خودداری شود؛

تبصره – دادستان کل کشور با همکاری معاونت اجتماعی و پیشگیری از وقوع جرم قوه قضائیه پیگیری لازم را جهت توسعه مراکز مذکور در مواد ۱۵ و ۱۶ قانون مبارزه با مواد مخدر به عمل آورد.

ماده ۷– در اجرای قوانین و مقررات راجع به حبس زدایی و استفاده از تأسیسات حقوقی مفید از قبیل تعویق صدور حکم، تخفیف مجازات و معافیت از آن، نظام نیمه آزادی و مجازات‌های جایگزین حبس لازم است:

الف – قضات محاکم از صدور حکم به مجازات حبس در مورد افراد واجد شرایط مجازات‌های جایگزین حبس اجتناب نمایند؛

ب – روسای کل دادگستری استان‌ها و دادستان‌ها مراقبت نمایند تا با استفاده از ظرفیت‌های قانونی در خصوص قرارهای تأمین کیفری و مجازات جایگزین حبس، تا حد امکان از ورود افراد کمتر از هجده سال سن، افراد فاقد پیشینه کیفری و زنان به زندان جلوگیری شود؛

پ – محاکم تجدیدنظر در رسیدگی به اعتراض نسبت به احکام مشتمل بر مجازات حبس، سیاست‌های تقنینی دایر به حبس زدایی را مورد توجه قرار دهند.

تبصره – روسای کل دادگستری استان‌ها ضمن نظارت بر نحوه بکارگیری ظرفیت‌های قانونی در راستای حبس‌زدایی توسط قضات و ارائه آموزش‌های لازم در این زمینه به آنان، برنامه ریزی نمایند تا حداقل پانزده درصد آرای صادره از محاکم کیفری متضمن مجازات جایگزین حبس باشد.

ماده ۸– با عنایت به محدودیت مقرر در ماده ۶۰ قانون مبارزه با قاچاق کالا و ارز، مصوب ۱۳۹۲ در رابطه با حبس بدل از جزای نقدی و مفاد ماده ۲۹ قانون مجازات اسلامی مبنی بر کاهش حداکثر مدت حبس بدل از جزای نقدی، قضات اجرای احکام و روسای زندان‌ها باید مراقبت نمایند که زندانی بیش از نصاب مقرر قانونی (سه سال در ماده ۲۹ قانون مجازات اسلامی و پانزده سال در ماده ۶۰ قانون مبارزه با قاچاق کالا و ارز) در بازداشت نماند. در مواردی که تبدیل جزای نقدی به حبس مستلزم اتخاذ تصمیم از سوی دادگاه باشد، قاضی اجرای احکام مراتب عجز محکوم علیه از پرداخت جزای نقدی را جهت اقدام مقتضی به مرجع ذیربط، منعکس می‌نماید. دادستان مکلف است ضمن نظارت بر عملکرد قضات اجرای احکام و روسای زندانها، در مواردی که عدم پرداخت جزای نقدی منجر به بازداشت می‌شود، مدت بازداشت بدل از جزای نقدی به طور دقیق معین و به زندان ابلاغ شود.

تبصره – حکم موضوع مواد ۲۷ و ۲۹ قانون مجازات اسلامی در مورد محکومان به ارتکاب کلیه جرایم از جمله جرایم مرتبط با مواد مخدر و روان گردان به استثنای محکومان موضوع ماده ۶۰ قانون مبارزه با قاچاق کالا و ارز مصوب ۱۳۹۲ جاری می‌باشد.

ماده ۹– چنانچه در قانون برای عناوین اتهامی مطرح در پرونده مجازات حبس مقرر نشده باشد و یا در مواردی نظیر جرایم موضوع بندهای ۱ و ۲ مواد ۴ و ۵ و ۸ قانون مبارزه با مواد مخدر که مدت حبس مقرر در قانون کمتر از شش ماه است، در صورتی که متهم قادر به سپردن تأمین نباشد، پرونده با صدور کیفرخواست و به قید فوریت به دادگاه ارسال می‌شود. در مورد این پرونده‌ها و نیز در مواردی که رسیدگی به طور مستقیم در صلاحیت محاکم است، دادگاه خارج از نوبت با قید فوریت و حتی الامکان در همان روز رسیدگی و حکم صادر می‌کند.

تبصره – رئیس کل دادگستری استان مکلف است شعبی را برای رسیدگی به این پرونده‌ها اختصاص دهد و تا حد امکان از ارجاع دیگر پرونده‌ها به شعبه خودداری کند. مرکز مکلف است بستر ثبت اطلاعات موضوع این ماده را با عنوان «کیفرخواست فوری» و به نحوی که ارزیابی عملکرد شعب مذکور میسر باشد، فراهم نماید.

ماده ۱۰– با توجه به شرایط آزادی مشروط مندرج در ماده ۵۸ قانون مجازات اسلامی، روسای زندان‌ها موظف اند با بررسی اخلاق، حالات و رفتار زندانیان در دوران تحمل حبس، درخواست آزادی مشروط زندانیان واجد شرایط را برای اجرای احکام دادسرا ارسال نمایند. قاضی اجرای احکام کیفری مکلف است حداکثر ظرف یک هفته درخواست را بررسی و نتیجه رسیدگی اعم از ارسال پرونده به دادگاه و یا مخالفت با درخواست که باید همراه با ذکر دلایل باشد را در سامانه منعکس نماید تا به اطلاع زندانی برسد. رسیدگی به درخواست آزادی مشروط در دادگاه خارج از نوبت و یا قید فوریت به عمل می‌آید.

ماده ۱۱– سازمان مکلف است در اجرای ماده ۳۱ قانون مبارزه با مواد مخدر محکومانی که قادر به پرداخت تمام یا بخشی از جزای نقدی مورد حکم نمی‌باشند را به ازای چهارصد هزار ریال برای هر روز، صرفاً در زندان‌های نیمه باز یا مراکز اشتغال و حرفه آموزی نگهداری نماید.

تبصره – قاضی اجرای احکام با رعایت تبصره ۱ ماده ۳۱ نسبت به تقسیط جزای نقدی اقدام می‌نماید.

ماده ۱۲– به منظور کاهش جمعیت کیفری زندان‌ها و پس از فراهم شدن امکانات لازم برای مراقبت الکترونیکی، قضات محاکم طبق مواد مربوط به قانون مجازات اسلامی، قانون آیین دادرسی کیفری، مقررات راجع به دادرسی الکترونیکی و آیین نامه اجرایی مراقبت‌های الکترونیکی مصوب ۱۳۹۷، حکم به اجرای مجازات حبس از طریق حضور در محدوده مکانی مشخص تحت نظارت سامانه‌های الکترونیکی صادر می‌کنند.

ماده ۱۳–شورای طبقه‌بندی زندانیان به ریاست قاضی اجرای احکام کیفری به صورت منظم و مستمر تشکیل جلسه داده و با اخذ نظریه مددکار اجتماعی معاونت اجرای احکام، در خصوص درخواست‌های مرخصی، آزادی مشروط، نظام‌های آزادی و نیمه آزادی و آزادی تحت نظارت سامانه‌های الکترونیکی، عفو زندانیان واجد شرایط و سایر مواردی که در قانون آیین دادرسی کیفری به ویژه ماده ۵۵۳ قانون مذکور و آیین نامه اجرایی سازمان برای این شورا مقرر شده است تصمیم مقتضی اتخاذ می‌کند.



***در خصوص اظهار نظر نسبت به قرارهای بازداشت موقت صادره، دادستان‌ها یا معاونان آن‌ها تا حد امکان شخصا نسبت به ضرورت قانونی، عواقب و آثار این قرار به ویژه نوجوانان، جوانان، زنان، سالخوردگان، بیماران و افراد فاقد سابقه کیفری بررسی و اعلام نظر نمایند.**

***دادستان عمومی و انقلاب و سرپرستان نواحی دادسرا مکلف‌اند بر تمامی قرارهای صادره توسط قضات دادسرا که منتهی به بازداشت شده است از حیث تناسب قرار تأمین و امکان پذیرش آن با توجه به تأمین‌های معرفی شده از سوی متهم نظارت نمایند تا از صدور قرارهای نامتناسب یا تأخیر در پذیرش تأمین و زندانی شدن متهم جلوگیری شود.**

تبصره ۱– تا تصویب آیین نامه موضوع ماده ۵۲۰ قانون آیین دادرسی کیفری، دادستان‌ها و روسای حوزه‌های قضایی بخش با رعایت ماده فوق و معیارهای مقرر در آیین نامه اجرایی سازمان، درصورت لزوم راساً نسبت به اعطای مرخصی اقدام می کنند.

تبصره ۲– رئیس کل دادگستری استان با پیشنهاد مدیرکل زندان‌های استان حسب ضرورت نسبت به استقرار دادرس علی البدل در زندان حوزه قضایی هر شهرستان اقدام می‌نماید تا در خصوص اعطای مرخصی به محکومان مالی و رسیدگی به درخواست‌های زندانی مبنی بر تقسیط، تبدیل جزای نقدی و آزادی مشروط تصمیم مقتضی اتخاذ شود.

تبصره ۳– درصورتی که مددکار اجتماعی معاونت اجرای احکام به تعداد کافی نباشد، نظریه مددکار اجتماعی زندان اخذ می‌شود.

تبصره ۴– سازمان مکلف است کلیه فعالیت‌های محکومان در زندان را جهت بررسی و سنجش اقدامات اصلاحی و تربیتی، اتقان مصوبات شورای طبقه بندی و بهره برداری مراجع قضایی امتیازبندی کند.

ماده ۱۴– اعطای مرخصی به زندانیان با اخذ تأمین‌های کیفری، موضوع ماده ۲۱۷ قانون آیین دادرسی کیفری به عمل می‌آید. زندانیان محکوم به حبس از بابت جرایم تعزیری درجه هفت و هشت، افرادی که باقی مانده محکومیت آنان کمتر از چهار ماه است و همچنین افرادی که نسبت به بازگشت آنان به زندان اطمینان حاصل است، به تشخیص قاضی اجرای احکام با صدور یکی از قرارهای تامین کیفری موضوع بندهای الف، ب، پ، ت، ث، ج و چ ماده مذکور، در چارچوب قوانین و مقررات به مرخصی اعزام می‌شوند.

ماده ۱۵– با عنایت به قانون نحوه اجرای محکومیت‌های مالی در رسیدگی به ادعای اعسار خوانده یا محکوم مالی به شرح زیر اقدام می‌شود:

الف – هرگاه خوانده دعوا تقاضای مهلت یا تقسیط نماید و یا مدعی اعسار باشد، در اجرای رأی وحدت رویه شماره ۷۲۲ مورخ ۱۳۹۰/۱۰/۱۳ هیئت عمومی دیوان عالی کشور دادگاه به هر دو دعوا به صورت توأمان رسیدگی و حکم مقتضی صادر می‌کند.

ب– در خصوص ادعای اعسار محکوم علیه و درخواست محکوم له مبنی بر بازداشت وی به جهت امتناع از پرداخت محکوم به، مطابق ماده ۷ قانون نحوه اجرای محکومیت‌های مالی در مواردی که وضعیت سابق مدیون دلالت بر ملائت وی داشته یا مدیون در عوض دین، مالی دریافت یا به هر نحو تحصیل مال کرده باشد، اثبات اعسار بر عهده اوست؛ مگر این‌که ثابت کند آن مال تلف حقیقی یا حکمی شده است. در مواردی که مدیون در عوض دین، مالی دریافت یا تحصیل نکرده باشد مانند مدیون به پرداخت مهریه و دیه، هرگاه خوانده دعوای اعسار نتواند دلایل کافی بر ملائت فعلی یا سابق او را ارائه کند و یا ملائت او نزد قاضی محرز نباشد، ادعای اعسار با سوگند مدیون مطابق تشریفات مقرر در قانون پذیرفته می‌شود.

پ– رسیدگی به درخواست اعسار زندانی خارج از نوبت به عمل می‌آید. دادگاه به نحو مقتضی دادخواست و ضمائم آن را به محکوم‌له ابلاغ و ظرف حداکثر سی روز به موضوع رسیدگی و حکم مقتضی صادر می‌کند. دادگاه در صورت احراز اعسار زندانی، نسبت به آزادی وی اقدام می‌کند هر چند رأی صادره غیر قطعی باشد؛

ت – مطابق ماده ۱۱ قانون نحوه اجرای محکومیت‌های مالی در صورت ثبوت اعسار، چنانچه مدیون متمکن از پرداخت به نحو اقساط شناخته شود، دادگاه ضمن صدور حکم به اعسار، با ملاحظه وضعیت وی مهلت مناسبی برای پرداخت می‌دهد یا حکم به تقسیط بدهی صادر می‌کند.

ماده ۱۶– چنانچه محکوم علیه در اجرای ماده ۳ قانون نحوه اجرای محکومیت‌های مالی در زندان باشد، قاضی اجرای احکام با موافقت دادگاه و اخذ تامین مناسب برای مدتی که دادگاه تعیین می‌نماید، به محکوم علیه جهت پرداخت محکوم به یا جلب رضایت محکوم له مرخصی اعطا می‌کند. درخواست محکوم علیه و تصمیم دادگاه در سامانه ثبت و به زندان اعلام می‌شود.

ماده ۱۷– قضات اجرای احکام کیفری مطابق مفاد مواد ۴۸۹، ۵۰۲، ۵۵۲ و ۵۵۳ قانون آیین دادرسی کیفری وظایفی از قبیل نظارت بر امور زندانیان، اعلام نظر درباره زندانیان واجد شرایط عفو و آزادی مشروط، پیشنهاد اجرای نظام‌های نیمه آزادی و آزادی تحت نظارت سامانه‌های الکترونیکی، اتخاذ تصمیم درباره محکومان سالمند، محکومان مبتلا به بیماری‌های جسمی و روانی و دیگر زندانیان نیازمند به مراقبت و توجه ویژه و پیشنهاد کاهش مدت تعلیق اجرای مجازات محکومان را بر عهده داشته و مکلف‌اند با بررسی پرونده‌ها در اسرع وقت اقدام مقتضی را به عمل آورند.

تبصره ۱– مرکز مکلف است بخش «مدیریت پرونده‌های نظارت قضایی زندانیان» را در سامانه ایجاد و در راستای وظایف قضات اجرای احکام کیفری مذکور در ماده ۴۸۹ قانون آیین دادرسی کیفری و در چارچوب «آیین نامه شیوه استقرار و اجرای وظایف معاونت اجرای احکام کیفری یا واحدی از آن در زندان‌ها و موسسات کیفری مصوب ۱۳۹۵»، دسترسی متناسب را برای آنان پیش‌بینی و برقرار کند.

تبصره ۲– تمام درخواست‌های قضایی زندانیان در سامانه زندانی ثبت می‌شود و قاضی اجرای احکام کیفری مستقر در زندان حداکثر ظرف یک هفته نسبت به بررسی و انعکاس نتیجه در سامانه اقدام می‌نماید. رئیس زندان نیز مراتب را به زندانی ابلاغ و نتیجه را با ذکر تاریخ و ساعت در سامانه منعکس می‌کند.

تبصره ۳– رئیس زندان در اجرای ماده ۵۰۲ قانون آیین دادرسی کیفری زندانیان بیمار را جهت اخذ نظر پزشکی قانونی به قاضی اجرای احکام کیفری معرفی می‌نماید. اظهار نظر پزشکی قانونی باید صریح، روشن و منطبق بر قیود مذکور در ماده ۵۰۲ قانون مذکور باشد.

ماده ۱۸– در اجرای وظایف محوله در آیین نامه اجرایی سازمان و این دستورالعمل، دادستان‌ها، روسای حوزه‌های قضایی بخش و قضات اجرای احکام کیفری مکلف‌اند به نحو مستمر در زندان حضور یافته و مشکلات قضایی زندانیان و ادعاهای آنان از قبیل عدم پذیرش تامین کیفری توسط مراجع قضایی، طولانی شدن فرآیند رسیدگی و ایام بازداشت و یا عدم توجه اتهام را بررسی کرده و با انعکاس آن به مقامات قضایی ذی‌ربط موضوع را تا حصول نتیجه پیگیری کنند.



تبصره – درخواست زندانیان در سامانه ثبت و حداکثر ظرف یک هفته پیگیری می‌شود و به شیوه مذکور در تبصره ۲ ماده ۱۷ این دستورالعمل به اطلاع زندان و زندانی می‌رسد.

ماده ۱۹– در خصوص زندانیان موضوع ماده ۳ قانون نحوه اجرای محکومیت‌های مالی به شرح زیر اقدام می‌شود:

الف – در صورت اعلام زندانی مبنی بر داشتن اموالی جهت اجرای حکم، قاضی اجرای احکام کیفری فهرست و مشخصات کامل اموال را نزد دادگاهی که حکم تحت نظر آن اجرا می‌شود ارسال و موضوع را تا حصول نتیجه پیگیری می‌کند.

ب– درصورت وجود ابهام در رأی صادره شده، عدم تعیین خصوصیات و میزان دقیق مالی که باید مسترد شود و یا در صورت نیاز به تعیین قیمت مال در فرض عین معین و قیمی بودن محکوم به و تلف واقعی یا حکمی آن قاضی اجرای احکام کیفری در اسرع وقت نظر مرجع قضایی را اخذ و مراتب را به زندان اعلام می‌کند.

پ– در صورت درخواست زندانی مبنی بر استفاده از مرخصی یا برقراری تماس با خارج از زندان در جهت اخذ رضایت محکوم له، قاضی اجرای احکام کیفری به فوریت و وفق مقررات حاکم ترتیب اعطای مرخصی یا تماس و ارتباط زندانی را فراهم می‌آورد.

ت – در صورت عدم طرح دعوای اعسار در دادگاه توسط زندانی که مدعی اعسار است، قاضی اجرای احکام کیفری ضمن ارشاد درخواست وی را اخذ و به دادگاه ارسال و نسبت به پیگیری پرونده تا حصول نتیجه اقدام می‌نماید.

ث – در صورت تقاضای متهم یا محکوم علیه و در راستای جلب رضایت شاکی یا محکوم له، قاضی اجرای احکام کیفری مراتب را به شورای حل اختلاف ویژه امور زندانیان موضوع ماده ۲۰ این دستورالعمل اعلام و تا حصول نتیجه پیگیری می‌کند.

بقیه در صفحه ۱۰

***رؤسای کل دادگستری استان‌ها و دادستان‌ها مراقبت نمایند تا با استفاده از ظرفیت‌های قانونی در خصوص قرارهای تأمین کیفری و مجازات جایگزین حبس، تا حد امکان از ورود افراد کمتر از هجده سال سن، افراد فاقد پیشینه کیفری و زنان به زندان جلوگیری شود**

***رؤسای کل دادگستری استان‌ها ضمن نظارت بر نحوه بکارگیری ظرفیت‌های قانونی در راستای حبس‌زدایی توسط قضات و ارائه آموزش‌های لازم در این زمینه به آنان، برنامه ریزی نمایند تا حداقل پانزده درصد آرای صادره از محاکم کیفری متضمن مجازات جایگزین حبس باشد**

جدول ۲۳۷۷۱

طراح: غلامحسین باغبان

افقی:

۱ – ژاله – بازیگر سریال بوی باران
۲ – مدد و کمک – غذای فرنگی – محل
۳ – قالب شعر خیام – دولت ها – ولخرجی
۴ – نوعی ناهنجاری کروموزومی – از مصالح ساختمانی – غیر اصلی و فرعی
۵ – الفبای موسیقی – پارچه ابریشمی – غذای نذری – هواپیمای عجول
۶ – لاستیک اضافی – تعجب غلیظ! – وسیله نقلیه‌ای برای کشیدن وسیله ای دیگر
۷ – نام مردانه – فیلمی از آرش معیریان – لنگه
۸ – درشکه هندی – رئیس ایل – از درختان جنگلی شمال
۹ – نوعی تاکسی – پاکیزه و مرتب – پول روسیه
۱۰ – از گیاهان دریایی – نیایش – شهر فرانسه
۱۱ – صدایی در موسیقی – درک عاطفی – سید شهیدان اهل قلم – نام ترکی
۱۲ – زندگانی – فاقد مو – چنین نباشد
۱۳ – مغازه لباس فروشی – خاطر و حافظه – نام مردانه فرنگی
۱۴ – کلام تنفر – مراسم قبل از ازدواج – مقیم
۱۵ – کنایه از جای بسیار شلوغ و بی نظم – زیباترین شکل شکرگزاری از خداست

عمودی:

۱ – قناد – آب سوار
۲ – هرفصل کتاب – گردآوری و مرتب‌سازی نوشته‌ها یا فیلم – وفادار نیست
۳ – نرد باز ماهر – کلام آرزو – زمان مرگ
۴ – وعده گاه – پزشک – آهوی کوچک
۵ – اسباب بازی کودکان در قدیم – برتر – گاز استخرها
۶ – فرمان خودرو – گور شکاف – شهر پیشین بین النهرین میان کرخه و بصره – نیز
۷ – حرف بعد از صاد – شمشیر از نیام برکشیدن – غلام و قاصد (ترکی)
۸ – زوج ها – اهلی – بر سر راه کرج به چالوس
۹ – آموزشگاه عالی – نهاد سازمان ملل – گردش
۱۰ – پول آسیایی – باز دارنده – سرپرست قوم – پاسخ نومید کننده
۱۱ – کلمه پرسشی – مقدمه پیروزی – میوه محبوب استوایی
۱۲ – بافنده – خوشنویس معاصر خط نستعلیق – عینک ساز هلندی و مخترع اولین میکروسکوپ
۱۳ – آزردگی خاطر – ثانی – نوعی نمایش
۱۴ – قبول کردن – لنگه به لنگه – واحد معیار
۱۵ – نفی کننده – نویسنده «دیوید کاپرفیلد»

حل جدول ۲۳۷۷۰

گفتاری در باره زمان

دکتر سیدموسی دیباج — بخش دوم

چنانچه تقدم و تأخر را در زمان از خواص وجودی آن بدانیم، یک مفهوم وجودی از زمان آشکار می‌شود که غیر از مفهوم ماهوی زمان بی‌قرار است آنگاه که آن را بی‌قراری مطلق بدانیم. در مفهوم زمان به معنی بی‌قراری مطلق هیچ‌گاه به مقدم یا مؤخر نمی‌توان اشاره کرد؛ زیرا هیچ نحوه از ثبوتی که در امر مقدم یا مؤخر بتوان یافت، در اینجا وجود ندارد. این زمان همان حدثان است نه حدوث متأخر بعد از حدوث متقدم. ذات حد ثانی است که متقدم و متأخر در حدوث از آن می‌آیند. این تعریف از زمان به تعریف مندرج در کتاب «المباحثات» نزدیک است که در آن ابن سینا می‌گوید آن تقدم و تأخر غیرزمانی در زمان غیر از تقدم و تأخر زمانی است. زمان در همه هستی خود عینی است و آنچه در همه هستی خود عینی است، تقدم و تأخر زمانی ندارد.

تقدم و تأخری که در نفس زمان، و نه اشیای زمانی، باشد چه نوع یا قسم از تقدم و تأخر است؟ تقدم و تأخر در زمان فی‌نفسه یک تقدم و تأخر زمانی نیست. اشیای طبیعی دیگر در تقدم و تأخر خود نسبت به یکدیگر زمانی‌اند، یعنی هر شئ نسبت به شئ دیگر زماناً متقدم است و یا متأخر یا همزمان (چنانچه فی‌المثل اختلاف زمان بین آن دو مرتفع شود)؛ اما تقدم یک جزء زمان بر جزء دیگر زمان که در تعریف ماهیت زمان ملحوظ است، یک تقدم ذاتی و ماهوی است و بدون سنجش نسبت به زمان دیگر اعتبار دارد؛ بنابراین تقدم و تأخر ذاتی زمان خود زمانی نیست. اجزای زمان که در تعاقب رخ می‌دهد و یکی از پس دیگری می‌آید، دیگر زمانی نیست یعنی که جزء مقدم اول و جزء مؤخر دوم از زمان در نسبت به یک زمان مقیاس موهوم مقدم یا مؤخر نیست. این دو جزء را نمی‌توان از نظر زمانی با یکدیگر سنجید. آن دو ملحوظ در مرتبهٔ ذات و ماهیت مقدم و مؤخرند و این برخاسته از تعریف ماهوی زمان است. اگر ضرورت به آمدن لحظه دوم پس از آمدن لحظه اول است، این ضرورت در پی آمدن نه از لحظه اول است؛ یعنی لحظه اول حکم واجب‌الوجود برای لحظه دوم را ندارد. منشأ این ضروری بالغیر لحظهٔ دوم همان منشأ در لحظه اول است. گفته خواهد شد که منشأ این ضرورت‌ها از واجب‌الوجود است نه در زمان که ممکن‌الوجود است.

دقیق‌ترین معنی تقدم و تأخر

اینک مبرهن است که لطیف‌ترین و دقیق‌ترین معنی تقدم و تأخر در ذات زمان است نه در اشیای زمانی. درک تقدم و تأخر در هستی پس از درک تقدم و تأخر زمانی است و توصیف اشیا به متقدم و متأخر، منوط به تقدم و تأخر زمانی است. تقدم و تأخر در ذات زمان، منطقی‌ترین معیار برای شناخت تقدم و تأخر در امور هستی شناختی است، بلکه آن رشحه‌ای از منطق زمانی است که بر دامن هستی جاری است. چنانچه در حوادث عالم بنگریم، موجوداتی را مشاهده می‌کنیم که پیشتر آنها را در میان اشیای پیشینی نمی‌بینیم پس آنگاه یافت می‌شوند؛ یعنی آن شیئی که از قبل نبوده و در مرحلهٔ بعد یافت می‌شود و آن شیئی که در مرحلهٔ قبل بوده ولی در میان اشیای پسینی وجود ندارد. این امر به تحقق قبل و بعد در عالم اشیا اشاره دارد و همین تحقق قبل و بعد در عالم، برای مشاهده یا اثبات زمان کافی است. هر معنی که از قبل یا بعد داشته باشیم، مستلزم یک معنی زمانی است و از طرف دیگر قبل و بعد بدون زمان تهی و پوچ است و بنابراین در اثبات وجود زمان، ما نیازی به رجوع به تحقق قبل و بعد نداریم؛ زیرا زمان در ذات خود به نحو پیشینی در قبل و بعد ملاحظه شده است.

حاصل آنکه وجود قبل و بعد در زمان بدیهی است و نیازی به توجیه این قبل و بعد در زمان با قبل و بعد در مقدار نیست.

اتصال و انفصال زمانی

آیا زمان امری متصل است یا منفصل؟ ارسطو قائل به اتصال زمان است؛ زیرا حرکت را متصل می‌داند. طول زمان با کمیّت حرکت منطبق دریافت می‌شود.۵ حرکت با مقدار منطبق است و چون مقدار متصل است، حرکت نیز متصل است. نکته این است که ایشان در این تعریف ماهیت زمان را به مقدار بازمی‌گرداند، حال آنکه زمان ادهی است و قبل و بعد در مقدار با ماهیت مکانی و ایستاری تصور می‌شود درحالی‌که در زمان قبل و بعد نمی‌تواند با ماهیت مکانی یا ایستاری توجیه شود؛ زیرا آن چیزی که در زندان بین دو خشت ایستاری مکانی گرفتار شده، نمی‌تواند آینهٔ روان و زلال حقیقت زمان باشد.

زمان متصل منفصل و منفصل متصل است و تنها زمان است که در عین اتصال، انفصال دارد و در عین انفصال، اتصال. این جزء ماهیت زمان است که در اتصال و انفصال وحدت دارد. «وحدت ماهیت زمان» تنها در اتصال نیست و «وحدت وجود زمان» نیز تنها در انفصال نیست؛ زیرا وجود زمان چنانچه با ماهیت آن متحد نباشد، وجود دیگری است و غیر از وجود زمان است. از همهٔ وجود، زمان مظهر تناقض در وجود است و آنها که انفصال را به وجود زمان و اتصال را به ماهیت زمان نسبت می‌دهند، در حقیقت تضاد و آشتی‌ناپذیری وجود و ماهیت زمان را بازگو کرده‌اند.

اگر وجود زمان چیزی جز این «آن» و آن دیگر «آن» و همین‌طور «آن»ها نباشد، سخن گفتن درباره انفصال در وجود و اتصال و اتصال در ماهیت زمان قابل قبول نیست؛ زیرا «آن» چیزی جز «آن» نیست و هرچه آن در موضوع لحاظ شود، در محمول نیز همان تکرار آید و این همانی «آن، آن است» ظاهر می‌شود.

حرکت و زمان

در نظر برخی فیلسوفان یونانی پیش از سقراط، زمان با حرکت کل یکی است. همه موجودات که در جنبش است، خود زمان است. این اندیشه‌ای است کمابیش همچنان اساطیری و ارسطو آن را نمی‌پذیرد. ارسطو زمان را چونان حرکت کل نمی‌پذیرد. وی در فصل یازدهم کتاب «دلتای طبیعیات» در پرسش از ذات زمان می‌گوید: آن عددی است که با ملاحظه در حرکت معطوف به پیش از و پس از حرکت خود را ظاهر می‌سازد. فیلسوفان بسیاری هستند که تابع ارسطو هستند و زمان را مقدار حرکت دانسته‌اند. حرکت هر اندازه از مسافتی را که طی کند، زمان خاصی به آن تعلق می‌گیرد. در عین حال، زمان می‌گذرد و فاصله یا مسافت نمی‌گذرد و قبل از حرکت متحرک و بعد از حرکت متحرک در آن، همچنان موجود است. ابن سینا از زمرهٔ این فیلسوفان است. او زمان را مقدار حرکت (و نه خود حرکت) در عالم طبیعی می‌داند.

ادامه دارد

یک صفحه از تاریخ معاصر ایران

دکتر احمد مجاهد

در تاریخ یکشنبه ۱۲ اسفند ۱۳۹۷، شماره ۲۷۲۳۵، صفحه ۶ روزنامه اطلاعات، مطلبی تحت عنوان «این رفت ستم برما» به قلم آقای محمدحسین دانایی، در باب دو نامه از مرحوم آیت‌الله حاج شیخ آقابزرگ تهرانی و سپهبد تیمور بختیار نوشته شده بود، و چون کم و کاستی‌هایی در آن مقاله بود و نگارنده نیز در آن زمان‌ها در آن حدود ناظر بودم، لذا مقاله ذیل را در تکمیل مطالب یاد شده ایفاد می‌دارد.

تیمور بختیار بعد از آنکه به جرم حمل اسلحه غیرمجاز که از اروپا خریده بود و با کشتی به بغداد می‌برد، در بندر بیروت بازداشت شد. دولت ایران پرونده‌ای تشکیل داد تحت عنوان «بختیار در ایران با سیلی زیر گوش یک راننده زده و گوش او را کر کرده است»، بنابراین او جانی است و نه سیاسی، و درخواست استردادش را از دولت لبنان کرد. دولت لبنان هم که نمی‌خواست خودش را با یک دولت قوی‌تر از خود درگیر کند، حاضر شده بود وی را تحویل دهد؛ اما از طرف دیگر، بختیار چند وکیل مدافع قدَر و باقدرت به استخدام خود درآورده بود و سرکیسه را هم شل کرده بود.

چکهای دلار بود که به در خانه وزرای لبنان می‌رفت و هر یکی دو روزی یک وزیر مخالف تحویل بختیار به دولت ایران می‌شد، تا آخر کار نصرالله صفیر ـ سراسقف کاتولیک‌های لبنان ـ نامه‌ای خطاب به دولت لبنان نوشت که: «شما باید دمکراسی را رعایت کنید و نباید بختیار را تحویل دولت ایران بدهید؛ چون او یک شخص سیاسی است نه جانی.» این نامه در مطبوعات لبنان پخش شد و همه گفتند که دیگر کار بختیار تمام شد و او هرگز تحویل دولت ایران نخواهد شد.

از نمونه سرکیسه شل کردن‌های بختیار، این است که مجله‌ای در بیروت چاپ می‌شد که در هر شماره عکسی از رجال معروف جهان را در زمینه‌های مختلف روی جلد چاپ می‌کرد. سفارت ایران صدهزار لیرهٔ لبنانی به مدیر مجله داده بود که عکس شاه را در شماره اخیرش در روی جلد چاپ کند. وکلای بختیار که از این موضوع اطلاع حاصل کردند، صد و پنجاه هزار لیره دادند و عکس بختیار را روی جلد مجله چاپ کردند!

وقتی بختیار از زندان آزاد شد، مطبوعات لبنان کاریکاتورش را کشیدند که با دو چمدان خالی در دستها وارد خانه‌اش می‌شد. زنگ در خانه را زد و همسرش در را باز کرد و از درز در بختیار را برانداز کرد و گفت: «کجا می‌آیی؟ دیگر چیزی باقی نمانده است!» مشهور بود که پنج‌میلیون دلار در آن زمان برای عدم استرداد و خلاصی‌اش از زندان بیروت خرج کرده بود. در همان ایام، یک بانکدار بزرگ ایتالیایی وجوه بانک را برداشته و به لبنان فرار کرده بود و دولت ایتالیا هم خواهان استرداد او بود. مطبوعات لبنان نوشتند که: «بختیار دو تا شد!»

اما در مورد شخص سیدعلی که نامش در نامه بختیار آمده است که با وی در زندان ملاقات کرده است، تفصیل مطلب این است که ایشان حامل نامه شیخ آقابزرگ از نجف به بختیار در زندان بیروت بود. مقررات آن زمان برای ملاقات بختیار در زندان این بود که هر کسی که می‌خواست به دیدار او برود، باید از سفارت ایران اجازه داشته باشد. سیدعلی به سفارت ایران در لبنان می‌رود و سفارت به خیال اینکه صید با پای خودش به صیدگاه آمده است و می‌تواند از تیمور بختیار سندی کتبی درباره جنایتش بگیرد که به نفع دولت ایران باشد، به او ده‌هزار لیره لبنانی رشوه می‌دهد که اگر بختیار خواست جواب نامه را شفاهی بدهد، قبول نکند و بگوید که در نقل مطالب شفاهی مطلب کم و کاست می‌گردد و من شرمنده می‌شوم؛ بنابراین شما هر چه می‌خواهید بگویید، کتباً بنویسید. بختیار هم که مار خورده و افعی شده بود و سالها ریاست ساواک را داشت و به این حیله‌ها و ترفندها واقف بود، در نامه‌اش

> ***مجله‌ای در بیروت چاپ می‌شد که در هر شماره عکسی از رجال معروف جهان را روی جلد چاپ می‌کرد. سفارت ایران صدهزار لیره داد تا عکس شاه را چاپ کند. وکلای بختیار که از این موضوع اطلاع حاصل کردند، صدوپنجاه هزار لیره دادند و عکس بختیار را چاپ کردند!**

چیزی را به گردن نگرفت و تیر سفارت به سنگ می‌خورد. و این همان نامه تیمور است که آقای دانایی در روزنامه چاپ کرده‌اند.

این سیدعلی لقبش کاوسی بود و من او را در زندان قصر ملاقات کردم و با هم همبند بودیم. از بریده‌های زندان بود و نشسته بود یکی از کتاب‌های شاه را به عربی ترجمه می‌کرد. به او گفتم: «این کارها چیست که در زندان سیاسی انجام می‌دهی؟» گفت: «این زندان به من مربوط نیست، چرا بنشینم و بکشم؟» و چون بریدهٔ بدنام بود، نمی‌شد با او صحبت کرد. من نپرسیدم چرا به زندان افتاده‌ای. فقط یک بار با وحشت به من گفت با کسی از رابطهٔ او با منزوی صحبت نکنم. گفتم: در اینجا اکثر زندانیان دانشجو هستند و کسی منزوی را نمی‌شناسد و جای این صحبت‌ها هم نیست.

اما در نامهٔ بختیار که در روزنامه منعکس شد، آمده است: «... در گرفتاری اخیر در بیروت هم بلافاصله پسرخالهٔ خود را به سراغ آقای منزوی در دانشگاه فرستادم که ایشان از طریق دانشجویان برای جلوگیری از استرداد اقدام نمایند».

تعجب خواهید کرد بختیار که از یک طرف قاتل برادر منزوی است، از طرف دیگر به او پیغام می‌دهد که از طریق دانشجویان برای جلوگیری از استرداد اقدام بنماید!

مطلب از این قرار است که علینقی منزوی به من گفت: بختیار به حزب توده پیشنهاد داده است که: «با هم علیه شاه متحد شویم» و با اینکه دست بختیار به خون بسیاری از توده‌ای‌ها آلوده است، اما حزب توده این پیشنهاد را پذیرفته است. منزوی هم به دستور بختیار دو نامه را برای کنفدراسیون و جبههٔ ملی به اروپا فرستاد و آنها در نشریاتشان چاپ کردند.

بازی روزگار

دو برادر بودند به نامهای عادل عُسیران و عنیف عسیران از خانوادهٔ سرشناس شیعهٔ لبنان. عادل عسیران در آن زمان وزیر دادگستری در کابینهٔ لبنان بود. بعد از آنکه محمدرضا منزوی، برادر کوچکتر علینقی منزوی که از طریق او به حزب توده پیوسته بود، پس از کودتای ۲۸مرداد، دستگیر شد و حکم اعدامش درآمد، پدرش مرحوم شیخ آقابزرگ از نجف به ایران آمد و با دیدن آیت‌الله بروجردی و سیدحسن تقی‌زاده و امثال آنها، حکم عفو محمدرضا منزوی را از شاه گرفتند و از زندان آزاد گشت و بعد از مدتی از ایران خارج شد. تا اینکه در لبنان یک شبکه کمونیستی کشف گردید و اعضایش دستگیر شدند که محمدرضا هم جزو آنها بود. دولت لبنان در زمان عادل عسیران که وزیر دادگستری بود، محمدرضا منزوی را تحویل دولت ایران داد. ساواک دید اگر او را زنده بگذارد، باز پدرش از نجف به ایران می‌آید و با وساطت این و آن، او را از زندان آزاد می‌کند. این بار او را در زیر شکنجه کشتند و طبق معمول و مرسومشان، در روزنامه‌ها نوشتند او را از زندانی به زندان دیگر منتقل می‌کردند که در بین راه فرار کرد و به فرمان ایست توجهی نکرد و نایستاد و او را با تیر زدند و مرد. جسدش را هم تحویل ندادند.

برادر دیگر عادل عسیران، عفیف عسیران که مسیحی شده بود، علینقی منزوی برادر محمدرضا را پناه داده بود و منزوی در مؤسسه فرهنگی او (بیت‌العنایه) یک اتاق داشت و در همان مؤسسه فرهنگی هم درس می‌داد، و روزها سرگرم تصحیح «نامه‌های عین‌القضات همدانی» بود که نام هر دو بر روی جلد است؛ اما عفیف عسیران حتی در حد یک کلمه در تصحیح شرکت نداشت چون که فارسی نمی‌دانست و در ایران هم که بود، من و مرحوم حسین خدیوجم در بقیه آثار عین‌القضات که به نام او چاپ شده است، کمکش می‌کردیم.

در آینده اگر موانع مفقود و شرایط مساعد بود، به بقیه قضایای بیروت و بغداد و نجف می‌پردازم.

توضیح روزنامه:

از آنجا که نوشتار آقای مجاهد شش ماه پس از مقاله آقای دانایی نگاشته شده، مروری بر چند مطلب زیر روشنگر و شایان توجه است:

۱ـ در بخشی از نامه تیمور بختیار که در تاریخ ۱۸ مهرماه ۱۳۴۷به مرحوم شیخ آقابزرگ تهرانی نوشته است، ضمن اظهار بی اطلاعی و تأسف از دستگیری و قتل فرزند ایشان می‌نویسد: «در ملاقات چند روز قبل با آقای سیدعلی معلوم شد که رفع سوءتفاهم نشده و تصورات هنوز به جای خود باقی است و این مطلب بر تأسف و ناراحتی‌های دیگر من می‌افزاید...»

۲ـ بختیار در همان نامه دلایلی بر بی‌خبری خود می‌آورد و می‌نویسد: «استماع [خبر] فقدان آیت‌الله‌زاده آقای دکتر محمدرضا در سال ۱۹۵۴ یا ۵۵ ... و... تصور اینکه در دستگاه فرمانداری نظامی آن زمان که ریاست آن با این جانب بود، چنین اتفاقی افتاده باشد، بسیار متأسف و متأثر و ناراحت شدم و... در گرفتاری اخیر در بیروت هم بلافاصله پسرخاله خود را به سراغ آقای منزوی در دانشگاه فرستادم که ایشان از طریق دانشجویان برای جلوگیری از استرداد اقدام بنمایند...»

۳ـ دکتر محمدرضا منزوی، سومین پسر حاج شیخ آقابزرگ در سال ۱۳۰۷ در سامره زاده شد. پس از گذراندن تحصیلات ابتدایی، به سبب مشکلات مالی، به دبیرستان نظام رفت و سال ۱۳۳۱ با درجه دکتر دامپزشک و درجه سروانی در ارتش به خدمت ادامه داد. در روز ۲۵ مرداد ۱۳۳۲ جزو محافظان خانه دکتر مصدق بود و در خنثی کردن کودتا و بازداشت سرهنگ نصیری (فرستاده شاه برای انجام کودتا)، شرکت داشت. پس از کودتای ۲۸ مرداد، دستگیر و زندانی شد و بعد از یازده ماه آزاد شد؛ اما دیری نگذشت که نامش در شمار افسران مخالف لو رفت و او به خارج از ایران گریخت. در بیروت شناسایی و دستگیر شد و به ایران فرستاده و به زندان قزل قلعه منتقل گشت. در یادداشت‌های روزانهٔ برادرش آمده است: «دارند محمدرضا را شکنجه می‌کنند... خبر می‌دهند که سخت زیر شکنجه است و من به هر دری می‌زنم، کاری از دستم برنمی‌آید. نمی‌دانم چه کنم... امروز (۲۹ بهمن) سیاه‌ترین روز زندگی من است. خبر دادند محمدرضا در زیر شکنجه جان سپرده. ۳۰ بهمن ۱۳۳۳ اعلام شد که محمدرضا منزوی از زندان گریخته است. بعدها خبردار شدیم که زیبائی جلاد و همکار جنایتکارش امجدی، علاوه بر شلاق و اعمال سایر شکنجه‌های خونخوارانه، ناخن دست و پای محمدرضا را کشیده‌اند و او را از شب تا صبح با دستبند قپانی معلق از سقف آویخته‌اند، در حالی‌که قطرات آب یخ بهمن ماه بر سر و صورتش می‌چکید. در اثر نبود بهداشت، زخم دستها و پاها چرک می‌کند؛ ولی جلادان از معالجه وی خودداری نموده و به شکنجه ادامه می‌دهند. وقتی که دیگر امیدی به توانایی حرف زدن او نبود، بدن نیمه جان او را به بیمارستان ارتش منتقل می‌کنند. اما دیگر دیر بود... جسد را به خانواده ندادند. گویا در زیر دیوار زندان قزل‌قلعه، جایی که امروز بازار تره‌بار قرار دارد، دفنش کرده‌اند.»

تهران ـ بهار ۱۳۴۲، از راست: احمد منزوی، علینقی منزوی، شیخ آقابزرگ تهرانی، محمدتقی منزوی و مهدی بهشتی‌پور (نوه دختری)

ادامه در صفحه ۷

مشخصات و شماره تلفن‌های نمایندگی‌های اطلاعات در آذربایجان شرقی

ردیف	نام و نام خانوادگی	کد	شماره تلفن نمایندگی	شماره تلفن همراه	شهرستان
۱	کمال‌الدین نیکرفتار خیابانی	۰۴۱	۳۵۵۵۲۵۹۰ فاکس ۳۵۵۶۳۱۴۱	۰۹۱۴۵۹۱۶۶۶۵	تبریز
۲	محمدحسین صفرعلیزاده	۰۴۱	۳۴۲۲۰۸۳۷	۰۹۱۴۱۱۹۷۲۱۰	آذرشهر
۳	ابوالفضل عمراهی	۰۴۱	۴۴۲۲۶۰۰۰	۰۹۱۴۱۲۸۹۸۸۳	اهر
۴	حسین مقدم	۰۴۱	۳۳۲۲۳۹۹۱	۰۹۱۴۴۱۲۱۰۵۵	اسکو
۵	فرید ویرانی	۰۴۱	۳۳۴۱۲۸۸۴	۰۹۱۴۳۱۷۱۹۸۸	ایلخچی
۶	مجید دوشابچی	۰۴۱	۳۶۳۴۳۳۶۰	۰۹۱۴۹۱۴۱۱۹۲	باسمنج
۷	بهرام بهبودی	۰۴۱	۴۳۳۳۴۴۹۹	۰۹۱۴۴۳۱۰۹۱۰	بستان‌آباد
۸	جاوید بنابیان	۰۴۱	۳۷۷۳۵۵۵۲	۰۹۱۴۹۲۱۰۵۳۴	بناب
۹	علیرضا خوش‌نیت	۰۴۱	۴۲۵۷۲۵۱۵	۰۹۱۴۱۷۰۰۸۰۲	تسوج
۱۰	محسن نجاری	۰۴۱	-----	۰۹۱۴۴۳۱۵۶۵۱	تیکمه‌داش
۱۱	ابوالفضل یونسی	۰۴۱	۴۲۰۲۶۸۴۰	۰۹۱۴۸۹۵۲۵۴۴	جلفا
۱۲	ایاتعلی شیخی	۰۴۱	۵۲۷۲۲۶۸۳	۰۹۱۴۳۲۴۰۲۴۳	چاراویماق
۱۳	عباس جیران‌پور	۰۴۱	۴۲۴۶۲۲۷۰	۰۹۱۴۴۷۱۰۴۷۴	خامنه
۱۴	میراسداله حسینی	۰۴۱	۳۲۴۴۴۴۰۰	۰۹۱۴۱۰۱۷۳۴۷	خسروشاه
۱۵	صابر حیدرپور	۰۴۱	۴۳۲۲۳۱۶۳	۰۹۱۴۳۳۱۴۳۸۳	سراب
۱۶	بهروز کرباسی	۰۴۱	۳۴۲۰۱۱۰۰	۰۹۱۴۹۱۵۱۱۲۵	سردرود
۱۷	احمد بادامچی	۰۴۱	۴۲۴۲۷۲۴۴	۰۹۱۴۹۷۱۳۰۰۹	شبستر
۱۸	جعفر صوفی‌زاده	۰۴۱	۴۲۵۲۰۶۷۲	۰۹۱۴۳۰۱۳۸۷۸	صوفیان
۱۹	عنایت‌اله قاضی	۰۴۱	۳۷۶۲۲۲۳۰	۰۹۱۴۴۲۰۲۵۶۷	عجب‌شیر
۲۰	موسی‌الرضا موسوی	۰۴۱	۴۲۱۴۰۵۹۰	۰۹۳۶۹۶۲۲۰۴۲	کشکسرای
۲۱	سهیل رستم‌زاده	۰۴۱	۴۴۴۴۲۶۶۰	۰۹۱۴۳۲۶۱۱۳۵	کلیبر
۲۲	بهروز نجفقلی‌دوست	۰۴۱	۳۳۲۵۳۱۰۲	۰۹۱۴۱۲۱۲۶۰۲	مراغه
۲۳	محسن اسماعیل‌پور	۰۴۱	۴۲۲۳۴۹۱۷	۰۹۱۴۳۹۱۲۵۵۰	مرند
۲۴	داریوش عینالو	۰۴۱	۳۷۸۲۷۶۲۹	۰۹۱۴۸۷۶۵۷۴۰	ملکان
۲۵	سیفعلی بابارحیمی	۰۴۱	۳۴۳۲۳۷۵۷	۰۹۱۹۵۶۴۸۱۰۰	ممقان
۲۶	قاسم وفادار	۰۴۱	-----	۰۹۱۴۳۱۹۴۸۰۶	مهربان
۲۷	دارا فاتحی	۰۴۱	۵۲۲۲۳۴۳۰	۰۹۱۴۴۲۳۵۴۷۵	میانه
۲۸	حسینقلی مسعودزاده	۰۴۱	۴۲۴۷۳۰۲۸	۰۹۱۴۹۷۱۳۷۹۸	وایقان
۲۹	وحید اقدامی	۰۴۱	۴۲۰۴۰۸۹۵	۰۹۱۴۴۹۲۴۲۶۵	هادیشهر
۳۰	مهدی دعاگوئی	۰۴۱	۴۳۴۳۵۵۵۵	۰۹۱۴۴۳۲۱۶۵۵	هریس
۳۱	مرتضی محمدی	۰۴۱	۵۲۶۲۲۸۳۶	۰۹۱۴۴۰۳۸۶۸۰	هشترود
۳۲	معصومه علی‌وند	۰۴۱	۴۴۴۴۱۰۲۰	۰۹۱۴۷۵۶۴۰۸۰	خداآفرین

مهاجرت؛ چالش توسعه روستایی

توسعه روستایی مفهوم مهمی در توسعه ملی است؛ چرا که روستاها به‌عنوان مجتمع‌های زیستی و بستر اصلی فعالیت‌های کشاورزی، تبلور حیات اقتصادی- اجتماعی کشورها هستند.

درآمد کم و بیکاری فصلی، دسترسی کم به امکانات آموزشی، امکانات رفاهی و خدمات زیربنایی ازجمله چالش‌هایی است که در دهه‌های گذشته روستاهای ایران با آن دست‌وپنجه نرم می‌کردند اما طی یک دهه اخیر کاهش شدید جمعیت به‌ویژه کاهش نیروی کار ماهر و تحصیلکرده چالش جدیدی است که توسعه ملی و توسعه روستایی را بیش از پیش تهدید می‌کند.

کاهش جمعیت روستایی از این منظر دارای اهمیت است که براساس گزارش اخیر مرکز آمار ایران تا سال ۱۴۰۵یعنی تا کمتر از هفت سال آینده نرخ رشد سالانه جمعیت روستایی ۲۱استان کشور منفی خواهد شد. در توضیح اینکه دلیل کاهش جمعیت روستایی کشور چیست، پژوهش‌های مفصلی در مراکز دانشگاهی کشور انجام شده است که نتایج این تحقیقات دلیل را، مهاجرت برای دستیابی به اشتغال و رفاه بهتر می‌دانند.

در این زمینه این نکته قابل ذکر است که مهاجرت روستاشهری پدیده‌ای است که در فرآیند صنعتی شدن کشورها ظاهر شده و در ایران همهمراه با صنعتی شدن شهرها، جذب جوانان جویای کار مازاد در بخش کشاورزی پدیده‌ای است که از دهه ۴۰به نفع فعالیت‌های صنعتی و خدماتی آغاز شده است.

در کنار این روند تاریخی، اینکه چرا کاهش جمعیت روستایی در ایران برخلاف کشورهای توسعه یافته باید جدی گرفته شود، می‌توان گفت کاهش جمعیت روستانشین گرچه در اغلب کشورهای توسعه یافته سال‌ها قبل از ایران اتفاق افتاده است اما در این بین نباید فراموش کرد که در کشورهای توسعه یافته سهم تولیدات خام بخش کشاورزی از کل ارزش افزوده اقتصاد این کشورها بین دو تا سه درصد بوده و شاغلان بخش کشاورزی هم در همین حدود است؛ این درحالی است که بخش کشاورزی ایران سهمی ۱۰درصدی از ارزش افزوده کل اقتصاد و سهمی ۱۸درصدی از کل شاغلان کشور را دارد.

بر این اساس از آنجا که تولیدات کارخانه‌ای یا همان صنایع مکمل بخش کشاورزی در ایران آنچنان توسعه نیافته است، کاهش شدید جمعیت روستایی برخلاف کشورهای توسعه یافته، می‌تواند روستاهای کشور را از نیروی کار ماهر، سرمایه مادی و جمعیت خالی کند که این امر در قالب کاهش تولیدات روستایی در سال‌های آتی خود را نشان خواهد داد.

کاهش جمعیت روستایی علاوه‌بر چالش‌هایی که برای روستا و روستانشین‌ها ایجاد می‌کند، به واسطه افزایش مهاجرت، برای شهرها هم چالش‌هایی همچون افزایش جمعیت حاشیه‌نشینی، افزایش بزهکاری، افزایش فشار بر استفاده از تسهیلات رفاهی، افزایش قیمت مسکن در اثر افزایش تقاضا، افزایش آلودگی هوا و... ایجاد می‌کند.

براساس آخرین داده‌های مرکز آمار، جمعیت ایران در خرداد سال جاری به ۸۲/۵ میلیون نفر رسیده است که از این میزان، حدود ۷۵درصد ساکن شهرهای کشور و ۲۵درصد ساکن روستاها هستند. بر این اساس در حال حاضر ۲۰/۶ میلیون نفر در روستاهای کشور زندگی می‌کنند که توجه به الگوی معیشت، الگوی مهاجرت، الگوی اشتغال، شیوه آموزش و... این جمعیت بسیار دارای اهمیت است.

در این زمینه بررسی‌ها نشان می‌دهد با الگوی فعلی رشد جمعیت، مناطق روستایی کشور به سمت خالی از سکنه شدن برخی از روستاها و کاهش چشمگیر جمعیت در اغلب روستاها پیش می‌رود، چنانکه داده‌های مرکز آمار ایران نشان می‌دهد جمعیت ایران با نرخ رشد فعلی در سال ۱۴۰۵به ۸۹میلیون و ۱۲۱هزار نفر خواهد رسید که ۶۸میلیون و ۹۸۲هزار نفر آن در شهرها (۷۷درصد از کل) و ۲۰میلیون و ۱۳۹هزار نفر (۲۳درصد) آنها در روستا زندگی خواهند کرد.

اما در این میان نکته قابل تامل این است که تا سال ۱۴۰۵نرخ رشد جمعیت روستایی ۲۱استان کشور منفی خواهد بود که ازجمله می‌توان به نرخ رشد منفی ۲درصد مناطق روستایی استان قزوین، نرخ رشد منفی ۱/۷درصد استان کرمانشاه، نرخ رشد منفی ۱/۳۱درصد دو استان مرکزی و اردبیل، نرخ رشد منفی ۱/۱۷درصد استان کردستان و نرخ رشد ۱/۱۱درصد استان همدان اشاره کرد.

طی یک دهه اخیر رشد منفی جمعیت روستایی کشور موضوعی است که در قالب پژوهش‌های مختلف به آن پرداخته شده است. نتایج این پژوهش‌ها نشان می‌دهد در کنار کاهش موالید که در همه نقاط شهری و روستایی کشور همزمان اتفاق افتاده، اصلی‌ترین دلیل کاهش نرخ رشد جمعیت روستایی کشور افزایش چشمگیر مهاجرت روستاشهری است.

در این زمینه گرچه آمارهای مفصل از الگوی تحرک جمعیت در مناطق روستایی کشور اخیراً ارائه نشده است، اما بررسی آخرین گزارش مرکز آمار ایران نشان می‌دهد طی دوره ۵ساله ۹۵-۱۳۹۰حدود یک میلیون و ۶۵۵هزار نفر فقط به مراکز استانی کشور مهاجرت کرده‌اند که بخش عمده این مهاجران مربوط به مراکز روستایی بوده است.

به عبارتی دیگر بررسی داده‌های مرکز آمار ایران نشان می‌دهد سالانه ۳۳۱هزار نفر در ایران فقط به مراکز استانی مهاجرت کرده‌اند که این میزان به واسطه مبدا روستایی مهاجران بسیار قابل توجه است. اما طی دوره پنج ساله ۹۵-۱۳۹۰در میان استان‌های کشور تهران پذیرای ۴۰۵هزار نفر، کرج پذیرای ۱۳۹هزار نفر، مشهد پذیرای ۱۳۷هزار نفر، شیراز پذیرای ۱۰۳هزار نفر، اصفهان پذیرای ۸۴هزار نفر و قم پذیرای ۷۰هزار مهاجر بوده‌اند.

همچنین در انتهای جدول مراکز استانی اراک، ایلام، خرم‌آباد، ساری، یاسوج، بجنورد و بیرجند هرکدام به ترتیب ۱۳هزار، ۱۴هزار، ۱۵/۵هزار، ۱۵/۶هزار، ۱۶/۵هزار، ۱۸/۱هزار و ۲۰/۷هزار مهاجر پذیرفته‌اند که تطبیق مهاجران وارد شده به استان‌ها هم نشان می‌دهد این الگوی مهاجرتی علاوه‌بر اینکه متاثر از الگوی اشتغال و بیکاری بوده، در بین مناطق استانی هم استان‌های برخوردار بیشترین و استان‌های کمتر برخوردار کمترین مهاجران را پذیرفته‌اند.

میزان سرمایه‌گذاری بخش خصوصی و دولتی و همچنین تسهیلات بانکی یکی از مولفه‌هایی است که اهمیت توجه دولت به بخش کشاورزی را نشان می‌دهد. در این زمینه با توجه به اینکه آمار مستندی از میزان سرمایه‌گذاری‌ها در بخش کشاورزی در دست نیست، در اینجا صرفاً به سهم بخش کشاورزی از تسهیلات بانکی اشاره می‌شود.

بررسی داده‌های آماری بانک مرکزی ایران نشان می‌دهد طی سال‌های ۱۳۹۰تا ۱۳۹۷سهم بخش کشاورزی از کل تسهیلات بانکی کشور به‌طور میانگین حدود ۸درصد بوده است. بر این اساس در سال ۱۳۹۰از مجموع ۲۰۰هزار و ۸۹۷میلیارد تومان تسهیلات بانکی، سهم بخش کشاورزی حدود ۱۷هزار و ۲۳۴میلیارد تومان معادل ۸/۶درصد کل تسهیلات بوده است. در سال ۱۳۹۷هم از مجموع ۷۷۳هزار و ۷۲۸میلیارد تومان تسهیلات بانکی، ۵۸هزار و ۴۹۱میلیارد تومان آن به بخش کشاورزی داده شده که معادل ۷/۶درصد کل تسهیلات بانکی است. بر این اساس سهم ۸درصدی بخش کشاورزی از تسهیلات بانکی کشور از این منظر ناچیز است در حالیکه این بخش ۱۰درصد از کل ارزش افزوده اقتصاد ایران و ۱۸درصد از کل اشتغال کشور را تامین می‌کند.

بخش کشاورزی و غذا جزو حوزه‌های بسیار مهم برای هر کشور و بسیار استراتژیک برای کشورمان است که طی ۴۰سال اخیر همواره مورد تحریم‌های ظالمانه قرار گرفته است. در این زمینه بررسی داده‌های آماری گمرک ایران نشان می‌دهد در سال ۱۳۹۴واردات بخش کشاورزی ۸/۸میلیارد دلار بوده که این میزان در سال ۹۵به ۸/۷ میلیارد دلار، در سال‌های ۹۶و ۹۷به بیش از ۱۰/۷میلیارد دلار رسیده است. بر این اساس طی سه سال اخیر میزان واردات بخش کشاورزی با رشد ۲۲درصدی از ۸/۸ میلیارد دلار قبل از توافقنامه برجام به ۱۰/۷میلیارد دلار در دو سال اخیر رسیده است.

ازجمله موارد دارای اهمیت در تجارت خارجی، توسعه صادرات به‌منظور پوشش تراز منفی حاصل از افزایش واردات است. در این زمینه بررسی‌ها نشان می‌دهد میزان صادرات بخش کشاورزی ایران طی سال‌های اخیر از ۵/۴ میلیارد دلار در سال ۹۴به ۵/۶ میلیارد دلار در سال ۹۵و ۶/۵ میلیارد دلار در سال ۹۶و ۶/۴ میلیارد دلار در سال ۹۷رسیده است. بر همین اساس تراز تجاری بخش کشاورزی از حدود منفی ۳/۳ میلیارد دلار در سال ۹۴به حدود ۳ میلیارد دلار در سال ۹۵، به ۴/۱میلیارد دلار در سال ۹۶و به ۴/۳ میلیارد دلار در سال ۹۷رسیده است. به عبارتی دیگر طی سه سال اخیر تراز تجاری بخش کشاورزی ایران منفی یک میلیارد دلار افزایش یافته است که ادامه این روند می‌تواند تولید داخلی را تحت‌تاثیر قرار دهد.

آخرین تغییرات قیمت سهام دربورس تهران

نام شرکت	آخرین قیمت (ریال)	میزان تغییرات
گسترش‌سرمایه‌گذاری‌ایران‌خودرو	۷۰۸۴	۶۴۴
بیمه پارسیان	۱۸۸۸	۱۷۱
داروسازی‌زهراوی	۶۷۶۴	۶۲۸
داروسازی‌فارابی	۲۳۲۲۸	۱۲۸۵
لبنیات‌پاک	۳۹۴۸	۱۸۸
سیمان‌فارس	۱۹۸۱۳	۹۴۳
نوش‌مازندران	۱۷۲۳۳	۸۲۰
کارخانجات‌قندقزوین	۱۴۷۱۲	۷۰۰
تولیدمحورخودرو	۹۴۲۶	۴۴۸
بانک‌کارآفرین	۳۰۳۳	۱۴۴
غلتک سازان سپاهان	۱۷۳۰۵	۸۲۴
سرمایه‌گذاری‌البرز(هلدینگ)	۴۲۷۶	۲۰۳
کاشی‌وسرامیک‌حافظ	۲۲۵۹۴	۱۰۷۵
سیمان‌تهران	۱۰۷۶۹	۵۱۲
گروه دارویی برکت	۴۰۹۲	۱۹۴
داروسازی‌سینا	۱۸۳۲۶	۸۷۲
سیمان‌داراب	۴۱۸۰	۱۹۹
سیمان‌ارومیه	۶۲۸۷	۲۹۹
پارس‌مینو	۱۱۹۳۲	۵۶۸
کشاورزی‌ودامپروری‌مگسال	۱۱۸۳۷	۵۶۳
شیرپاستوریزه‌پگاه‌اصفهان	۲۲۱۲۳	۱۰۵۳
سیمان‌بجنورد	۱۲۳۷۰	۵۸۹
گسترش‌سرمایه‌گذاری‌ایران‌خودرو	۷۸۸۵	۳۷۵
کویرتایر	۷۹۸۷	۳۸۰
پارس‌دارو	۳۱۷۸۹	۱۵۱۳
بیمه ما	۳۶۸۰	۱۷۵
لیزینگ‌خودروغدیر	۳۸۶۵	۱۸۴
کابل‌البرز	۹۸۱۹	۴۶۷
کیمیدارو	۱۱۱۴۱	۵۳۰
سرمایه گذاری پارس‌توشه	۷۵۶۴	۳۶۰
آهنگری‌تراکتورسازی‌ایران	۵۸۹۹	۲۸۰
گلتاش	۲۴۷۹۶	۱۱۸۰
مدیریت صنعت شوینده ت.ص.بهشهر	۱۴۵۶۰	۶۹۳
گلوکوزان	۴۵۹۹۹	۲۱۹۰
محورسازان‌ایران‌خودرو	۵۴۶۴	۲۶۰
بیمه پارسیان	۳۰۳۳	۱۴۴
افست	۱۳۸۱۵	۶۵۷
بانک‌پارسیان	۳۵۸۷	۱۷۰
نیروترانس	۱۹۴۰۰	۸۲۹
تولیدی چدن سازان	۱۲۴۳۸	۵۹۲
سرمایه گذاری اعتبارایران	۳۸۱۴	۱۸۱
سیمان‌هرمزگان	۷۵۹۸	۲۵۰
صنایع سیمان دشتستان	۹۰۴۲	۴۳۰
داروسازی‌فارابی	۲۷۱۶۲	۱۲۹۳
کارخانجات‌داروپخش	۲۱۳۲۲	۱۰۱۵
ایران‌خودرو	۷۲۲۰	۳۴۳
ایرکاپارت صنعت	۴۰۹۰	۱۹۴
داروسازی‌کوثر	۷۴۷۰	۳۵۵
بانک سینا	۲۶۶۸	۱۲۷
پارس‌الکتریک	۱۴۲۶۶	۶۷۹
سیمان‌خزر	۵۸۲۶	۲۷۷
سرمایه‌گذاری‌ملی‌ایران	۶۱۱۵	۲۹۱
دشت‌مرغاب	۸۸۰۹۷	۴۱۹۵
سایپاآذین	۲۷۳۴	۱۳۰
پست بانک ایران	۵۷۵۴	۲۷۴
فنرسازی‌زر	۴۶۰۴	۲۱۹
آسان پرداخت پرشین	۱۶۰۷۳	۷۶۵
سیمان‌شاهرود	۵۴۲۰	۲۵۸
کاشی‌الوند	۱۰۱۱۷	۴۸۱
دوده‌صنعتی‌پارس	۷۰۰۶	۳۳۳
سرمایه‌گذاری‌توکافولاد(هلدینگ)	۵۵۹۸	۲۶۶
آبسال	۲۶۵۴۰	۱۱۸۳
فرآوری‌موادمعدنی‌ایران	۵۹۸۷۸	۲۸۵۱
سامان‌گستراصفهان	۱۰۸۸۵	۵۱۸
فرآورده‌های‌تزریقی‌ایران	۱۴۹۰۸	۷۰۹
بانک صادرات ایران	۴۸۷	۲۱
سرمایه‌گذاری صنعت‌نفت	۶۱۰۰	۲۱۶
لیزینگ رایان‌سایپا	۱۹۷۶	۹۴
توریستی ورفاهی آبادگران ایران	۵۹۲۵	۲۸۲
سرمایه گذاری پردیس	۲۹۷۵	۱۴۱
کنترل‌خوردگی‌تکین‌کو	۱۴۳۷۶	۶۸۴
معادن‌بافق	۷۲۴۸۴	۳۴۵۱
کربن‌ایران	۲۴۴۸۴	۱۱۶۵
داروسازی‌ابوریحان	۲۹۶۹۵	۱۴۱۴
قندنیشابور	۱۴۵۸۳	۶۹۴
صنایع پتروشیمی کرمانشاه	۱۱۲۶۶	۴۸۷
سایپاآذین	۱۱۰۴	۳۷
قندثابت‌خراسان	۱۹۵۵۷	۹۳۱
تجارت الکترونیک پارسیان	۴۰۹۰	۱۹۴
سرمایه‌گذاری‌رنا(هلدینگ)	۱۶۴۱	۷۸
صنعتی‌آما	۷۵۶۴	۳۰۸
سرمایه‌گذاری‌بهمن	۳۵۵۰	۵۱
صنایع‌کاغذسازی‌کاوه	۹۱۵۱	۴۳۵
مارگارین	۹۰۹۰	۴۳۲
لبنیات‌کالبر	۱۱۰۵۹	۵۱۹
داروسازی‌جابرابن‌حیان	۹۲۰۰	۴۳۳
مهرکام‌پارس	۲۵۸۸	۱۲۳
گروه‌صنعتی‌بوتان	۲۳۲۸۷	۱۱۰۸
تامین‌ماسه‌ریخته‌گری	۱۹۷۰۰	۴۰۴
سیمان‌هرمزگان	۵۵۳۰	۱۴۱
کارخانجات تولیدی شهیدقندی	۱۴۸۹۰	۵۱۱
پلاسکوکار	۳۸۱۲	۱۸۱
سرمایه‌گذاری‌سایپا	۱۶۳۵	۷۶
قطعات‌اتومبیل‌ایران	۶۱۸۰	۲۹۴
نیرومحرکه	۶۹۱۱	۳۲۹
به پرداخت ملت	۱۸۱۰۰	۶۶۶
تولیدی‌کاشی‌تکسرام	۹۰۰۱	۵۴
واسپاری ملت	۳۱۷۰	۱۰۷
کاشی‌پارس	۲۵۱۰۰	۸۳۵
داده‌پردازی‌ایران	۸۸۶۹	۲۵۶
کشت‌وصنعت‌چین‌چین	۴۰۴۵۰	۱۳۱۲
سیمان‌اصفهان	۲۸۲۳۰	۳۲۵
قندهکمتان	۲۶۶۰۹	۱۲۶۷
لیزینگ‌ایران	۳۱۰۸	۱۴۸
سیمان‌خاش	۲۶۷۵۹	۱۲۷۴
کمک‌فنرایندامین	۶۲۲۳	۲۹۶
بانک تجارت	۴۵۹	۱۵
پشم‌شیشه‌ایران	۲۹۱۹۰	۷۵۲
ایران‌ارقام	۶۲۹۰	۱۶۱
تولیدمواداولیه‌داروپخش	۲۳۷۲۸	۱۰۱۷
توسعه‌شهری‌توس‌گستر	۳۲۸۹	۱۵۶
پالایش نفت تبریز	۳۳۹۰۰	۱۰۱۹
سرمایه گذاری گروه توسعه ملی	۳۹۶۹	۷۱
بانک پاسارگاد	۲۲۴۰	۵۴
فولادخوزستان	۹۲۰۲	۲۳۸
داروسازی زاگرس فارمدپارس	۹۲۵۰	-۱۰۲
پالایش نفت بندرعباس	۱۶۹۹۹	۱۸۵
سالمین	۲۸۱۴۷	۱۳۴۰
قندمرودشت	۲۰۰۲۰	-۲۵۹
پگاه‌آذربایجان‌غربی	۷۲۹۰	۲۶۹
خدمات‌انفورماتیک	۱۴۶۵۰	۱۳۰
فراورده‌های‌نسوزایران	۲۵۴۲۹	۲۵۸
لامپ‌پارس‌شهاب	۲۲۵۹۲	۷۸۹
سرمایه گذاری صندوق بازنشستگی	۳۶۹۴	۳۶
س.نفت‌وگازوپتروشیمی تأمین	۲۸۹۰	۱۵
نوردوقطعات‌فولادی	۲۵۶۶۱	-۶۷
پالایش نفت اصفهان	۱۳۸۵۰	۲۳۹
پارس‌سرام	۲۹۸۹۷	۴۹۱
سایپا	۱۸۸۹	۶
تراکتورسازی‌ایران	۱۱۷۲۲	-۷۱
پالایش نفت تهران	۶۲۱۲	۲۶
سبحان دارو	۹۸۴۶	۱۵۶
لنت‌ترمزایران	۴۲۴۹۰	۹۷
گروه مدیریت سرمایه گذاری امید	۶۴۳۴	۲
سرمایه گذاری صدرتامین	۲۹۱۴	۶۶
درخشان‌تهران	۴۳۴۰۰	۴۸۲
شرکت ارتباطات سیارایران	۱۳۰۴۵	-۲۸
گروه پتروشیمی س.ایرانیان	۲۶۱۰	-۱۱
صنایع‌آذرآب	۵۳۰۰	۷۱
بهنوش‌ایران	۱۷۷۷۷	-۲۹۶
گسترش نفت وگازپارسیان	۶۵۳۳	۰
پالایش نفت اصفهان	۱۳۶۱۱	۰
رادیاتورایران	۹۹۹۰	-۱۰۸
پارس‌سویچ	۱۷۵۰۱	۸۳۳
صنایع‌خاک‌چینی‌ایران	۵۵۰۰	۱۸
فیبرایران	۳۵۷۷	۱۶
ملی کشت وصنعت ودامپروری پارس	۳۰۸۵۰	۳۱۵
همکاران سیستم	۷۵۴۶	۵۴
نوردآلومینیوم	۴۹۲۰	۱۴۰
بانک خاورمیانه	۳۶۰۰	-۲۸
پتروشیمی خراسان	۱۹۲۰۰	۱۲۵
سرمایه گذاری مسکن شمال شرق	۲۴۰۰	۲۹
سیمان‌هگمتان	۸۲۷۲	-۱۵۶
پتروشیمی فناوران	۶۹۹۵۵	۲۲
فولادکاوه جنوب کیش	۵۰۰۰	-۴
پتروشیمی پردیس	۲۴۸۸۰	۱۹
سرمایه‌گذاری‌غدیر(هلدینگ)	۲۸۹۰	-۲۹
سرمایه‌گذاری‌توسعه‌ملی	۳۳۵۰	۵۸
داده گسترعصرنوین-هایوب	۹۱۹۰	۳۱
کشت‌وصنعت‌پیاذر	۱۷۲۰۰	۲۶۴
گروه‌صنعتی‌بارز	۶۴۴۸	-۴۱
گروه دارویی سبحان	۷۰۹۷	۱۱
سرمایه‌گذاری‌سپه	۳۲۷۰	-۶
کارت اعتباری ایران کیش	۴۵۸۵	۴۷
سرمایه‌گذاری صنایع پتروشیمی	۶۵۷۴	۳۴
تامین سرمایه امید	۲۱۳۱	-۳۶
فولادمبارکه اصفهان	۴۵۰۰	-۹
گروه توسعه صنعتی ایران	۵۲۳۵	۸۱
پتروشیمی نوری	۳۳۶۱۰	-۲۱۲
سیمان‌بهبهان	۲۳۰۴۹	-۴۱۰
سازه‌پویش	۶۱۵۸۰	-۳۲۴۱
زامیاد	۱۶۵۹	۳
ریخته‌گری‌تراکتورسازی‌ایران	۲۰۶۴۸	۷۶
لابراتوارداروسازی‌دکترعبیدی	۳۶۴۵۳	-۶۰۰
معدنی‌املاح‌ایران	۳۱۷۹۲	-۲۳۷
پمپ‌سازی‌ایران	۹۳۰۱	-۱۴۴
جام‌دارو	۱۹۷۸۰	۱
فولادمبارکه اصفهان	۴۴۷۵	-۳۴
نفت‌بهران	۱۹۹۸۹	-۱۱۷
بیسکویت‌گرجی	۲۵۴۸۶	۴۱۲
پلی پروپیل نجم-جم پیلن	۲۸۱۴۱	-۲۲۷
شکرشاهرود	۱۸۵۱۱	۶۹
ملی‌سرب‌وروی‌ایران	۲۵۳۰۴	۱۸۶
تکنوتار	۶۱۶۹	۱۱۸
پتروشیمی پارس	۴۶۶۴۲	۰
کارتن‌ایران	۵۵۰۰۰	-۸۵۱
توسعه‌معادن‌وفلزات	۴۳۰۴	-۴۰
پرداخت الکترونیک سامان کیش	۱۳۹۲۰	-۶۴
سرمایه گذاری توسعه صنعت وتجارت	۳۰۴۹	-۴۸
لیزینگ ایرانیان	۲۳۶۶	-۵
پتروشیمی نوری	۳۳۵۰۰	-۳۲۲
فروشگاه های زنجیره ای افق کوروش	۶۰۶۳۰	-۸۴
تامین سرمایه نوین	۳۰۶۸	-۷۹
سرمایه‌گذاری‌توسعه‌آذربایجان	۱۳۵۲۰	۳۷۰
صنایع‌ریخته‌گری‌ایران	۱۶۵۲	۰
سیمان‌آرتااردبیل	۱۵۰۸۹	-۱۶۴
توسعه‌صنایع‌بهشهر(هلدینگ)	۴۱۷۹	-۲
دارویی‌لقمان	۷۴۷۰	۱۳
گروه‌بهمن	۲۰۲۰	-۲۳
معدنی‌املاح‌ایران	۳۴۴۴۱	-۲۶۰
مخابرات ایران	۳۹۰۰	-۱۲۰
فولادامیرکبیرکاشان	۱۵۶۰۰	-۲۶۴
گسترش نفت وگازپارسیان	۶۴۹۰	-۴۳
پتروشیمی شازند	۷۶۹۹	-۱۱۹
بین‌المللی‌محصولات‌پارس	۹۵۸۵	-۱۱۹
ایران‌تایر	۱۴۹۸۷	۴۰
سینتا	۷۶۸۴۵	۱۴۱
سیمرغ	۱۲۸۵۰	-۱۴۶
لوله‌وماشین‌سازی‌ایران	۱۷۴۳۷	-۱۹۰
پارس‌خودرو	۱۴۰۳	-۲۷
بورس اوراق بهادارتهران	۱۲۲۲۱	-۱۶۷
سیمان‌صوفیان	۳۹۲۷	-۱۵۷
ایران‌مرینوس	۲۲۹۰۰	-۷۵۹
سیمان خوزستان	۵۵۲۵	-۶۹
توسعه معدنی وصنعتی صبانور	۷۳۷۹	-۳۹
ایران‌ترانسفو	۸۶۷۵	-۱۴۳
س.صنایع‌شیمیایی‌ایران	۱۱۵۲۴	-۱۷۰
شهد	۱۶۷۲۸	-۳۶۹
سرمایه‌گذاری‌آتیه‌دماوند	۳۷۷۹	-۵۸
داروسازی‌اکسیر	۳۵۳۵۶	-۶۰۲
پتروشیمی جم	۱۲۲۳۴	-۳۱۸
کارخانجات‌تولیدی‌شیشه‌رازی	۷۶۵۷	-۵۴
بیمه دانا	۵۸۹۰	-۹۰
ذغال‌سنگ‌نگین‌طبس	۱۴۸۹۸	۵۹
ملی‌صنایع‌مس‌ایران	۵۰۵۰	-۵۱
سرمایه گذاری نورکوثرایرانیان	۲۱۱۴	-۴۲
حمل ونقل پتروشیمی(سهامی عام)	۲۳۷۰۵	-۴۵۹
صنایع پتروشیمی خلیج فارس	۶۶۸۸	-۱۲۶
کشتیرانی جمهوری اسلامی ایران	۶۴۶۱	-۱۸۹
سیمان‌کرمان	۵۱۹۹	-۷۱
ماشین‌سازی‌اراک	۲۴۳۰	-۳۶
شیشه‌وگاز	۱۳۵۰۰	-۳۹۲
عمران‌وتوسعه‌فارس	۲۴۸۰	-۵۸
فرآورده‌های‌نسوزپارس	۳۱۷۰۰	-۲۴۳
پتروشیمی مبین	۹۸۵۰	-۳۳۷
معادن‌منگنزایران	۲۷۰۰۳	-۳۵۹
صنایع لاستیکی‌سهند	۷۸۴۰	-۲۰۸
باما	۱۶۰۴۹	-۱۴۱
ملی‌صنایع‌مس‌ایران	۴۹۹۴	-۱۰۷
سیمان‌مازندران	۳۷۴۰	-۶۸
کاشی‌سعدی	۹۷۲۹	-۵۲
سیمان خوزستان	۳۹۳۱	۵
البرزدارو	۱۰۳۰۴	-۴۲۷
معدنی‌دماوند	۵۷۲۵۹	-۹۸
سرمایه گذاری شفادارو	۹۶۵۱	-۲۵۲
پتروشیمی فجر	۱۰۵۸۰	-۶۱
پتروشیمی‌شیراز	۱۱۲۰۰	-۱۳۱
ایران‌یاساتایرورابر	۷۹۳۰	-۲۱۰
آلومینیوم‌ایران	۵۹۳۳	-۱۰۴
حمل‌ونقل‌توکا	۱۶۳۵۰	-۵۹۰
سرماآفرین	۷۵۶۲	-۲۵۳
فروسیلیس‌ایران	۱۴۱۳۵	-۱۷۲
شیمی‌داروئی‌داروپخش	۱۳۹۰۰	-۲۱۴
سیمان‌ایلام	۹۸۰۰	-۱۴۹
گسترش‌صنایع‌وخدمات‌کشاورزی	۱۵۲۰۲	-۴۲۷
فرآورده‌های‌غذایی‌وقندپیرانشهر	۳۱۵۰۰	-۸۳۴
صنایع‌جوشکاب‌یزد	۳۹۵۰۱	-۱۱۶۲
سیمان‌شمال	۴۰۲۱	-۱۰۶
داروسازی‌امین	۱۰۴۹۹	-۲۵۶
سرمایه گذاری توسعه صنایع سیمان	۲۹۰۰	-۱۱۱
توسعه‌معادن‌روی‌ایران	۶۷۹۰	-۱۲۹
قندلرستان	۱۱۹۱۴	-۷۹
صنایع‌شیمیایی‌سینا	۵۵۳۳۲	-۱۴۵۵
بانک‌اقتصادنوین	۴۷۲۰	-۱۲۹
خوراک‌دام‌پارس	۴۲۰۰۰	-۶۳۳
گروه‌صنعتی‌ملی(هلدینگ)	۷۲۰۳۰	-۲۷۹۹
صنایع‌شیمیایی‌فارس	۵۹۲۹	-۱۴۵
سیمان‌فارس‌وخوزستان	۴۲۲۰	-۱۴۱
بیمه ملت	۴۱۲۹	-۱۱۰
کمباین‌سازی‌ایران	۲۸۲۵	-۴۶
موتورسازان‌تراکتورسازی‌ایران	۵۳۴۰	-۱۷۰
گروه صنعتی پاکشو	۶۳۱۲۰	-۲۱۹۶
تایدواترخاورمیانه	۱۶۷۹۹	-۴۸۹
قنداصفهان	۲۸۹۵۰	-۸۳۰
ایران‌دارو	۷۰۱۵	-۲۶۵
سرامیک‌های‌صنعتی‌اردکان	۱۱۵۶۸	-۳۴۵
رینگ‌سازی‌مشهد	۵۱۹۰	-۷۴
تولیدی‌مهرام	۲۸۸۰۰	-۶۲۲
سرمایه گذاری دارویی تامین	۱۸۰۲۰	۰
سرمایه‌گذاری‌نیرو	۱۷۲۰	-۴۷
معدنی وصنعتی گلگهر	۶۹۲۰	-۲۱۲
کالسیمین	۱۳۲۷۸	-۲۷۳
عمران‌وتوسعه‌فارس	۱۳۵۰	-۳۴
گروه‌صنعتی‌سپاهان	۱۲۳۳۰	-۹۰
شهدایران	۱۴۳۶۶	-۵۰۴
حمل ونقل بین المللی خلیج فارس	۳۶۰۰	-۹۷
سیمان‌شرق	۲۳۲۰	-۱۰۵
گروه‌صنایع‌بهشهرایران	۳۳۷۰	-۱۴۵
پتروشیمی‌خارک	۲۳۵۵۹	-۱۰۳۱
داروسازی‌اسوه	۱۴۹۹۹	-۶۹۹
سیمان‌سپاهان	۲۴۱۷	-۴۸
سرمایه گذاری خوارزمی	۱۹۳۱	-۶۲
بیمه آسیا	۴۱۹۲	-۱۵۷
صنایع‌خاک‌چینی‌ایران	۲۷۰۰۰	-۷۵۷
بین‌المللی‌توسعه‌ساختمان	۲۰۹۲	-۴۶
فولادخراسان	۱۴۱۵۰	-۵۳۲
لیزینگ‌صنعت‌ومعدن	۲۲۱۶	-۹۲
شیشه‌همدان	۸۶۰۰	-۲۴۷
فولادآلیاژی ایران	۶۷۴۹	-۲۵۵
داروپخش(هلدینگ)	۳۶۴۹۹	-۱۳۶۰
دارویی‌رازک	۲۱۶۰۱	-۷۹۴
چرخشگر	۳۹۲۰	-۱۱۳
صنایع‌کاشی‌وسرامیک‌سینا	۹۶۴۸	-۵۰۷
سیمان‌سفیدنی‌ریز	۲۷۰۰۱	-۱۰۲۵
معدنی‌وصنعتی‌چادرملو	۵۴۳۷	-۱۴۳
پارس‌خزر	۴۴۳۰۰	-۸۱۷
سرمایه‌گذاری‌صنعت‌بیمه	۷۳۵۵	-۳۱۶
نوسازی‌وساختمان‌تهران	۲۵۰۷	-۱۳۱
موتوژن	۱۹۰۵۱	-۷۸۸
حفاری شمال	۵۱۴۶	-۲۶۶
نیروکلر	۱۷۳۹۰	-۸۱۲
سیمان‌دورود	۲۹۹۵	-۱۴۲
سرمایه‌گذاری‌بوعلی	۳۶۵۸	-۱۴۵
مهندسی‌نصیرماشین	۶۵۰۰	-۲۵۳
فنرسازی‌خاور	۱۳۰۴۸	-۶۸۶
سرمایه‌گذاری‌مسکن	۱۸۱۵	-۷۱
سیمان‌قائن	۱۸۷۰۰	-۵۸۴
فرآورده‌های‌نسوزآذر	۸۳۰۰	-۳۲۰
بیمه البرز	۲۵۷۳	-۱۳۵
سرمایه‌گذاری‌شاهد	۲۱۹۹	-۸۲
گروه مپنا(سهامی عام)	۱۰۲۷۹	-۳۹۷
لامیران	۳۲۸۸۹	-۱۳۱۲
پاکسان	۱۳۷۹۰	-۷۲۵
صنعتی‌بهشهر	۸۹۵۵	-۲۲۶
سرمایه گذاری ساختمان ایران	۱۴۸۰۴	-۵۸۸
ساپاشیشه	۵۶۷۰	-۲۳۸
بورس کالای ایران	۱۳۵۰۰	-۷۱۰
آلومراد	۲۵۱۲۹	-۱۳۲۲
موتورسازان‌تراکتورسازی‌ایران	۳۸۷۰	-۲۵۲

بقیه از صفحه ۶

افتتاح موزه نفت‌سوزها در کرمان تا پایان امسال

کرمان– خبرنگار اطلاعات: مدیر موزه‌ها و مرکز اسناد صنعت نفت از افتتاح موزه نفت‌سوزها در کرمان تا پایان سال جاری خبر داد و اعلام کرد: امیدواریم تا پایان سال جاری بتوانیم در موزه را به‌روی مردم کرمان بگشاییم.

دکتر اکبر نعمت‌اللهی در خصوص آخرین وضع باغ موزه نفت (کنسولگری انگلیس) در کرمان گفت: تمامی کارهای ساختمانی این باغ موزه از جمله ایمنی و امنیتی آن به‌انجام رسیده و آماده برای کارهای موزه‌ای است و به‌زودی مراحل پایانی طراحی دکوراسیون داخلی این موزه به پایان خواهد رسید.

او بیان کرد: موزه نفت‌سوزها به موضوعات مختلفی تقسیم شده است و هر اتاق عمارت کنسولگری انگلیس در کرمان به یک موضوع نفت‌سوزها اختصاص پیدا خواهد کرد لذا هر اتاق با توجه به موضوع خاص آن، طراحی متفاوتی خواهد داشت که امیدواریم تا ماه آینده همه طراحی‌های این موزه به پایان برسد و اقدامات اجرایی چیدمان موزه آغاز شود.

وی با تاکید برآنکه با انتخاب و چیدمان درست، زیبایی را در خدمت این موزه قرار خواهیم داد، مطرح کرد: این موزه در نوع خود در کشور منحصر به فرد خواهد بود و هیچ موزه‌ای با موضوعیت نفت‌سوزها در کشور نداریم که این موضوع بر وسواس اجرای کار اصولی و با کیفیت در راه اندازی این موزه را چند برابر کرده است.مدیر موزه‌ها و مرکز اسناد صنعت نفت در پاسخ به این سوال که آیا این موزه به‌گونه‌ای خواهد بود که افراد را راغب به بازدیدهای مکرر کند؟ گفت: قطعا این موزه یک موزه بین‌المللی خواهد شد و ضمن آنکه باغ و عمارت آن دیدنی است و اشیای داخل آن نیز دیدنی‌تر خواهد بود.

نعمت‌اللهی در پایان گفت: هر روز به یک ابزار جدیدتری که نفت‌سوز بودند، می‌رسیم به‌طور مثال رادیو نفت‌سوز، چراغ دوچرخه نفت‌سوز، پنکه نفت‌سوز، یخچال نفتی، چراغ روشنایی دوچرخه نفتی، چراغ نفتی کالسکه‌ها، ویدئوپروژکتور نفتی، اسلایدشی نفتی و.... و در مجموع اشیایی پیدا کردیم که همه آنها منحصر به‌فرد بوده اما باید همچنان به جستجوهای خود ادامه دهیم تا وسایل نفتی دیگری نیز بیابیم.

ایجاد رشته تحصیلی «حمل و نقل» در مدارس مازندران

ساری–خبرنگار اطلاعات: تفاهم‌نامه مشترک اداره‌کل آموزش و پرورش واداره‌کل راهداری و حمل و نقل جاده‌ای مازندران برای ایجاد رشته حمل و نقل در مدارس فنی و حرفه‌ای و کاردانش مازندران منعقد شد.

معاون آموزش متوسطه اداره‌کل آموزش و پرورش مازندران بر ضرورت جذب دانش‌آموزان در شاخه فنی و حرفه‌ای تأکید کرد و گفت: امروزه حمل و نقل زیربنای توسعه هر کشور است و در مازندران نیز بنا داریم با کمک اداره‌کل راهداری مازندران به این مسأله توجه ویژه‌ای شود.اسفندیار نظری با بیان اینکه در تلاش هستیم دانش آموزان را در بخش فنی و حرفه‌ای و کاردانش به سمت حمل و نقل سوق دهیم، اظهار کرد: در مازندران ۴۲ هزار و ۵۰۰ دانش‌آموز در حوزه فنی و حرفه‌ای و کاردانش در حال تحصیل هستند.

وی با بیان این که مازندران سومین استان کشور است که رشته حمل و نقل را در مدارس ایجاد کرده، تصریح کرد: کلاس‌های رشته حمل و نقل برای نخستین‌بار در مازندران به‌صورت پایلوت با حضور ۲۰ دانش‌آموز در سال تحصیلی ۹۸ و ۹۹ در شهرستان بابل برگزار می‌شود

او گفت: تلاش می‌کنیم این رشته برای سال‌های آینده در استان مازندران توسعه پیدا کند.

معاون حمل و نقل اداره‌کل راهداری و حمل و نقل جاده‌ای مازندران نیز یکی از خلأهای این اداره‌کل در بخش آموزش را بحث فقدان رشته حمل و نقل در مدارس دانست و گفت: ۶۱۲ هزار راننده در بخش کالا و خدمات در کشور فعال هستند که ۲۶ هزار نفر آن سهم مازندران است.علی نصیری یکی از الزامات در بخش رانندگی حمل و نقل را داشتن کارت هوشمند رانندگان دانست و اظهار کرد: ۱۷ هزار راننده حمل و نقل استان مازندران دارای مدرک تحصیلی سیکل به پایین هستند که از این‌رو به دنبال ایجاد رشته حمل و نقل در مدارس استان هستیم.

اعتبار ساخت نمایشگاه بزرگ اصفهان تأمین شده است

اصفهان– خبرنگار اطلاعات: اعتبار مورد نیاز ساخت نمایشگاه بین‌المللی بزرگ اصفهان تأمین شده است و در هیات مدیره شرکت نمایشگاه‌های بین‌المللی استان اصفهان نیز مقرر شد تا در مورد باقی مانده اعتبار مورد نیاز این طرح چاره اندیشی کنند. شهردار اصفهان در جلسه بررسی پیشرفت طرح‌های عمرانی شهر که در محل طرح نمایشگاه بزرگ بین‌المللی اصفهان برگزار شد با بیان این مطلب افزود: از یک و نیم سال پیش تاکنون ۱۴۰ میلیارد تومان برای اجرای این طرح هزینه شده است. قدرت‌الله نوروزی گفت: برای تسریع در ساخت طرح نمایشگاه بزرگ اصفهان ۹۳ قرارداد امضاء شده است و به‌زودی مرحله نخست این طرح افتتاح خواهد شد. شهردار اصفهان، اجرای این طرح را برای کلانشهر اصفهان بسیار لازم و ضروری دانست و افزود: طرح نمایشگاه بین‌المللی بزرگ اصفهان موجب رونق بخشی منطقه شرق اصفهان خواهد شد. مدیرعامل شرکت نمایشگاه‌های بین‌المللی استان اصفهان نیز از پیشرفت ۷۰ درصدی پروژه نمایشگاه بزرگ اصفهان خبر داد و گفت: تلاش می‌کنیم مرحله نخست این طرح در سریع‌ترین زمان ممکن به بهره برداری برسد. علی یارمحمدیان افزود: سالن اصلی نمایشگاه بزرگ اصفهان ۱۵هزار مترمربع وسعت دارد و برپایی سه نمایشگاه همزمان در آن پیش‌بینی شده است. او گفت: صرفه جویی‌های بسیار قابل توجهی در این طرح شده به طوری که فقط اصلاح و بازنگری یکی از قراردادها، میلیاردها تومان صرفه‌جویی ایجاد کرده است. حسین امیری، معاون خدمات شهری شهردار اصفهان نیز با بیان اینکه چهار و نیم هکتار فضای سبز در محوطه طرح نمایشگاه بزرگ اصفهان پیش‌بینی شده و تا سه ماه آینده به بهره‌برداری می‌رسد.

فرونشست برخی از اراضی کشور

اراک– خبرنگار اطلاعات: مدیرکل حفاظت محیط زیست استان مرکزی گفت: متاسفانه برداشت بیش از حد از سفره‌های زیرزمینی باعث فرونشست برخی اراضی کشور شده است واین موضوع را درقسمتی از استان مرکزی شاهد هستیم.

رضا میرزایی درگفتگو باخبرنگار ما با بیان اینکه در ۳۰ سال گذشته دربرخی مناطق سطح سفره‌های زیرزمینی از ۵متر تا ۲۷ متر کاهش پیدا کرده است افزود: دربرخی دشت‌ها حدود یک مترونیم فرونشست داریم که می تواند بسیار خطرناک باشد.

وی دومین مطالبه مردم استان مرکزی درسفر رئیس جمهوری پس از اشتغال را موضوعات زیست محیطی اعلام کردو گفت: این استان علاوه بر اینکه صنعتی است ازنظر محیط زیست طبیعی هم شاخص‌های خاصی دارد. وی با بیان اینکه منطقه حفاظت شده هفتاد قله از زیستگاه‌های مهم کشور است یادآورشد:این منطقه از دهه ۴۰ باکمترین امکانات بهترین نگهداری وحفاظت را داشته است.

میرزایی با اشاره به اینکه برخی کشورها با پیشرفته‌ترین تجهیزات برخی از گونه‌های حیات وحش خود را ازدست داده‌اند گفت: از ۱۵۰ سال گذشته که شیرایرانی را از دست داده‌ایم هیچ گونه دیگری را از دست نداده‌ایم گرچه برخی گونه‌ها درمعرض خطر انقراض هستند اما با این امکانات وبا کمک‌های مردمی توانسته‌ایم حیات وحش خود را حفظ کنیم.

وی با بیان اینکه سال ۹۲ یک سوم روزهای سال آلوده وناسالم بوده است افزود: این رقم اینک به کمتر از ۲۰روز درسال رسیده است.

او با اشاره به اینکه در تمام جایگاه‌های استان مرکزی سوخت پاک توزیع می‌شود اظهارداشت: علاوه بر توزیع سوخت یورو ۴ در جایگاه‌ها، سوخت نیروگاه حرارتی شازند هم باوجود اینکه طراحی آن با استفاده از سوخت مازوت انجام شده هم اینک ۴سال است که این نیروگاه از سوخت گاز استفاده می‌کند واین موضوع نقش عمده‌ای درکاهش تعداد روزهای آلاینده داشته است.

میرزایی با اشاره به فعالیت شرکت املاح معدنی درتالاب میقان اراک هم گفت: پسماندهای این شرکت به چاله‌های تالاب برنمی گشت وباعث برهم خوردن توازن اکولوژیکی منطقه شده بود زیرا آب‌ها درچاله‌ها جمع و سطح ۱۲ هزار هکتاری تالاب خشک می‌شد و کانون ریز گردها و آلودگی زیست محیطی را بدنبال داشت.

وی افزود: درسالهای جاری خوشبختانه خط انتقال باطله این شرکت بوسیله پمپ ولوله قبل ازهفته دولت افتتاح شد وچاله‌هایی که مواد معدنی از آن برداشت می‌شود با پسماند وباطله‌ها که محیط زیست آنالیز کرده وخطری برای تالاب بوجود نمی‌آورد پر می‌شود.

میرزایی با اشاره به کشت گونه قره داغ در ۲۷۰ هکتار از اراضی اطراف تالاب میقان گفت: در سال‌های گذشته ازمحل اعتباری که سازمان از ریز گردها تخصیص داد توانستیم قره داغ کشت کنیم وبرنامه‌ریزی کرده‌ایم که در ۱۰سال آینده تمام نقاطی که قابلیت خیزش ریز گردها دراطراف تالاب میقان را دارند باهمکاری منابع طبیعی و با کشت گیاهانی که از پیشرفت بیابان‌زایی جلوگیری می‌کنند استفاده کنیم.

سامانه بازارگاه نهاده‌های کشاورزی در آذربایجان‌شرقی راه‌اندازی شد

تبریز– خبرنگار اطلاعات: معاون بهبود تولیدات دامی سازمان جهادکشاورزی آذربایجان‌شرقی با اشاره به راه‌اندازی سامانه بازارگاه نهاده‌های کشاورزی در این استان، گفت: توزیع، خرید و عرضه کنجاله سویا از طریق این سامانه انجام می‌شود.

حبیب شریفیان در نخستین جلسه کارگروه استانی تسهیل و تسریع در توزیع نهاده‌ها، با بیان اینکه رمز ورود به سامانه در اختیار تولید کنندگان واقعی قرار خواهد گرفت، اظهار کرد: با راه اندازی این سامانه مرغداران، دامداران و کارخانه‌های تولید خوراک دام و طیور، بدون واسطه از تولید کننده واقعی خرید می‌کنند و خرید و فروش نهاده‌های دامی با قیمت مصوب به صورت کنترل شده زیر پوشش بانک کشاورزی انجام می‌شود.

وی با بیان اینکه بازار کنجاله سویا به ثبات رسیده است و در خصوص تأمین این نهاده نه فقط مشکلی در کشور و استان وجود ندارد، بلکه مازاد بر نیاز تولیدکنندگان استان هم در انبارها ذخیره شده است، افزود: مرغداران، دامداران و کارخانه‌های خوراک دام و طیور باید در این سامانه ثبت‌نام کنند و بعد از تأیید و دریافت رمز عبور از سوی معاونت بهبود تولیدات دامی سازمان جهاد کشاورزی استان، نسبت به خرید کنجاله سویای مورد نیاز خود اقدام کنند.

شریفیان با بیان اینکه همه مسئولیت‌های مربوط به خرید و فروش کنجاله سویا بر عهده کاربر خواهد بود افزود: هدف از ایجاد این سامانه تحویل نهاده‌های دام و طیور به تولیدکنندگان واقعی و جلو گیری از ورود دلالان و واسطه‌ها به این عرصه است.

معاون بهبود تولیدات دامی سازمان جهاد کشاورزی آذربایجان‌شرقی با بیان اینکه در حال حاضر توزیع کنجاله سویا در استان سهمیه‌بندی نیست و تولیدکنندگان می‌توانند کنجاله سویای مورد نیاز خود را به‌صورت آزاد تأمین کنند، ادامه داد: حمل هر نوع نهاده و فرآورده‌های دامی مستلزم دریافت گواهی بهداشتی از سوی دامپزشکی است.

مصرف‌کنندگان باید وصول نهاده‌های دام و طیور را حداکثر در یک هفته تأیید کنند و در سامانه انبارها به دامپزشکی نیز اطلاع دهند تا به عنوان کالای قاچاق از سوی دستگاه‌های نظارتی مورد پیگیری قرار نگیرند.معاون بهبود تولیدات دامی سازمان جهادکشاورزی استان افزود: تولید کنندگان برای ثبت نام می‌توانند به سامانه بازارگاه نهاده‌های کشاورزی به آدرس www.sps.bki.ir مراجعه کنند.

بسیج دستگاه‌های اجرایی برای جبران خسارات ناشی از بارش تگرگ

ارومیه ـ خبرنگار اطلاعات: استاندار آذربایجان‌غربی با اشاره به خسارت‌های وارده به باغات بخش‌هایی از شهرستان ارومیه بر اثر بارش تگرگ، جبران خسارت‌ها را اولویت اساسی دستگاه‌های اجرایی دانست. محمدمهدی شهریاری در نشست فوق‌العاده مدیریت بحران به منظور بررسی وضع باغات خسارت دیده شهرستان ارومیه بر اثر بارش تگرگ اضافه کرد: بر اساس برآوردهای اولیه سازمان جهادکشاورزی ۳ هزار و ۲۰۰ هکتار از اراضی و باغات شهرستان ارومیه بر اثر بارش تگرگ و جاری شدن سیل دچار خسارت شده‌اند. وی افزود: از مجموع این میزان خسارت ۲ هزار و ۲۰۰ هکتار مربوط به باغات و بقیه هم متعلق به اراضی کشاورزی است.شهریاری با بیان اینکه باغات سیب و انگور ۲۶ روستای شهرستان ارومیه دچار خسارت شده است اضافه کرد: مقرر شد تا کارخانجات کنسانتره انگور باغداران مناطق خسارت دیده را با قیمت ۱۶۰۰ تومان و سیب را نیز با نرخ پایه ۷۰۰ تومان خریداری کنند.استاندار آذربایجان‌غربی با اشاره به اینکه برخی باغداران توانایی پرداخت هزینه حمل محصول از باغ تا کارخانجات کنسانتره را ندارند، دستور داد تا با هماهنگی تعاون روستایی، سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی استان هزینه‌های حمل را پرداخت کنند.

عملکرد شهرداری بافق فراتر از انتظار بوده است

یزد– خبرنگار اطلاعات: رئیس سازمان شهرداری ها و دهیاری‌های کشور عملکرد شهرداری بافق را فراتر از انتظار شهری همتراز خود بیان کرد.

مهدی جمالی نژاد در نشست شهرداران استان یزد گفت: شهرداری بافق از اعتبارات تخصیصی به نحو مطلوب استفاده می‌کند و قابلیت انتقال تجربه در زمینه شهرسازی، زیرساخت‌ها به ویژه در حوزه گردشگری به سایر شهرستان‌ها را دارد.

وی با بیان این که اقدامات خلاقانه و نوآوری شهرداری بافق برای هر رهگذر لذت بخش و دلپذیر است، افزود: فضاسازی نوین و توسعه پایدار شهری در یک شهر کویری همچون بافق کاری بسیار ارزشمند، مثال‌زدنی و حائز اهمیت است.

او هر نوع کمک به بافق را نوعی سرمایه‌گذاری ارزشمند و قابل توجیه دانست و گفت: شهرداری بافق از اعتبارات تخصیصی به نحو مطلوب و در راستای پیشبرد اهداف و جلب رضایت شهروندان استفاده می‌کند که این مهم، شایسته تحسین است و قابلیت انتقال تجربه در زمینه شهرسازی، زیرساخت‌ها به ویژه در حوزه گردشگری به سایر شهرستان‌ها را دارد. معاون امور عمرانی وزیر کشور برخی از اقدامات چند سال اخیر شهرداری بافق در زمینه‌های مختلف را شامل ایجاد پارک بانوان، پارک آبشار، برگزاری جشنواره‌های نوروزی و تابستانی وبرگزاری نخستین سمپوزیوم ساخت مجسمه های شنی در شهرهای کویری ایران خواند و آن‌ها را در سطح کشور کم‌نظیر بیان کرد.

شهردار بافق نیز گفت: ما در کنار همه فعالیت های عمرانی و خدماتی به دنبال یک بسته کامل گردشگری هستیم که گردشگر به‌صورت خاص به شهر بافق سفر کند و در تمام اوقات شبانه‌روز از جاذبه‌های این شهر دیدن کند.

نوروززاده گفت: اقیانوسی از تلماسه‌های شنی در کویر، نخلستان‌های زیبا و برافراشته و فضای دل انگیز مجموعه تفرجگاه آبشار برای تمام ساعات روز آماده پذیرایی از گردشگران است.

دیدار کوتاه‌ترین مرد ایران با وزیر کشور

مشهد– خبرنگار اطلاعات: کوتاه‌ترین مرد ایران به همراه برادرش با وزیر کشور در مشهد دیدار کرد و با او گفتگوی صمیمانه‌ای داشت.

محمدحسین پرکاس ۵۰ ساله با ۶۸ سانتی‌متر قد و مرتضی پرکاس ۳۱ ساله با ۷۰ سانتی‌متر قد، دو برادر کوتاه‌قامتی هستند که در استان کرمان زندگی می‌کنند.

آرزوی این دو برادر کوتاه‌قامت زیارت بارگاه منور رضوی بود که با دستور علیرضا رزم‌حسینی استاندار خراسان رضوی، زمینه سفر آن‌ها به مشهد و تشرف به حرم مطهر امام رضا(ع) فراهم شد.

عبدالرضا رحمانی فضلی وزیر کشور در بازگشت از سفر قرقیزستان در استانداری خراسان رضوی با دو برادر کوتاه‌قامت دیدار و در فضایی صمیمانه با آن‌ها گفتگو کرد.

افتتاح نخستین خانه فرهنگ و هنر روستایی کشور در چاوشی شهرستان دشتی

کاکی ـ خبرنگار اطلاعات: نخستین خانه فرهنگ و هنر روستایی کشور در آیینی با حضور مسئولان محلی در روستای «چاوشی» از توابع شهرستان دشتی استان بوشهر راه‌اندازی شد.

سید کمال‌الدین شهریاری، نماینده مردم شهرستان‌های دشتی و تنگستان در مجلس شورای اسلامی در خانه فرهنگ و هنر شهید جعفری روستای چاوشی گفت: باتوجه به ظرفیت و سابقه درخشان روستای چاوشی، راه‌اندازی خانه فرهنگ و هنر در این روستا گامی مؤثر در راه شکوفایی و معرفی استعدادهای فرهنگی و هنری این دیار است.

وی یادآورشد: طرح راه‌اندازی خانه‌های فرهنگ و هنر روستایی در سطح ملی مورد توجه قرار گرفته و به عنوان پایلوت، طرح ملی در روستای چاوشی اجرا شده است.

حمید زارعی، رئیس اداره فرهنگ و ارشاد اسلامی دشتی نیزگفت: این اداره برای ارتقاء فرهنگی جامعه از توسعه فرهنگ و هنر در روستاها و مناطق عشایری دشتی نیز غافل نبوده و ایجاد نخستین خانه فرهنگ و هنر روستایی کشور در چاوشی، از جمله این اقدام‌هاست.

این خانه فرهنگ و هنر نقش مؤثری در توسعه فرهنگی و شکوفایی استعدادهای هنری ساکنان روستای چاوشی و روستاهای اطراف خواهد داشت.وی افزود: تلاش‌ها و پیگیری‌های سیدحسن باقری و پریزاد مرادی زوج هنرمند این روستا و همراهی بخشداری، شورای اسلامی و دهیاری روستا در راه‌اندازی این خانه فرهنگ اهمیت دارد.

در این مراسم از زحمات مسئول و مربیان خانه فرهنگ و هنر روستای چاوشی قدردانی شد.

توزیع کیف و لوازم‌التحریر در مناطق سیلزده استان گلستان

گرگان ـ خبرنگار اطلاعات: در سفر نمایندگان سازمان بین‌المللی کاریتاس (caritas) به استان گلستان و با نظارت اداره کل امور اتباع و مهاجرین خارجی استانداری، تعدادی کیف، کوله پشتی و لوازم‌التحریر در مناطق سیلزده آق قلا، گنبد کاووس و «مدرسه مهربانی» گرگان توزیع شد.بسته‌های اهدایی کاریتاس شامل ۳۰۸ عدد کیف، کوله و لوازم التحریر در منطقه «افغان آباد» گنبد کاووس توزیع و ۱۰۰ عدد کیف و کوله نیز در روستای «تازه‌آباد» آق‌قلا توزیع شد.

توسط نمایندگان کاریتاس همچنین ۱۷۰ دست لوازم تحریر شامل ۳ دفتر برای مقطع ابتدایی و ۶ دفتر برای مقطع راهنمایی، مدادهای رنگی، مشکی و قرمز، پاک کن، تراش، خط کش، جا مدادی، خودکار، لیوان و بسته بهداشتی شامل مسواک، خمیر دندان و لباس زیر برای توزیع در میان دانش‌آموزان کم بضاعت در سال جدید تحصیلی به «مدرسه مهربانی» گرگان تحویل شد و نمایندگان کاریتاس در نشستی با مدیرکل امور اتباع و مهاجرین استانداری گلستان حضور یافتند و ساخت سرویس بهداشتی و آبخوری در دبستان روستای «تازه آباد» آق قلا را بر عهده گرفتند.

رحمانی فضلی: پیشرفت ایران در دنیا با وجود تحریم‌های دشمن مشهود است

مشـــهدـ خبرنگار اطلاعات: وزیر کشور گفت: با وجود تحریم‌ها و فشارهای دشمن پیشرفت ایران در دنیا مشهود است.

عبدالرضا رحمانی فضلی در صدو چهلمین جلسه ستاد فرماندهی اقتصاد مقاومتی خراسان رضوی در مشهد افزود: ایران با وجود همه فشارها و تحریم‌ها در همه حوزه‌ها از جمله امنیت، علمی و پژوهشی پیشرفت‌های خوبی داشته و همه بهانه کشـــورهای استکباری و دعوای آنها با ما بر سر همین پیشرفت علمی و فناوری ماست.وی گفت: در حوزه اقتصادی هم با دارا بودن نیروی انسانی متخصص در همه زمینه‌ها، تجار زبده و مدیران خبره در زمینه تولید پیشـــرفت‌هایی داشته‌ایم اما چون دشمن به دنبال تحریم اقتصادی ما بوده این موضوع برای کشور مشکلاتی را به وجود آورده است.

وزیر کشـــور بعضی قوانین و مقررات از جمله ارائه برنامه و بودجه مناسب را از مهم ترین مشکلات در زمینه توســـعه اقتصاد بیان کرد و افزود: رفع این موانع مستلزم اراده ملی است.رحمانی فضلی با اشاره به تأکیدات اخیر رئیس‌جمهوری به استانداران در حوزه زیرساخت‌ها افزود: با هدف دستیابی سریع تر به توسعه اقتصادی و تولیدی در برخی قوانین به استانداران اختیاراتی داده شده که این کوتاه‌ترین راه برای پیشرفت است.

وی گفت: به دستور دکتر روحانی مقرر شده است هر استان سه طرح بزرگ و اصلی را در دو سال آینده به بهره برداری برساند.وزیر کشور با اشاره به جلسه اخیر با رهبر معظم انقلاب و تأکید بر رفع محرومیت در شهرها افزود: در ۳۱ شهرســـتان محروم ۳۱ استان اقداماتی برای رفع محرومیت برنامه ریزی شده و با تقسیم کشور به ۹ منطقه قرار است استانداران هر منطقه با همفکری برای رفع مشکلات حوزه خود اقدام کنند.رحمانی فضلی گفت: ستاد رفع موانع تولید هم در کشور به ریاست وزیر کشور و با حضور نمایندگان سه قوه تشکیل شده و هر تصمیمی که در این ستاد گرفته شود اجرایی است.

وی با اشاره به تملک دو هزارو ۲۰۰ واحد تولیدی در کشور از طریق بانک ها افزود: با دستور رئیس‌جمهوری باید مشکلات این واحدها با همکاری بانک ها رفع شوند.

وزیر کشـــور با اشـــاره به مصوبه دولت در زمینه سرمایه‌گذاری اتباع در کشور گفت: اتباع بیگانه‌ای که بتوانند ۲۵۰ هزار دلار در کشـــور سرمایه‌گذاری کنند از اقامت ۵ ساله بهره‌مند می‌شوند و این امر برای استان‌هایی چون خراسان رضوی که از نظر جغرافیایی موقعیت خاص دارد و با کشورهای مختلفی همسایه است، ظرفیت خوبی به شمار می‌رود.وزیر کشور در حاشیه نشست ستاد فرماندهی اقتصاد مقاومتی خراسان رضوی در مشهد گفت: وجود ۱۵ کشور در همسایگی ایران فضای بسیار مناسبی برای توسعه تبادلات و مراودات اقتصادی ایجاد کرده که لازمه تحقق آن واگذاری برخی اختیارات به استان‌هاست.

عبدالرضا رحمانـــی فضلی افزود: اختیاراتی از قبل توسط هیأت دولت به استان‌ها واگذار شده اما با توجه به اشتیاق استانداران بر تأثیرگذاری بیشتر در شرایط تحریم این اختیارات ناکافی به نظر می‌رسد.

وی اظهار داشـــت: کشورهای همسایه ایران دارای ظرفیت‌های بسیار هستند که در سال‌های گذشته نسبت به توسعه همکاری‌های اقتصادی با آنها کم کاری کرده‌ایم و حتی نتوانسته‌ایم پروازهای مستقیم با شهرهای آنها برقرار کنیم.وزیر کشور گفت: در صورتی که به استانداران به‌ویژه اســـتان‌های مرزی اختیارات بیشتری داده شود، استانداران قدرت عمل و تصمیم‌گیری سریع پیدا می‌کنند لذا افزایش اختیارات از سوی دولت در حال پیگیری است.

وی افزود: برای افزایش اختیارات استان‌ها، همراهی مجلس شورای اسلامی و قوه قضائیه با دولت را در قالب ستاد شورای عالی هماهنگی اقتصادی با حضور سران سه قوه داریم که در افزایش سرعت تصمیم گیری و کیفیت کار و پیشبرد امور بسیار مؤثر است.

رحمانی فضلی اظهار داشت: به دنبال این هستیم که برای هر استان یک شورای مشورتی توسعه با ۱۱ عضو از بزرگان تولید و افراد دارای تجربه اجرایی از همان استان در وزارت کشور تشکیل دهیم تا این شورا بتواند حلقه‌های استانی و شهرستانی خود را تشکیل دهد و در رفع مشکلات استان مؤثر واقع شود.

درخواست پلیس راهور برای تغییر ساعات کاری ادارات در دهه اول مهر

سرویس خبر: رئیس پلیس راهور خواستار شناور شدن ساعت کاری ادارات در ۱۰ روز نخست آغاز سال تحصیلی شد.

سردار ســـید کمال‌هادیانفر در نشست خبری درباره اقدامات پلیس برای بازگشایی مدارس گفت: پیش بینی ما این اســـت که امســـال در آغاز مهر ترافیک بین ۲۵ تا ۳۰ درصد افزایش پیدا کند ولازم اســـت دیگر دستگاه‌ها نیز اقداماتی را انجام دهند.

او ادامه داد: از اســـتانداران و رؤسای ادارات درخواست می‌کنیم که به منظور حل مشکل ترافیک در ۱۰ روز نخست آغاز سال تحصیلی ساعات آغاز کار ادارات را به مدت دو ساعت شناور کنند.

رئیس پلیـــس راهنمایی و رانندگی با اعلام این که امسال از ظرفیت صدهزار پلیس یار مدرســـه استفاده خواهد شد گفت: عدم همکاری با پلیس یار مدرســـه در صورتی که از ســـوی مأموران پلیس راهور مشاهده شـــود ۵۰هزار تومان جریمه و ســـه نمره منفی دارد.

وی با بیان این که طرح بازگشایی مدرسه در دو فاز از ۱۵ شـــهریور تا ۱۵ مهر اجرا می‌شود، افزود: این طرح در تمامی شهرها و معابر کشـــور اجرا خواهد شد و ۱۴ هزار و ۹۰۲ نیـــروی ویژه برای این طرح اختصاص داده شده است.

سردارهادیانفر از سه استان همدان، بوشهر و غرب استان تهران به عنوان استان‌هایی نام برد که باید در طرح بازگشایی مدارس بیشتر دقـــت کنند و گفت: ۵۳ درصد خودروهای شخصی سرویس مدارس را پشتیبانی می‌کنند، تاکید داریم شـــهرداری‌ها به دنبال استفاده از سرویس‌های ویژه مدارس باشند، اکنون در این حوزه نابسامانی وجود دارد و هر فردی می‌تواند برای جابه‌جایی دانش‌آموزان اقدام کند.

ساماندهی سرویس مدارس

رئیس پلیس راهور با اشاره به ضروت ساماندهی سرویس‌های مدارس اظهار داشت: امسال ۱۴۱۵ شـــرکت و ۱۱۲ هزار و ۹۲۳ وســـیله نقلیه اقدام به جابه‌جایی ۲/۵ میلیون دانش آموز در کشـــور خواهند کرد اما لازم اســـت که همه دســـتگاه‌ها به مسأله ایمنی سرویس‌های مدارس ورود کنند.

مدارس حتما باید از ســـرویس‌هایی اســـتفاده کنند که دارای ایمنی کافی، معاینه فنی مســـتمر و کمربند ایمنی سالم باشند و همچنین صلاحیت راننده نیز تأیید شـــود و حتماً خـــود راننده اقدام به جابه‌جایی و حمل و نقل دانش‌آموزان کند.

وی بـــا بیان این که روی بدنه خودرو نیز باید مشخصاتی که نشان‌دهنده سرویس مدرسه باشد نصب شود افزود: من قبلاً هم به ســـازمان شهرداری‌ها تأکید کردم که باید به جای تاکســـی، آژانس خودروهای ویژه مدارس فعال شود و آنها اقدام به جابه‌جایی دانش‌آموزان کنند اما متأسفانه یک نابسامانی در این حوزه داریم و هر فرد با هر خودرو و وسیله‌ای نیز می‌تواند سرویس مدرسه شده و اقدام به جابه‌جایی دانش‌آموزان کند.

وی در بخشی از سخنان خود اضافه کرد: تصادفات به اقتصاد کشور خسارات زیادی (۷ درصد تولید ناخالص ملی کشور) تحمیل می‌کند، حدود ۱۱۳ هزار تصادف خســـارتی در کشور در طرح تابستانی روی داد که ۱۱۶ درصد نســـبت به مدت مشابه سال گذشته افزایش داشت.

وی با بیان این که براســـاس آمار چهار ماهه نخست امسال احصاء شده از پزشکی قانونی، ۵۳ درصد جانباختگان سوانح رانندگی مربوط به صحنه تصادف است، اظهارداشت: ۶درصد جانباختگان مدت مذکور، هنگام انتقال بوده که نســـبت به مدت مشابه سال گذشته بهبود یافته و کاهش داشته است.

رئیـــس پلیس راهور با تأکید بر این که ۴۰ درصد جانباختگان ســـوانح رانندگی در چهار ماه نخســـت امسال در مراکز درمانی جان باختند، گفت: در ایام تابستان تا شهریور مـــاه هفت دهم درصد افزایش جانباختگان ســـوانح رانندگی را شـــاهد بودیم اما تا ۱۷ شهریور آمارها کاهشی بود؛ البته این آمارها قطعی نیســـت چون آمار پزشکی قانونی در آن گنجانده نشده است.وی افزود: تقریباً پنج درصد نسبت به سه ماه نخست امسال افزایش سفر داشتیم.

وی اضافه کرد: در حوزه واژگونی ۲۵/۷ درصد واژگونی داشتیم که در روزها و شرایط خاص تا ۴۹ درصد افزایش یافت.

او با بیان این که روزانه ۲۱۵ هزار اعمال قانون و قبض جریمه به طور متوسط توسط پلیس راهور صورت می‌گیرد، اضافه کرد: هیچ تحمیلی نمی‌کنیم که باید در روز عدد خاصی جریمه انجام گیرد و صرفاً جریمه بر اساس عدالت انجام می‌گیرد.

ممنوعیت به‌کارگیری راننده‌های زیر۲۳ سال

هادیانفر اضافه کرد: براســـاس مصوبه هیأت دولت دارندگان گواهینامه پایه ســـوم که بیش از دو ســـال از دریافت گواهینامه آنها می‌گذرد و دارای ۲۳ ســـال سن هستند، می‌توانند راننده حمل و نقل عمومی شوند، هر دستگاهی که این ضوابط را رعایت نکند، در صورت تصادف به منزله فرد بدون گواهینامه تلقی می‌شود و به استناد ماده ۱۶ قانون بیمه اگر فردی بدون صلاحیت راننده ســـواری عمومی باشد، هم در پرداخت خسارات دچار مشکل است هم سازمان به‌کار گیرنده راننده، به مراجع قضایی معرفی می‌شود.

تلفات ۶ هزار نفری جاده‌های کشور

رئیس پلیس راه کشور هم گفت: در نیمه اول امسال ۶ هزار نفر در جاده‌های کشور بر اثر تصادف جان خود را از دست دادند.

ســـردار تیمور حســـینی افزود: هدف گذاری مـــا برای کاهش تلفات جاده‌ای در سال ۹۸، کاهش ۱۲ درصدی بود ولی آمارها نشان می‌دهد نتوانستیم به این هدف گذاری نزدیک شویم.

او اضافـــه کـــرد: افزایش جریمه‌های راهنمایی و رانندگی برای کاهش ســـوانح جاده‌ای بر اساس نرخ تورم سالانه رویکردی اشتباه است.وی در نشست راهبردی بررسی تصادف‌های اســـتان سمنان افزود: زمانی که برای افزایش جریمه‌های راهنمایی و رانندگی بحث تورم مطرح می‌شود به این معنا است که پرداخت جریمه‌های تخلف رانندگی در سبد معیشت خانوار قرار گیرد.وی ادامه داد: افزایش تلفات جاده‌ای در کشـــور جدی و نگران کننده است و باید با اتخاذ راهکارهای اصولی برای رفع این چالش اقدام کرد.

حذف پراید از جاده‌ها

رئیس پلیس راه کشور گفت: حذف از جاده و توقف شماره‌گذاری پراید در سال ۹۹ در کشور نیازمند هم‌افزایی دستگاه‌های اجرایی مربوط و تدبیر مسؤولان است.

اهدای جایزه ویژه انجمن ریاضی ایران به محققان دانشگاه صنعتی اصفهان

ســـرویس شهرستان‌ها: جایزه عباس ریاضی کرمانی به محققان دانشگاه صنعتی اصفهان رسید.

همزمان با افتتاح کنفرانس سالانه ریاضی ایران در دانشگاه شیراز، جایزه ویژه عباس ریاضی کرمانی، به مجید گازر، عضو هیأت علمی و نسرین صدری دانشجوی دکترای ریاضی دانشگاه صنعتی اصفهان اهدا شد.این جایزه به منظور ارائه بهترین مقاله در چهل و نهمین کنفرانس ریاضی کشورکه شهریور پارسال در دانشگاه علم و صنعت ایران برگزار شد، به این دو محقق اصفهانی اهدا شد.

حمل و مصرف مواد مخدر سنتی و روانگردان در عراق ممنوع است

سرویس خبر: رئیس پلیس مبارزه با موادمخدر ناجا به زائران ایرانی که به کشور عراق سفر می‌کنند، هشدار داد: حمل و مصرف هرگونه مواد مخدر سنتی و روانگردان تریاک، شیشه، هروئین، گل، گراس و ماری جوانا در عراق ممنوع است و در صورت کشف برای زائر پرونده قضایی تشکیل و از ادامه سفر وی ممانعت می‌شود.

سردار محمدمسعود زاهدیان افزود: پلیس مبارزه با مواد مخدر در تمامی فرودگاه‌های کشـــور، پایانه‌ها و مرزهای خروجی کشور حضور فعال دارد و با بهره گیری از سگ‌های موادیاب و مأموران زبده به طور دقیق به رصد و بازرسی وسایل همراه زائران می‌پردازد و از خروج مواد مخدر به سختی جلوگیری می‌شود. افرادی که به عراق سفر می‌کنند از جاسازی موادمخدر به هرروشی برای همراه بردن، پرهیز کنند. او اضافه کرد:همراه داشتن قرص‌های دیازپام، فلورازپام، کلونازپام اگزاز پام، لورازپام، کدئین، متادون و ترامادول بر اساس قوانین داخلی کشور عراق نیز جرم محسوب می‌شود. وی اضافه کرد: حمل هرگونه داروهای گیاهی مانند شیرین بیان که شباهت زیادی به مواد مخدر دارد نیز ممنوع است.

آیین بزرگداشت ارتحال حجت‌الاسلام کورانی در قم برگزار شد

ســـرویس شهرستان‌ها:آیین بزرگداشت ارتحال حجت‌الاسلام شیخ حسین کورانی از بنیانگذاران و اعضای شورای رهبری حزب‌الله لبنان شـــنبه شب با حضور علما، روحانیـــون و طـــلاب جامعه المصطفی‌العالمیه در مجتمع علمی فرهنگی امام صادق(ع) قم برگزار شد.

در این مراســـم باشـــکوه که آیـــات علیرضا اعرافی، مدیر حوزه‌های علمیه کشـــور، محمد تقی مصباح یزدی رئیس مؤسسه آموزشی ـ پژوهشی امام(ره)، شیخ عیسی قاسم رهبر شیعیان بحرین، حجج‌الاسلام علی عباسی، رئیس جامعه‌المصطفی‌العالمیه، سید جواد شهرستانی، نماینده آیت‌الله‌العظمی ســـید علی سیســـتانی در ایران، سردار حسین اشـــتری فرمانده نیروی انتظامی و احمد امیرآبادی فراهانی عضو هیأت رئیسه مجلس شورای اسلامی حضور داشتند، یاد و خاطـــره آن عالم ربانی گرامی داشته شـــد.در این آیین پس از قرائت آیه‌هایی چند از قرآن کریم حجت‌الاسلام محمد جبار بهادری از طلاب لبنانی به زبان عربی در ســـوگ سرور و سالار شهیدان به ذکر مصیبت پرداخت.

از این عالـــم زاهد تألیفات متعددی دربـــاره مباحث دینی به یـــادگار مانده اســـت.او ۲۱ شـــهریورجاری پس از تحمل هشت ماه بیماری دارفانی را وداع گفت و پیکـــر آن مرحوم عصر شنبه پس از تشییع درحرم مطهر حضرت فاطمه معصومه(س) به خاک سپرده شد.

کشف ۹۵ کامیون لوازم خانگی قاچاق در تهران

ســـرویس حوادث: ۲ محموله لوازم خانگی دپو شده قاچاق در مرکز و جنوب تهران به ارزش ۲۸۰ میلیارد تومان کشف شد.

سردار حسین رحیمی، فرمانده انتظامـــی تهران بـــزرگ دراین باره گفت:۲۸۰میلیـــارد تومان انواع لوازم خانگی قاچاق از جمله یخچال، ماشین لباسشویی و ظرفشویی که در مرکز و جنوب تهران انبار و نگهداری می‌شد، با تلاش مأموران امنیت پلیس اقتصادی کشف و ضبط شد.

وی گفت:محموله اول شامل ۷۰ کامیون بود که عده‌ای با استفاده از اسناد گمرکی در پوشش کالاهای شرکتی اقـــدام به وارد کردن لوازم خانگی به صورت قاچاق از جنوب ایران به تهران کرده بودند.

ســـردار رحیمی گفت: ۷۰ نفر از وارد کننـــدگان این لوازم قاچاق که حدود ۲۰ هزار انواع لوازم خانگی به ارزش ۲۵۰ میلیارد تومان اســـت، در اختیار مأموران پلیس امنیت اقتصادی هستند.وی گفت: محموله دوم نیز در جنوب تهران و منطقه شورآباد شامل ۲۵ کامیـــون لوازم خانگی بود که در این رابطه ۵ نفر نیز شناسایی و دستگیر شدند.او افزود: ارزش محموله دوم ۳۰ میلیارد تومان اســـت که متأسفانه این افراد لوازم خانگی را با تعرفه ۴ درصدی وارد می‌کردند، اما با ســـود بالای ۴۰ درصد به فروش می‌رساندند. حواله‌های جعلی، کم اظهاری وسوء استفاده از اسناد گمرکی از شگرد قاچاقچیان این دو پرونده بوده است.

فرمانـــده انتظامی تهران بزرگ با اشـــاره به راه اندازی سامانه‌ای در گمرگ گفت: هـــر کالایی که وارد گمرک می‌شود، اطلاعات آن در اختیار پلیس قرار می‌گیرد، اما این اموال هیچ اطلاعاتی در گمرک ندارد.

وی دربـــاره راه اندازی پلیس گمرک نیز گفت: کار استقرار پلیس در گمرک‌ها آغاز شده و در پایتخت نیز این موضوع در حال تحقق است.

او درباره عملکرد۶ ماه گذشـــته پلیـــس امنیت اقتصـــادی گفت:با راه‌اندازی پلیس امنیت اقتصادی رشد ۱۲۸ درصدی در کشف کالای قاچاق داشته‌ایم.

وی درباره بازار ارز نیز گفت: بازار ارز به صورت کامل در کنترل پلیس است و هر گونه فعالیتی خارج از عرف رصد می‌شود و پلیس با آن برخورد می‌کند و پلیس در فضای مجازی نیز بر فروش ارز نظارت کامل دارد.

فرمانده انتظامی تهران بزرگ با بیان این‌که مقصد بسیاری از کالاهای قاچاق تهران است و به همین منظور در تلاش هستیم تا پلیس امنیت اقتصادی را تقویت کنیم افزود: ۱۰ پرونده مهم در حال بررسی در پلیس امنیت اقتصادی فاتب است و در حال پایش اطلاعاتی هستیم.

قاچاق۲ کارتونی

سرپرست پلیس امنیت اقتصادی تهـــران بزرگ هم گفت: قاچاقچیانی کـــه با شـــگرد ۲ کارتونی با هدف کمتر پرداخت کردن عوارض گمرکی کالاهای اساسی وارد کرده بودند به دام پلیس افتادند.

ســـرهنگ نعمت الله علیپور در حاشیه کشفیات لوازم خانگی اظهار داشـــت: کالایی که در داخل کارتون وجود دارد با نام یک برند اصلی و به نام سازنده کشوری معتبر است این در حالی است که روی کارتون نام دیگری حک شده است.

دستگیری کلاهبردار سنگ‌های قیمتی زن چینی

سرویس خبر: زنی که به بهانه دوستی از زن بازرگان چینی ، ســـنگ‌های قیمتی او به ارزش سه میلیارد ریال را کلاهبـــرداری کرده بود توســـط پلیس آگاهی تهران بازداشت شد.

رئیـــس پلیس آگاهی تهران دراین باره گفت: خانم جوانی که تبعه کشور چین است به همراه وکیل قانونی‌اش، به دادســـرای ناحیه ۲ تهران مراجعه و شکایتی را درباره کلاهبرداری طرح کرد. او با طرح این شکایت مدعی شد که دوست ایرانی او با هویت جعلی دنیا ۳۴ ساله با انجام اقدامات متقلبانه، سنگ‌های قیمتی وی را به ارزش تقریبی ۳۰۰ میلیون تومان از او کلاهبرداری کرده است.

سردار لطفی افزود: کارآگاهان با ردیابی‌ها موفق به شناســـایی هویت واقعی متهم به نام «ســـارا» شدند و با کســـب دستور قضایی این زن را در شمال غرب تهران دســـتگیر کردند و در بازرسی از مخفیگاهش، سنگ‌های قیمتی کشف شدند.

خط ارتباطی مردم با اطلاعات

تلفن ۲۲۲۲۶۰۹۰

ایمیل خط ارتباطی : ertebat@ettelaat.com

چند نکته درخور توجه خوانندگان گرامی

توجه خوانندگان محترم را در ارتباط با پیام‌های تلفنی به نکات زیر جلب می‌کنیم:

- موضوع پیام‌ها جنبه‌های خصوصی، حقوقی و یا قضایی نداشته باشد.
- پیام‌ها مختصر و دقیق باشد و از تکرار آن‌ها خودداری شود.
- خوانندگان محترم شهرستانی در پیام‌هایشان، نام شهرستان مربوطه را بیان فرمایند .
- چاپ پیام‌ها براساس نوبت است.

با تشکرـ سرویس ارتباطات مردمی

پیامی برای افشین علاء و سروده تکان‌دهنده‌اش!

از خواندن شـــعر «صوراسرافیل» افشین علاء در روزنامه اطلاعات ششم شهریورماه بسیار لذت بردم و می‌توانم بگویم که مدت‌ها شعری به این شیوایی و پرمحتوایی نخوانده بودم، به گونه‌ای که ابیات آن تکانم داد. از قول من خطاب به آقای افشین علاء بنویسید: «آتش نهفته که در سینه شما است، شعله‌ای است که در آسمان گرفت.»

دوستدار شاعر صوراسرافیل

سند را تحویل دادند، اما از خودرو خبری نیست!

اسفندماه سال قبل یک دستگاه خودرو از شرکت سایپا به صورت تحویـــل فـــوری و با پرداخت تمامی قیمت آن خریدم که پس از ماه‌ها انتظار و پرداخت مبلغ اضافی، به طور غیرمنتظره‌ای پستچی پاکتی برایم آورد که داخل آن، سند خودرو قرار داشت، بدون آن‌که خودروی مزبور را تحویل گرفته باشم! با نمایندگی سایپا تماس گرفتم، گفتند چرا آنقدر عجله می‌کنید، فعلاً ســـند خودرو را تحویل بگیرید، تا بعدها خود آن را تحویل‌تان بدهیم! شرکت سایپا پاسخ دهد چگونه ممکن است ابتدا سند خودروی خریداری شده را تحویل بدهند و تحویل خود آن را به آینده موکول کنند؟

مشتری سایپا

لزوم نصب چراغ راهنما

سه راهی خیابان‌های ابن‌یمین و سروش واقع در منطقه ۷ شهرداری تهران نیاز مبرم به نصب چراغ راهنما دارد تا از حوادث رانندگی در این محل پیشگیری شود.

از ساکنان محل

پخش مراسم عزاداری در صداوسیما متعادل باشد

صداوســـیما باید ترتیبی اتخاذ کند تا پخش مراســـم عزاداری دهه محرم در شبکه‌های آن متعادل باشد، نه این‌که در اغلب اوقات یکسره و بی‌وقفه از تمامی شبکه‌ها مراسم عزاداری و سینه‌زنی پخش شود. افراط در ایـــن کار پیامدهای منفی دارد و موجب جذب عده‌ای به برنامه‌های ماهواره‌ای می‌شود. در ایام سوگواری بهتر است از یکی دو کانال صرفاً برنامه‌های عزاداری پخش و در دیگر شـــبکه‌ها نیز از افراط در این کار خودداری شود.

فدوی ـ بیننده تلویزیون

لزوم جلوگیری از توزیع مواد غذایی بدون مجوز بهداشت

نوعی نان فطیر سوغات آشتیان در برخی از مغازه‌ها و لبنیاتی‌های ســـنتی تهران و از جمله خیابان شکوفه منطقه۱۴ به فروش می‌رسد که تاریخ تولید و انقضاء ندارد. مسئولان چرا اجازه می‌دهند این‌گونه مواد غذایی بدون داشتن پروانه بهداشتی توزیع شود؟

مُنور قاصدآبادی

تقاضای جمع آوری خلافکاران از پارک شکوفه

با این که در پارک شکوفه کانکس پلیس کلانتری ۱۱۰ شهدا وجود دارد، معتادان و دیگر خلافکاران در آنجا جولان می‌دهند و خانواده‌هایی که ساعاتی می‌خواهند از فضای پارک استفاده کنند، امنیت ندارند.

خانم خراسانی

تأخیر زیاد در صدور کارت‌های ملی هوشمند

مســـئولان از یک سو مردم را به دریافت کارت‌های ملی هوشمند تشـــویق می‌کنند و از دیگر ســـو علیرغم گذشت ماه‌ها از تحویل این کارت‌ها به متقاضیان خبری نشده است، سازمان ثبت احوال کشور لطفاً تاریخ دقیق صدور کارت‌های ملی هوشمند را اعلام کند.

متقاضی کارت ملی هوشمند

حج عمره برای مدتی تعطیل شود

چند روزی اســـت که در صدا و ســـیما و روزنامه‌ها شاهد تبلیغ راه‌اندازی دوباره حج عمره هســـتیم، با توجه به این‌که در دوران دفاع مقدس عربستان کمک‌های زیادی در اختیار رژیم بعث عراق برای جنگ با ایران قرار داد و امروز هم سعودی‌ها به صورت یک جانبه با کشورمان قطع رابطه کرده‌اند چرا باید ارزهایی که با زحمات فراوان مسئولان به دست آمده است، به جیب حکام سعودی برود و آیا بهتر نیست که انجام حجم عمره برای مدتی تعطیل شود؟

احمدیان ـ همدان

اولین شرکت تعاونی ایران در باقرآباد گرمسار تأسیس شد

در صفحه اقتصادی روزنامه اطلاعات مقاله‌ای درباره بخش تعاون در ایران چاپ شد که در آن تاریخ تأسیس اولین شرکت تعاونی در کشورمان را سال ۱۳۰۳ خورشیدی گفته شده بود. حال آن‌که در بهمن‌ماه آن سال قانون تجارت به تصویب رسید که ۵ ماده آن درباره تعاونی‌ها بود، اما نخســـتین تعاونی در ایران به سال ۱۳۱۴ و در روستای باقرآباد گرمسار تأسیس شده و در ضمن تعداد شرکت‌های تعاونی ایران بیش از ۷ هزار واحدی است که در مقاله مزبور به آن اشاره شده است.

خواننده روزنامه اطلاعات

تشکر از شیوه مصاحبه رئیس سازمان حمل و نقل ریلی

صبح ۱۱ شهریورماه شبکه خبر سیما گفتگو با معاون وزیر راه و شهرسازی و رئیس سازمان حمل و نقل ریلی کشور را پخش کرد، ایشان در آن مصاحبه مسائل و واقعیت‌های این صنعت را به گونه‌ای درست و منطقی بیان کرد که موجب ناراحتی و رنجش خاطر کسی نشود. ضمن تشکر از مسئولان یاد شده، بهتر است وضعیت صنعت حمل و نقل ریلی در ایران در سال ۵۷ و مقایسه آن با امروز طی گزارشی به آگاهی مردم برسد تا پیشرفت‌های چشمگیر آن مورد توجه تمامی دوستداران ایران در داخل و خارج از کشور قرار گیرد.

هموطن

الزام داشتن تلفن همراه برای مشترکین برق غیرقانونی است

ما ســـاکنان مجتمع‌های مسکونی می‌خواهیم با استفاده از قبوض کاغذی هزینه مصرف خود در یک دوره را با دوره‌های قبل مقایسه کنیم. دریافت رســـید کاغذی حق تمامی مشترکین شرکت توزیع نیروی برق تهران است و اگر صدور قبوض کاغذی هزینه دارد، شرکت برق می‌تواند آن را مانند حق آبونمان در قبوض بنویسد. ضمن آن‌که در هیچ قانونی نیامده است که مردم برای استفاده از انرژی برق حتماً باید تلفن همراه داشته و یا با اینترنت آشنا باشند.

مشترک برق خانگی

بنزین سوپر در رشت توزیع نمی‌شود

بنزین سوپر از یک ماه قبل در رشت توزیع نشده و این در حالی است که سوخت بسیاری از خودروها باید سوپر باشد تا از خرابی موتور آنها پیشگیری به عمل آید.

مقدم ـ رشت (استان گیلان)

از نویسنده ستون محک روزنامه اطلاعات سپاسگزارم

از آقای ابوالقاســـم قاسم‌زاده به دلیل نگارش یادداشت «کمتر دروغ بگوئیم»، ســـتون محک روزنامه اطلاعات ۱۱ شهریورماه سپاسگزارم و امیدوارم توصیه‌های ایشـــان مورد توجه و عمل همگان و به خصوص مسئولان قرار گیرد.

خواننده روزنامه اطلاعات

ارتقای کیفیت خودروهای ساخت داخل به جای واردات خودرو

رئیس کمیســـیون صنایع مجلس از تصمیم دولت برای آزادسازی واردات خودروهای خارجی خبر داده است که در شرایط فعلی اجرای این تصمیم منجر به بیکار شـــدن شـــمار زیادی از مهندسان و کارگران صنعت خودروسازی کشورمان می‌شود و به جای آن بهتر است تمامی امکانات برای ارتقای کیفیت خودروهای ساخت داخل به کار گرفته شود تا دیگر نیاز چندانی به واردات خودروهای خارجی نباشد.

تلفن به خط ارتباطی

اطلاع‌رسانی درباره آتش‌سوزی بازار بزرگ تهران

پس از کودتای ۲۸ مرداد ۳۲ و حوالی شـــهریورماه همان ســـال آتش‌سوزی گسترده‌ای در بازار بزرگ تهران روی داد که من در دوران کودکی شـــاهد آن بودم و حالا خیلی دلم می‌خواهد درباره جزئیات آن حادثه بیشتر بدانم. لطفاً اگر کسی در مورد آتش‌سوزی یاد شده و دلایل و خسارت‌های آن اطلاعی دارد در خط ارتباطی مطرح کند.

خانم شهروند از تهران

سؤال از مسئولان شرکت عمران پرند

پس از ۱۰ ســـال انتظار مســـئولان شرکت عمران پرند پاسخ دهند که واحدهای فاز ۶ پروژه صدرا نور، بلوک ۶۹ در چه زمانی تکمیل و تحویل خریداران می‌شود؟

از خریداران مسکن مهر پرند

اخبار کوتاه داخلی

نقره بهروزی راد در مسابقات آزمایشی پاراکانو پارالمپیک

شهلا بهروزی راد که به نمایندگی از ایران در مسابقات آزمایشی پاراکانو پارالمپیک شرکت کرده بود موفق به کسب مدال نقره این رقابت ها شد.به گزارش خبرنگار مهر شهلا بهروزی راد از جمله ورزشکاران ایرانی دعوت شده به مسابقات آزمایشی المپیک است. این پاراقایقران ایران در پارالمپیک ۲۰۱۶ ریودوژانیرو هم حضور داشت و اخیرا برای پارالمپیک توکیو هم کسب سهمیه کرد.بهروزی راد در فینال این مسابقات و در کلاس KL۳موفق به کسب مدال نقره شد.شهلا بهروزی راد در مسابقات قایقرانی آب های آرام قهرمانی جهان و انتخابی پارالمپیک که یک ماه پیش در مجارستان برگزار شد در مرحله فینال KL۳ بانوان، با ثبت رکورد ۴۸.۹۶صاحب جایگاه سوم شد و ضمن کسب مدال برنز سهمیه لازم برای حضور در پارالمپیک ۲۰۲۰ توکیو را هم به دست آورد. مدال برنز وی اولین مدال جهانی این ملی پوش است.

ثبت نام داورزنی و محمودی در انتخابات فدراسیون والیبال

معاون وزیر ورزش و جوانان و بازیکن پیشین تیم ملی والیبال ایران، برای شرکت در انتخابات فدراسیون والیبال ثبت نام کردند. به گزارش ایرنا ثبت نام از نامزدهای شرکت در انتخابات فدراسیون والیبال که از ۹ شهریور آغاز شده بود، دیروز به اتمام رسید در حالی که در آخرین ساعات ، ۲ چهره سرشناس نامزدی خود در انتخابات را اعلام کردند.ابتدا بهنام محمودی ستاره سال‌های گذشته والیبال ایران که سابقه بازی در لیگ ایتالیا را هم در کارنامه دارد ثبت نام کرد و سپس محمدرضا داورزنی معاون توسعه ورزش حرفه‌ای و قهرمانی وزیر ورزش و جوانان ، در فدراسیون حاضر شد و فرم ثبت نام را پر کرد. داورزنی در سال‌های ۸۵ تا ۹۶ سرپرستی و ریاست فدراسیون را بر عهده داشت.ثبت نام داورزنی در انتخابات فدراسیون والیبال درحالی است که او ۲۳ مرداد گفته بود: برای حضور در انتخابات فدراسیون والیبال برنامه‌ای ندارم اما اگر شرکت کنم ابتدا از سمتم در وزارت ورزش استعفا می‌دهم.در روزهای گذشته امیرحسین منظمی، محمود افشاردوست، احمد سعادتمند و علیرضا دریابیگی هم در انتخابات ریاست فدراسیون والیبال ثبت نام کرده بودند.

شکست تیم ملی والیبال ایران مقابل استرالیا

تیم ملی والیبال ایران در سومین مسابقه خود در رقابت‌های قهرمانی آسیا به مصاف استرالیا رفت و متحمل شکست شد.به گزارش خبرگزاری فارس، تیم ملی والیبال ایران در سومین مسابقه خود در رقابت‌های قهرمانی آسیا در سالن ۱۲ هزار نفری آزادی به مصاف استرالیا رفت که این بازی با نتیجه ۳ بر یک و با امتیازهای ۲۵ بر ۲۲، ۲۳ بر ۲۵، ۲۱ بر ۲۵ و ۲۱ بر ۲۵ به سود استرالیا تمام شد تا این تیم به عنوان سرگروه راهی مرحله بعد رقابت‌ها شود.ایگور کولاکوویچ برای این مسابقه از ترکیب سعید معروف، امیر غفور، میلاد عبادی پور، پوریا فیاضی، علی اصغر مجرد، مسعود غلامی و محمدرضا موذن استفاده کرد.استرالیا که یکی از حریفان جدی ایران در رقابت های انتخابی المپیک است با این پیروزی خط و نشان جدی برای والیبال ایران کشید ضمن اینکه نتیجه این مسابقه در مرحله دوم هم برای استرالیا محاسبه خواهد شد.

تیم ایران پیش از این تیم های سریلانکا و قطر را شکست داده و جواز حضور در انتخابی المپیک را کسب کرده بود. استرالیا هم پیش از این بازی تیم های سریلانکا و قطر را از پیش رو برداشته بود تا مجوز حضور در مسابقات انتخابی المپیک را کسب کند.تیم های حاضر در مسابقات قهرمانی آسیا امروز استراحت می کنند و مرحله دوم بازی ها از فردا آغاز خواهد شد.

وزنه‌برداری ایران،امیدوار به کسب قهرمانی مسابقات جهانی و گزینشی المپیک

ابوالقاسم کیانی- تیم ملی وزنه‌برداری با اعلام نفرات نهایی شب گذشته عازم تایلند شد تا در مسابقات قهرمانی جهان که البته گزینشی المپیک هم هست، شرکت کند.

ملی‌پوشان تمرینات مداوم و طولانی‌مدتی را پشت سر گذاشتند و با قول سرمربی خود و همچنین رئیس فدراسیون، قصد دارند علاقه‌مندان به وزنه‌برداری را سورپرایز کنند. چون سرمربی تیم ملی قول قهرمانی را نیز داده است. اما یکی از معضلات چندین سال گذشته در وزنه‌برداری، دوپینگ بوده است که اخیراً در مسابقات قهرمانی کشور هم چند وزنه‌بردار دوپینگی بودند. با این حال علی مرادی از نظارت کامل بر کار ملی‌پوشان در اردوهای آمادگی سخن گفته و البته برخورد شدید با مربیان و دست‌اندرکاران متخلف در سطح کشور در رابطه با دوپینگ .اما یکی از بزرگترین حاشیه‌های چند سال اخیر وزنه‌برداری، ماجرای کیانوش رستمی بوده است. وزنه‌برداری که در چارچوب برنامه‌های مربیان تیم ملی و زیر نظر آنان تمرین نمی‌کند و پس از ناکامی در اندونزی این ماجرا تا آنجا پیش رفت که بعید نبود علی مرادی رئیس فدراسیون از خیر استفاده از او بگذرد مگر اینکه او هم چارچوب‌ها را بپذیرد که اما با پادرمیانی صالحی امیری رئیس کمیته ملی المپیک، آن کسی که در این میان کوتاه آمد، رئیس فدراسیون بود نه رستمی هرچند که ماجرا به اینگونه مطرح نشد و ظاهر قضیه با رضایت طرفین و حتی سه طرف ماجرا یعنی کیانوش، مرادی و صالحی امیری به پایان رسید تا رستمی همچنان در ترکیب تیم ملی باشد هرچند که چنین توافقی که البته عموماً رئیس فدراسیون سعی کرده آن را باز نکند باز هم می‌تواند مسئله‌ساز باشد. نمونه آن هم درخواستی است که کیانوش طی روزهای گذشته از فدراسیون مبنی بر پرداخت حدود ماهی ۵۰ میلیون تومان بابت تمرینات و هزینه‌های جانبی آن از قبیل مکمل‌ها و... داشته که اما مورد موافقت فدراسیون قرار نگرفته است و با این اوصاف کیانوش تیم را در مسابقات جهانی همراهی خواهد کرد هرچند که صبح روز قبل از اعزام به این مسابقات کیانوش در جمع دیگر وزنه‌برداران در نشست خبری، حضور نداشت و البته مرادی باز هم با موضع محافظه‌کارانه‌اش در قبال رستمی، توصیه کرد تا به این ماجرا پس از مسابقات جهانی پرداخته شود. در هر حال تا اینجای کار که گویا کیانوش میخ خود را خوب و محکم کوبیده است و متولیان وزنه‌برداری در هر شرایطی قصد دارند او را حفظ کنند! واقعاً چه کسی می‌تواند مدعی شود اگر هرکدام از وزنه‌برداران دیگر این شرایط را داشتند، فدراسیون تا این اندازه با آنان مماشات می‌کرد؟ ازطرف دیگر یک طرف این جریان، می‌تواند صالحی امیری باشد که درهرحال، نه فقط فدراسیون وزنه‌برداری بلکه پیش از آن فدراسیون دو و میدانی و بسکتبال نیز پادرمیانی‌ها و مدیریت وی را در مورد ستاره‌هایشان، قبول کردند و ظاهراً قرار است این ماجرا همچنان، ادامه داشته باشد.

با این وجود آن‌گونه که از شواهد ماجرا پیداست چه بسا که کنار آمدن کژدار و مریز با کیانوش در مسابقات پیش‌رو و با توجه به اینکه مرادی اعلام کرده بحث در مورد آن به بعد از مسابقات موکول شود، چه بسا که توافقی مشروط با کیانوش باشد مبنی بر اینکه اگر به نتایج مورد انتظار در این مسابقات رسید که هیچ و نه تنها هیچ بلکه آن مبالغی را هم که درخواست کرده، دریافت خواهد کرد و اما اگر به نتایج خوبی نرسید، حجت تمام شده و رئیس فدراسیون برای تصمیم‌گیری در مورد وی، دیگر پادرمیانی رئیس کمیته ملی المپیک را هم قبول نکند در حالی که البته شاید قبل از این مسابقات، مرادی، صالحی امیری را هم توجیه کرده باشد که چنانچه رستمی در این مسابقات به نتایج مورد انتظار، نرسد، باید منتظر تبعات آن باشد!

با این احوال فعلاً که کیانوش هم در کنار سایر اعضای تیم ملی به مسابقات مهم قهرمانی جهان و گزینشی المپیک اعزام می‌شود در حالی که فدراسیون، خیلی جدی مقابل یکی از درخواست‌های او یعنی تغییر وزن، محکم ایستاده و آن را قبول نکرده و در مورد پرداخت مبالغ درخواستی کیانوش هم، فعلاً پاسخ مثبت یا منفی داده نشده است!

در این شرایط، تیم ملی خیلی امیدوار به کسب نتایج ایده‌آل و حتی قهرمانی در این مسابقات و کسب سهمیه‌های المپیک است که چنانچه این نتیجه قابل قبول،کسب شود قاعدتاً بهتر است که کار وزنه‌برداری کمترین با حاشیه‌ها تا المپیک ادامه یابد چون این رشته، همیشه از جمله رشته‌های شانس مدال ورزش ایران بوده است و البته با کم شدن سهمیه‌ها، باید برنامه‌ریزی‌ها و همین‌طور، رفتارها به گونه‌ای باشد که در چارچوب رسیدن به هدف مورد نظر، مهمترین گام‌ها، برداشته شود.

برخواه: تفاوتی بین مدال المپیکی و غیرالمپیکی‌نیست

سرمربی تیم ملی وزنه برداری گفت: در رقابت‌های جهانی تفاوتی بین مدال دسته المپیکی و غیرالمپیکی نیست و ما تمام تلاش خود را برای موفقیت ورزشکاران انجام می‌دهیم تا بهترین نتیجه را کسب کنند.

محمدحسین برخواه در مورد شرایط تیم ملی وزنه برداری اظهار داشت: یک دوره سه ماهه تمرینات و آماده‌سازی را سپری کردیم تا شرایط آرمانی در تیم ملی و وزنه برداران شکل بگیرد. شرایط ملی پوشان ایده ال است و با ۲۲ وزنه بردار کار را شروع کردیم و با ۱۰ ورزشکار به تایلند می‌رویم. البته این ریزش‌ها در میان وزنه برداران به دلیل مصدومیت‌ها بود و بعضی دیگر نیز به دلیل رکوردگیری کنار رفتند.

برخواه در پاسخ به پرسشی در زمینه رقابت سه دسته سنگین وزن برای المپیک ۲۰۲۰ گفت: در رقابت‌های جهانی تفاوتی بین مدال دسته المپیکی و غیرالمپیکی نیست و ما تمام تلاش خود را برای موفقیت ورزشکاران انجام می‌دهیم تا بهترین نتیجه را کسب کنند.در دسته‌های سنگین وزن پنج ورزشکار داریم و سهراب مرادی و سعیدعلی حسینی نیز شانس حضور در المپیک را دارند. سرمربی تیم ملی وزنه برداری ادامه داد: تیم پوست‌اندازی کرده و نخبگان جدید اضافه شدند به گونه ای که ۴۰ درصد تیم نخستین تجربه جهانی در تایلند را کسب می‌کنند. ۴۰ درصد دیگر دومین دوره حضور آنها در این رقابت‌ها است اما این بدان معنا نیست که ناامید باشیم بلکه برای قهرمانی به تایلند می‌رویم.

وی یادآور شد:ما نه تنها نظارت کاملی بر تیم‌های پایه داریم بلکه تیم ملی زنان و مردان ایران را نیز نظارت می‌کنیم تا تخلفی رخ ندهد.

عبدولی اولین مدال آور کشتی فرنگی ایران در قهرمانی جهان

نماینده وزن ۸۲ کیلوگرم ایران مدال برنز رقابت‌های جهانی کشتی فرنگی ۲۰۱۹ در قزاقستان را از آن خود کرد.

به گزارش ایسنا، در ادامه رقابت‌های ۴ وزن نخست کشتی فرنگی قهرمانی جهان ۲۰۱۹ در نورسلطان پایتخت قزاقستان، سعید عبدولی نماینده وزن ۸۲ کیلوگرم ایران و آخرین فرنگی‌کار در ۴ وزن نخست، در دیدار رده‌بندی وزن ۸۲ کیلوگرم برابر یوری شکریوبا از اوکراین به روی تشک رفت و در پایان با نتیجه ۷ بر صفر به برتری رسید و مدال برنز جهان را از آن خود کرد تا اولین مدال‌آور کشتی فرنگی ایران در رقابت‌های جهانی ۲۰۱۹ نام بگیرد.

عبدولی پیش از این در دور نخست استراحت کرد، سپس به مصاف پیتر نوواک از چک رفت و با نتیجه ۹ بر صفر به برتری رسید. وی در دومین مبارزه و در مرحله یک چهارم نهایی برابر آدلان آکیف دارنده مدال برنز اروپا از روسیه به روی تشک رفت و در پایان در یک کشتی سخت با نتیجه ۲ بر یک به برتری رسید و راهی مرحله نیمه نهایی شد اما در این مرحله برابر رفیق حسین‌اف دارنده مدال‌های طلای اروپا ۲۰۱۱ و برنز اروپا ۲۰۱۸ با نتیجه ۸ بر ۵ شکست خورد و راهی دیدار رده‌بندی شد.این سومین مدال عبدولی در رقابت‌های قهرمانی جهان است. وی پیش از این طلای جهان ۲۰۱۱ استانبول و برنز جهانی ۲۰۱۷ پاریس را بدست آورده بود. عبدولی همچنین مدال برنز المپیک ۲۰۱۶ ریو را در کارنامه خود دارد.

شانس تاب و ساروی برای کسب سهمیه المپیک در کشتی فرنگی

نمایندگان اوزان ۶۷ و ۹۷ کیلوگرم ایران راهی گروه بازنده ها شدند تا برای کسب مدال برنز و سهمیه المپیک تلاش کنند اما رامین طاهری در وزن ۸۷ کیلوگرم از دور رقابت‌ها کنار رفت.

به گزارش ایسنا، در ادامه رقابت‌های روز دوم کشتی فرنگی قهرمانی جهان در قزاقستان، دنیس کودلا دارنده ۲ مدال نقره جهان و یک برنز المپیک از آلمان که پیش از این موفق به شکست رامین طاهری نماینده وزن ۸۷ کیلوگرم ایران شده بود، در نیمه نهایی برابر ژان بلنیوک از اوکراین با نتیجه ۲ بر یک شکست خورد و از رسیدن به فینال بازماند.به این ترتیب رامین طاهری نماینده وزن ۸۷ کیلوگرم ایران از دور این رقابت‌ها کنار رفت تا پس از پویا ناصرپور در ۵۵ و امین کاویانی نژاد در وزن ۷۲ کیلوگرم، سومین حذف شده ایران در رقابت‌های کشتی فرنگی قهرمانی جهان ۲۰۱۹ باشد.

اما حامد تاب در وزن ۶۷ کیلوگرم که در دور نخست مقابل اسماعیل بوررو از کوبا ۹ بر صفر شکست خورده بود با توجه به صعود حریفش به فینال، راهی گروه بازنده‌ها شد تا برای رسیدن به مدال برنز تلاش کند. البته مسیر تاب بسیار دشوار است چون کشتی گیرانی مانند فرانک استابلر قهرمان جهان از آلمان و ریو هان سو دارنده چند مدال جهانی از کره جنوبی نیز در گروه بازنده ها حضور دارند.

محمد هادی ساروی نماینده وزن ۹۷ کیلوگرم ایران نیز که در یک چهارم نهایی مقابل آرتور الکسانیان قهرمان جهان و المپیک از ارمنستان ۴-۳شکست خورده بود با توجه به صعود این کشتی گیر به فینال، راهی گروه بازنده ها شد تا برای کسب مدال برنز تلاش کند.اگر ساروی و تاب بتوانند به دیدار رده بندی برسند، حتی اگر مدال برنز نگیرند، باز هم با عنوان پنجمی سهمیه المپیک را بدست خواهند آورد.

محجوب و محمدی بریمانلو به کشور باز می گردند

جواد محجوب قهرمان تیم ملی جودو ایران پس از تماس های آرش میراسماعیلی رئیس فدراسیون جودو برای ادامه فعالیت خود در تیم ملی به ایران بازخواهد گشت.

به گزارش خبرگزاری فارس و به نقل از روابط عمومی فدراسیون جودو، جواد محجوب، قهرمان ارزنده سنگین وزن جودوی ایران که مدال طلای رقابت های قهرمانی آسیا و مدال های خوش رنگی را در مسابقات مختلف گرندپری، گرنداسلم و تورنمنت های مهم بین المللی در کارنامه خود دارد و رنکینگ المپیکی او تا ۱۲ هم آمده بود، پیش از این به دلیل علایق شخصی، تصمیم داشت که جودو را رها کرده و شانس خود را در مسابقات حرفه ای (MMA)امتحان کند.

او به همین دلیل مدتی است که ایران را ترک کرده و در کشور کانادا حضور دارد. با توجه به نیاز رشته المپیکی جودو در ایران برای بازگشت جواد محجوب، آرش میراسماعیلی، رئیس فدراسیون ایران با این جودوکار مشهدی، به صورت تلفنی صحبت کرده و محجوب نیز موافقت خود را برای بازگشت به ایران اعلام کرد.

محجوب پس از صحبت با میراسماعیلی، قول داد که زیر پرچم جهوری اسلامی ایران در مدت باقی مانده تا المپیک ۲۰۲۰ برای کسب سهمیه بجنگد. شایان ذکر است که محمد محمدی بریمانلو ، ملی پوش وزن ۷۳- کیلوگرم جودوی ایران و دارنده مدال برنز جهان که بعد از آنکه سفرش به رقابت‌های جهانی ژاپن لغو شد از جودو خداحافظی کرد بعد از مذاکره با رییس فدراسیون بار دیگر به تیم ملی بازگشت.

اخبار کوتاه خارجی

اسپانیاقهرمان جام جهانی بسکتبال شد

تیم ملی بسکتبال اسپانیا با برتری مقابل آرژانتین قهرمان جام جهانی بسکتبال شد.به گزارش ایسنا بازی فینال رقابت‌های جام‌جهانی بسکتبال ۲۰۱۹ چین میان دوتیم اسپانیا و آرژانتین برگزار شد و در پایان این تیم اسپانیا بود که با ارائه یک بازی برتر نسبت به حریف، با نتیجه ۹۵ – ۷۵ به پیروزی رسید تا عنوان قهرمانی این رقابت‌ها را از آن خود کند.در پایان این بازی"مارک گسول" سنتر (بازیکن پست ۵) اسپانیا با کسب ۱۴ امتیاز، ثبت ۷ ریباند، ۷ پاس گل ۲ توپ ربایی، ۳ بلاک شات و تاثیر گذاری ۲۲ بهترین بازیکن این دیدار حساس شد.اسپانیا پیش از این در سال ۲۰۰۶ عنوان قهرمانی رقابتهای جام جهانی را به دست آورده بود. پیش از این بازی، فرانسه با ارائه یک بازی جذاب وعلی رغم این که تا اوایل کوارتر چهارم از استرالیا عقب بود مقابل حریف قدرتمند خود ۶۷ بر ۵۹ پیروز شد و به مقام سوم رسید. همچنین صربستان با پیروزی ۹۰ – ۸۱ برابر جمهوری چک در جایگاه پنجم قرار گرفت و آمریکا هم با برتری ۸۷ – ۷۴ برابر لهستانَ هفتم شد.

آغاز رویایی قوچان نژاد با زووله هلند

ستاره ایرانی بعد از درخشش در اولین حضور خود در تیم زووله هلند گفت: این یک شروع رویایی برای من بود.به گزارش ایرنا تیم فوتبال زووله هلند، موفق شد با نتیجه پرگل ۶ بر ۲ از سد تیم والویک بگذرد و با ۱۹ امتیاز در صدر جدول رده بندی اردیویژه قرار بگیرد.ستاره این بازی رضا قوچان نژاد بود که موفق شد در اولین بازی خود و در حالی که از دقیقه ۵۶ وارد میدان شده بود؛ چهار گل به ثمر برساند.او درباره درخشش خود اظهار داشت: شاید چیزی که می‌خواهم بگویم کلیشه به نظر برسد، ولی من فقط می‌خواهم به تیمم کمک کنم.با این حال کتمان نمی‌کنم که چنین شروعی با لباس زووله برایم مثل رویا بود وتلاش می‌کنم تا روزهای خوبی در تیم جدیدم داشته باشم و همچنان به گلزنی ادامه دهم.

جهانگردترین مربی فوتبال جهان درگذشت

رکوردار مربیگری فوتبال در سطح تیم‌های ملی جهان در سن ۹۳ سالگی درگذشت.به گزارش خبرگزاری فارس،رودی گوتن دورف به علت کهولت سن فوت کرد. این مربی بازنشسته و صاحب‌نام در بیش از ۳۰ کشور جهان ۵۵ تیم را هدایت و نام خود را در گینس، به عنوان جهانگردترین مربی فوتبال دنیا ثبت کرد. اوبه همین خاطر چند سال قبل در مصاحبه با یکی از رسانه ها عنوان کرد در کل زندگی کاری به جز فوتبال انجام ندادم.فوتبال همه چیز من شد و من هم این شغل را با تمام وجود دوست دارم. گوتن‌دورف در اروپا، آمریکا، آفریقا،اقیانوسیه و آسیا کارکرد. به خاطر خدمات فراوانش ۲ نشان ویژه کشورش را دریافت کرد.وی ۷ سال قبل در آخرین مرتبه تلاش کرد هدایت تیمی را در سن ۸۶ سالگی برعهده گیرد که ناموفق بود.گوتن‌دورف آخرین مرتبه در سال ۲۰۰۳ تیم ساموئا را هدایت کرد.او در سال ۱۹۸۸ برای مدتی هدایت تیم زیر ۲۳ ساله‌های ایران رانیز برعهده داشت.

درخشش ادامه‌دار بنزما در رئال مادرید

کریم بنزما که در رقابت‌های فصل گذشته هم برای تیمش عالی کار کرده بود در این فصل در ۴ بازی ۴ گل زده است.به گزارش خبرگزاری مهر، توانایی کریم بنزما در گلزنی از فصل گذشته به این فصل هم منتقل شده است. او که فصل گذشته برای تیم فوتبال رئال مادرید ۳۰ گل زد، در فصل جاری تا اینجای کار در ۴ بازی ۴ گل زده است.از زمانی که کریستیانو رونالدو رفته، مسئولیت گلزنی او به شماره ۹ تیم منتقل شده است و او هم به خوبی توانسته تیمش را پیش ببرد. او گلزنی را در بازی مقابل لوانته ادامه داد، جایی که با ضربه سری زیبا دروازه حریف را باز کرد.بنزما توانسته تا به حال در لیگ اسپانیا ۱۵۲ گل بزند و با این آمار در جدول رده‌بندی بهترین گلزنان این لیگ در کنار خولیو سالیناس در رده نوزدهم قرار دارد. مطمئنا او از این رتبه بالاتر هم خواهد رفت.

گامی برای کاهش شمار زندانیان

بقیه از صفحه ۵

تبصره – تمام اقدامات فوق و نتایج حاصله در سامانه ثبت می‌شود.

ماده ۲۰–مرکز امور شوراهای حل اختلاف مکلف است با همکاری سازمان به تعداد مورد نیاز درتمامی زندان‌ها «شورای حل اختلاف ویژه امور زندانیان» تشکیل دهد. اعضای شورا باید در راستای تحقق صلح و سازش بین زندانی و شاکی یا مدعی خصوصی از تمامی ظرفیت‌های موجود استفاده کرده و در مسیر رفع مشکلات و حصول سازش به نحوی که به آزادی زندانی منجر شود، تلاش مضاعف نمایند.

ماده ۲۱– روسای زندان‌ها و کانون‌های اصلاح و تربیت مکلف‌اند به طور مستمر وضعیت زندانیان را رصد کرده و آمار زندانیان و گزارش وضعیت آنان را به قاضی اجرای احکام کیفری، دادستان یا رئیس حوزه قضایی بخش و مقام قضایی مربوطه منعکس کنند.

تبصره – در اجرای تبصره ۳ ماده ۵۱۳ قانون آیین دادرسی کیفری زندانی حق دارد حبس موضوع محکومیت خود را در زندان محل اقامتگاهش سپری نماید مگر آنکه این امر موجب مفسده باشد که در این صورت با تشخیص قاضی صادر کننده رأی قطعی، محکوم علیه به نزدیک‌ترین زندان به محل اقامت وی منتقل می‌شود.

ماده ۲۲– به منظور ثبت اطلاعات راجع به هویت زندانیان و مشخصات کامل آنان و ارائه این اطلاعات به صورت برخط به روسای کل دادگستری‌ها، دادستان‌ها و روسای حوزه قضایی بخش، مرکز مکلف است با همکاری سازمان، سامانه الکترونیکی مربوط را در هر حوزه قضایی راه اندازی کند.

تبصره – دادستانی کل کشور معیارهای موثر در کاهش جمعیت زندان‌ها مبتنی بر به کارگیری همه ظرفیت‌های مندرج در قانون آیین دادرسی کیفری و قانون مجازات اسلامی را تعیین و عملکرد دادگستری‌های سراسر کشور را بر اساس معیارهای فوق الذکر ارزیابی می‌کند و با همکاری مرکز، رتبه بندی تحلیلی هر یک از استان‌ها را در مقاطع سه ماهه جهت بهره برداری لازم به معاون اول قوه قضائیه ارائه می‌نماید.

ماده ۲۳– روسای سازمان‌ها، نهادها و واحدهای تابع قوه قضائیه از جمله ادارات کل زندانها، ثبت اسناد و املاک و پزشکی قانونی جهت اجرای دقیق مفاد این دستورالعمل که بر عهده سازمان متبوع آنان است، پیگیری‌های لازم را به عمل می‌آورند.

ماده ۲۴–معاونت منابع انسانی قوه قضائیه با همکاری سایر بخش‌های مرتبط نسبت به طراحی و اجرای دوره‌های آموزشی با موضوع کاهش جمعیت کیفری برای مدیران، قضات و ضابطان اقدام می‌نماید.

ماده ۲۵–مرکز مکلف است سامانه‌ای تحت عنوان «کارنامه آماری تصمیمات قضایی» جهت ثبت عملکرد مقام‌های قضایی در خصوص موضوعات این دستورالعمل ایجاد و امکان دسترسی به این کارنامه را به صورت برخط برای دادسرای انتظامی قضات فراهم کند.

تبصره ۱– مرکز مکلف است ظرف سه ماه از تاریخ ابلاغ این دستورالعمل، نظر دادستانی کل کشور و دادسرای انتظامی قضات در خصوص نحوه طراحی کارنامه مذکور را اخذ و در سامانه لحاظ کند.

تبصره ۲–دادسرای انتظامی قضات در بررسی کارنامه آماری تصمیمات قضات، مفاد این دستورالعمل را مورد نظر قرار می‌دهد.

ماده ۲۶– رئیس کل دادگستری استان بر عملکرد قضات دادسرا و دادگاه از جهت بکارگیری ظرفیت‌های قانونی در راستای کاهش جمعیت کیفری زندان‌ها نظارت می‌نماید و قضاتی که با رعایت قوانین و مقررات از قرارهای منجر به بازداشت یا حکم حبس کمتر استفاده کرده و از مجازات‌های جایگزین حبس بهره می‌گیرند و همچنین دادستان‌ها و قضات اجرای احکام کیفری که وفق قوانین و مفاد این دستورالعمل در جهت کاهش جمعیت کیفری اقدام می‌نمایند را به نحو مناسب تشویق کرده و برای آنان پاداش در نظر می‌گیرد. همچنین، رئیس کل دادگستری استان مکلف است در مورد قضاتی که عدم نظارت مستمر آنها نسبت به زندانیان منجر به بازداشت غیرقانونی افراد از قبیل ادامه بازداشت پس از اتمام محکومیت می‌شود، مراتب را به دادستانی کل کشور و دادسرای انتظامی قضات اعلام نماید.

ماده ۲۷– نظارت، هماهنگی و پی گیری اجرای دقیق مفاد این دستورالعمل با دادستان کل کشور است. در این راستا، هر سه ماه یکبار جلسه‌ای به ریاست دادستان کل کشور و با عضویت معاون راهبردی، معاون اجتماعی و پیشگیری از وقوع جرم، رئیس سازمان، رئیس مرکز، دادستان انتظامی قضات، رئیس کل دادگستری استان تهران و دادستان تهران در محل دادستانی کل کشور تشکیل می‌شود. در مراکز استان‌ها نیز هر ماه یک بار جلسه‌ای زیر نظر رئیس کل دادگستری و با حضور اعضای مرتبط جهت اجرای دقیق این دستورالعمل تشکیل و نسبت به گزارش‌ها و مشکلات مربوط اتخاذ تصمیم می‌ گردد. رئیس کل دادگستری استان موظف است هر سه ماه یکبار گزارش جلسه و تصمیمات متخذه را برای دادستان کل کشور ارسال نماید.

ماده ۲۸– دادستان کل کشور هر شش ماه یکبار نحوه اجرای دستورالعمل را به رئیس قوه قضائیه گزارش می‌کند و برای استان‌های دارای عملکرد مثبت پیشنهاد تشویق می‌دهد.

ماده ۲۹– این دستورالعمل جایگزین دستورالعمل ساماندهی زندانیان و کاهش جمعیت کیفری زندان‌ها به شماره ۹۰۰۰/۳۵۳۴۸/۱۰۰ مورخ ۱۳۹۵.۰۶.۲۳ رئیس قوه قضائیه است و در ۲۹ ماده و ۲۳ تبصره در تاریخ ۹۸.۰۵.۳۱ به تصویب رئیس قوه قضائیه رسید و از تاریخ ابلاغ لازم الاجرا است.

ترحیم

هوالباقی

با کمال تأسف و تألم فراوان در ایام سوگواری سالارشهیدان پیشکسوت بزرگ صادرات خشکبار ایران مرحوم مغفور **شادروان جناب آقای حاج اسدالله عسگراولادی** به دیار حق شتافت.
مجلس ترحیم آن فقید سعید روز سه‌شنبه ۹۸/۶/۲۶ از ساعت ۱۴/۳۰ الی ۱۶ در مسجد امام صادق(ع) واقع در میدان فلسطین برگزار می گردد. همچنین مراسم هفتم روز پنجشنبه ۹۸/۶/۲۸ از ساعت ۱۱ تا ۱۴ در حسینیه محله قاضی دماوند و جمعه ۹۸/۶/۲۹ از ساعت ۱۶ الی ۱۸ در مسجد الغدیر واقع در خیابان میرداماد برگزار می گردد.
شرکت در مجالس مذکور موجب شادی روح آن فقید سعید و تسلی خاطر بازماندگان خواهد بود.

اتحادیه صادرکنندگان خشکبار ایران

بازگشت همه به‌سوی اوست

با اندوه و تألم فراوان در ایام سوگواری سالارشهیدان پیشکسوت بزرگ صادرات خشکبار ایران مرحوم مغفور **شادروان جناب آقای حاج اسدالله عسگراولادی** به دیار حق شتافت. مجلس ترحیم آن فقید سعید روز سه‌شنبه ۹۸/۶/۲۶ از ساعت ۱۴/۳۰ الی ۱۶ در مسجد امام صادق(ع) واقع در میدان فلسطین برگزار می گردد.
همچنین مراسم هفتم روز پنجشنبه ۹۸/۶/۲۸ از ساعت ۱۱ تا ۱۴ در حسینیه محله قاضی دماوند و جمعه ۹۸/۶/۲۹ از ساعت ۱۶ الی ۱۸ در مسجد الغدیر واقع در خیابان میرداماد برگزار می گردد.
شرکت در مجالس مذکور موجب شادی روح آن فقید سعید و تسلی خاطر بازماندگان خواهد بود.

هیئت مدیره و کارکنان
شرکت صادراتی حساس

اناالله و اناالیه راجعون

با کمال تأسف و تألم فراوان در ایام سوگواری سالارشهیدان پیشکسوت بزرگ صادرات خشکبار ایران مرحوم مغفور **شادروان جناب آقای حاج اسدالله عسگراولادی** به دیار حق شتافت. مجلس ترحیم آن فقید سعید روز سه‌شنبه ۹۸/۶/۲۶ از ساعت ۱۴/۳۰ الی ۱۶ در مسجد امام صادق(ع) واقع در میدان فلسطین برگزار می گردد. همچنین مراسم هفتم روز پنجشنبه ۹۸/۶/۲۸ از ساعت ۱۱ تا ۱۴ در حسینیه محله قاضی دماوند و جمعه ۹۸/۶/۲۹ از ساعت ۱۶ الی ۱۸ در مسجد الغدیر واقع در خیابان میرداماد برگزار می گردد.
شرکت در مجالس مذکور موجب شادی روح آن فقید سعید و تسلی خاطر بازماندگان خواهد بود.

هیئت مدیره و کارکنان
شرکت صادراتی درخت الماس سبز

هوالباقی

با نهایت تأسف و تألم فراوان در ایام سوگواری سالارشهیدان پیشکسوت بزرگ صادرات خشکبار ایران مرحوم مغفور **شادروان جناب آقای حاج اسدالله عسگراولادی** به دیار باقی شتافت. مجلس ترحیم آن فقید سعید روز سه‌شنبه ۹۸/۶/۲۶ از ساعت ۱۴/۳۰ الی ۱۶ در مسجد امام صادق(ع) واقع در میدان فلسطین برگزار می گردد. همچنین مراسم هفتم روز پنجشنبه ۹۸/۶/۲۸ از ساعت ۱۱ تا ۱۴ در حسینیه محله قاضی دماوند و جمعه ۹۸/۶/۲۹ از ساعت ۱۶ الی ۱۸ در مسجد الغدیر واقع در خیابان میرداماد برگزار می گردد.
شرکت در مجالس مذکور موجب شادی روح آن فقید سعید و تسلی خاطر بازماندگان خواهد بود.

هیئت مدیره و کارکنان
شرکت صادراتی نیکو مهرگان

بازگشت همه به‌سوی اوست

با کمال تأسف و تألم فراوان در ایام سوگواری سالارشهیدان پیشکسوت بزرگ صادرات خشکبار ایران مرحوم مغفور **شادروان جناب آقای حاج اسدالله عسگراولادی** به دیار باقی شتافت. مجلس ترحیم آن فقید سعید روز سه‌شنبه ۹۸/۶/۲۶ از ساعت ۱۴/۳۰ الی ۱۶ در مسجد امام صادق(ع) واقع در میدان فلسطین برگزار می گردد. همچنین مراسم هفتم روز پنجشنبه ۹۸/۶/۲۸ از ساعت ۱۱ تا ۱۴ در حسینیه محله قاضی دماوند و جمعه ۹۸/۶/۲۹ از ساعت ۱۶ الی ۱۸ در مسجد الغدیر واقع در خیابان میرداماد برگزار می گردد.
شرکت در مجالس مذکور موجب شادی روح آن فقید سعید و تسلی خاطر بازماندگان خواهد بود.

هیئت مدیره و کارکنان
شرکت صادراتی جام نور

هوالباقی

با کمال تأسف و تأثر فراوان در ایام سوگواری سالارشهیدان پیشکسوت بزرگ صادرات خشکبار ایران مرحوم مغفور **شادروان جناب آقای حاج اسدالله عسگراولادی** به دیار باقی شتافت. مجلس ترحیم آن فقید سعید روز سه‌شنبه ۹۸/۶/۲۶ از ساعت ۱۴/۳۰ الی ۱۶ در مسجد امام صادق(ع) واقع در میدان فلسطین برگزار می گردد. همچنین مراسم هفتم روز پنجشنبه ۹۸/۶/۲۸ از ساعت ۱۱ تا ۱۴ در حسینیه محله قاضی دماوند و جمعه ۹۸/۶/۲۹ از ساعت ۱۶ الی ۱۸ در مسجد الغدیر واقع در خیابان میرداماد برگزار می گردد.
شرکت در مجالس مذکور موجب شادی روح آن فقید سعید و تسلی خاطر بازماندگان خواهد بود.

هیئت مدیره و کارکنان
شرکت صادراتی دانا تجارت آریا

هوالباقی

با کمال تأسف و تأثر فراوان در ایام سوگواری سالارشهیدان پیشکسوت بزرگ صادرات خشکبار ایران مرحوم مغفور **شادروان جناب آقای حاج اسدالله عسگراولادی** به دیار باقی شتافت. مجلس ترحیم آن فقید سعید روز سه‌شنبه ۹۸/۶/۲۶ از ساعت ۱۴/۳۰ الی ۱۶ در مسجد امام صادق(ع) واقع در میدان فلسطین برگزار می گردد. همچنین مراسم هفتم روز پنجشنبه ۹۸/۶/۲۸ از ساعت ۱۱ تا ۱۴ در حسینیه محله قاضی دماوند و جمعه ۹۸/۶/۲۹ از ساعت ۱۶ الی ۱۸ در مسجد الغدیر واقع در خیابان میرداماد برگزار می گردد.
شرکت در مجالس مذکور موجب شادی روح آن فقید سعید و تسلی خاطر بازماندگان خواهد بود.

هیئت مدیره و کارکنان
شرکت سهامی آب‌سنج

بازگشت همه به‌سوی اوست

با نهایت تأسف و تألم فراوان در ایام سوگواری سالارشهیدان پیشکسوت بزرگ صادرات خشکبار ایران مرحوم مغفور **شادروان جناب آقای حاج اسدالله عسگراولادی** به دیار باقی شتافت. مجلس ترحیم آن فقید سعید روز سه‌شنبه ۹۸/۶/۲۶ از ساعت ۱۴/۳۰ الی ۱۶ در مسجد امام صادق(ع) واقع در میدان فلسطین برگزار می گردد. همچنین مراسم هفتم روز پنجشنبه ۹۸/۶/۲۸ از ساعت ۱۱ تا ۱۴ در حسینیه محله قاضی دماوند و جمعه ۹۸/۶/۲۹ از ساعت ۱۶ الی ۱۸ در مسجد الغدیر واقع در خیابان میرداماد برگزار می گردد.
شرکت در مجالس مذکور موجب شادی روح آن فقید سعید و تسلی خاطر بازماندگان خواهد بود.

هیئت مدیره و کارکنان
شرکت تولیدی ایران انشعاب

بازگشت همه به‌سوی اوست

با نهایت تأسف و تألم فراوان در ایام سوگواری سالارشهیدان پیشکسوت بزرگ صادرات خشکبار ایران مرحوم مغفور **شادروان جناب آقای حاج اسدالله عسگراولادی** به دیار باقی شتافت. مجلس ترحیم آن فقید سعید روز سه‌شنبه ۹۸/۶/۲۶ از ساعت ۱۴/۳۰ الی ۱۶ در مسجد امام صادق(ع) واقع در میدان فلسطین برگزار می گردد. همچنین مراسم هفتم روز پنجشنبه ۹۸/۶/۲۸ از ساعت ۱۱ تا ۱۴ در حسینیه محله قاضی دماوند و جمعه ۹۸/۶/۲۹ از ساعت ۱۶ الی ۱۸ در مسجد الغدیر واقع در خیابان میرداماد برگزار می گردد.
شرکت در مجالس مذکور موجب شادی روح آن فقید سعید و تسلی خاطر بازماندگان خواهد بود.

هیئت مدیره و کارکنان
شرکت کشاورزی عمران و آبادی بوستان ایران

اناالله و اناالیه راجعون

با تأثر و تألم فراوان در ایام سوگواری سالارشهیدان پیشکسوت بزرگ صادرات خشکبار ایران مرحوم مغفور **شادروان جناب آقای حاج اسدالله عسگراولادی** به دیار باقی شتافت. مجلس ترحیم آن فقید سعید روز سه‌شنبه ۹۸/۶/۲۶ از ساعت ۱۴/۳۰ الی ۱۶ در مسجد امام صادق(ع) واقع در میدان فلسطین برگزار می گردد. همچنین مراسم هفتم روز پنجشنبه ۹۸/۶/۲۸ از ساعت ۱۱ تا ۱۴ در حسینیه محله قاضی دماوند و جمعه ۹۸/۶/۲۹ از ساعت ۱۶ الی ۱۸ در مسجد الغدیر واقع در خیابان میرداماد برگزار می گردد.
شرکت در مجالس مذکور موجب شادی روح آن فقید سعید و تسلی خاطر بازماندگان خواهد بود.

هیئت مدیره و کارکنان
شرکت صادراتی بینا

اناالله و اناالیه راجعون

با تأثر و تألم فراوان در ایام سوگواری سالارشهیدان پیشکسوت بزرگ صادرات خشکبار ایران مرحوم مغفور **شادروان جناب آقای حاج اسدالله عسگراولادی** به دیار باقی شتافت. مجلس ترحیم آن فقید سعید روز سه‌شنبه ۹۸/۶/۲۶ از ساعت ۱۴/۳۰ الی ۱۶ در مسجد امام صادق(ع) واقع در میدان فلسطین برگزار می گردد. همچنین مراسم هفتم روز پنجشنبه ۹۸/۶/۲۸ از ساعت ۱۱ تا ۱۴ در حسینیه محله قاضی دماوند و جمعه ۹۸/۶/۲۹ از ساعت ۱۶ الی ۱۸ در مسجد الغدیر واقع در خیابان میرداماد برگزار می گردد.
شرکت در مجالس مذکور موجب شادی روح آن فقید سعید و تسلی خاطر بازماندگان خواهد بود.

هیئت مدیره و کارکنان
شرکت صادراتی حسان

هوالباقی

با اندوه فراوان در ایام سوگواری سالارشهیدان پیشکسوت بزرگ صادرات خشکبار ایران مرحوم مغفور **شادروان جناب آقای حاج اسدالله عسگراولادی** به دیار باقی شتافت. مجلس ترحیم آن فقید سعید روز سه‌شنبه ۹۸/۶/۲۶ از ساعت ۱۴/۳۰ الی ۱۶ در مسجد امام صادق(ع) واقع در میدان فلسطین برگزار می گردد. همچنین مراسم هفتم روز پنجشنبه ۹۸/۶/۲۸ از ساعت ۱۱ تا ۱۴ در حسینیه محله قاضی دماوند و جمعه ۹۸/۶/۲۹ از ساعت ۱۶ الی ۱۸ در مسجد الغدیر واقع در خیابان میرداماد برگزار می گردد.
شرکت در مجالس مذکور موجب شادی روح آن فقید سعید و تسلی خاطر بازماندگان خواهد بود.

هیئت امناء مسجد فرشته

هوالباقی

با اندوه فراوان در ایام سوگواری سالارشهیدان پیشکسوت بزرگ صادرات خشکبار ایران مرحوم مغفور **شادروان جناب آقای حاج اسدالله عسگراولادی** به دیار باقی شتافت. مجلس ترحیم آن فقید سعید روز سه‌شنبه ۹۸/۶/۲۶ از ساعت ۱۴/۳۰ الی ۱۶ در مسجد امام صادق(ع) واقع در میدان فلسطین برگزار می گردد. همچنین مراسم هفتم روز پنجشنبه ۹۸/۶/۲۸ از ساعت ۱۱ تا ۱۴ در حسینیه محله قاضی دماوند و جمعه ۹۸/۶/۲۹ از ساعت ۱۶ الی ۱۸ در مسجد الغدیر واقع در خیابان میرداماد برگزار می گردد.
شرکت در مجالس مذکور موجب شادی روح آن فقید سعید و تسلی خاطر بازماندگان خواهد بود.

هیئت امناء
صندوق قرض‌الحسنه مسجد فرشته

بازگشت همه به‌سوی اوست

با نهایت تأسف و تأثر فراوان در ایام سوگواری سالارشهیدان پیشکسوت بزرگ صادرات خشکبار ایران مرحوم مغفور **شادروان جناب آقای حاج اسدالله عسگراولادی** به دیار باقی شتافت.
مجلس ترحیم آن فقید سعید روز سه‌شنبه ۹۸/۶/۲۶ از ساعت ۱۴/۳۰ الی ۱۶ در مسجد امام صادق(ع) واقع در میدان فلسطین برگزار می گردد.
همچنین مراسم هفتم روز پنجشنبه ۹۸/۶/۲۸ از ساعت ۱۱ تا ۱۴ در حسینیه محله قاضی دماوند و جمعه ۹۸/۶/۲۹ از ساعت ۱۶ الی ۱۸ در مسجد الغدیر واقع در خیابان میرداماد برگزار می گردد.
شرکت در مجالس مذکور موجب شادی روح آن فقید سعید و تسلی خاطر بازماندگان خواهد بود.

هیئت مدیره و کارکنان درمانگاه فرشته

بازگشت همه به‌سوی اوست

با نهایت تأسف و تأثر فراوان در ایام سوگواری سالارشهیدان پیشکسوت بزرگ صادرات خشکبار ایران مرحوم مغفور **شادروان جناب آقای حاج اسدالله عسگراولادی** به دیار باقی شتافت. مجلس ترحیم آن فقید سعید روز سه‌شنبه ۹۸/۶/۲۶ از ساعت ۱۴/۳۰ الی ۱۶ در مسجد امام صادق(ع) واقع در میدان فلسطین برگزار می گردد. همچنین مراسم هفتم روز پنجشنبه ۹۸/۶/۲۸ از ساعت ۱۱ تا ۱۴ در حسینیه محله قاضی دماوند و جمعه ۹۸/۶/۲۹ از ساعت ۱۶ الی ۱۸ در مسجد الغدیر واقع در خیابان میرداماد برگزار می گردد.
شرکت در مجالس مذکور موجب شادی روح آن فقید سعید و تسلی خاطر بازماندگان خواهد بود.

هیئت امناء حسینیه‌های دماوند

اناالله و اناالیه راجعون

با کمال تأسف و تأثر فراوان در ایام سوگواری سالارشهیدان پیشکسوت بزرگ صادرات خشکبار ایران مرحوم مغفور **شادروان جناب آقای حاج اسدالله عسگراولادی** به دیار باقی شتافت. مجلس ترحیم آن فقید سعید روز سه‌شنبه ۹۸/۶/۲۶ از ساعت ۱۴/۳۰ الی ۱۶ در مسجد امام صادق(ع) واقع در میدان فلسطین برگزار می گردد. همچنین مراسم هفتم روز پنجشنبه ۹۸/۶/۲۸ از ساعت ۱۱ تا ۱۴ در حسینیه محله قاضی دماوند و جمعه ۹۸/۶/۲۹ از ساعت ۱۶ الی ۱۸ در مسجد الغدیر واقع در خیابان میرداماد برگزار می گردد.
شرکت در مجالس مذکور موجب شادی روح آن فقید سعید و تسلی خاطر بازماندگان خواهد بود.

هیئت مدیره و کارکنان اتحادیه صادرکنندگان گیاهان دارویی (صمغ، دانه، ریشه، زعفران) و فرآورده‌های غذایی ایران

هوالباقی

خانواده محترم عسگراولادی

با اندوه فراوان درگذشت فقید سعید خیّر ارجمند **مرحوم مغفور حاج اسدالله عسگراولادی** را به شما و سایر بستگان تسلیت عرض نموده بقا و سلامتی بازماندگان را از خداوند متعال خواهانیم. به همین مناسبت مجالس ترحیم به‌شرح زیر برگزار می گردد
روز سه‌شنبه ۹۸/۶/۲۶ از ساعت ۱۴/۳۰ الی ۱۶/۳۰ در مسجد امام صادق(ع) واقع در میدان فلسطین روز پنجشنبه ۹۸/۶/۲۸ از ساعت ۱۱ الی ۱۴ در حسینیه محله قاضی دماوند روز جمعه ۹۸/۶/۲۹ از ساعت ۱۶ الی ۱۸ در مسجد الغدیر خیابان میرداماد

سید هاشم رسولی محلاتی، هیئت امناء نمازگزاران و کانون فرهنگی مسجد فرشته
هیئت مدیره و کارکنان صندوق قرض‌الحسنه و درمانگاه مسجد فرشته

یادبود

در آستانه هشتمین سال درگذشت شادروان
عباس خاورنش
نیک مردی که نماد انسانیت و اخلاق بود، یادش را گرامی می‌داریم و به روان پاکش درود می فرستیم.
خانواده‌های: خاورنش، جواهریان

بنام خداوند توانای جان آفرین

شهریورماه ۱۳۹۸ مصادف است با درگذشت دوازدهمین سال **سرکار خانم سیده فریده میرهادی (مشکاتی)** که عمری را افتخار تدریس و تربیت دانش‌آموزان ایران بزرگ را داشت، همواره روح و روانش شاد باشد

هر کس به زبانی صفت حمد تو گوید
بلبل به غزل‌خوانی، قمری به ترانه

برادر: دکتر پرویز میرهادی، خواهر: فهیمه میرهادی
عروس‌ها: آمنه فردین، مونا وثوقی‌راد
فرزندان: ماکان و مازیار مشکاتی
همسر: شهاب‌الدین مشکاتی

دلم برای روزهایی تنگ است که می‌دانم باز نخواهند گشت برای عزیزمان که دیگر حضورش را احساس نخواهیم کرد.

به راستی که چه زود دیر می‌شود

در بیستمین سالگرد آسمانی شدن **محمود مهادی** یاد و خاطره‌اش را گرامی می‌داریم.

همسر و فرزندان

تسلیت

جناب آقای دکتر سعید چناری

فقدان مادر بزرگوار جنابعالی را به شما و خانواده محترمتان تسلیت می گوییم و از خداوند منان برای آن مرحومه غفران و رضوان الهی و برای بازماندگان صبر جمیل و اجر جزیل خواستاریم.

از طرف دکتر سپیده حسینی
و دکتر نگار احمدی

جراح عالیقدر جناب آقای دکتر بدوحی

با تأسف و تأثر فراوان فوت برادر گرامیتان را تسلیت عرض نموده در غم شما شریکم.

دکتر جعفر قدس

جناب آقای سعید کاشفی
ریاست محترم کانون متخصصان ورزش ایران

وفات نابهنگام برادر عزیزتان **آقای بهروز کاشفی** را تسلیت عرض نموده و از درگاه خداوند متعال برای آن مرحوم آمرزش و برای جناب عالی و خانواده محترم صبر و شکیبائی آرزومندیم.

کانون متخصصان ورزش ایران

جناب آقای مهندس علی آزاد

با نهایت تأسف و تأثر درگذشت مادر بزرگوارتان را به جنابعالی و خانواده محترم تسلیت عرض نموده و از درگاه ایزدمنان آمرزش روح آن روانشاد و برای جنابعالی و خانواده محترم صبر و شکیبائی آرزومندیم.

محمدهاشمی صدرائی ـ جهانگیر عصر آزاد

جناب آقای دکتر بدوحی

مصیبت وارده را به شما و خانواده محترمتان تسلیت عرض می‌نماییم.

شاهین و مظفر هوشمند

جناب آقای مهندس علی آزاد
مدیریت محترم عامل شرکت فرعی راه
دبیر محترم انجمن شرکت‌های راهسازی ایران
و عضو محترم هیأت مدیره شرکت تعاونی شرکت‌های ساختمانی
و شرکت تضمین شرکت‌های ساختمانی

درگذشت مادر گرامیتان را تسلیت عرض نموده، برای جنابعالی و دیگر بازماندگان شکیبایی و برای درگذشته آرامش ابدی آرزو می‌نماییم.

شرکت ته تیس

جناب آقای دکتر منصور آذربال

با نهایت تأسف و تأثر مصیبت وارده را به جنابعالی و خانواده محترمتان تسلیت عرض می‌نمائیم.

دکتر معصومه ثابت کسائی
دکتر مصطفی انوری

جناب آقای مهندس جمشید برهانی

درگذشت تأسف‌بار داماد گرامیتان را صمیمانه تسلیت گفته بقای عمر و سلامتی جنابعالی و خانواده محترم را از درگاه احدیت خواستاریم.

هیئت مدیره و کارکنان
ایران فسفات

بنام خدا
جناب آقای مهندس علی آزاد

درگذشت مادربزرگوارتان را خدمت شما و سایر بازماندگان تسلیت عرض نموده، برای جنابعالی و سایرین آرزوی سلامتی و طول عمر و برای آن مرحومه شادی روح آرزو می‌نماید.

شرکت سی پی دی ـ پدر ـ پشوتن

صاحب امتیاز: شرکت ایرانچاپ (مؤسسه اطلاعات)
مدیر مسئول: سیدمحمود دعائی
سر دبیر: علیرضا خانی
نشانی: تهران- بلوار میرداماد- خیابان مصدق جنوبی (نفت سابق)
ساختمان اطلاعات- کدپستی ۱۵۴۹۹۵۳۱۱۱ (تهران)
پست تصویری تحریریه ۲۲۲۵۸۰۲۲
تلفن: ۲۹۹۹۹
نمابر آگهی‌ها ۲۱ و ۲۲۲۵۸۰۱۹
تلفن پذیرش آگهی‌ها ۱۸-۲۲۲۵۸۰۱۴
نشانی اینترنتی: http://www.ettelaat.com
پست الکترونیکی: ettelaat@ettelaat.com
منشور اخلاقی: http://www.ettelaat.com/ftp/manshoor.pdf

اطلاعات

سال نود و چهارم

تقویم اطلاعات

یکشنبه ۲۵ شهریور ۱۳۹۸
۱۶ محرم ۱۴۴۱ - ۱۶ سپتامبر ۲۰۱۹

ظهر شرعی	۱۲ و ۵۹ دقیقه
غروب آفتاب	۱۹ و ۱۱ دقیقه
اذان مغرب	۱۹ و ۲۹ دقیقه
نیمه شب شرعی (پایان وقت ادای نماز عشا)	۰۰ و ۱۷ دقیقه
اذان صبح (فردا)	۵ و ۲۳ دقیقه
طلوع آفتاب (فردا)	۶ و ۴۸ دقیقه

هشدار آلمان نسبت به قدرت یابی مجدد طالبان/افغانستان

سرویس خارجی: وزیر دفاع آلمان درباره قدرت یابی مجدد گروه طالبان در افغانستان پس از خروج نیروهای ناتو از این کشور به شدت هشدار داد.«آنگرت کرامپ کارن باور» اعلام کرد: خروج نیروهای ناتو از افغانستان، به طالبان این فرصت را خواهد داد که حکومت خود را احیا کنند که این اقدام می‌تواند تبعات خطرناکی برای آینده این کشور و امنیت جهان داشته باشد. وزیر دفاع آلمان تصریح کرد: تشکیل چنین حکومتی در افغانستان می‌تواند به ویژه برای زنان این کشور شرایط بسیار دشواری را به همراه داشته باشد.وی تاکید کرد: این نگرانی وجود دارد که اگر از مسئولیتمان در افغانستان شانه خالی کنیم، با شرایطی هولناکی در این کشور مواجه می شویم.

صادرات نفت عربستان در پی حملات انصارالله یمن نصف شد

سرویس خارجی: حملات پهپادی انتحاری انصارالله یمن به تاسیسات و پالایشگاه‌های شرکت بزرگ نفت «آرامکو» سعودی در شرق عربستان، تولید و صادرات نفت این کشور را به نصف کاهش داد.

وزیر انرژی رژیم سعودی با صدور بیانیه ای با تایید توقف نیمی از تولید و صادرات نفت عربستان بر اثر حملات پهپادی انصارالله یمن علیه پالایشگاه‌های نفت شرکت بزرگ «آرامکو» در منطقه «بقیق» و «خریص»، گفت: اطلاعاتی در رابطه با این حملات به زودی منتشر می‌شود. «عبدالعزیز بن سلمان» ضمن اعلام توقف تولید روزانه ۵/۷ میلیون بشکه نفت عربستان پس از حملات پهپادی یمنی ها گفت: حمله به پالایشگاه‌های «بقیق» و «خریص» منجر به توقف موقت تولید و صادرات نفت در پی تعطیلی آنها شده است اما بخشی از کاهش تولید در روزهای آینده از ذخایر نفتی این کشور جبران خواهد شد. وی با اشاره به اینکه حمله اخیر در ادامه عملیات نیروهای یمنی علیه تاسیسات نفتی عربستان بود، مدعی شد که این حملات تهدیدی برای اقتصاد جهان به شمار می‌رود.

این مقام سعودی که گویا کشورش را عاجز از دفاع در برابر عملیات پهپادهای مقاومت یمن می‌بیند، دست کمک به سمت دیگر کشورها دراز کرد و افزود: جامعه جهانی باید به نوبه خود برای حفاظت از منابع انرژی در برابر نیروهای یمنی اقدام و با عاملان و حامیان آنها مقابله کند.وی با بیان اینکه عملیات مذکور، تاثیری بر تامین آب و برق عربستان سعودی نگذاشته، گفت : شرکت «آرامکو» در حال ارزیابی اثرات این حمله است و طی ۴۸ ساعت آینده اطلاعات متعاقب و به‌روز رسانی‌شده درباره این اتفاق را اعلام می‌کند.از طرفی، همزمان با توقف تولید و صادرات بخش عمده ای از نفت این کشور در پی حملات پهپادی انصارالله یمن ، شاخص بازار بورس عربستان سعودی نیز در واکنش به این حملات با کاهش روبرو شد.به گفته منابع خبری، پس از این حملات گسترده، شاخص سهام بورس این کشور با افت شدید ۲/۳ درصدی روبرو شد. بازارهای سهام سایر کشورهای عربی نیز نسبت به این حملات واکنش منفی نشان داد به طوری که شاخص بورس کویت ۱/۱ درصد و شاخص بورس «دبی» نیز ۰/۸ درصد کاهش داشت. ارزش سهام شرکت «سابیک» سعودی (بزرگترین شرکت پتروشیمی این کشور) نیز بیش از ۳/۵ درصد کاهش یافت.

در همین حال، تحلیلگران [illegible] پهپادهای یمنی به تأسیسات نفتی شرکت «آرامکو» در شرق عربستان، [illegible]

پیشنهاد آمریکایی‌ها

سخنگوهای وزارت انرژی آمریکا و کاخ سفید در بیانیه‌های جداگانه از آمادگی این کشور برای جبران کسری تولید نفت عربستان سعودی در پی عملیات پهپادی انصارالله یمن علیه پالایشگاه‌های «آرامکو» و «بقیق» خبر دادند. «جود دیر»، سخنگوی کاخ سفید [illegible] «آرامکو» تاکید کرد: واشنگتن [illegible] به تامین نفت مورد نیاز بازار جهانی متعهد است. وزارت انرژی آمریکا نیز با حمایت تمام قد از رژیم سعودی که بیش از چهار سال است مشغول بمباران غیرنظامیان و مردم بی‌گناه یمن است اعلام کرد : آمادگی دارد از ذخایر استراتژیک نفت این کشور برداشت و برای جبران کسری نفت عربستان به بازار جهانی تزریق کند.

«ریک پری»، وزیر انرژی آمریکا همچنین ازمدیران این وزارتخانه خواست با سازمان بین‌المللی انرژی (IEA) همکاری کنند تا در صورت نیاز ، گزینه‌های ممکن برای اقدام سراسری جهانی را بررسی کنند.در همین حال، رئیس جمهوری آمریکا در گفتگوی تلفنی با «محمد بن سلمان» ، ولیعهد عربستان سعودی از آمادگی واشنگتن در حمایت از امنیت و ثبات عربستان خبر داد. «دونالد ترامپ» همچنین بر تاثیر منفی حمله ارتش و انصارالله یمن به پالایشگاه‌های نفتی سعودی بر اقتصاد جهانی اشاره کرد. ولیعهد عربستان سعودی نیز در این تماس تلفنی ادعا کرد که سعودی‌ها اراده و توانایی لازم برای مقابله با انصارالله یمن را دارند. «جان ابی زید» ، سفیر آمریکا در عربستان نیز حملات پهپادی انصارالله یمن به تاسیسات نفتی مهم عربستان را غیر قابل قبول خواند.

برخی دیگر از مقام‌های آمریکایی نیز در واکنش به عملیات پهپادی انصارالله و ارتش یمن علیه تأسیسات نفتی عربستان سعودی در منطقه «بقیق»، تلاش کردند همانند گذشته هجمه رسانه‌ای تازه‌ای علیه ایران تشکیل دهند.«لیندسی گراهام»، سناتور تندرو جمهوریخواه ایالت «کارولینای جنوبی» در واکنش به حمله یگان پهپادی ارتش یمن به پالایشگاه‌های نفت سعودی در سخنانی گستاخانه گفت: آمریکا نیز باید گزینه حمله به پالایشگاه‌های نفت ایران را بر روی میز قرار دهد. «مایک پمپئو»، وزیر خارجه آمریکا نیز توئیتی ضد ایرانی در این رابطه منتشر کرد. «پمپئو» که چندی پیش گفته بود هنگام ریاست بر سازمان «سیا» (آژانس مرکزی اطلاعات آمریکا) دوره‌های «دروغگویی» و «فریبکاری» را گذرانده، بدون هرگونه مدرکی مدعی شد که ایران عامل نزدیک به ۱۰۰حمله به عربستان سعودی بوده و اکنون نیز حمله‌ای بی‌سابقه علیه تأمین انرژی جهان انجام داده است . وی مدعی شد که هیچ مدرکی وجود ندارد تا نشان دهد این حملات از خاک یمن انجام شده است.سناتور «کریس مورفی» از حزب دموکرات اما با «غیرمسئولانه» دانستن اظهارات ضد ایرانی « پمپئو»، در صفحه شخصی توئیتر خود نوشت: این یک ساده‌سازی غیرمسئولانه و نحوه وارد شدن ما به جنگ‌های کم‌خردانه است. وی با رد ادعای «پمپئو» که ایران حملات به پالایشگاه‌های شرکت نفتی آرامکو را انجام داده است، توضیح داد: سعودی‌ها و انصارالله در حال جنگ با هم هستند ، سعودی‌ها به انصارالله حمله می‌کنند و آنها نیز پاسخ می‌دهند و به این سادگی نمی‌توان انصارالله یمن را مساوی ایران دانست.

«بن رودز» معاون مشاور امنیت ملی رئیس‌جمهوری پیشین آمریکا نیز با تاکید بر اینکه انصارالله را نباید همان ایران دانست، گفت: سعودی‌ها جنگی را در یمن به راه انداخته‌اند و این اظهارات «پمپئو» به‌طرز غیرقابل باوری «کم‌خردانه»، «مزوّرانه» و «خطرناک» است.

واکنش ایران

همزمان،وزیر خارجه کشورمان در واکنش به اتهام‌زنی بی‌سند واشنگتن به تهران درباره حمله پهپادی یمن به عربستان سعودی گفت: «مایک پمپئو» بعد از ناکامی در فشار حداکثری علیه ایران به «فریبکاری حداکثری» روی آورده است. «محمد جواد ظریف» در پیامی توییتری ، ادعای وزیر خارجه آمریکا درباره دست داشتن ایران در عملیات پهپادی مقاومت یمن علیه تاسیسات نفتی عربستان سعودی را رد کرد. وی افزود: اتهام زدن به ایران باعث پایان فاجعه نخواهد شد اما قبول پیشنهاد آوریل ۲۰۱۵ ما برای پایان جنگ و آغاز گفتگو ، ممکن است منجر به پایان فاجعه شود.

از طرفی،سخنگوی وزارت خارجه کشورمان نیز در سخنانی به اظهارات ضد ایرانی وزیر خارجه آمریکا و یکی از سناتورهای گستاخ این کشور در خصوص حملات پهپادی به تأسیسات نفتی عربستان توسط انصارالله یمن واکنش نشان داد و گفت : آمریکایی‌ها سیاستی به‌نام «فشار حداکثری» را علیه ایران در پیش گرفته اند که به دلیل ناکامی ها به سمت «دروغ حداکثری» گرایش پیدا کرده است.«سیدعباس موسوی» افزود: حدود پنج سال است که ائتلاف سعودی با تجاوزات مکرر به یمن و ارتکاب انواع جنایات جنگی آتش جنگ را در منطقه شعله‌ور نگه داشته است و یمنی‌ها نیز نشان داده‌اند مقابل جنگ و تجاوز ایستادگی می‌کنند. موسوی با اشاره به سخنان وزیر خارجه آمریکا خاطرنشان کرد: چنین اتهام‌زنی‌ها و اظهارنظرهای کور و بی‌حاصل در چارچوب دیپلماتیک ، «غیر قابل درک » و «بی‌معنی» است. وی افزود: در روابط بین‌المللی حتی «خصومت ورزی» هم دارای حداقلی از باورپذیری و چارچوب‌های منطقی است که مقامات آمریکا این اصول حداقلی را نیز درنوردیده‌اند . سخنگوی وزارت خارجه کشورمان ادامه داد: این‌گونه اظهارنظرها و اقدامات بیشتر شبیه برنامه‌ریزی سازمان‌های مخفی و اطلاعاتی برای تخریب وجهه کشوری به‌منظور زمینه‌سازی برای اقداماتی در آینده است. در همین حال، دولت انگلیس همانند گذشته در همراهی با مواضع بین المللی آمریکا ، بر تداوم حمایت از رژیم آل سعود تاکید کرد. سخنگوی وزارت خارجه انگلیس در این زمینه گفت : لندن حمله پهپادی به تاسیسات نفتی آرامکوی عربستان که انصارالله یمن مسئولیت آن را بر عهده گرفت، محکوم و بر تداوم حمایت ها از «ریاض» تاکید می‌کند.

دولت های فرانسه و امارات نیز این حملات را محکوم کردند.در بیانیه دولت امارات آمده است : این حملات، دامن امارات و سایر کشورهای منطقه را نیز خواهد گرفت. اتحادیه عرب نیز در بیانیه ای با تروریستی خواندن جنبش انصارالله یمن مدعی شد که پذیرش مسئولیت حمله به تأسیسات آرامکو نشان دهنده این است که تصمیم حمله از سوی تهران گرفته شده است و ایران در امور کشورهای عربی دخالت می‌کند.

«سعد الحریری»، نخست وزیر لبنان نیز با عربستان اعلام همبستگی کرد. از سویی، «مارتین گریفیتس»، فرستاده ویژه سازمان ملل در امور یمن نیز ضمن ابراز نگرانی خود از حملات به تأسیسات نفتی عربستان سعودی، طرف‌های سعودی و یمنی را به خویشتنداری دعوت کرد. در چنین شرایطی، دفتر اطلاع رسانی نخست وزیر عراق گمانه زنی های رسانه ای را در خصوص اینکه از خاک این کشور برای حمله به تأسیسات نفتی عربستان استفاده شد ، رد کرد.

دفتر اطلاع رسانی «عبدالمهدی» تاکید کرد: عراق به این مسأله پایبند است که از خاک این کشور برای حمله به کشورهای همسایه و دوست استفاده نشود.

همزمان با این تحولات، «محمد البخیتی» عضو برجسته شورای سیاسی جنبش انصارالله یمن در سخنانی ائتلاف سعودی را تهدید کرد که در صورت عدم توقف حملات ، نیروهای یمنی در عمق خاک عربستان و به سوی شهر «ریاض»، پایتخت این کشور پیشروی خواهند کرد.این عضو شورای سیاسی یمن همچنین تأکید کرد : عملیات یمنی‌ها بر اساس اصل دفاع از خود صورت می‌گیرد و بنابراین کسی نباید ارتش و کمیته‌های مردمی یمن را سرزنش کند.او گفت : سعودی‌ها مردم یمن را در محاصره قرار داده و زیرساخت‌های این کشور را نابوده کرده‌اند اما اگر به حملات خود پایان ندهند، متحمل خسارت‌های اقتصادی وسیعی خواهند شد که می‌تواند اقتصاد عربستان سعودی را با فروپاشی مواجه کند. «محمد علی الحوثی»، عضو شورای سیاسی عالی انقلاب یمن نیز در صفحه خود در توییتر نوشت: همگان باید بدانند که این آمریکاست که مخالف توقف حمله و تجاوز به کشور ما است و آمریکا ائتلاف ضد یمن را مدیریت می‌کند.در همین حال، روزنامه «نیویورک‌تایمز» در گزارشی نوشت: توان پهپادی انصارالله یمن چالشی برای عربستان سعودی ایجاد کرده که ریاض با تسلیحات گرانقیمت هم توان مقابله با آن را ندارد.

روزنامه صهیونیستی «جروزالم‌پست» نیز نوشت: حمله به تاسیسات مهم نفتی عربستان ، قدرت فناوری پهپادی انصارالله یمن را به خوبی نشان داد. روزنامه «رای الیوم» نیز در گزارش نوشت: انصارالله یمن با حمله گسترده پهپادی به میادین نفتی «بقیق» و «خریص » در عمق خاک عربستان ، قواعد درگیری جدیدی را رقم زده و این پیام را رسانده که این جنبش قادر است هرگونه اهدافی را در عمق عربستان مورد حمله قرار دهد.

در چنین شرایطی، تحولات میدانی یمن نیز همزمان با واکنش ها به حملات اخیر پهپادی انصارالله علیه عربستان همچنان ادامه داشت . در این راستا، یگان موشکی ارتش و انصارالله یمن با سه فروند موشک بالستیک «زلزال-۱» ، پایگاه و تجمع مزدوران ائتلاف سعودی در گذرگاه «علب»، واقع در استان «عسیر» عربستان را در هم کوبید که چندین کشته و زخمی در پی داشت. از سوی دیگر به دنبال حملات مزدوران سعودی در استان «الضالع» یمن یک غیرنظامی به شهادت رسید و شماری دیگر زخمی شدند .در خبری مرتبط،مردم یمن با برگزاری تظاهراتی گسترده در استان «المحویت»، تداوم تجاوزگری های سعودی در این کشور را محکوم کردند.شرکت کنندگان همچنین از عملیات پهپادی بزرگ یمنی ها علیه تأسیسات نفتی سعودی «آرامکو» عربستان حمایت کردند.

یورونیوز: بولتون به خاطر مخالفت با تعلیق تحریم‌های ایران اخراج شد

سرویس خارجی: یورو نیوز درگزارشی اعلام کرد: اخراج جان بولتون از سمت مشاور امنیت ملی آمریکا توسط ترامپ، به دلیل مخالفت وی با تعلیق تحریم های ایران بود. یورو نیوز به نقل از منبعی نزدیک به جان بولتون که نامش فاش نشده است از درگیری لفظی شدید وی با رئیس جمهوری آمریکا پیش از اخراج از کاخ سفید خبر داد و گفت: اخراج بولتون پس از جدال لفظی شدیدش با دونالد ترامپ، بر سر موضوع تحریم‌های ایران صورت گرفت. به گزارش یورو نیوز ، پس از این که دونالد ترامپ در جلسه‌ای در کاخ سفید اعلام کرد که ممکن است برخی تحریم‌ها علیه ایران به عنوان مشوقی به تهران در راستای آمدن بر سر میز مذاکره تعلیق شود، این موضوع با مخالفت شدید بولتون روبرو شد و موجب بالا گرفتن تنش لفظی ترامپ با وی شد.

این منبع اعلام کرد: بولتون به شدت با این پیشنهاد ترامپ مخالفت کرد و روز بعد نیز خبر اخراجش اعلام شد. در این حال،پایگاه تحلیلی دیفنس وان در مقاله ای نوشت:اخراج جان بولتون با نزدیک شدن به انتخابات ۲۰۲۰، نشانه ای از آغاز فصل جدید سیاست خارجی ترامپ است. این در حالی است که جان بولتون پس از خروج از کاخ سفید شغل پیشین خود به عنوان رئیس دو کمیته اقدام سیاسی به نام‌های JOHN BOLTON PAC و JOHN BOLTON SUPER PAC را از سر گرفت. از سویی،روزنامه گاردین در گزارشی با توجه به شکست آمریکا در مذاکرات افغانستان، کره شمالی، ایران و جنگ تجاری با چین، نوشت: جهان، اسیر بحران آفرینی ترامپ شده است.

به گفته گاردین سیاست خارجی آمریکا که برگرفته از تفکرات دونالد ترامپ رئیس جمهوری این کشور است، در مدت سه سال گذشته جهان را دچار بی نظمی فراوانی از جمله بحران های رقابت، هرج و مرج و درگیری کرده است.

در چنین شرایطی،نشریه «نشنال اینترست» با اشاره به ویژگی‌های منحصربه فرد اژدر روسی "اشکوال"، سرعت ۲۰۰ گره دریایی این اژدر را غیرقابل تصور دانست و اعتراف کرد که در زرادخانه‌های آمریکا چنین سلاحی وجود ندارد.از سوی دیگر،منابع خبری اعلام کردند: مقامات دیپلماتیک روسیه و آمریکا در حال برگزاری جلساتی منظم و متناوب در راستای عادی سازی روابط دو جانبه دیپلماتیک هستند.

از طرفی دولت ترامپ سه پروژه ساخت دیوار در مرز جنوبی آمریکا با مکزیک را به دلیل کافی نبودن منابع مالی ساخت این دیوار حذف کرد. خبر دیگر این که «اریک هولدر» دادستان کل سابق آمریکا اظهار داشت: دونالد ترامپ به محض ترک ریاست جمهوری تحت پیگرد قانونی قرار خواهد گرفت و من فکر نمی‌کنم تردیدی در این زمینه وجود داشته باشد.



برگزاری سومین مناظره انتخاباتی دموکرات ها در «تگزاس»

سومین مناظره انتخاباتی میان ۱۰ نامزد اصلی حزب دموکرات در انتخابات ریاست جمهوری سال ۲۰۲۰ آمریکا از جمله جو بایدن، برنی سندرز، کامالا هریس، الیزابت وارن، جولیان کاسترو، ایمی کلوباچر، اندرو یانگ، پیت بودجیج، بتو اورورک و کوری بوکر در شهر هیوستون تگزاس برگزار شد. این در حالی است که در این مناظره تقریبا برای همه نامزدهای دموکرات یک موضوع اولویت خاصی داشت و آن هم انتقاد از سیاست های دونالد ترامپ خصوصا سیاست های نژادی وی بود.

عمران خان: در صورت وقوع جنگ میان پاکستان و هند، نبرد اتمی اجتناب ناپذیر است

سرویس خارجی: نخست وزیر پاکستان ضمن هشدار به تمامی کشورهای جهان اعلام کرد: در صورت وقوع جنگ میان اسلام آباد و دهلی نو،نبرد اتمی اجتناب ناپذیر خواهد بود .«عمران خان» گفت:تاثیرات منفی جنگ میان ما و هند دامنگیر همه خواهد شد لذا همه باید برای حل مشکل کشمیر تلاش کنند. وی با هشدار نسبت به پیامدهای آغاز جنگ میان هند و پاکستان گفت:اثرات منفی این نبرد دامنگیر تمامی کشورهای جهان خواهد شد.عمران خان تصریح کرد: اگر نبرد میان هند و پاکستان آغاز شود پایان آن با شلیک موشک‌های هسته‌ای خواهد بود و این می‌تواند سبب نابودی تمامی منطقه شود.نخست وزیر پاکستان گفت: ما بارها به تمام مجامع جهانی هشدار داده‌ایم که هند ممکن است با صحنه سازی اتفاقی تروریستی در کشمیر رقم زده و پاکستان را مقصر آن بداند.

وی با تاکید بر این که هیچ انسان عاقلی صحبت از جنگ هسته‌ای به میان نمی‌آورد،از جوامع بین‌المللی درخواست کرد که مانع از آن شوند این اختلافات منجر به جنگ هسته‌ای با عواقب غیر قابل تصور شود.

عمران خان افزود: من همیشه مخالف جنگ بوده‌ام و همیشه از هند خواسته‌ام که برای حل مشکلات موجود مذاکره کند ولی دولتمردان دهلی‌نو پاسخ دعوت‌های ما را به درستی نداده و پیشنهاد گفتگو را نیز رد کرده‌اند. عمران خان در ادامه تاکید کرد: اگر ترامپ با قصد حل معضل کشمیر به میدان بیاید می‌تواند باعث حل همیشگی این مساله شود.عمران خان همچنین گفت: در سازمان ملل سخنرانی کرده و از حقوق مردم کشمیر حمایت خواهم کرد، البته ما نسبت به اقدام منفی هند نیز آگاه هستیم. این در حالی است که نمایندگان پارلمان اروپا با ابراز نگرانی از ادامه حکومت نظامی در کشمیر خواستار اعمال فشار بیشتر مجامع جهانی بر دولت هند شدند.

از طرفی ، محمد جواد ظریف وزیر امور خارجه ایران در دیدار با قائم مقام وزارت خارجه هند ضمن اعلام علاقمندی برای عملیاتی کردن ظرفیت های همکاری ، از وضعیت مردم کشمیر ابراز نگرانی کرد.

در چنین شرایطی،وزارت خارجه پاکستان با صدور بیانیه‌ای در اعتراض به تیراندازی نیروهای هندی به خاک پاکستان که منجر به کشته شدن دوغیرنظامی شد،کاردار دهلی نو در اسلام آباد را احضار کرد. دولت پاکستان همچنین کاردار سفارت افغانستان در اسلام آباد را در پی حمله تروریست ها به مرزبانان پاکستانی در نزدیکی مرز مشترک میان دو کشور که منجر به کشته شدن چهار نظامی این کشور شد احضار و مراتب اعتراض شدید دولت خود را به وی ابلاغ کرد. از سویی، سخنگوی وزارت امور خارجه هند ضمن ابراز نگرانی از افزایش موارد نقض آتش بس توسط اسلام آباد اعلام کرد: درسال جاری ارتش پاکستان بیش از دو هزار بار آتش بس با هند را نقض کرده است.خبر دیگر این که افزایش اعدام‌های بدون تفهیم جرم و ارائه مدرک اتباع پاکستانی در عربستان، اعتراض حقوقدانان پاکستان به حکام سعودی را در پی داشت.

سفر هیأتی از سوریه به اردن برای شرکت در نشست پارلمان عربی

سرویس خارجی: یک هیأت پارلمانی سوریه برای شرکت در نشست پارلمان عربی، وارد اردن شد.

این هیأت هفت نفره از پارلمان سوریه برای شرکت در نشست کمیته‌های اجرایی و قانونی پارلمان عربی وارد «امان» پایتخت اردن شد.بیست و ششمین نشست کمیته‌های پارلمان عربی از دیروز آغاز شد و تا روز پنجشنبه ادامه خواهد داشت. پیش از این «عاطف الطراونه» رئیس پارلمان اردن از «حموده صباغ» همتای سوریه خود برای حضور در کنفرانس اتحادیه پارلمان‌های عربی که در ماه مارس گذشته در «امان» برگزار شد نیز دعوت کرده بود. حضور رئیس پارلمان سوریه در کنفرانسی در این سطح، از زمان آغاز بحران بی سابقه بود. روابط امان – دمشق در ماه‌های اخیر روندی پرشتاب گرفته تا حدی که از دیدگاه کارشناسان سیاسی راه بازگشت روابط دو کشور به قبل از حوادث سال ۲۰۱۱، تقریبا هموار شده است. اردن از ابتدای سال جاری میلادی سطح روابط دیپلماتیک خود با سوریه را ارتقا داد و یک دیپلمات را به عنوان کاردار سفارت اردن در دمشق تعیین کرد. خبر دیگر اینکه یکی از سرکردگان برجسته تشکیلات تروریستی جیش العزه وابسته به جبهه النصره اذعان کرد که این تشکیلات ضربه محکمی خورده است. مصطفی البکور تاکید کرد که عملیات نظامی اخیر نیروهای ارتش سوریه نقش بسیار مهمی در ضربه زدن به این تشکیلات تروریستی و دیگر گروههای تروریستی ایفا کرد. وی افزود که عناصر جیش العزه از مهم ترین پایگاه خود در حومه شمالی حما خارج شده اند.

کوتاه از سراسر جهان

برگزاری مراسم تدفین موگابه با حضور دستیار وزیر خارجه ایران

ایرنا: مراسم رسمی تدفین رابرت موگابه رئیس جمهوری پیشین زیمبابوه در ورزشگاه ملی هراره برگزار شد. تعداد کثیری از رؤسای جمهوری فعلی و سابق، معاونان رئیس جمهوری، رؤسای مجالس، نمایندگان ویژه کشورها، مقام های کشوری و لشکری و اقشار مختلف مردم زیمبابوه در این مراسم حضور داشتند. مهدی آقاجعفری دستیار وزیر امور خارجه ایران در امور آفریقا نیز به عنوان فرستاده ویژه کشورمان در این مراسم حضور داشت. در این مراسم رؤسای جمهوری زیمبابوه، آفریقای جنوبی، کنیا، گینه استوایی، معاونان رؤسای جمهوری غنا، تانزانیا و کوبا و نمایندگان ویژه چین و روسیه در سخنانی یاد و خاطره این قهرمان پیشین مبارزه علیه استعمار را گرامی داشتند. موگابه ۱۵ شهریورماه در سن ۹۵ سالگی درگذشت.

تیراندازی در کانادا با یک کشته و چندین زخمی

فارس: تیراندازی در یکی از شهرهای استان «آنتاریو» کانادا، جان یک نفر را گرفت و چندین نفر دیگر را نیز زخمی کرد. اداره پلیس منطقه‌ای «پیل» کانادا ضمن گزارش درباره این حادثه، هیچ اطلاعاتی درباره عامل مسلح این تیراندازی فاش نکرد. شاهدان ماجرا می‌گویند حدود ۲۰ گلوله شلیک شد و هنوز تعداد کل تلفات این حادثه نامشخص است. تاکنون کسی در رابطه با این حادثه دستگیر نشده است و تحقیقات نیروهای پلیس در این خصوص ادامه دارد.

طرح محرمانه حزب کارگر انگلیس برای به قدرت رساندن «کوربین»

مهر: یک رسانه غربی از طرح محرمانه حزب کارگر انگلیس برای برکناری «بوریس جانسون» از نخست وزیری این کشور خبر داد. به گزارش نشریه میرور، به دلیل وضعیت سیاسی بوجود آمده در انگلیس و تاکید بوریس جانسون بر خروج این کشور از اتحادیه اروپا حتی بدون توافق با بروکسل، حزب کارگر در طرحی محرمانه قصد برکناری وی از سمت نخست وزیری را دارد. بر اساس این طرح محرمانه، با شروع کار مجدد پارلمان، طرح عدم رأی اعتماد به بوریس جانسون به اجرا گذاشته شده و وی از سمت نخست وزیری کنار می رود و در ادامه این طرح، «جرمی کوربین» رهبر حزب کارگر به عنوان نخست وزیر موقت برای شش ماه عهده دار امور می شود تا همه پرسی دوم در خصوص برگزیت انجام شود و پس از آن انتخابات سراسری برگزار می گردد.

حضور ناوشکن آمریکایی پس از ۳۶ سال در بندر بیروت

فارس: برای اولین بار پس از ۳۶ سال یک ناوشکن آمریکایی در بندر بیروت لنگر انداخت. ناوشکن آمریکایی « USS RAMAGE » برای یک روز در بندر بیروت لنگر انداخت و سفارت آمریکا در لبنان به همین مناسبت یک نشست رسانه‌ای در محل مذکور ترتیب داد. این ناوشکن موشک‌انداز از نوع «DDG ۶۱» و از کلاس کشتی‌های جنگی و دارای توانایی‌های هجومی و دفاعی چند کاره است که می‌تواند به صورت مستقل یا گروهی وارد عمل شود.

تایید مرگ پسر بن لادن توسط ترامپ

ابنا: «دونالد ترامپ» رئیس جمهوری آمریکا با انتشار بیانیه ای تایید کرد «حمزه بن لادن» پسر اسامه بن لادن، بنیانگذار گروه تروریستی القاعده، در پی حملات ایالات متحده کشته شده است .در بیانیه ترامپ آمده است: حمزه بن لادن، عضو ارشد القاعده و پسر اسامه بن لادن در عملیات ضد تروریستی آمریکا در منطقه ای بین افغانستان و پاکستان کشته شد .وی افزود: کشته شدن حمزه بن لادن نه تنها القاعده را از داشتن عضوی موثر و ارتباط نمادین با پدرش محروم کرد، بلکه اقدامات عملیاتی مهم این گروه را نیز تضعیف می کند.مرگ حمزه بن لادن در تابستان امسال گزارش شد، اما آمریکا این خبر را رسما تایید نکرده بود.

معترضان هنگ‌کنگی خواستار مداخله انگلیس شدند

فارس: معترضان هنگ کنگی در ادامه اعتراضها و اغتشاشات، با تجمع مقابل کنسولگری انگلیس، آشکارا خواستار مداخله دولت انگلیس در این منطقه شدند. صدها نفر از معترضان هنگ‌کنگی با در دست داشتن پرچم‌های ملی بریتانیا و سر دادن شعار «خدا ملکه را حفظ کند»، در مقابل کنسولگری بریتانیا تجمع کردند و از قدرت استعماری سابق خواستند تا تضمین کند که چین به تعهدات خود در مورد آزادی‌های این منطقه احترام بگذارد. هنگ‌کنگ از سال ۱۸۴۲ تا ۱۹۹۷ تحت سیطره بریتانیا بود، اما در سال ۱۹۹۷ به جمهوری چین پیوست.

نجات نخست‌وزیر سومالی از ۲ حمله تروریستی

تسنیم: نخست‌وزیر سومالی از دو حمله تروریستی که گروه الشباب مسئولیت آنها را بر عهده گرفته است، نجات یافت. رئیس پلیس ایالت «شبیلی سفلی» در جنوب غربی سومالی اعلام کرد: در حالی‌که «حسن علی خیری» نخست‌وزیر این کشور در شهر ساحلی «مرکه» در جمع گروه زیادی از مردم سخنرانی می‌کرد، یک بمب دست‌ساز منفجر شد و بر اثر آن یک غیرنظامی کشته و شمار دیگری نیز زخمی شدند. طبق گفته وی، حمله دوم تنها چند دقیقه پس از انفجار نخست و در محل حضور نخست‌وزیر به وقوع پیوست و نخست‌وزیر و هیات همراه وی از این دو حمله جان سالم به در بردند و عازم «موگادیشو» پایتخت شدند. جنبش الشباب با صدور بیانیه‌ای مسئولیت این حملات را بر عهده گرفت.

تظاهرات در فرانسه به خشونت کشیده شد

فارس: چهل و چهارمین تظاهرات جلیقه زردها در غرب فرانسه به خشونت کشیده شد و معترضان با نیروهای امنیتی درگیر شدند. نیروهای امنیتی فرانسه ۳۵ نفر را در جریان این اعتراضات جلیقه زردها در شهر «نانت» واقع در غرب این کشور دستگیر کردند. این تظاهرات به خشونت کشیده شد و معترضان، شیشه های مغازه ها را شکستند و با افسران پلیس به زد و خورد پرداختند. نیروهای پلیس نیز برای متفرق کردن معترضان از گاز اشک‌آور استفاده کرد.

انهدام پهپاد جاسوسی رژیم صهیونیستی توسط مقاومت فلسطین در غزه

سرویس خارجی: منابع فلسطینی از انهدام یک فروند پهپاد جاسوسی رژیم صهیونیستی در غزه خبر دادند.

نیروهای مقاومت فلسطین موفق شدند یک پهپاد جاسوسی رژیم صهیونیستی را در غزه هدف قرار دهند.یگان تک‌تیرانداز گردان‌های شهید «ابوعلی مصطفی» شاخه نظامی جبهه مردمی برای آزادی فلسطین این هواپیمای بدون سرنشین رژیم صهیونیستی را منهدم کرد و مسئولیت این عملیات را برعهده گرفت.این چندمین پهپاد اسرائیلی است که طی کمتر از یک هفته گذشته به دست نیروهای مقاومت فلسطین سرنگون می‌شود. دوشنبه شب گذشته نیز نیروهای مقاومت حماس یک پهپاد رژیم صهیونیستی را در شرق رفح در نوار غزه شناسایی و ساقط کردند.

سرنگونی پهپادهای اسرائیل در غزه در حالی صورت می‌گیرد که حزب‌الله لبنان هم دوشنبه گذشته از هدف قرار دادن یک پهپاد متجاوز رژیم صهیونیستی در آسمان لبنان خبر داده بود. در چنین شرایطی رئیس جمهوری آمریکا از تماس تلفنی با نخست وزیر رژیم صهیونیستی و احتمال توافق نظامی جدید با تل آویو خبر داد.

«دونالد ترامپ» در توییتی بدین منظور نوشت: «من امروز با بنیامین نتانیاهو نخست وزیر اسرائیل تماس تلفنی داشتم و در زمینه توافق دفاعی احتمالی بین آمریکا و اسرائیل با وی گفت‌وگو کردم. وی افزود: این اقدام می‌تواند اتحاد بسیار بزرگ بین ما را تحکیم کند.

من مشتاقانه منتظر تداوم رایزنی‌ها با نتانیاهو در ماه جاری در سازمان ملل متحد و بعد از برگزاری انتخابات اسرائیل هستم. همزمان نخست وزیر رژیم صهیونیستی از رئیس جمهور آمریکا درباره توافق نظامی احتمالی جدید واشنگتن با اسرائیل قدردانی کرد. بنیامین نتانیاهو در واکنش به پیام توئیتری ترامپ درباره توافق نظامی جدید احتمالی با اسرائیل از وی قدردانی کرد و در پیامی توئیتری نوشت: «ترامپ ای دوست عزیز از تو تشکر می‌کنم. دولت یهودی تاکنون دوست بزرگی همانند تو در کاخ سفید نداشته است. منتظر دیدارمان در مقر سازمان ملل برای پیشبرد توافق دفاعی مشترک تاریخی میان آمریکا و اسرائیل هستم.»خبر دیگر اینکه دولت عمان اظهارات اخیر نخست‌وزیر رژیم صهیونیستی درباره الحاق کرانه باختری به سرزمین‌های اشغالی را مردود دانست. وزارت خارجه عمان بیانیه‌ای را علیه پیوستن کرانه باختری به سرزمین‌های اشغالی منتشر و تاکید کرد که اظهارات نخست‌وزیر رژیم صهیونیستی درباره الحاق کرانه باختری به سرزمین‌های اشغالی مردود است. در این بیانیه بر حمایت از ملت فلسطین و تلاش‌های آن برای برپایی دولت مستقل فلسطین به پایتختی قدس شرقی تاکید شده است.

نخست‌وزیر رژیم صهیونیستی اخیرا در یک نشست خبری در آستانه انتخابات پارلمانی این رژیم، رسما اعلام کرد که در صورت پیروزی در انتخابات و تشکیل کابینه جدید، بخش بزرگی از کرانه باختری را به «اسرائیل» ضمیمه می‌کند.



زخمی شدن ۴۶ فلسطینی در یورش نظامیان صهیونیست به قدس

۴۶ فلسطینی در حمله نظامیان صهیونیست به شهرک "العیزریه" در شرق قدس اشغالی زخمی شدند. هلال احمر فلسطین اعلام کرد که این افراد به ضرب گلوله نظامیان صهیونیست یا بر اثر استنشاق گازهای اشک آور زخمی شدند. نظامیان رژیم صهیونیستی شهرک العیزریه را محاصره کرده و با ایجاد موانع و مراکز ایست بازرسی مانع ورود و خروج فلسطینیان شدند.

تظاهرات سراسری علیه گروه تروریستی «پ.ک.ک» در ترکیه

سرویس خارجی:هزاران تن از مردم ترکیه در شهرهای مختلف این کشور در اعتراض به اقدامات گروه تروریستی «پ.ک.ک» دست به تظاهرات سراسری گسترده زدند.

این تظاهرات تحت شعار "تروریسم را محکوم کنیم، خواستار برادری شویم" در استان های وان، هاکاری، موش، بیتلیس، سعرد، ماردین، شیرناک، باتمان، آگری، الازغ، درسیم و تونجلی برگزار شد.به گزارش رسانه‌های ترکیه، در تظاهرات مربوط به استان «وان» حدود ۵۱ سازمان غیردولتی به همراه فرماندار و شهردار شهر وان و قانونگذاران حزب حاکم عدالت و توسعه شرکت کردند.در این تظاهرات معترضان پرچم ترکیه را حمل و علیه پ.ک.ک که تا کنون در حملاتش باعث کشته شدن نزدیک به ۴۰ هزار تن در این کشور شده است، شعار دادند. معترضان همچنین شعار «ترک ها و کردها برادرند، جدایی‌طلبان، موش هستند» سر دادند. در تظاهرات استان هاکاری در جنوب شرق ترکیه نیز چندین تن از مقام های دولتی، قانونگذاران و نمایندگان سازمان های غیردولتی حضور پیدا کردند. «ادریس آق‌بویوک» فرماندار استان هاکاری اظهارداشت : من امیدوارم که جنگ با تروریست ها تا زمانی که حتی یک تروریست هم در این سرزمین وجود نداشته باشد، ادامه یابد و کسانی که به سمت مردم بی‌گناه ما سلاحشان را نشانه می‌روند مجازات خواهند شد.

تظاهرکنندگان همچنین حمایتشان را از مادران معترض به اقدام پ.ک.ک در به خدمت گرفتن کودک سربازان در استان دیاربکر اعلام کردند. از سویی،«رجب طیب اردوغان» رئیس جمهوری ترکیه در مصاحبه با رویترز گفت: وضعیت کشورش پایدار است و وزرا چه در زمینه اقتصادی یا دیگر زمینه‌ها تمامی تلاش خود را به کار می‌گیرند و به همین دلیل انجام اصلاحات در وزارتخانه‌های ترکیه مفهومی ندارد.

خبر دیگر این که «مولودچاووش‌اوغلو» وزیر امور خارجه ترکیه در مورد عضویت کشورش در اتحادیه اروپا گفت: ما همواره تلاش کرده‌ایم که در این مسیر به‌درستی حرکت کنیم و هیچگاه از مسیر خود منحرف نشده‌ایم و مشکل اروپایی‌ها با ما چیز دیگری است و در بیان مواضع خود صادق نیستند و مواضع غیررسمی آنها با چیزی که در گزارش‌ها می‌آید، بسیار متفاوت است. وی گفت: بارها مقامات آلمانی و فرانسوی پشت درهای بسته و در محافل غیررسمی به ترکیه گفته‌اند که ما نمی‌خواهیم قدرت خود را با شما تقسیم کنیم. اگر شما وارد اتحادیه شوید، موازنه به هم می‌خورد.از سویی،وزارت دفاع ترکیه اعلام کرد: روند تحویل دومین محموله سامانه اس-۴۰۰ روسی به آنکارا تکمیل شده است و این سامانه ها در آوریل ۲۰۲۰ عملیاتی می‌شوند.

خنثی شدن توطئه داعش برای حمله تروریستی به زائران اربعین حسینی در «سامرا»

سرویس خارجی:نیروهای امنیتی عراق توطئه یک گروه داعشی را که قصد انجام عملیات تروریستی علیه زائران در مراسم اربعین حسینی را داشتند ، کشف و خنثی کردند .

گروه اطلاع‌رسانی «الاعلام الامنی» عراق در بیانیه ای از کشف و انهدام یک گروه از تروریست‌های داعش در «سامرا» که قصد انجام عملیات علیه زائران حسینی در روز اربعین را داشتند، خبر داد. در این بیانیه آمده است : نیروهای امنیتی عراق در شهر «سامرا» و منطقه «الجلاء» در یک عملیات پیش دستانه و طبق اطلاعات دقیق امنیتی توانستند یک تیم تروریستی شش نفره از داعش را که برای انجام عملیات در روز اربعین امام حسین (ع) برنامه‌ریزی کرده بودند، دستگیر کنند. در بین بازداشت شدگان یک زن که همسر یکی از تروریست‌های سوریه است نیز حضور دارد.همزمان، نیروهای امنیتی عراقی توانستند در جنوب بغداد در کارگاهی ۲۰خمپاره و مواد منفجره کشف و ضبط کنند.

لازم به ذکر است پس از آزادسازی شهر «موصل» و پایان خلافت ادعایی داعش در ۱۹تیر ماه ۹۶ بسیاری از تروریست‌ها در قالب هسته‌های خاموش در مناطق کوهستانی در شرق عراق (رشته کوه حمرین) و مناطق بیابانی در غرب این کشور مخفی شده اند و هر از گاهی برای انجام عملیات تروریستی اقدام می‌کنند.در خبری مرتبط ، سخنگوی وزارت خارجه عراق در سخنانی اعلام کرد : همسویی گسترده میان «بغداد» و «مسکو»، توانایی های مقابله با چالش‌های مشترک را تقویت خواهد کرد.

« احمد الصحاف» تاکید کرد: سفر «سرگئی لاوروف»، وزیر خارجه روسیه به بغداد در روزهای هفتم و هشتم اکتبر آتی در چارچوب وقوع تحولات در سطح منطقه صورت می‌گیرد و وی در جریان این سفر، اوضاع را با سران سه قوه و «محمد علی الحکیم»، وزیر خارجه عراق مورد بررسی قرار خواهد داد.الصحاف در ادامه افزود: قرار است «لاوروف» در جریان این سفر خطرات و چالش‌های منطقه‌ای از جمله تشدید تنش میان «تهران» و «واشنگتن» و همچنین مسائل مربوط به مبارزه با تروریسم و تبادل حمایت مشترک میان بغداد و مسکو را مورد بررسی قرار دهد.در تحول دیگری، رسانه‌های عراق از استعفای «علاء الدین العلوان»، وزیر بهداشت کابینه «عادل عبدالمهدی»، نخست وزیر این کشور خبر دادند.

آغاز انتخابات سرنوشت ساز ریاست‌جمهوری تونس

سرویس خارجی: انتخابات ریاست‌جمهوری تونس دیروز (یکشنبه) با شرکت ۲۴نامزد انتخاباتی شروع شد.

به گزارش منابع خبری، دومین انتخابات سرنوشت ساز ریاست‌جمهوری تونس از سال ۲۰۱۱ در این کشور آغاز شد و ۲۴نامزد انتخابات ریاست‌جمهوری این کشور از دیروز (یکشنبه) رقابت خود را آغاز کردند. این در حالی است که پیشتر ، دو نامزد از مجموع ۲۶نامزد از رقابت در انتخابات به نفع وزیر دفاع سابق این کشور کناره‌گیری کردند. براساس بیانیه وزارت کشور تونس، ۷۰هزار نیروی نظامی، تامین امنیت انتخابات ریاست‌جمهوری این کشور را برعهده دارند.این وزارتخانه در بیانیه‌ای اعلام کرد: ۵۰هزار نیروی امنیتی مسئولیت تامین امنیت تمامی مقرها و مراکز اخذ رای، حفاظت از جان نامزدها، تامین امنیت فعالیت‌های شخصیت‌ها و میهمانان از جمله ناظران تسهیل فعالیت خبرنگاران، تامین امنیت انتقال وسایل مربوط به انتخابات و صندوق‌های رای‌گیری را در مراحل مختلف با هماهنگی نهاد نظامی را برعهده دارند. طبق این بیانیه، بیش از ۲۰هزار نیروی امنیتی دیگر نیز برای تامین امنیت روال عادی کار در بقیه سازمان‌های امنیتی جهت تضمین امنیت و ثبات و حمایت از اموال عمومی و خصوصی و مبارزه با تروریسم و نیز تامین امنیت مرزها و مقرهای دیپلماتیک و مقرهای حکومتی در نظر گرفته شده‌اند. همچنین ۱۵۹تیم از یگان‌های ویژه ضد ترور در تمامی استان‌ها با تمامی تجهیزات لازم و هلی‌کوپتر برای شرایط اضطراری مستقر شده‌اند.در همین حال و همزمان با آغاز انتخابات ریاست‌جمهوری تونس، برخی منابع از مرگ « زین‌العابدین بن علی» در عربستان سعودی خبر دادند. منابع خبری گزارش دادند که خانواده «زین‌العابدین بن‌علی»،رئیس‌جمهوری مخلوع تونس به فوت او اشاره کرده اما به صراحت آن را اعلام نکرده‌اند. روزنامه فرامنطقه‌ای «القدس‌العربی» نیز نوشت که در تماس با وکیل «بن علی»، او خبر مرگ وی را تأیید یا رد نکرده است.همچنین «نسرین»، دختر «بن علی» در صفحه فیس‌بوک خود نوشت: « پیام پدرم : ای وطن ناسپاس هرگز استخوان هایم را به تو نخواهم سپرد.» .همزمان ، برخی منابع دیگر نیز از مرگ همسر «الباجی قاید السبسی»، رئیس جمهوری فقید این کشور خبر دادند.به گزارش خبرگزاری روسیاالیوم، «حافظ قاید السبسی»، فرزند «الباجی قاید السبسی»، رئیس جمهوری فقید تونس از مرگ مادرش خبر داد.منابع تونسی اعلام کردند که « شدلیه »، همسر رئیس جمهوری فقید تونس حالش بد شد و پس از انتقال به بیمارستان فوت کرد. به گفته این منابع، فوت همسر السبسی همزمان با شروع انتخابات ریاست جمهوری تونس برای انتخاب جانشین همسر فقیدش روی داد.



۴۱۲
ضمیمه اجتماعی روزنامه اطلاعات
دوشنبه ۲۵ شهریور ۱۳۹۸ـ سال نود و چهارم ـ شماره ۲۷۳۷۹

گفتگو با دکتر آیت‌الله میرزایی جامعه شناس



وقتی نهاد دانشگاه از علم تهی می‌شود

● مدرک به مثابه سیب زمینی!

● تقلب از نوع عالی!

عکس از: مجید فراهانی



دوشنبه ۲۵ شهریور ۱۳۹۸ـ سال نود و چهارم ـ شماره ۲۷۳۷۹

میدان مشق

مدرک به‌مثابه سیب‌زمینی!



ارمغان زمان فشمی

تا همین چندسال پیش، نتایج کنکور به همراه روزنامه‌ها منتشر می‌شد. باید از صبح زود می‌رفتی توی صف کیوسک روزنامه‌فروشی محل و منتظر می‌ماندی تا روزنامه برسد. دل‌ها مثل سیر و سرکه می‌جوشید و چیزی آرامشان نمی‌کرد مگر رسیدن روزنامه و خریدن آن و ورق زدنش. بعد از آن آدم‌های کنار کیوسک به دو دسته تقسیم می‌شدند، یک دسته نمی‌توانستند لبخند گل و گشادشان را پنهان کنند و با سری افراشته و نگاهی پرغرور به همه فخر می‌فروختند که یعنی قبول شدیم! یک‌دسته دیگر هم ناامید و غصه‌دار حساب می‌کردند که از این به بعد زندگیشان چه تغییراتی خواهد کرد. اگر پسر بودند احتمالا باید برای رفتن به سربازی آماده می‌شدند و اگر دختر بودند ممکن بود خواستگار مناسب و سمجی از راه برسد که باعث شود نتوانند در کنکور سال بعد شرکت کنند و مسیر زندگیشان به‌کلی عوض می‌شد.

آن‌وقت‌ها قبولی در کنکور به همین راحتی‌ها نبود. باید حسابی درس می‌خواندی و با موج کنکوری‌هایی که حاصل انفجار جمعیت در دهه شصت بودند رقابت می‌کردی. انواع و اقسام دانشگاه‌های آزاد و غیرانتفاعی و غیرحضوری و بدون کنکور و پولکی هم مثل قارچ همه‌جا رشد نکرده بودند که شانس دانشجو شدنت را بالا ببرند. عرضه کم بود و تقاضا زیاد. برای همین بود که دکتر و مهندس شدن برای خودش کلاسی داشت و قبولی در کنکور می‌توانست برای چندهفته بمب خبری فامیل باشد.

چندسالی هست که اوضاع برعکس شده و درحالی که عرضه رشته‌ها در دانشگاه‌های جورواجور بالا رفته، تقاضا برای آنها پایین آمده و دیگر رفتن به دانشگاه اولویت خیلی از جوان‌ها نیست. انگار نه دانشجو شدن طعم شیرین گذشته را دارد، نه فارغ‌التحصیل شدن از دانشگاه امتیاز خاصی برای کسی ایجاد می‌کند. خیلی از جوان‌ها با نگاهی به اوضاع اقتصادی جامعه و بی‌کار ماندن فارغ‌التحصیلان رشته‌های مختلف دانشگاه‌ها به این نتیجه می‌رسند که عطای درس‌خواندن را به لقایش ببخشند و به‌دنبال کار بروند.

حال دانشگاه‌ها هم خوب نیست و حتی برای علاقه‌مندان واقعی علم و دانش جذابیتی ایجاد نمی‌کند. کمیت در تمامی ابعاد جای کیفیت را گرفته و همه‌چیز از مدرک گرفته تا پایان‌نامه و مقاله قابل خرید و فروش است. برخی استادان توانا به دلایل غیرعلمی ناچار به استعفا می‌شوند و برخی دیگر با سفارش عمه و عمو به هیأت‌علمی دانشگاه‌ها می‌پیوندند.

خیلی‌ها برای استفاده از امتیاز مدرک دانشگاهی و بالابردن حقوق و مزایایشان، حاضرند آن را بخرند، درست مثل کسی که می‌خواهد استانبولی بپزد و ناچار است تا ملزومات آن را تهیه کند؛ مدرک دانشگاهی به‌مثابه سیب‌زمینی و پیاز و گوجه‌فرنگی!

معلوم است که در این میان یک فرد دانشگاهی شأن سابق را ندارد، زیرا نه معلوم است که با وضعیت موجود در دانشگاه‌ها سواد درست و حسابی پیدا کرده باشد و نه می‌تواند به صرف کارشناس بودن در یک رشته، شغلی مرتبط با تخصص خود پیدا کند، زیرا در بازار کار هم همان اوضاع بلبشوی دانشگاه حاکم است و اگر بند «پ» (پول و پارتی) نداشته باشی، کلاهت پس معرکه است!

اینجاست که کم‌کم در همه‌جا افراد غیرمتخصص جای افراد متخصص را می‌گیرند و دیگر هیچ کاری درست و اصولی انجام نمی‌شود. ساختمان‌هایی که مهندسان می‌سازند فرو می‌ریزند، بیماران زیر دست پزشکان می‌میرند و املا و انشای دانش‌آموزان روزبه‌روز ضعیف‌تر می‌شود.

همین حالا هم برای این‌که از خودمان بپرسیم چطور شد که به اینجا رسیدیم خیلی دیر است.

ضمیمه جامعه روزنامه اطلاعات هر دوشنبه منتشر می‌شود
از مطالب، پیشنهادها و انتقادات شما استقبال می‌کنیم.
Email:jameettelaat@gmail.com
تلفن: ۲۹۹۹۳۲۱۰

زیرگذر اینترنت

تقلب از نوع عالی!

یکی از پدیده‌هایی که در سال‌های اخیر دامان حوزه‌های آموزشی و علمی را گرفته، شیوع انواع تقلب و تخلف در این حوزه است؛ تا جایی که در میان دولتمردان و مدیران ارشد مملکت هم مشاهده می‌شود. وقتی تقلب و تخلف علمی در این گروه هم وجود داشته باشد سخن‌گفتن از مبارزه با آن کار دشواری است.

۲۸ تیرماه ۱۳۹۶ «محمود صادقی»، نماینده مجلس، در صفحه شخصی خود خبر داد: «لایحه پیشگیری و مقابله با تقلب علمی هم‌اکنون به‌تصویب رسید. امید که نقش بازدارنده درپیشگیری از این سوءرفتار در جامعه ما داشته باشد.»

مدت کوتاهی بعد از آن خبرگزاری ایرنا نوشت: «رئیس‌جمهوری، قانون پیشگیری و مقابله با تقلب در تهیه آثار علمی را جهت اجرا به وزارتخانه‌های علوم و بهداشت ابلاغ کرد.»

اما در همین سال‌های اخیر چه اتفاقات دیگری افتاده‌اند؟ برخی از آنها را مرور می‌کنیم.

«محمد باقرزاده»، خبرنگار اجتماعی روزنامه شهروند، سال گذشته نوشته بود: «زمانی که کتاب مهندس عدل.ه تألیف شد، او هنوز دانشجوی کاردانی مکانیک دانشگاه آزاد بود. در دوره نمایندگی همین مهندس، مجلس قانون مقابله با تقلب علمی را تصویب کرد! اگر مقابله با تقلب جدی است، بیایید و از محتوای همین کتاب‌ها از او امتحان بگیرید تا ببینم پاس می‌شود!؟»

او در یک مطلب دیگر نوشت: «محمدرضا الف، شهردار یکی از شهرها، به دلیل تقلب علمی در پایان‌نامه، یک ماه پس از انتصاب مجبور به استعفا شد. او یکی از طرح‌های شهرداری را به عنوان پایان‌نامه به دانشگاه آزاد داده و مدرک گرفته بود!»

«ع. ششگلانی» که خود را پژوهشگر تاریخ و سیاست معرفی کرده، از کشف یکی از بزرگ‌ترین رسوایی‌های تقلب علمی سیاستمداران در سال‌های اخیر خبر داده و گفته است: «محمد.ح، نماینده مجلس، در رزومه خود ادعا کرده که مقاله‌هایی به انگلیسی منتشر کرده است، در حالی که بررسی‌ها نشان می‌دهد چنین مقالاتی وجود خارجی ندارند!»

او افزوده: «ایشان مدعی‌اند که سه مقاله انگلیسی را در فصلنامه‌های علمی بین‌المللی منتشر کرده‌اند. بررسی‌ها نشان می‌دهند که دو مقاله اساسا وجود خارجی ندارند و مقاله سوم صرفا در حد چکیده در یکی از فصلنامه‌هایی که با دریافت پول از نویسنده و بدون بررسی کارشناسانه و دقیق محتوا، اقدام به انتشار مقاله می‌کنند، چاپ شده است.

می‌توان گفت بعد از رسوایی مدرک دکترای علی کُردان، این یکی از بزرگ‌ترین پدیده‌های فساد علمی در کشور است. نکته تأسف‌آورتر این‌که وی استاد دانشگاه شهید بهشتی است که یکی از برجسته‌ترین دانشگاه‌های کشور به‌شمار می‌آید. فردی که به خود اجازه می‌دهد این گونه برای منافع شخصی خود و کسب یا ارتقای موقعیت دانشگاهی دست به مقاله‌سازی بزند، چگونه می‌تواند نماینده مصالح عمومی مردم در مجلس باشد؟»

حتی چهره شناخته‌شده‌ای مانند «عباس عبدی» گفته است: «بنده پژوهشی را به سفارش مرکز مطالعات و تحقیقات زنان دانشگاه تهران در سال ۱۳۸۶ انجام دادم و مدتی بعد به یک‌باره متوجه شدم که مقاله من به نام کارفرما [خانم سهیلا. ص که عضو هیأت علمی دانشکده علوم اجتماعی است] منتشر شده است. یقین داشتم ایشان حتی پژوهش را نخوانده است چه رسد به این که نقشی در تألیف آن داشته باشد!»

«حسین حمدیه» نوشته: «این که دانش‌فروشی، حجم بالای تقلب علمی و سیل بی‌معنی و بدون پشتوانه مقاله‌های ISI در ژورنال‌های بنجل را بدون نگاه به وضعیت اسف‌بار آموزش عالی، به‌عنوان دستاورد چهل‌ساله انقلاب ذکر کنیم بیشتر به طنز تلخ می‌ماند تا هر چیز دیگر!»

«میلاد گودرزی» با اشاره به گفتگویی با استاد آلمانی که یک نماینده مجلس ایران از مقاله او سرقت علمی کرده بود، نوشته است: «ولفرام بوگارد، استاد دانشگاه فرایبورگ آلمان می‌گوید شکایت از نماینده سراوان را پیگیری خواهم کرد. وی افزوده ما در کشورمان مورد مشابهی از یک وزیر داشتیم که به‌خاطر سرقت علمی برکنار شد!»

«احمدرضا بیضایی» گفته: «من از هر چیز دیگر که در مورد نماینده سراوان بگذرم، از فضاحت سرقت علمی و رزومه سازی‌اش نمی‌گذرم. من ادعایی ندارم ولی در دوره دکترای تخصصی همدوره‌ای‌هایی داشتم که ماه‌ها همه شب و روزشان را در شرایط سخت تحقیق صرف می‌کردند تا یک مقاله علمی منتشر کنند. بی‌خیال این آدم شدن، اجحاف در حق آنهاست.»

«زهرا آیت‌اللهی» به نکته درستی اشاره کرده: «در بحث سرقت علمی مواردی که چند صباحی است مسأله شده‌اند، آنهایی هستند که طرف از یک خارجی یا از یک آدم اسم و رسم‌دار داخلی کپی کرده، وگرنه استادانی که دانشجویان را استثمار می‌کنند یا افرادی که پایان‌نامه‌هایشان را یک دانشجوی بی‌پول برای نیاز مالی نوشته، ایراد و پرسشی به کارشان وارد نمی‌شود.»

روش‌های گوناگون تقلب به حوزه‌های فرهنگی غیردانشگاهی هم راه پیدا کرده‌اند. «ایسکا نیوز» از یک روش جدید تقلب علمی در آزمون زبان انگلیسی خبر داده است: «در این ترفند جدید که از سوی یک مؤسسه غیرقانونی انجام گرفته، متقاضی بعد از ثبت‌نام در آزمون، در امتحان حضور پیدا نمی‌کند و به جای او فردی را با گریم به جلسه می‌فرستند! آنها برای یکی از آزمون‌ها حدود ۶میلیون تومان و برای یک آزمون دیگر حدود ۷میلیون تومان دریافت می‌کنند.»

«فرشته تابانیان» نوشته: «از یک شرکت به من زنگ زدند و گفتند که اگر بخواهی، ما کتاب‌هایی داریم که می‌توانیم آنها را به اسم شما چاپ کنیم. بعد از چند پرسش و پاسخ لیستی برایم فرستادند. به همین سادگی شما می‌توانید با پرداخت پول نویسنده یک کتاب شوید!»

اکنون و در شرایطی که از کارگردان سینما تا استاد دانشگاه و حتی معاون رییس‌جمهور، در زمینه سرقت یا تقلب علمی مورد اتهامند، چگونه می‌توان از دانشجویان توقع داشت برای پیشرفت به راه‌های میان‌بر فکر نکنند؟ و اصولا آن دسته از مدعیان قانون که خود دست به سرقت علمی می‌زنند چطور می‌توانند بالارفتن سارقان از دیوار خانه‌ها و دزدی‌های اختلاسگران و دزدان مال و ناموس مردم را زیر سؤال ببرند؟!

تماشاخانه

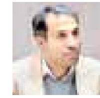


پایان‌نامه‌ای که خرید و فروش شود، جایش در همین سطل زباله است!

عکس : احسان کاظملو



جلال، غرب‌زدگی و چهل سالگی نظام آموزشی



● دکتر رضا ماحوزی*



چهل سال از انقلاب اسلامی ما می گذرد و هنوز تکلیفمان را با مقولاتی چون غرب‌زدگی، ماشین‌زدگی، شرق‌شناسی، نفرت از غرب، تلاش برای بومی‌سازی، کسب فرآیند تولید علم و فن و ده‌ها مقوله مرتبط با این عناوین روشن نکرده‌ایم. هنوز هم طنین دعواها و دعوی‌های جلال آل‌احمد در «غرب‌زدگی» به گوش می‌رسد و می‌تواند احساس را برانگیزد.

جلال که غرب‌زدگی را از منظری اقتصادی تشریح کرده و خیلی سریع و صریح آن را به ماشین‌زدگی و تبعات آن تقلیل داده است، در کتاب خود سعی می کند شئون متعدد برآمده از سیطرهٔ ماشین بر زندگی انسان‌های شرقی را -که مصرف کنندهٔ ماشین و تکنولوژی غربی‌اند- نشان دهد؛ شئونی چون نقش کمپانی‌های بزرگ اقتصادی و نفتی در تحولات سیاسی کشورهای مستعمره، تشریح دو موج اول و دوم شرق‌شناسی با هدف جاسوسی برای غرب و فراهم کردن زمینهٔ چپاول در موج اول و تدارک بازار مصرف در موج دوم (غرب‌زدگی، صفحات ۱۲۹-۱۲۶)، دانشگاه خفته که یا خود را سرگرم نبش قبر کرده یا خود را به مصرف دعاوی غربی راضی ساخته است، ارتش مجهز و پرهیمنه اما بی‌مصرف که یا باید تعطیلش کرد یا مأموریتش را عوض کرد (همان، ص ۱۴۰)، خفقان سیاسیِ ناشی از مدیریتِ رهبرانِ غرب‌زدهٔ خودباخته که آزادی را مانع اجرای فرمان‌های اربابان غربی خود می‌دانند و غیره. اینها را همگی جلال در «غرب‌زدگی» بیان داشته و بر حسب برداشت خود از این عنوان و مفهوم، تاریخ ایران را در سیصد سال اخیر روایت کرده است؛ تاریخ برآمدن صفویه و افشاریه و قاجار و پهلوی.

گسترهٔ نفوذ دیدگاه‌های جلال در ۳۹سال اخیر ایران، آنگاه که تلاش شد او را جایگزین شریعتی کنند، به حدی زیاد است که از مرز اشاره مستقیم گذشته و به مغز استخوان رسیده است. حرف‌های او در گفتمان رسمی حاکمیت آن‌قدر عمومیت یافته و به مرز بداهت از سنخ مشهورات رسیده است که دیگر کسی به سرمنشأ آن ایده ارجاع نمی‌دهد. از این رو شاید بازخوانی دیدگاه جلال در باب غرب‌زدگی، آن‌هم پس از طی چهل سال از انقلابی که تلاش کرد غرب‌زدگی را به‌مثابه یک بیماری درمان کند، کاری لازم و ضروری باشد.

در این بازخوانی لازم است دو موضوع، یکی شرح ماجرای غرب‌زدگی از زبان جلال و دیگری نسخه درمان وی از هم تفکیک شوند، چرا که هریک از این دو تحلیلی متفاوت می‌طلبند. واقعیت آن است که جلال در خوانش تاریخ مواجهه سده‌های اخیر ما ایرانی‌ها با غرب، داده‌های تاریخی را به‌نحو گزینشی مورد استفاده قرار داده است؛ گزینشی که حسب تلقی وی از مفهوم غرب‌زدگی انجام گرفته است. اگر فقط گوشهٔ کوچکی از تاریخ معاصر این سرزمین را یعنی از مشروطه تا برآمدن رضا شاه پهلوی، با دقت مضاعفی مورد مطالعه قرار دهیم خواهیم دید ماجرای توجه ما به الگوی صوری و محتوایی فرانسوی که در نظام سیاسی، بهداشتی، آموزشی و اجتماعی دنبال و به گفتمانی عام تبدیل شد، ده‌ها زمینه اجتماعی و سیاسی و اقتصادی دارد و اولیای امر اعم از سیاستمداران و روشنفکران، آن انتخاب را حسب همان اولویت‌ها و زمینه‌ها عملی ساختند. لذا چنین نیست که نوعی شیفتگی از جانب ما و نگاه استعماری از جانب آن‌ها، گویای تمامی ماجرا باشد.

شاید جلال به‌دلیل انتخاب گزینشی مفهوم غرب‌زدگی به مثابهٔ ماشین‌زدگی و تحلیل قدرت ماشین در توسعه در اقصی نقاط دنیا و به کارگیری ابزارهای سیاسی و جنگی و دینی و آموزشی و غیره برای نیل به مطلوب خود، نمی‌توانست تمامیت ماجرا را که مشحون از شئون متعدد است، ببیند. شاید هم او نتوانست در تشریح این مفهوم خود را از بند تحلیل‌های کمونیستی و چپ فرانکفورتی از ماشین و انسان ماشین‌زده رها سازد.

روی دیگر ادعای جلال در این کتاب، نسخه درمان این غرب‌زدگی از مجرای فرهنگ و آموزش است. جلال همچون اقبال لاهوری و برخی دیگر بر این باور بود که می‌توان ماشین و قدرت متکبرانه و استعماری آن را به دو طریق مهار کرد؛ نخست کسب فرمول علم جدید که ماشین و صنعت می‌سازد و دیگری فرهنگ و نظام آموزشی که می‌تواند «متخصص باشخصیت» تربیت کند؛ متخصصی که برخلاف متخصصِ نامتخصصِ غرب‌زده، آرمان دارد و هُرهُری مذهب نیست. بنا به شق نخست، ما حتی آن‌گاه که ماشین و صنعت را وارد کرده و دانش سوار کردن قطعات آن ماشین را کسب می کنیم، نهایتا چیزی در حد تعمیرکار ماشین باقی می‌مانیم؛ دانشی که هیچ‌گاه به حد دانش تولید ماشین ارتقاء نمی‌یابد. جلال به‌طور جدی از نظام دانشگاهی کشور می‌خواهد خود را از این غرب‌زدگی رسوخ‌یافته در مغز استخوان رهایی دهند و آنچه را برای این منظور لازم است به دست آورند.

بنا به شق دوم هم، دانشگاه و نظام آموزشی به‌طور کلی باید شخصیت‌هایی رها و آزاد از برتری غرب تربیت کنند تا بتوانند رهبری جامعه را برعهده بگیرند؛ جامعه‌ای که هنوز شکل نگرفته و از همه طرف، مصلوب به سلب آزادی و هویت مستقل است.

این دو وجه هرچند در اثر جلال، نکته‌های نغزی را در بر دارند و می‌توانند به شایستگی مورد استفادهٔ نظام سیاستگذاری قرار گیرند، چنان که تا کنون مورد استفاده قرار گرفته‌اند، اما از یک نکته غفلت کرده‌اند و آن این که نظام آموزشی و فرهنگ مرتبط با آن، لااقل در صد و هفتاد سال اخیر ایران، یعنی از دارالفنون تا کنون، هیچ‌گاه با نظر به برنامه یا ارزشی به‌نام «علم برای علم» و «دانشگاه برای دانشگاه» مورد توجه قرار نگرفته است. این سخن به‌معنای نفی ارزش دیگر کارکردهای نظام آموزشی در این بازه زمانی نیست. چرا که این نظام آموزشی، متناسب با انتظارات بیرونی، اعم از انتظارات نظامی و سیاسی و فرهنگی و اجتماعی و غیره، نسبتا خوب عمل کرده و عملکرد آن قابل دفاع است.

این که در دانشگاه‌های ما، علم برای علم مورد توجه نبوده و این که کسب فرمول تولید صنعت و نیل به افسون علم جدید از طریق اهتمام به ذات علم جدید در دستور کار قرار نگرفته بود، نه ناشی از ناتوانی نظام آموزشی ما، بلکه ناشی از اهتمام این نظام آموزشی به مطالباتی دیگر بود؛ مطالباتی که از قضا حسب تحولات اجتماعی و سیاسی معین شده بود.

فراموش نکنیم که ما در آستانهٔ مشروطه و حتی قبل از آن، در چند نوبت در معرض خطر از دست دادن تمامیت ارضی و سرنگونی نظام سیاسی قرار داشتیم. همین ما، آن‌گاه که با اتخاذ رویکردی فرهنگی- اجتماعی- سیاسی، ایدهٔ وحدت ملی را مبنای کارمان قرار دادیم و صورت و محتوای نظام آموزشیمان را بر اساس آن ایده طراحی کردیم، تعریفی از دانشگاه به دست دادیم که در آن در وهله نخست همین خواست و در وهله بعد، نیازهای معمول از قبیل نیازهای پزشکی و فنی پوشش داده شود و نه چیزی بیشتر از آن. از همین‌رو، دانشگاه دهه ۲۰ تا ۴۰ همواره محل پارادوکس‌های علمی-اجتماعی-سیاسی بود. در دهه ۴۰ و ۵۰ نیز ما دانشگاه را برای اجرای برنامه‌های انقلاب سفید خواستیم، چنان که در چهار دههٔ اخیر، دانشگاه را اسلامی کردیم تا خواست‌های انقلاب اسلامی محقق شود. پس ما دانشگاه را در تمامی این هشت‌دهه برای مقاصد کارکردی و معین شده از بیرون خواسته‌ایم و از بیرون برای دانشگاه نظام‌نامه نوشته‌ایم و در عوض، هیچ‌گاه نخواسته‌ایم دانشگاه در هیأت نهادی مستقل قد بکشد و بر پایه استقلال و خودآیینی خدمات خود را به مراجع قدرت-اعم از قدرت‌های سیاسی و نظامی و اقتصادی و اجتماعی- عرضه دارد.

اما در شرایط فعلی که دانشگاه جور تمامی کارکردهای محقق نشدهٔ جامعه و دولت را بر دوش می‌کشد، مطالبهٔ علم برای علم و دست یافتن به افسون علم جدید، به‌عنوان راه رهایی دانشگاه و جامعه، می‌تواند به دو معنا گرفته شود؛ نخست نقدی به سبک جلال، بی‌آن‌که به تاریخ کارکرد اجتماعی دانشگاه در ایران وقوف داشته باشیم و دیگری فراخوان باز کردن راهی جدید برای دانشگاه؛ راهی که مستلزم درک و تقاضا و ضوابطی دیگر است.

جلال در غرب‌زدگی خود، توجهی به کارکردهای اجتماعی دانشگاه نداشت و از موضعی چپ، به دانشگاه ناآگاه و بی‌مسئولیت در قبال استعمار جدید غرب می‌تاخت. واقع آن است که چنان که گفته شد، دانشگاه در تمامی این هشت دهه با فراز و فرودهای متعدد، هیچ‌گاه در قبال تحولات اجتماعی و خواست‌هایی که از وی شده است، بی‌مسئولیت نبوده؛ چنان که امروزه کارکردهای آن در فقدان مناسبات اجتماعی و نهادهای مدنی و ده‌ها بی‌زمینگی دیگر، در مقایسه با چهار دهه نخست فعالیتش ده‌چندان است. نقدهای جلال به دانشگاه ناشی از عدم التفات او به کارکردهای دانشگاه در چهار دهه نخست فعالیت آن و علم جدید در تمامی صد و بیست سال اخیر بوده است. به این معنا، اگرچه دانشگاه در ایران در کمتر بره‌ه‌ای علم را برای خود علم مورد التفات قرار داده و نتوانسته آن‌گونه که دانشگاه‌های معتبر جهانی با سابقه‌هایی مشابه به این موضوع توجه داشته‌اند، به توفیقات چشمگیری دست یابد، اما این سخن به‌معنای بیکار نشستن دانشگاه نبوده است. دانشگاه ایرانی اگرچه در فقره استقلال دانشگاه و مشارکت در توسعه علم و فناوری جهانی نمره قابل قبولی نمی‌گیرد اما مسلما در فقره خدمات اجتماعی و عمومی نمره بسیار خوب می‌گیرد؛ هرچند این امتیاز از بره‌ه‌ای تا بره‌ه‌ای دیگر نوسان دارد.

نظر به این نکات می‌توان گفت دنبال کردن راه جلال در نقد دانشگاه، بی‌آن‌که راه بدیلی معرفی شود و استقلال دانشگاه و فرآیند توسعه علم و فناوری در مجموعه ضوابط خاص خودش پیش کشیده شود، می‌تواند همین پایگاه را هم از جامعه آسیب‌دیدهٔ ایران امروز بگیرد و ما را با برهوتی از بی‌ساختاری اجتماعی مواجه کند.

*** فیلسوف و عضو هیأت علمی پژوهشکده مطالعات فرهنگی و اجتماعی**

دانش‌محوری یک جامعه را می‌توان از کیفیت «علم»، شأن دانشمندان و کاربرد روش‌های علمی برای مواجهه با موضوعات و مسائل آن جامعه دریافت. از این رویکرد «دانشگاه» هم کانون بحث و کنکاش آزادانه پیرامون موضوعات علمی و هم محل کاربست روش‌های علمی برای حل و فصل مسائل متنوع اجتماعی، اقتصادی و سیاسی یک جامعه است.

در واقع دانشگاه استوار بر پایه استانداردها و معیارهای علمی تأمین کننده قوه تعقل و خردورزی یک جامعه دانش‌بنیان است، اما چگونه می‌شود به دانشگاهی اعتماد کرد که به یکباره چنان بی‌حساب و کتاب گسترش می‌یابد که تعداد صندلی‌هایش از تعداد متقاضیان ورود به آموزش عالی چندان فراتر می‌رود که برای پُر کردنش، متقاضیان با نمره صفر و حتی منفی پذیرش می‌شوند؟!

این، همه درد آموزش عالی نیست. حالا چند سالی است که در حوزه تحصیلات تکمیلی هم همان دانشجویانی که با نمره صفر وارد آموزش عالی شده‌اند، با همان نمره صفر و منفی، فوق لیسانس و دکتری می‌خوانند!

برآن شدیم تا زیر عنوان «تجاری‌سازی آموزش عالی» پای صحبت‌های آیت‌الله میرزایی، جامعه‌شناس و عضو هیأت علمی پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی بنشینیم که در پانزده‌سال اخیر به طور مشخص در حوزه‌های «جامعه‌شناسی علم» و «جامعه‌شناسی سیاسی» پژوهش کرده است. به گفته میرزایی «در دانشگاه‌های ایران بیش از علم، سیاست حضور دارد». از این رو برای درک چنین پدیده‌ای در ایران رویکردی را پیش گرفته است که خودش آن را «جامعه‌شناسی سیاسی علم» می‌نامد. میرزایی در گفتگو با ما از آسیب‌های دخالت سیاست در علم می‌گوید. توضیح می‌دهد که چگونه «ساخت سیاسی علم» در ایران، به علم به ویژه در حوزه علوم انسانی و اجتماعی، اجازه نشو و نما نمی‌دهد و این چنین نهاد دانشگاه از علم تهی می‌شود.

او از ابتدا طرح مسأله ما را در بحث تجاری‌سازی آموزش عالی به چالش می‌کشد و آن را ساده‌سازی مسأله می‌داند و معتقد است آنچه در دانشگاه‌های ایران شاهد آن هستیم، فراتر، گسترده‌تر و بنیادی‌تر از موضوعات فرعی تجاری‌سازی و پراکنده دیگر است. ملغمه‌ای از فساد و زد و بند سیستماتیک است که دانشگاه را به ورطه سقوط می‌برد. در ادامه توضیح می‌دهد که چگونه و با استفاده از چه ابزارهایی ساخت سیاسی علم در ایران، نهادهای علمی را از اصلی‌ترین هدفشان یعنی «علم» باز می‌دارد و زیر هیاهوی سیاسی «تولید علم»، شاغلانی تربیت می‌کند که بیگانه با دانش، مراتب بوروکراتیک دانشگاهی را ناگزیر به امید تأمین امنیت و معیشت خود و خانواده‌شان دنبال می‌کنند. ماحصل مصاحبه دو ساعته ما با ایشان را در ادامه می‌خوانید.




عکس: احسان کاظملو

گفتگو با دکتر آیت‌الله میرزایی- جامعه‌شناس و عضو هیأت علمی پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

وقتی نهاد دانشگاه از علم تهی می‌شود

***

مسأله اصلی علم

معتقدم تجاری‌سازی آموزش عالی، مسأله اصلی نیست. اشکالی ندارد ما نهادهایی داشته باشیم که در قبال خدماتی که ارائه می‌دهند، وجهی دریافت کنند، اما اینجا موضوع اصلی کیفیت خدمات ارائه شده است. کیفیت این خدمات در آموزش عالی پایین است و دانشجویان هم به این موضوع واقف هستند. آنها می‌دانند که تلاش چندانی برای افزایش کیفیت دانش خود در آن حوزه نخواهند کرد. اصلاً چنان است که نباید تلاش زیادی داشته باشند برای کسب مدرکی که در قبال پرداخت اندکی پول می‌توانند دریافت می‌کنند. این مسأله مربوط به «بوروکراتیزه شدن» گسترده آموزش عالی در ایران است، کاغذبازی وسیعی که امکان اندیشیدن را از اعضای هیأت علمی و دانشگاهیان می‌گیرد. آنها آن‌قدر درگیر فرآیندهای بی‌پایان ارتقاء و گزینش‌های عقیدتی سیاسی چندباره می‌شوند که عملاً به تنها چیزی که فکر نمی‌کنند، فعالیت علمی است.

اگر بخواهیم آسیب‌هایی که طی این روند به آموزش عالی وارد شده را بررسی کنیم، تجاری‌سازی بخشی از این آسیب‌هاست که به نظر من خیلی هم جدی نیست. مسأله اصلی نوع نگاه ما به علم و دانشگاه در ایران است. چالش اصلی، مداخله گسترده نهادهای سیاسی و نظارتی مختلف بر حوزه آموزش عالی است. از نظر من نتیجه مداخلات سیاسی، امنیتی و عقیدتی در نهادهای دانشگاهی، تهی شدن دانشگاه‌ها از اصل علم است. حتی فراتر از آن، مسأله اصلی خود دانشگاه هم نیست، مسأله اصلی، فهم علمی ایرانیان و جایگاه علم در ایران است که به حاشیه رانده شده است. در واقع در یک شرایط تاریخی و اجتماعی خاصی به سر می‌بریم. پیامد خرد سیطره چنین فضایی را می‌توان در گسترش سیستماتیک هنجارگریزی علمی (مانند تقلب و سرقت و ...) و دور زدن و پایمال کردن استانداردهای علمی مشاهده کرد.

از اساس، ارتباط ارگانیکی بین مسائل محیطی (اجتماعی، سیاسی و اقتصادی) و نظام دانشگاهی ایران وجود ندارد. اصحاب قدرت، دانشگاهیان تأیید کننده می‌خواهند و این با اساس علم در تناقض است. دانشگاهیان همچنین از بیم از دست رفتن معاش و امنیتشان به هر آیین‌نامه و بخشنامه‌ای که بر آنها تحمیل شود، تن می‌دهند. پهنه ایران تبدیل به یک کارگاه سراسری کتاب‌سازی، مقاله‌سازی، استادسازی، دانشیارسازی، دانشجوسازی و مدرک‌سازی شده است. این تجاری‌سازی نیست، چون حتی مؤلفه‌های بازار را هم ندارد، یعنی از آن هم نازل‌تر است.

اول شدن بی حاصل

تجاری‌سازی در آموزش عالی را می‌توان مانند مباحثی که در حوزه اقتصاد رخ می‌دهد، توضیح داد. گفته می‌شود خصوصی‌سازی منابع عمومی ملت به شیوه‌ای که انجام شد از آسیب‌های بزرگ وارد شده به اقتصاد ایران است اما این موضوع از کجا ناشی می‌شود؟ از ایرادات اساسی که در ساختار اقتصاد سیاسی کشور وجود دارد. شرکت‌ها و نهادهای دولتی یعنی اموال ملت و امانت‌های ملت به شیوه‌ای خاص به بخش‌های خاصی که بر آنها اصطلاح «شبه دولتی» را گذاشته‌اند و عملاً خصوصی نیستند، واگذار می‌شوند. در حوزه آموزش عالی هم همین اتفاق رخ داده است. باید پرسید چه کسانی از توزیع منابع عمومی در آموزش عالی برخوردارند؟ مدارک و اعتبارات علمی کشور توسط چه کسانی به یغما رفته‌اند؟ چه کسانی با استفاده از انواع و اقسام رانت‌ها وارد دانشگاه‌ها شدند، مدرک گرفتند و حتی بر کرسی‌های علمی تکیه زدند؟

آموزش عالی متولی فکر در جامعه است. متولی فکر هم «کنشگران فکور» هستند. علم، محصول تفکر انفرادی افراد یا حاصل تفکر جمعی اجتماع علمی است که از طریق مطرح کردن ایده‌های نو در ارتباط با محیط متنوع پیرامون برای حل مسائل و مشکلات پیش رو شکل می‌گیرد. البته ما هنوز آسیب‌های محیطی خودمان را به‌درستی شناسایی نکرده‌ایم و بخش‌های شناخته‌شده را هم مورد توجه قرار نداده‌ایم، اما همچنان دانشمندانی داریم که به نظام علم و ارزش‌های آن وفادارند و فعالیت می‌کنند. از آن طرف هم تعداد زیادی دانشمند دولتی و حکومتی داریم که در جهت تأییدات حکومتی و دولتی می‌گویند و می‌نویسند. به‌ویژه در حوزه علوم انسانی و اجتماعی مدیحه‌سرایان بسیاری به دانشگاه‌ها وارد کرده‌اند، اما نکته اینجاست که دولت حتی اگر بتواند اقتصاد دولتی را رهبری کند، علم را به هیچ‌وجه نمی‌تواند رهبری کند.

من طی ۱۶-۱۵ سال کار بر روی این موضوع به همراه دیگر همکارانم، به این نتیجه رسیده‌ام که در شرایط سیاسی و اجتماعی موجود امکان برون‌رفت علم از شرایطی که دچار آن شده، وجود ندارد. چون ما دانشگاه‌های مستقل و آزاد به معنای واقعی در ایران نداریم. ما یکی از دولتی‌ترین اقتصادهای جهان را داریم. توزیع کننده منابع اقتصادی در کشور، دولت است. بخش خصوصی هم یا وجود ندارد یا اگر هم رمقی داشته باشد عملا امکان عرض اندام ندارد. دانشگاه‌ها در ایران شدیداً به دولت وابسته هستند. البته وقتی از دولت صحبت می‌کنم به معنای عام موضوع، کل سازوکار حاکمیتی در کشور مدنظر است. اتصال بند ناف دانشگاه‌ها به دولت، یعنی این که دانشگاه‌ها زیست انگل‌واری در ارتباط با حاکمیت سیاسی دارند و هر آنچه نهاد سیاست بفرماید، دانشگاه‌ها باید اجرا کنند. در نتیجه علم مستقل شکل نمی‌گیرد، آنچه هست ایدئولوژی است (منظور از ایدئولوژی نیز دین نیست بلکه نظام ارزشی خاص در خدمت منافع یک گروه خاص است).

●پهنه ایران تبدیل به یک کارگاه سراسری کتاب‌سازی، مقاله‌سازی استادسازی، دانشیارسازی، دانشجوسازی و مدرک‌سازی شده است

●دولت حتی اگر بتواند اقتصاد دولتی را رهبری کند، علم را به هیچ‌وجه نمی‌تواند رهبری کند

●اتصال بند ناف دانشگاه‌ها به دولت، یعنی این که دانشگاه‌ها زیست انگل‌واری در ارتباط با حاکمیت سیاسی دارند و هر آن چه نهاد سیاست بفرماید، دانشگاه‌ها باید اجرا کنند

اگر به اعضای هیأت علمی دانشگاه‌ها گفته شود که سالانه باید پنج مقاله بنویسند؛ باید پنج مقاله بنویسند. ولی هیچ کس نمی‌گوید چرا باید پنج مقاله بنویسیم؟ مهم نیست چه چیزی می‌نویسید، ولی باید پنج مقاله را بنویسید، چون قرار است به خوشایندی سیاست، علم «تولید» شود. البته تولید علم در این شکل و شمایل در هم و به‌هم ریخته، دانسته یا ندانسته، خواسته یا ناخواسته همچنان در چارچوب تولید و بازتولید ایدئولوژی (نه دین) صورت می‌گیرد. یعنی خواست سیاست این است که علم بار ارزشی داشته باشد و به طور شفاف جهت‌گیری کند. سیاست با استفاده از بازوی خود که ابزار اقتصادی است، منابع مالی را بین دانشگاه‌ها توزیع می‌کند و همزمان با تحمیل قواعد ارزشی خاصی در پی وفاداری و تأیید مداوم و کسب وجاهت و پشتوانه علمی برای خودش است. علم به اصطلاح رایج «تولید شده» نیز عموما در درون مورد استفاده قرار نمی‌گیرد، اما تعداد و شمارگان آن در منطقه و جهان حائز اهمیت است، چون جاذبه‌های تبلیغاتی دارد. حتی اگر این علم از استانداردهای لازم هم برخوردار نباشد، مهم نیست. سؤال اینجاست، اصلا چرا دانشمندان ما باید درگیر رقابت بی‌پایان اول شدن در منطقه باشند، در حالی که ما مسائل مبتلا به مهمی در کشورمان داریم؟

همان بلایی که سر کودکان ما در شمردن تعداد مهرهای صدآفرین در آموزش و پرورش می‌آید، بر سر دانشگاهیان ما هم نازل می‌شود ولی اینجا مهرهای صدآفرین یعنی همان شمارگان مقالات و کتاب‌ها که باید مرتب افزایش پیدا کنند! ما از همان ابتدا به جای دادن کارت‌های صدآفرین از مهدکودک تا دانشگاه باید آدم‌های آزادمنشی پرورش می‌دادیم که خلاقانه بیندیشند. این مهم مستلزم اندیشمندان آزاداندیش و فضای آزاد اندیشه‌ورزی در ایران است.

«میدان انقلاب» علمی ایران

فرآیند بی‌پایان «اول شدن» که یک فرآیند اجتماعی خودانگیخته و حاصل تعامل علمی در ارتباط با موقعیت کنونی علم در ایران و منطقه و جهان نیست، به هیچ وجه ما را وارد چالش‌ها و پرسش‌های جدی علمی در سطح جهانی نمی‌کند. پیامد رویکرد «تولید» علمِ برخاسته از خواست‌های سیاست، شکل گیری مکان‌های عرضه علم مانند «میدان انقلاب»*است. حدودِ و ثغور گسترده این شیوه آمرانه و فرمایشی تولید علم در ایران را می‌توان در مختصات این میدان کوچک، فشرده یافت و این میدان نمایشگاهی است از آنچه بر سر معرفت علمی در این کشور رفته است. بسیاری از قِبَل همین «میدان انقلاب» صاحب مدارج و مراتب شدند و نان آن را خورده و می‌خورند.

زمانی به همراه همکار دیگری تعدادی از دانشجویانمان را فرستادیم تا فقط صدای کسانی را ضبط کنند که در بنگاه‌های خرید و فروش علم در این میدان کار می‌کنند. یکی از دانشجویان همکارم می‌گفت آدم‌های «دادزن/جارزن»ی بودند که یک روی پلاکاردی که حمل می‌کردند افراد را به غذا خوردن دعوت و روی دیگر آن، فروش پایان‌نامه و مقاله ISI تبلیغ می‌کردند! دانشجوی دیگری می‌گفت دادزنی فریاد می‌زد «مقاله، پاسور...»! یعنی مقاله و محمل‌های اطلاعات علمی به این حد تنزل یافته، چون علم در ایران تنزل یافته است. چون عملا توصیه‌های مشفقانه و نظرات آن دسته از دانشگاهیان وفادار به ارزش‌های علم از اساس در سازوکار سیاست، حل و فصل مسائل مدنی و غیره به کار گرفته نمی‌شود.

فقط میدان انقلاب نیست که نماد فساد در علم است. البته به شکل سمبولیک می‌توان از چهارراه استانبول هم به عنوان نمادی از ناکارآمدی و فساد در حوزه اقتصاد نام برد یا خیابان ناصرخسرو که نماد آشکار فسادی است که در حوزه سلامت وجود دارد، اما پیامدهای زیانبار و جبران‌ناپذیر فساد نظام دانشگاهی بیش از هر نظام دیگری خطرناک است. زیرا اگر نهاد سیاست دچار کژکارکردی شود، به کمک نظام علم قابل اصلاح است. نظام سلامت و اقتصاد هم همین‌طور. ولی اگر نظام اندیشه‌ورزی یک ملت دچار آسیب شد، دیگر راه چاره‌ای برای اصلاح دیگر نظام‌ها نیست. این نظام اندیشه‌ورزی است که می‌تواند آسیب‌های سایر حوزه‌ها را اصلاح کند. آخرین سنگر حافظ یک کشور، نظام معرفتی آن جامعه است که در آن تمامی کدهای ژنتیک آن جامعه نهفته است. پیشران جهان مدرن، علم است و پیشرفت و توسعه یک جامعه بدون یک نظام علمی استاندارد و پیشرفته ممکن نیست.

●آنچه در آموزش عالی ایران اتفاق می‌افتد، تجاری‌سازی نیست بلکه زد و بندی است که جامعه علمی را درگیر خود ساخته است

●با جماعتی کارچاق‌کن مواجه هستیم که هدفشان تباهی علم است

●در جایی که به‌صورت سیستماتیک تخلف و تقلب می‌کنند، باید از «دانشگاه متخلف، نهاد متخلف و جامعه متخلف» و نه «فرد متخلف» سخن گفت

●دانشگاهی که قرار بود راه حلی برای ارائه مسایل و مشکلات ارائه دهد، خودش گرفتار مشکلات شده است

پولشویی در نهاد علم

فرض کنید شما دانش نوینی را مثلا در حوزه شبکه‌های اجتماعی به دست آورده‌اید. آن را تجاری می‌کنید و مورد استفاده عموم مردم دنیا قرار می‌گیرد، یا مثلا در حوزه اقتصاد یا مدیریت، یک شیوه خاص مشارکتی را تجاری‌سازی می‌کنید. این اصلا اشکالی ندارد بلکه خیلی هم خوب است، اما آنچه در آموزش عالی ایران اتفاق می‌افتد، تجاری‌سازی نیست بلکه زد و بندی است که جامعه علمی را درگیر خود ساخته است. با جماعتی کارچاق‌کن مواجه هستیم که هدفشان تباهی علم است. اگرچه بودجه نهادهای علمی نسبت به سایر نهادها بسیار ناچیز است اما از همین بودجه ناچیز نیز نمی‌گذرند و به‌طور عمده به افراد خاصی تعلق می‌گیرد. این افراد نیز معمولا در ازای کاری که انجام نمی‌دهند، از مزایایی برخوردار می‌شوند که لایق آن نیستند.

بسیاری از بودجه‌ها زیر عنوان طرح‌های پژوهشی بین افراد خاصی به ویژه وابستگان و گماشتگان دو جناح اصولگرا و اصلاح‌طلب دست به دست می‌شوند. این مدیران وابسته بودجه‌های پژوهش را به سمت بودجه‌های عمرانی و غیره سوق می‌دهند و حتی زیر پوشش تأسیس مسجد در دانشگاه و امثال آن به راحتی آنها را توجیه می‌کنند. رد گونه‌های خاصی از پولشویی را می‌توان در میان آنها گرفت و این موضوع در حیطه تخصص و وظیفه همکاران اقتصاددان و حقوقدان است تا حدود و دامنه آن را روشن کنند. ولی مشاهدات من نشان می‌دهد که آن دسته از مدیران دانشگاهی که از رانت سیاسی برای کسب و استمرار مدیریتشان استفاده می‌کنند علاقه بیشتری به فعالیت‌های عمرانی و مانند آن دارند تا توسعه علمی. به همراه یکی از همکارانم در پژوهش‌های پیشین، این موضوع را زیر عنوان «حلقه‌های قدرت و مکان‌های فرصت» صورت‌بندی کرده و سازوکار آن را نشان داده‌ایم.

عنوان تقلب و تخلف علمی و حتی فساد هم برای این موضوع خیلی کم است. این یک نوع سقوط اخلاقی سراسری و گسترده است. محدود کردن این مسأله به «استاد متخلف» یا «دانشجوی متخلف» یعنی تقلیل آن به سطوح فردی اشتباه است. باید رویکردمان را نسبت به این مسأله تغییر دهیم. این یک مسأله اجتماعی خاص است که در شرایط تاریخی خاصی رخ داده است. در جایی که به‌صورت سیستماتیک تخلف و تقلب می‌کنند، باید از «دانشگاه متخلف، نهاد متخلف و جامعه متخلف» و نه «فرد متخلف» سخن گفت. در کتاب «اخلاق علم در علوم اجتماعی ایران» به نقص رویکردهای روان‌شناختی، فلسفی، حقوقی و مذهبی به اخلاق علم پرداخته‌ایم. می‌توان گفت دانشجو یا استادی که در این شرایط قرار می‌گیرد و دست به تقلب یا تخلف می‌زند، خود قربانی سیستم است. در واقع دانشجو متقلب یا استاد متخلف نیست، فرد در شرایطی قرار می‌گیرد که ناگزیر به تقلب و تخلف است و این پیامد ناخواسته سیاست‌های بالا به پایین توسعه علم در ایران است.

نقص در جامعه‌پذیری علمی

کنشگران علم هم مانند دیگر نهادهای اجتماعی، باید مراحل خاص این حوزه را به درستی و طی فرآیندهای معتبری طی کنند. کسانی که می‌خواهند علم‌آموزی داشته باشند باید فرآیند اجتماعی آموزش علمی را صبورانه طی کنند که ما در جامعه‌شناسی به آن «جامعه‌پذیری علمی» می‌گوییم. حالا شاهد فرآیندی هستیم که طی آن افراد بدون این که جامعه‌پذیری علمی را طی کنند، صاحب مدارج و اعتبارات علمی یک کشور می‌شوند؛ در واقع فرآیند جامعه‌پذیری علمی دور زده می‌شود یا با استفاده از میان‌بُرهایی طی می‌شود. این خسارات نیز به باور من و با توجه به مطالعاتی که در این مدت داشتم پیامد مداخله سیاست و نفوذ قدرت در نهاد علم است. رد آن را باید در نوع خاصی از تحرک اجتماعی در ایران کنونی دید که از قدرت سیاسی شروع می‌شود، سپس به منابع اقتصادی چنگ می‌اندازد و در نهایت در جستجوی اعتبار و پرستیژ به دانشگاه می‌رسد.

رویه غالب این است که اول قدرت را می‌گیرند، بعد از قِبل آن سایر منابع از جمله منابع اقتصادی و مدارک و مراتب دانشگاهی را به چنگ می‌آورند و این یک فرآیند وارونه و زیانبار است. بسیاری از صاحبان قدرت و مدیران کنونی از همین فرآیند بهره وافر بردند، بی آن که در فرایند جامعه‌پذیری علمی دود چراغ خورده باشند. مدارک، مدارج و مراتبشان را گرفتند و از مزایای آن نیز برخوردار شدند و می‌شوند. بایگانی اسناد و مدارک دانشگاه‌های ایران شواهد بسیاری از برخورداری‌های رانتی و سوءاستفاده‌های سیاسی را در دل خود نهفته دارند. انواع و اقسام سهمیه‌ها و بورس‌های داخل و خارج که نثار صاحبان قدرت یا فرزندان آنها شد و می‌شود و در واقع این افراد بر دانشگاه‌های ایران و بر علم تحمیل شدند.

علم سیاست‌زده

معمولاً کسانی که در یک حوزه کار می‌کنند به هم نزدیک می‌شوند و دیدگاه‌های یکدیگر را مورد مداقه و بررسی قرار می‌دهند و به بحث می‌گذارند. علم از تلاقی بین نظرها بر سر یک مسأله یا پیرامون یک موضوع پیشرفت می‌کند، اما ما چنین سبک مشارکتی را در دانشگاه‌هایمان نداریم. به دلیل مداخلات سیاسی در علم، تمامی استانداردهای علمی به کمک تفاسیر ایدئولوژیک و سفارش سیاست در ایران مورد تخطئه قرار می‌گیرند. تزریق ارزش‌های موردنظر حاکمیت به دانشگاه‌ها یک پیامد مستقیم داشته است: تخلیه دانشگاه‌ها از ارزش‌های علمی. یک خودسانسوری و باخودبیگانگی سراسری در دانشگاه‌های ما وجود دارد. چیزی به نام دانشگاه مستقل، دانش مستقل و دانشمند مستقل نداریم.

من و تمامی همکارانم که در حوزه علم کار کرده‌اند با تحقیقات زیادی متوجه شدیم که مهم‌ترین ضربه‌ای که بر علم وارد شده از ناحیه سیاست بوده است. ما با چیزی به نام «علم سیاسی‌شده یا سیاست‌زده» مواجه هستیم. کنشگران در سطح فردی، خودشان را با خواست‌ها و توقعات ایدئولوژیک مطابقت می‌دهند و اساساً در پی اندیشه‌های علمی نمی‌روند.

ادامه در صفحه ۶

جامعه
دوشنبه ۲۵ شهریور ۱۳۹۸ـ سال نود و چهارم ـ شماره ۲۷۳۷۹

گفتگو با دکتر آیت‌الله میرزایی- جامعه‌شناس و عضو هیأت علمی پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

وقتی نهاد دانشگاه از علم تهی می‌شود





عکس: احسان کاظملو

دانش‌محوری یک جامعه را می‌توان از کیفیت «علم»، شأن دانشمندان و کاربرد روش‌های علمی برای مواجهه با موضوعات و مسائل آن جامعه دریافت. از این رویکرد «دانشگاه» هم کانون بحث و کنکاش آزادانه پیرامون موضوعات علمی و هم محل کاربست روش‌های علمی برای حل و فصل مسائل متنوع اجتماعی، اقتصادی و سیاسی یک جامعه است.

در واقع دانشگاه استوار بر پایه استانداردها و معیارهای علمی تأمین کننده قوه تعقل و خردورزی یک جامعه دانش‌بنیان است، اما چگونه می‌شود به دانشگاهی اعتماد کرد که به یکباره چنان بی‌حساب و کتاب گسترش می‌یابد که تعداد صندلی‌هایش از تعداد متقاضیان ورود به آموزش عالی چندان فراتر می‌رود که برای پُر کردنش، متقاضیان با نمره صفر و حتی منفی پذیرش می‌شوند؟!

این، همه درد آموزش عالی نیست. حالا چند سالی است که در حوزه تحصیلات تکمیلی هم همان دانشجویانی که با نمره صفر وارد آموزش عالی شده‌اند، با همان نمره صفر و منفی، فوق لیسانس و دکتری می‌خوانند!

برآن شدیم تا زیر عنوان «تجاری‌سازی آموزش عالی» پای صحبت‌های آیت‌الله میرزایی، جامعه‌شناس و عضو هیأت علمی پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی بنشینیم که در پانزده‌سال اخیر به طور مشخص در حوزه‌های «جامعه‌شناسی علم» و «جامعه‌شناسی سیاسی» پژوهش کرده است. به گفته میرزایی «در دانشگاه‌های ایران بیش از علم، سیاست حضور دارد». از این رو برای درک چنین پدیده‌ای در ایران رویکردی را پیش گرفته است که خودش آن را «جامعه‌شناسی سیاسی علم» می‌نامد. میرزایی در گفتگو با ما از آسیب‌های دخالت سیاست در علم می‌گوید. توضیح می‌دهد که چگونه «ساخت سیاسی علم» در ایران، به علم به ویژه در حوزه علوم انسانی و اجتماعی، اجازه نشو و نما نمی‌دهد و این چنین نهاد دانشگاه از علم تهی می‌شود.

او از ابتدا طرح مسأله ما را در بحث تجاری‌سازی آموزش عالی به چالش می‌کشد و آن را ساده‌سازی مسأله می‌داند و معتقد است آنچه در دانشگاه‌های ایران شاهد آن هستیم، فراتر، گسترده‌تر و بنیادی‌تر از موضوعات فرعی تجاری‌سازی و پراکنده دیگر است. ملغمه‌ای از فساد و زد و بند سیستماتیک است که دانشگاه را به ورطه سقوط می‌برد. در ادامه توضیح می‌دهد که چگونه و با استفاده از چه ابزارهایی ساخت سیاسی علم در ایران، نهادهای علمی را از اصلی‌ترین هدفشان یعنی «علم» باز می‌دارد و زیر هیاهوی سیاسی «تولید علم»، شاغلانی تربیت می‌کند که بیگانه با دانش، مراتب بوروکراتیک دانشگاهی را ناگزیر به امید تأمین امنیت و معیشت خود و خانواده‌شان دنبال می‌کنند. ماحصل مصاحبه دو ساعته ما با ایشان را در ادامه می‌خوانید.

***

مسأله اصلی علم

معتقدم تجاری‌سازی آموزش عالی، مسأله اصلی نیست. اشکالی ندارد ما نهادهایی داشته باشیم که در قبال خدماتی که ارائه می‌دهند، وجهی دریافت کنند، اما اینجا موضوع اصلی کیفیت خدمات ارائه شده است. کیفیت این خدمات در آموزش عالی پایین است و دانشجویان هم به این موضوع واقف هستند. آنها می‌دانند که تلاش چندانی برای افزایش کیفیت دانش خود در آن حوزه نخواهند کرد. اصلاً چنان است که نباید تلاش زیادی داشته باشند برای کسب مدرکی که در قبال پرداخت اندکی پول می‌توانند دریافت می‌کنند. این مسأله مربوط به «بوروکراتیزه شدن» گسترده آموزش عالی در ایران است، کاغذبازی وسیعی که امکان اندیشیدن را از اعضای هیأت علمی و دانشگاهیان می‌گیرد. آنها آن‌قدر درگیر فرآیندهای بی‌پایان ارتقاء و گزینش‌های عقیدتی سیاسی چندباره می‌شوند که عملاً به تنها چیزی که فکر نمی‌کنند، فعالیت علمی است.

اگر بخواهیم آسیب‌هایی که طی این روند به آموزش عالی وارد شده را بررسی کنیم، تجاری‌سازی بخشی از این آسیب‌هاست که به نظر من خیلی هم جدی نیست. مسأله اصلی نوع نگاه ما به علم و دانشگاه در ایران است. چالش اصلی، مداخله گسترده نهادهای سیاسی و نظارتی مختلف بر حوزه آموزش عالی است. از نظر من نتیجه مداخلات سیاسی، امنیتی و عقیدتی در نهادهای دانشگاهی، تهی شدن دانشگاه‌ها از اصل علم است. حتی فراتر از آن، مسأله اصلی خود دانشگاه هم نیست، مسأله اصلی، فهم علمی ایرانیان و جایگاه علم در ایران است که به حاشیه رانده شده است. در واقع در یک شرایط تاریخی و اجتماعی خاصی به سر می‌بریم. پیامد خرد سیطره چنین فضایی را می‌توان در گسترش سیستماتیک هنجارگریزی علمی (مانند تقلب و سرقت و ...) و دور زدن و پایمال کردن استانداردهای علمی مشاهده کرد.

از اساس، ارتباط ارگانیکی بین مسائل محیطی (اجتماعی، سیاسی و اقتصادی) و نظام دانشگاهی ایران وجود ندارد. اصحاب قدرت، دانشگاهیان تأیید کننده می‌خواهند و این با اساس علم در تناقض است. دانشگاهیان همچنین از بیم از دست رفتن معاش و امنیتشان به هر آیین‌نامه و بخشنامه‌ای که بر آنها تحمیل شود، تن می‌دهند. پهنه ایران تبدیل به یک کارگاه سراسری کتاب‌سازی، مقاله‌سازی، استادسازی، دانشیارسازی، دانشجوسازی و مدرک‌سازی شده است. این تجاری‌سازی نیست، چون حتی مؤلفه‌های بازار را هم ندارد، یعنی از آن هم نازل‌تر است.

اول شدن بی حاصل

تجاری‌سازی در آموزش عالی را می‌توان مانند مباحثی که در حوزه اقتصاد رخ می‌دهد، توضیح داد. گفته می‌شود خصوصی‌سازی منابع عمومی ملت به شیوه‌ای که انجام شد از آسیب‌های بزرگ وارد شده به اقتصاد ایران است اما این موضوع از کجا ناشی می‌شود؟ از ایرادات اساسی که در ساختار اقتصاد سیاسی کشور وجود دارد. شرکت‌ها و نهادهای دولتی یعنی اموال ملت و امانت‌های ملت به شیوه‌ای خاص به بخش‌های خاصی که بر آنها اصطلاح «شبه دولتی» را گذاشته‌اند و عملاً خصوصی نیستند، واگذار می‌شوند. در حوزه آموزش عالی هم همین اتفاق رخ داده است. باید پرسید چه کسانی از توزیع منابع عمومی در آموزش عالی برخوردارند؟ مدارک و اعتبارات علمی کشور توسط چه کسانی به یغما رفته‌اند؟ چه کسانی با استفاده از انواع و اقسام رانت‌ها وارد دانشگاه‌ها شدند، مدرک گرفتند و حتی بر کرسی‌های علمی تکیه زدند؟

آموزش عالی متولی فکر در جامعه است. متولی فکر هم «کنشگران فکور» هستند. علم، محصول تفکر انفرادی افراد یا حاصل تفکر جمعی اجتماع علمی است که از طریق مطرح کردن ایده‌های نو در ارتباط با محیط متنوع پیرامون برای حل مسائل و مشکلات پیش رو شکل می‌گیرد. البته ما هنوز آسیب‌های محیطی خودمان را به‌درستی شناسایی نکرده‌ایم و بخش‌های شناخته‌شده را هم مورد توجه قرار نداده‌ایم، اما همچنان دانشمندانی داریم که به نظام علم و ارزش‌های آن وفادارند و فعالیت می‌کنند. از آن طرف هم تعداد زیادی دانشمند دولتی و حکومتی داریم که در جهت تأییدات حکومتی و دولتی می‌گویند و می‌نویسند. به‌ویژه در حوزه علوم انسانی و اجتماعی مدیحه‌سرایان بسیاری به دانشگاه‌ها وارد کرده‌اند، اما نکته اینجاست که دولت حتی اگر بتواند اقتصاد دولتی را رهبری کند، علم را به هیچ‌وجه نمی‌تواند رهبری کند.

من طی ۱۶-۱۵ سال کار بر روی این موضوع به همراه دیگر همکارانم، به این نتیجه رسیده‌ام که در شرایط سیاسی و اجتماعی موجود امکان برون‌رفت علم از شرایطی که دچار آن شده، وجود ندارد. چون ما دانشگاه‌های مستقل و آزاد به معنای واقعی در ایران نداریم. ما یکی از دولتی‌ترین اقتصادهای جهان را داریم. توزیع کننده منابع اقتصادی در کشور، دولت است. بخش خصوصی هم یا وجود ندارد یا اگر هم رمقی داشته باشد عملا امکان عرض اندام ندارد. دانشگاه‌ها در ایران شدیداً به دولت وابسته هستند. البته وقتی از دولت صحبت می‌کنم به معنای عام موضوع، کل سازوکار حاکمیتی در کشور مدنظر است. اتصال بند ناف دانشگاه‌ها به دولت، یعنی این که دانشگاه‌ها زیست انگل‌واری در ارتباط با حاکمیت سیاسی دارند و هر آنچه نهاد سیاست بفرماید، دانشگاه‌ها باید اجرا کنند. در نتیجه علم مستقل شکل نمی‌گیرد، آنچه هست ایدئولوژی است (منظور از ایدئولوژی نیز دین نیست بلکه نظام ارزشی خاص در خدمت منافع یک گروه خاص است).

●پهنه ایران تبدیل به یک کارگاه سراسری کتاب‌سازی، مقاله‌سازی استادسازی، دانشیارسازی، دانشجوسازی و مدرک‌سازی شده است

●دولت حتی اگر بتواند اقتصاد دولتی را رهبری کند، علم را به هیچ‌وجه نمی‌تواند رهبری کند

●اتصال بند ناف دانشگاه‌ها به دولت، یعنی این که دانشگاه‌ها زیست انگل‌واری در ارتباط با حاکمیت سیاسی دارند و هر آن چه نهاد سیاست بفرماید، دانشگاه‌ها باید اجرا کنند

اگر به اعضای هیأت علمی دانشگاه‌ها گفته شود که سالانه باید پنج مقاله بنویسند؛ باید پنج مقاله بنویسند. ولی هیچ کس نمی‌گوید چرا باید پنج مقاله بنویسیم؟ مهم نیست چه چیزی می‌نویسید، ولی باید پنج مقاله را بنویسید، چون قرار است به خوشایندی سیاست، علم «تولید» شود. البته تولید علم در این شکل و شمایل در هم و به‌هم ریخته، دانسته یا نادانسته، خواسته یا ناخواسته همچنان در چارچوب تولید و بازتولید ایدئولوژی (نه دین) صورت می‌گیرد. یعنی خواست سیاست این است که علم بار ارزشی داشته باشد و به طور شفاف جهت‌گیری کند. سیاست با استفاده از بازوی خود که ابزار اقتصادی است، منابع مالی را بین دانشگاه‌ها توزیع می‌کند و همزمان با تحمیل قواعد ارزشی خاصی در پی وفاداری و تأیید مداوم و کسب وجاهت و پشتوانه علمی برای خودش است. علم به اصطلاح رایج «تولید شده» نیز عموما در درون مورد استفاده قرار نمی‌گیرد، اما تعداد و شمارگان آن در منطقه و جهان حائز اهمیت است، چون جاذبه‌های تبلیغاتی دارد. حتی اگر این علم از استانداردهای لازم هم برخوردار نباشد، مهم نیست. سؤال اینجاست، اصلا چرا دانشمندان ما باید درگیر رقابت بی‌پایان اول شدن در منطقه باشند، در حالی که ما مسائل مبتلا به مهمی در کشورمان داریم؟

همان بلایی که سر کودکان ما در شمردن تعداد مهرهای صدآفرین در آموزش و پرورش می‌آید، بر سر دانشگاهیان ما هم نازل می‌شود ولی اینجا مهرهای صدآفرین یعنی همان شمارگان مقالات و کتاب‌ها که باید مرتب افزایش پیدا کنند! ما از همان ابتدا به جای دادن کارت‌های صدآفرین از مهدکودک تا دانشگاه باید آدم‌های آزادمنشی پرورش می‌دادیم که خلاقانه بیندیشند. این مهم مستلزم اندیشمندان آزاداندیش و فضای آزاد اندیشه‌ورزی در ایران است.

«میدان انقلاب» علمی ایران

فرآیند بی‌پایان «اول شدن» که یک فرآیند اجتماعی خودانگیخته و حاصل تعامل علمی در ارتباط با موقعیت کنونی علم در ایران و منطقه و جهان نیست، به هیچ وجه ما را وارد چالش‌ها و پرسش‌های جدی علمی در سطح جهانی نمی‌کند. پیامد رویکرد «تولید» علمِ برخاسته از خواست‌های سیاست، شکل گیری مکان‌های عرضه علم مانند «میدان انقلاب»* است. حدودِ و ثغور گسترده این شیوه آمرانه و فرمایشی تولید علم در ایران را می‌توان در مختصات این میدان کوچک، فشرده یافت و این میدان نمایشگاهی است از آنچه بر سر معرفت علمی در این کشور رفته است. بسیاری از قِبَل همین «میدان انقلاب» صاحب مدارج و مراتب شدند و نان آن را خورده و می‌خورند.

زمانی به همراه همکار دیگری تعدادی از دانشجویانمان را فرستادیم تا فقط صدای کسانی را ضبط کنند که در بنگاه‌های خرید و فروش علم در این میدان کار می‌کنند. یکی از دانشجویان همکارم می‌گفت آدم‌های «دادزن/جارزن»ی بودند که یک روی پلاکاردی که حمل می‌کردند افراد را به غذا خوردن دعوت و روی دیگر آن، فروش پایان‌نامه و مقاله ISI تبلیغ می‌کردند! دانشجوی دیگری می‌گفت دادزنی فریاد می‌زد «مقاله، پاسور...»! یعنی مقاله و محمل‌های اطلاعات علمی به این حد تنزل یافته، چون علم در ایران تنزل یافته است. چون عملا توصیه‌های مشفقانه و نظرات آن دسته از دانشگاهیان وفادار به ارزش‌های علم از اساس در سازوکار سیاست، حل و فصل مسائل مدنی و غیره به کار گرفته نمی‌شود.

فقط میدان انقلاب نیست که نماد فساد در علم است. البته به شکل سمبولیک می‌توان از چهارراه استانبول هم به عنوان نمادی از ناکارآمدی و فساد در حوزه اقتصاد نام برد یا خیابان ناصرخسرو که نماد آشکار فسادی است که در حوزه سلامت وجود دارد، اما پیامدهای زیانبار و جبران‌ناپذیر فساد نظام دانشگاهی بیش از هر نظام دیگری خطرناک است. زیرا اگر نهاد سیاست دچار کژکارکردی شود، به کمک نظام علم قابل اصلاح است. نظام سلامت و اقتصاد هم همین‌طور. ولی اگر نظام اندیشه‌ورزی یک ملت دچار آسیب شد، دیگر راه چاره‌ای برای اصلاح دیگر نظام‌ها نیست. این نظام اندیشه‌ورزی است که می‌تواند آسیب‌های سایر حوزه‌ها را اصلاح کند. آخرین سنگر حافظ یک کشور، نظام معرفتی آن جامعه است که در آن تمامی کدهای ژنتیک آن جامعه نهفته است. پیشران جهان مدرن، علم است و پیشرفت و توسعه یک جامعه بدون یک نظام علمی استاندارد و پیشرفته ممکن نیست.

●آنچه در آموزش عالی ایران اتفاق می‌افتد، تجاری‌سازی نیست بلکه زد و بندی است که جامعه علمی را درگیر خود ساخته است

●با جماعتی کارچاق‌کن مواجه هستیم که هدفشان تباهی علم است

●در جایی که به‌صورت سیستماتیک تخلف و تقلب می‌کنند، باید از «دانشگاه متخلف، نهاد متخلف و جامعه متخلف» و نه «فرد متخلف» سخن گفت

●دانشگاهی که قرار بود راه حلی برای ارائه مسایل و مشکلات ارائه دهد، خودش گرفتار مشکلات شده است

پولشویی در نهاد علم

فرض کنید شما دانش نوینی را مثلا در حوزه شبکه‌های اجتماعی به دست آورده‌اید. آن را تجاری می‌کنید و مورد استفاده عموم مردم دنیا قرار می‌گیرد، یا مثلا در حوزه اقتصاد یا مدیریت، یک شیوه خاص مشارکتی را تجاری‌سازی می‌کنید. این اصلا اشکالی ندارد بلکه خیلی هم خوب است، اما آنچه در آموزش عالی ایران اتفاق می‌افتد، تجاری‌سازی نیست بلکه زد و بندی است که جامعه علمی را درگیر خود ساخته است. با جماعتی کارچاق‌کن مواجه هستیم که هدفشان تباهی علم است. اگرچه بودجه نهادهای علمی نسبت به سایر نهادها بسیار ناچیز است اما از همین بودجه ناچیز نیز نمی‌گذرند و به‌طور عمده به افراد خاصی تعلق می‌گیرد. این افراد نیز معمولا در ازای کاری که انجام نمی‌دهند، از مزایایی برخوردار می‌شوند که لایق آن نیستند.

بسیاری از بودجه‌ها زیر عنوان طرح‌های پژوهشی بین افراد خاصی به ویژه وابستگان و گماشتگان دو جناح اصولگرا و اصلاح‌طلب دست به دست می‌شوند. این مدیران وابسته بودجه‌های پژوهش را به سمت بودجه‌های عمرانی و غیره سوق می‌دهند و حتی زیر پوشش تأسیس مسجد در دانشگاه و امثال آن به راحتی آنها را توجیه می‌کنند. رد گونه‌های خاصی از پولشویی را می‌توان در میان آنها گرفت و این موضوع در حیطه تخصص و وظیفه همکاران اقتصاددان و حقوقدان است تا حدود و دامنه آن را روشن کنند. ولی مشاهدات من نشان می‌دهد که آن دسته از مدیران دانشگاهی که از رانت سیاسی برای کسب و استمرار مدیریتشان استفاده می‌کنند علاقه بیشتری به فعالیت‌های عمرانی و مانند آن دارند تا توسعه علمی. به همراه یکی از همکارانم در پژوهش‌های پیشین، این موضوع را زیر عنوان «حلقه‌های قدرت و مکان‌های فرصت» صورت‌بندی کرده و سازوکار آن را نشان داده‌ایم.

عنوان تقلب و تخلف علمی و حتی فساد هم برای این موضوع خیلی کم است. این یک نوع سقوط اخلاقی سراسری و گسترده است. محدود کردن این مسأله به «استاد متخلف» یا «دانشجوی متخلف» یعنی تقلیل آن به سطوح فردی اشتباه است. باید رویکردمان را نسبت به این مسأله تغییر دهیم. این یک مسأله اجتماعی خاص است که در شرایط تاریخی خاصی رخ داده است. در جایی که به‌صورت سیستماتیک تخلف و تقلب می‌کنند، باید از «دانشگاه متخلف، نهاد متخلف و جامعه متخلف» و نه «فرد متخلف» سخن گفت. در کتاب «اخلاق علم در علوم اجتماعی ایران» به نقص رویکردهای روان‌شناختی، فلسفی، حقوقی و مذهبی به اخلاق علم پرداخته‌ایم. می‌توان گفت دانشجو یا استادی که در این شرایط قرار می‌گیرد و دست به تقلب یا تخلف می‌زند، خود قربانی سیستم است. در واقع دانشجو متقلب یا استاد متخلف نیست، فرد در شرایطی قرار می‌گیرد که ناگزیر به تقلب و تخلف است و این پیامد ناخواسته سیاست‌های بالا به پایین توسعه علم در ایران است.

نقص در جامعه‌پذیری علمی

کنشگران علم هم مانند دیگر نهادهای اجتماعی، باید مراحل خاص این حوزه را به درستی و طی فرآیندهای معتبری طی کنند. کسانی که می‌خواهند علم‌آموزی داشته باشند باید فرآیند اجتماعی آموزش علمی را صبورانه طی کنند که ما در جامعه‌شناسی به آن «جامعه‌پذیری علمی» می‌گوییم. حالا شاهد فرآیندی هستیم که طی آن افراد بدون این که جامعه‌پذیری علمی را طی کنند، صاحب مدارج و اعتبارات علمی یک کشور می‌شوند؛ در واقع فرآیند جامعه‌پذیری علمی دور زده می‌شود یا با استفاده از میان‌بُرهایی طی می‌شود. این خسارات نیز به باور من و با توجه به مطالعاتی که در این مدت داشتم پیامد مداخله سیاست و نفوذ قدرت در نهاد علم است. رد آن را باید در نوع خاصی از تحرک اجتماعی در ایران کنونی دید که از قدرت سیاسی شروع می‌شود، سپس به منابع اقتصادی چنگ می‌اندازد و در نهایت در جستجوی اعتبار و پرستیژ به دانشگاه می‌رسد.

رویه غالب این است که اول قدرت را می‌گیرند، بعد از قِبل آن سایر منابع از جمله منابع اقتصادی و مدارک و مراتب دانشگاهی را به چنگ می‌آورند و این یک فرآیند وارونه و زیانبار است. بسیاری از صاحبان قدرت و مدیران کنونی از همین فرآیند بهره وافر بردند، بی آن که در فرایند جامعه‌پذیری علمی دود چراغ خورده باشند. مدارک، مدارج و مراتبشان را گرفتند و از مزایای آن نیز برخوردار شدند و می‌شوند. بایگانی اسناد و مدارک دانشگاه‌های ایران شواهد بسیاری از برخورداری‌های رانتی و سوءاستفاده‌های سیاسی را در دل خود نهفته دارند. انواع و اقسام سهمیه‌ها و بورس‌های داخل و خارج که نثار صاحبان قدرت یا فرزندان آنها شد و می‌شود و در واقع این افراد بر دانشگاه‌های ایران و بر علم تحمیل شدند.

علم سیاست‌زده

معمولاً کسانی که در یک حوزه کار می‌کنند به هم نزدیک می‌شوند و دیدگاه‌های یکدیگر را مورد مداقه و بررسی قرار می‌دهند و به بحث می‌گذارند. علم از تلاقی بین نظرها بر سر یک مسأله یا پیرامون یک موضوع پیشرفت می‌کند، اما ما چنین سبک مشارکتی را در دانشگاه‌هایمان نداریم. به دلیل مداخلات سیاسی در علم، تمامی استانداردهای علمی به کمک تفاسیر ایدئولوژیک و سفارش سیاست در ایران مورد تخطئه قرار می‌گیرند. تزریق ارزش‌های موردنظر حاکمیت به دانشگاه‌ها یک پیامد مستقیم داشته است: تخلیه دانشگاه‌ها از ارزش‌های علمی. یک خودسانسوری و باخودبیگانگی سراسری در دانشگاه‌های ما وجود دارد. چیزی به نام دانشگاه مستقل، دانش مستقل و دانشمند مستقل نداریم.

من و تمامی همکارانم که در حوزه علم کار کرده‌اند با تحقیقات زیادی متوجه شدیم که مهم‌ترین ضربه‌ای که بر علم وارد شده از ناحیه سیاست بوده است. ما با چیزی به نام «علم سیاسی‌شده یا سیاست‌زده» مواجه هستیم. کنشگران در سطح فردی، خودشان را با خواست‌ها و توقعات ایدئولوژیک مطابقت می‌دهند و اساساً در پی اندیشه‌های علمی نمی‌روند.

ادامه در صفحه ۶



وقتی نهاد دانشگاه از علم تهی می‌شود

ادامه از صفحه ۵

مثلا شعار امسال، اقتصاد مقاومتی است و می‌دانند که پول و مزایا در این حوزه توزیع می‌شود و امتیازات آنجاست، بنابراین کتاب‌ها و مقاله‌ها را بایستی در این حوزه بنویسند. اینها واقعیات علم در ایران است؛ خساراتی که نهاد سیاست با تزریق نظام ارزشی‌اش به علم و حمایت از کنشگران وفادار به نظام سیاسی در دانشگاه‌ها به خود علم وارد کرده است. اگر چه به باور من در نهایت این خسارت به خود نهاد سیاسی برخواهد گشت، چون در مواقع ضرورت، اندیشمندان کاردان و کارشناسی در دانشگاه‌ها نخواهد یافت که در مواقع و شرایط دشوار به یاری وی بشتابند.

سازو کار بازتولید منویات سیاست

حالا پرسش این است که سازوکار سیاسی چگونه در دانشگاه بازتولید می‌شود؟ ما دو جناح گسترده در کشور داریم که هر دو در دانشگاه‌ها حضور دارند که انجمن دانشجویی، بسیج دانشجویی، انجمن اسلامی دانشجویان و نهادهای دیگر، پایگاه‌های این جناح‌ها در دانشگاه‌ها هستند. برای استادان هم پایگاه‌هایی مانند بسیج استادان وجود دارد. دانشجویان و استادان نیز میان این دسته‌بندی‌ها خواسته یا ناخواسته و به ناگزیر توزیع می‌شوند. سوای حضور سیاسی و ایدئولوژیک ثابت سیاست در دانشگاه‌ها، با چرخش دولت‌های اصولگرا و اصلاح‌طلب جهت‌گیری سیاسی جدیدی هم در راستای تغییر دولت‌ها در دانشگاه‌ها ایجاد می‌شود که تمامی فرآیندهای علم را از بالا به پایین متأثر می‌سازد؛ چنان‌که حتی بر جهت‌گیری موضوعات مورد مطالعه و پژوهش نیز تأثیر می‌گذارد.

شما سازوکار جذب اعضای هیأت علمی را ببینید. در تمامی فرآیند جذب اعضای هیأت علمی تا انتها که یک فرد استادتمام شود، نظام سیاسی حضور دارد. من دقت کردم در زمانی که دولت دست اصولگرایان است، کانون موضوعات دانشگاه‌ها، مقاله‌ها و سخنرانی‌ها و کتاب‌ها، به سمت موضوعات مورد نظر آنها و خواست‌های سیاسیشان تغییر می‌کند. دخالت سیاسی در دانشگاه‌ها از تعیین وزیر علوم تا رؤسای دانشگاه‌ها و دانشکده‌ها و حتی آبدارچی جریان دارد. روند تغییر آبدارچی را من شخصا مشاهده کردم. به همین دلیل ابتدای صحبت‌هایم گفتم که تجاری‌سازی موضوعی فرعی است. ما اول باید ببینیم آنچه انجام می‌دهیم علم است یا نه تا بعد در مورد تجاری‌سازی آن صحبت کنیم. اساسا چیزی به اسم علم در زمانه کنونی ما تولید نمی‌شود و اگر تولید شود، استفاده نمی‌شود.

در مواقعی هم که نهاد سیاست و اقتصاد نیازمند دانشگاهند، پتانسیل لازم در دانشگاه وجود ندارد. اگر هم اندیشمندانی باشند، آنها را بازی نمی‌دهند. چون چرخه سیاست و وفاداران به دم و دستگاه حزبی، چه اصولگرایان چه اصلاح‌طلبان، نتایج این پژوهش‌ها را نمی‌بینند. نتیجه چنین روندی، مشکلی است که این جناح‌های سیاسی در زمینه مشارکت مردمی و بی‌اعتمادی عمومی با آن مواجهند.

خود احزاب در ایران، اساسا زیست انگلی دارند و وابسته به منابع دولتی هستند؛ از این‌رو از وزارت علوم و دانشگاه‌ها نیز به‌سادگی نمی‌گذرند. آنها در پی کسب انواع اعتبارات عرصه فعالیتشان را به دانشگاه‌ها می‌آورند و وقتی قدرت را در دست می‌گیرند به گماردن رؤسای خودشان در دانشگاه‌ها و مراکز پژوهشی که پول در آنها توزیع می‌شود، اقدام می‌کنند. سپس تمامی فرآیندها و سازوکارهای علمی به سمت جناح آنها سوق داده می‌شود، مثلا زیر پوشش همایش رفقای حزبی کنار هم می‌آیند. من مشاهده کردم که ارتقاءها و استخدام‌ها هم چپ و راستی هستند. در استخدام، فرآیند قانونی (فراخوان) به صورت فرمالیته و در ظاهر انجام می‌شود، اما در محتوا، فردی انتخاب می‌شود که با رانت و سفارش و حمایت خاصی پذیرش شده است. بعدا این فرد هم به بازتولید پارازیت‌های حزبی خود در دانشگاه اقدام می‌کند. تضمین امنیت شغلی هم برای وابستگان به این دو حزب در هر دوره‌ای وجود دارد. مستقل‌اندیشان هم قربانیان احزابی هستند که مانند بختک به منابع قدرت و پول چسبیده‌اند؛ از دانشگاه تا شهرداری و دیگر نهادها.

در فرآیند ارتقای اعضای هیأت علمی مشاهده کرده‌ام وقتی اصولگرا و اصلاح‌طلب تشخیص می‌دهند که دولت بعدی از کدام حزب است – مثلا اگر دولت اصولگراست و دولت بعد اصلاح‌طلب است– آن دسته از اعضای هیأت علمی وابسته به جناح اصولگرایان که هنوز بر مسند قدرتند، فرصت را غنیمت شمرده و به سرعت و با شدت، تبدیل وضعیت و تبدیل مراتبشان را انجام می‌دهند و حتی به فرصت‌های مطالعاتی می‌روند تا کی دولتشان بچرخد و دوباره نوبتشان شود! و همین طور این داستان برای وابستگان به اصلاح‌طلبان نیز تکرار می‌شود.

مگر بوعلی سینا استاد تمام بود؟!

بوروکراتیزه کردن شدید علم یکی از نتایج مداخلات دستگاه سیاسی در دانشگاه‌هاست که با هدف تحت کنترل درآوردن نهاد علم انجام شده است، اما از آنجا که دانش و دانشمند به دنبال امنیت می‌گردند، شاهد خودسانسوری گسترده و باخودبیگانگی دانشگاهیان و نیز پدیده مهاجرت اجباری در بین دانشمندان مستقل هستیم. بسیاری تصمیم می‌گیرند که از دانشگاه خارج شوند یا اصلا در حیطه دیگری فعالیت کنند. در چنین وضعیتی دانشگاه به دست مدرک‌داران بی‌سوادی می‌افتد که با استفاده از رانت و سهمیه‌های جور واجور خود را بر کرسی دانشگاه نشانده‌اند. من در بسیاری از محافل علمی حضور داشته‌ام ولی دریغ از کاربست مفاهیم علمی. بسیاری از آثاری که در ایران تولید می‌شوند، روش‌شناسی علمی ندارند؛ آثار پوپولیستی دهن پُرکنی هستند که به درد مردم عامه هم نمی‌خورند، اما تولیدکنندگان آنها بابتشان امتیاز می‌گیرند. من این سؤال را می‌پرسم، آیا در دانشگاه‌های ما عضو هیأت علمی پیدا می‌شود که در چارچوب کنونی وزارت علوم مقالاتش را برای ارتقاء ارائه ندهد بلکه برای علم و در پی حقیقت‌جویی بنویسد؟ یا ساخت کنونی وزارت علوم چنین فضایی در اختیار این دسته از دانشگاهیان قرار می‌دهد؟ برخی مایل نیستند دانشیار شوند. چه اشکالی دارد؟ مگر ابوریحان دانشیار بود؟ مگر بوعلی سینا استاد تمام بود؟

شرایط اجتماعی، تأثیر زیادی روی کنشگر اخلاق‌مند علم دارد. این موضوع می‌تواند در حل مسائل جامعه و پیشرفت علم کمک کند. اما الان



بزرگداشت از آنِ استادانی است که ریز و درشت، خودشان را با ساز و کارهای وزارت علوم هماَهنگ می‌کنند. چند سال پیش یادداشتی را نوشتم زیر عنوان «ارتقای زودرس و استادی نارس» و در آن آورده‌ام که که چگونه کنشگران با شمردن دندان‌های وزارت علوم، ارتقاء می‌گیرند. این مقاله نشان می‌دهد که چگونه «ساختارسازی فساد» در آموزش عالی ایران شکل می‌گیرد؛ مفهومی که من آن را حاصل تبانی میان کنشگر و ساختار تسهیل‌کننده فساد می‌دانم. بسیاری از کنشگران علم از سیاست‌های وزارت علوم برخوردارند. همین میدان انقلاب که وصف آن رفت و نماد رویکرد خاصی به علم در ایران است کارکرد دارد. کنشگران اجازه نمی‌دهند این میدان انقلابی علم از بین برود، چون از آن منتفع می‌شوند.

آنچه زیر عنوان «برخورد» با متخلفان مطرح می‌شود نیز ساده‌انگاری و نفهمیدن مسأله است. این واکنش‌های ظاهری اغلب هم از حدود ادعا فراتر نمی‌روند. اساسا هرگونه برخورد چه حقوقی و چه سیاسی بیرون از نهاد علم با این نهاد، منجر به تشدید فساد می‌شود. این برخوردها مانند برخورد با محله «خاک سفید» است که وقتی تخریب شد، به توزیع بیشتر مسأله انجامید. با تخته کردن درِ چند تا بنگاه رساله‌سازی یا مقاله‌سازی این پدیده بیشتر زیرزمینی و پخش می‌شود.

فرآیند سیستماتیک فساد در وهله اول ضربه خود را به نظام سیاسی، نظام اجتماعی و سامان اجتماعی کشور خواهد زد. ساختمان‌ها و پل‌هایی که در زلزله‌های کم توان فرو می‌ریزند، سیل‌های کوچکی جماعت بی‌شماری را آواره می‌کند، سیاسیون بی‌اخلاق، اختلاس‌ها و غیره.

اینها نتیجه تعدی به نظام دانشگاه و نگه نداشتن احترام به علم است. وقتی شما می‌گویید که به این وکیل، این روحانی یا این پزشک نمی‌توان اعتماد کرد، این یعنی نمود عینی همان هشدار جامعه‌شناسان نسبت به از بین رفتن سرمایه اجتماعی در کشور. وقتی نظامی قادر به جلب اعتماد نباشد، قادر به ایجاد مشارکت نیست و در نهایت مشروعیت‌زدایی از نظام اتفاق می‌افتد.

راه رهایی

دانشگاهی که قرار بود راه‌حلی برای ارائه مسائل و مشکلات ارائه دهد، خودش گرفتار مشکلات شده است. به قول «گونار میردال»، اقتصاددان بزرگ سوئدی، علم یک قوه «خودعلاجی» در درون خود دارد که وقتی دچار بن‌بست می‌شود، دوباره به پویش خود از طریق شکل‌گیری ایده‌های نو ادامه می‌دهد. همچنان برای رهایی علم از مسایل موجود، باید از همین قوه خودعلاجی علم استفاده کرد. همین که خود «علم» را سوژه کرده‌ایم و درباره آن حرف می‌زنیم بخشی از همین فرآیند است. می‌توان با کمک قوه شناختی علم، آسیب‌های آن را شناخت و سپس به دنبال راه رهایی بود. من مهم‌ترین مسأله کنونی علم در ایران را مداخله و نفوذ بی‌حد و حصر سیاست در علم می‌دانم و فساد و بی‌اخلاقی‌های رخ‌داده در علم را پیامد سیطره نظام قدرت بر نظام معرفت می‌دانم. بر این باور هستم تا رویکرد سیاسی به علم و نهادهای علمی برداشته نشود همچنان همین مدار ساختی فساد برای ذی‌نفوذان کارکرد خواهد داشت و استمرار می‌یابد.

حسب تعریف و ماهیت، از دانشگاه انتظار می‌رود که امن‌ترین مکان برای اندیشه‌ورزی آزادانه و بدون محدودیت فکری باشد. در واقع فرآیندهای علمی خط قرمزی ندارند، یعنی خط قرمز را برنمی‌تابند. اگر اندیشه علمی در محدوده خطوط قرمز قرار گرفت، همانند چنبره‌ای که سیاست بر دانشگاه زده، دیگر علمی وجود ندارد. با ساختمان‌هایی بی‌روح و تهی و شاغلانی مواجه می‌شویم که در اصطلاح به «تولید علم» مشغولند. به عنوان یک پیشنهاد، به نظر من اختیار اداره دانشگاه‌ها باید به دانشمندان و متخصصان ایرانی و اجتماعات علمی آنها واگذار شود. اعضای هیأت علمی دانشگاه‌ها نیز باید خواهان عدم مداخله سیاسیون در علم و فرآیندهای علمی شوند، اگر چه کار دشواری است. چون بند ناف این دو به هم وصل شده است و کثیری از سیاسیون اکنون اعضای هیأت‌های علمی دانشگاه‌ها شده‌اند یا خود دانشگاه‌داری می‌کنند. با تمامی این دشواری‌ها من طرفدار مشارکت گسترده اعضای هیأت‌های علمی در اداره دانشگاه‌ها و وزارت علوم هستم. منظورم این است که جمهور علم در ایران باید تعیین کند مسؤولان علم در ایران چه کسانی باشند، نه نهاد سیاست. اعضای هیأت علمی هر دانشگاه باید حق مشارکت در انتخاب رؤسای دانشگاه‌های خود را داشته باشند. این فرآیند باید از سطح مدیریت گروه آموزشی پژوهشی شروع شود و به سطح دانشکده و پژوهشکده و سپس دانشگاه یا پژوهشگاه تسری یابد و در نهایت در تعیین وزیر علم در ایران مؤثر افتد.

این فرآیند مستلزم تغییر رویکرد نسبت به نهاد علم و اصلاح رویه حقوقی حاکم بر وزارت علوم است. برای من همچنان عجیب است که چگونه نخبگان یک جامعه مانند اعضای هیأت‌های علمی دانشگاه‌ها و پژوهشگاه‌ها نقش مؤثری در تعیین سرنوشت خودشان و اداره امورشان ندارند. به همین دلیل امور علم و نهادهای علمی در ایران به شدت متأثر از جناح‌بندی‌های سیاسی است. یک راه تأمین استقلال نهادها به رسمیت شناختن «حق مشارکت» و «حق انتخاب» برای دانشگاهیان است تا در سرنوشت خود سهیم شوند. این فرآیند باید از منطق علم تبعیت کند نه سیاست.

باید به دانشگاهیان ایرانی اعتماد شود و چنان که پیشتر بدان پرداختیم اداره امور دانشگاه‌ها و نهادهای علمی باید طی فرآیندهای دموکراتیک و مشارکتی به خود آنها واگذار شود و تمامی نیروهای سیاسی، عقیدتی، امنیتی از دانشگاه‌ها خارج شوند و گروه‌های حزبی نیز از دانشگاه‌ها به عنوان منابع و اموال حزبی استفاده نکنند. فرآیندهای بی‌حاصل و مخرب و بی‌اعتمادکننده، پاکسازی و گزینش‌های مکرر برچیده شوند و اختیار اداره دانشگاه‌ها به خود آنها واگذار شود.

این پرسش پایانی را پیش روی همکاران دانشگاهی قرار می‌دهم که آیا دولت و حاکمیت و احزاب وابسته به آنها همان‌طور که برای استان‌ها استاندار تعیین می‌کنند حق دارند برای علم هم رئیس تعیین کنند؟

*** همان میدان انقلاب که حدفاصل چهارراه ولی‌عصر و میدان آزادی قرار دارد**

گفتگو: سمیه میرزایی

نگاهی انتقادی به شرایط و نتایج ورود به دانشگاه در ایران

به کجا چنین شتابان؟



● مرضیه سلیمانی

وقتی به اوضاع و احوال ناخوشایند آموزش عالی و دانشگاه‌ها نگاهی می‌اندازیم، حتی شتابزده و گذرا، نمی‌توانیم از ابراز شگفتی و تأسف خودداری کنیم. آموزش عالی و دانشگاه‌ها از ابتدا تا انتها و از صدر تا ذیل، بیمار و جذام گرفته است. با رفتن به مهم‌ترین حریم تجاری- دانشگاهی در تهران و شهرهای بزرگ و نگاه به تابلوهای مکرر و متوالی برای تهیه و خرید و آماده‌سازی پایان‌نامه یا تز یا همان رساله ها و نرخ گذاری تحقیقات و مقالات دانشگاهی، حساب کار دستمان می آید و پس از عبور از این معبر می توان به نجوا گفت: «خلوت گزیده را به تماشا چه حاجت است؟» همین دیدار و گذار برای هر استنتاجی کفایت دارد و هر خردمند و دلسوزی می‌تواند با نگاهی و گواهی بفهمد که دکان بی‌رونق دانشگاه ورشکسته است و چیزی برای عرضه ندارد.

ایستگاه اول: کلاس‌های آموزشی و تست زنی

بازی مهلک و خطرناکی که برای پول و در واقع برای غارت خانواده‌های ساده‌دل ایرانی تحت عنوان کلاس‌های کنکور و آماده شدن برای آزمون سراسری دانشگاه‌ها به راه افتاد، از حیث زمان‌بندی و هدفگذاری در ابتدا چند ماه در سال آخر دبیرستان را شامل می‌شد. در همان دوره کوتاه هم فشار بیهوده و نامعقولی به ذهن و روان جوانان وارد می‌ساخت.

آنان هیچ مهارت یا روش یا دانشی را نمی‌آموختند بلکه مانند رمال‌ها و شعبده‌بازها - و حتی گاه با محاسباتی که قماربازها می کنند - چیزهایی می‌آموزند و آماده می‌شوند تا تست بزنند. یاد می گیرند از میان چهار جواب چگونه احتمال بیشتر را دنبال کنند و این شامل نگه‌داشتن وقت و کمی تمرینِ ظاهرا آموزنده نیز بوده است. اما این فرآیند اثر ویرانگری بر ذهن جوانان می گذاشت و آن، دور شدن از تحلیل معنایی و درک دقیق و عمیق علم بود. همه چیز به چند نکتهٔ فرمالیستی خلاصه می‌شد و دانشجوی آیندهٔ ما به جای آموزش علمی، تحقیق گسترده و عمیق، روش شناسی و مهارت و بالاخره استنتاج و تولید علم و نظریه، تبدیل می‌شد به فرصت‌طلبی که می‌خواهد یکی دو پله جلو برود و زودتر از بقیه از روی این گسل یا حفره بپرد. این فرآیند چندماهه، به یک بیماری بدل شد و در سایهٔ مدیرانی نادان و فاسد و فرصت‌طلب به دکان بزرگی تبدیل شد که در طول سالیان دراز، ذهن و روح جوانان ما را راحت نمی گذاشت.

سوداگران تست و کنکوربازی، وقتی متوجه شدند که ذهن تمامی خانواده‌ها در اثر تبلیغات شوم کاملا مسموم شده و می توانند از این موقعیت بهره‌برداری بیشتری کنند، کلاس های کنکور را عقب‌تر بردند و نوجوانان را از مدرسه راهنمایی و اوایل دبیرستان درگیر کلاس کنکور کردند. حتی مهارت‌های تست‌زنی و تردستی‌های چهارجوابی به مدارس ابتدایی کشیده شدند و در بعضی از مدارس پولکی و غارتگر که اسمشان غیرانتفاعی گذاشته شده بود، بچه‌ها را با این بازی مضحک سرگرم می کردند و خانواده‌ها را می چاپیدند. طبعاً وقتی تقاضا باشد و بازار کالایی داغ شود، همه از هم پیشی می گیرند و می خواهند از این کالای لوکس نصیبی داشته باشند. وقتی می توانید با چندصدهزار تومان، بچه‌های طفل معصوم را در هشت‌سالگی یا نه‌سالگی با آرزوی دانشگاه و دکتر و مهندس شدن، رام و آرام کنید، چرا معطل می کنید؟!

انگار همه به هم حسادت می کنند و مثلاً می گویند به پیش! پسر من و دختر شما از الان یاد گرفته در کنکور شرکت کند و ما هیچ چیزمان کمتر از همسایه‌های آن طرف خیابان نیست که دخترشان در یکی از دانشگاه‌های مکاتبه‌ای مشغول تحصیل روان‌شناسی است و پسرشان در دانشگاه آزاد شعبهٔ تورقوزآباد دارد فیزیک هسته‌ای می‌خواند.

ایستگاه دوم: کنکور

چه دکان بزرگی است این دم و دستگاه مربوط به جزوه‌ها و کلاس‌های کنکور و نیز مشاوران انتخاب رشته و حتی گاهی با کمال شرمندگی و خجالت، خرید و فروش سؤال‌ها و جواب‌ها که بیست و چهار ساعت قبل جلوی در منزل تحویل می‌شوند و در سال‌های گذشته بارها اخبار شوم کشف آنها در جراید منتشر شده و حالا دیگر خبری عجیب و غریب نیست و فقط هر چند سال یک‌بار یکی از این شبکه‌ها لو می‌رود. متخصصان جرایم معتقدند معمولا شبکه‌های کشف شده در هر جرم، فقط درصد یا بخش اندکی از وجود پنهان آنهایی هستند که مشغول به کارند و هنوز کشف نشده اند؛ خدا کند که در مورد آموزش عالی چنین نباشد. بگذریم...

همه ما اخبار مربوط به فشارهای عصبی، قرص‌های روان گردان، آرام‌بخش‌های بسیار قوی و حتی اقدام به خودکشی در اثر فشارهای نامعقول کنکوری‌ها را شنیده‌ایم. شعرِ «علی کنکوری» را شاید شنیده باشید؛ از اوایل دهه پنجاه بود که کنکور و دانشَگاه به یک معضل اجتماعی بدل شد و جوانان تحصیل کردهٔ ایرانی را به شدت درگیر ساخت. در جامعه‌ای که توسعه نامتوازن و بیمارگونه با شتاب به پیش می‌رفت، به‌تدریج از یک یا چند جوان گذشت و به معضل تمامی خانواده‌ها بدل شد.

نبودن شغل و نداشتن سرمایه، جوانان و خانواده‌ها را به ناکجاآباد آینده‌ای شیرین و خیال‌انگیز در کریدورهای دانشگاه‌ها سوق داد. در آنجا هم تخصص بود، هم پول و هم منزلت اجتماعی و خیلی چیزهای دیگر. بعد از آن هم امید و آرزوی دکتر شدن، مهندس شدن، خارجه رفتن، پروفسور شدن و به‌دست آوردنِ جایگاهی که والاتر و بالاتر از موقعیت یک آدم معمولی است. دانشگاه، طبقهٔ اجتماعی را تغییر می دهد و فرزندان ما را از یک خانواده معمولی شهرستانی به یک پیشوند یا پسوند سانتی‌مانتالِ تهرانی یا اروپایی پیوند می‌زند.

همه دلشان غنج می‌زد تا به این مزایا دست یابند. کنکور دروازه‌ای بود - و هنوز برای برخی هست - که ما را به این سراب می‌رساند؛ دروازه‌ای که خانواده‌ها و جوان‌های ما را وارد برهوتی می کند که در خیال‌های خاممان ضروری است و باید حتما به آنجا پای بگذاریم. هیچ کس نمی‌پرسد برون‌داد و نتیجه این همه سرمایه‌گذاری روحی، جسمی، مالی، روانی، فرهنگی و تباهی عمرها چقدر است؟ چرا جوانان ما با آن وجودهای نازنین و برازنده این همه شکنجه شوند و رنج بکشند و آخر سر به یک آرزوی موهوم نزدیک هم نشوند؟

کنکور اما بدبختانه فقط یک شیوه پول درآوردن و یک درگیری ذهنی بزرگ برای مشغول کردن خانواده‌های شهری بود و بس. سال‌های سال است که دیگر هیچ نتیجه‌ای ندارد، زیرا از ابتدا دیواری کج و معوج بوده و درنتیجه وقتی پیشتر آمده ایم، در دهه‌های شصت و هفتاد، بر سر مردم آوار شده و حالا باید ویرانه‌های آن را جمع و جور کنیم.



● عکس: مجید فراهانی

ایستگاه سوم: مشاوره و ثبت‌نام

وقتی این بازار شروع کرد به فربه و پررونق شدن و تقاضا به بالاترین حدود رسید، ناگهان دانشگاه نیز واکنش نشان داد و به‌جای چند مؤسسهٔ محدود و چند آکادمی معروف، در هر کوی و برزن و هر شهر و روستایی دانشگاهی تأسیس شد یا شعبه‌ای از دانشگاه‌های آزاد و پیام نور و مکاتبه‌ای و علمی-کاربردی وغیره و غیره سر برآورد تا نه فقط تمامی خانواده‌ها از آن بهره‌مند شوند بلکه تمامی شهرها و روستاها هم صاحب دانشگاه و آکادمی باشند. به این ترتیب گویی ایران و شهرها و روستاهایش و حتی برخی مناطق حومه آنها با آدرس دانشگاه‌هایشان شناخته می‌شدند و بس.

البته برای ورود به این همه دانشگاه باید تن به مشاوره بدهید و یکی دو فیش مالی بپردازید. آن وقت سایت دانشگاه به روی شما باز می‌شود و اسم و شماره کارت‌ملی و گذرواژه شما معتبر خواهد بود تا بتوانید واحدهای مورد نظر را انتخاب کنید و دوباره پول هریک از واحدهای مربوط و نامربوط را بپردازید.

این که کشوری توانسته است در مدت کوتاهی این همه دانشکده و رشته و استاد و دانشگاه و بالاتر از آن، ده‌ها و صدها هزار مشاور ورود به دانشگاه و کلاس‌های آماده‌سازی برای دانشگاه و ملزومات و الزامات پرهزینهٔ هریک را تهیه کند، واقعا اعجاب‌انگیز است و باید در کتاب رکوردهای گینس ثبت و ضبط شود! این گونه ما توانستیم از دروازه‌های سراب بگذریم و جوانان خود را وارد برهوتی کنیم که اسمش را دانشگاه گذاشته‌ایم. برون‌داد و نتیجه‌اش چه بوده است: بیکاری فزاینده و تقاضای غیرقابل کنترل برای مشاغلی که نه وجود دارد و نه ممکن است وجود داشته باشد، یک جامعهٔ عصبی با جوانانی ناامید و نخبگانی که از کشور می گریزند. شاگرد اول‌های کنکور و ذهن‌های درجه اول دانشکده‌های فنی که هنوز اسم و رسم و آبرو و اصالتی دارند، به سرعت خود را به آن طرف اقیانوس می‌رسانند. تعداد بسیار زیادی از جوانان ما بی آن که مهارتی داشته باشند، فارغ‌التحصیلانِ رشته‌های علوم انسانی یا نظری یا علوم محض هستند، بی آن که هیچ زمینهٔ کَاری و بازار جذبی برایشان فراهم باشد.

اما در نقاط دیگر هم که چشم می دوانیم باز هم در همین امتداد رقابتی بیمارگونه را شاهدیم. در آنجا نیز به شکل خطرناکی پول و جان انسان‌ها عرصهٔ عرضه و تقاضاست؛ بازار سوداگری عجیبی راه افتاده است. در رأس این بازار سوداگرانه، «پزشکی» و رشته ها و تجارت‌ها و ارتباطات نزدیک به آن قرار گرفته‌اند. در گذشته رشتهٔ حقوق هم بازاری داشت. از طریق وکالت و دفترداری و امور مرتبط با دادگستری و مشاوره‌های قانونی، درآمد سرشار و جذابیت آشکار و نهان کم نداشت اما به دلایلی عرصه را واگذاشت. از دیگر سو پزشکی که با جان و جسم و سرنوشت تک‌تک ما در پیوند است، هرروز بر جذابیتش افزوده شد و هنوز رقابت سخت و نفس گیر در این مسیر مشاهده می‌شود.

بهترین جوانان و بسیاری از خانواده‌های ثروتمند به هر ترتیبی و با هر ترفندی می خواهند فرزندانشان پزشک شوند. اگر در ایران نشد و نتوانستند، چه باک؟ به فرنگ می‌روند. اَبَرسرمایه‌دارهای درجه‌یک بچه‌هایشان را در استرالیا و کانادا، امریکا و انگلستان و اروپای غربی یا اسکاندیناوی مشغول می کنند تا دندان‌پزشک یا متخصص چشم و قلب و عروق و ریه و زیبایی و کلیه و مجاری ادرار و تناسلی شوند. سرمایه گذاری می کنند تا بتوانند چند برابرش را برگردانند و تضمینی برای شغل و آینده و ثروتشان داشته باشند.

خانواده‌هایی با یک‌درجه پایین‌تر از حیث بهره هوشی و بهره پولی، بچه هایشان را راهی اروپای شرقی و مالزی و گرجستان و روسیه می کنند. تازگی ترکیه و قبرس و یونان هم هدف‌های خوبی شده برای خانواده‌های ثروتمندی که فرزندانشان کم هوش‌ترند یا حوصله و پشتکار کمتری دارند. اینها البته می خواهند هم متخصص شوند هم در دوره تحصیل قدری عشق و حال کنند. خلاصه هم خر را می‌خواهند و هم خرما را. ماجرای بقیه نیز از همین سنخ است. ولی ما در این مورد استنتاج‌ها را به خوانندگان وامی گذاریم!

دروازهٔ برهوت

این وضعیت اگر ناخوشایند یا حتی تیره و تار به نظر برسد، اما عین واقعیت است. آموزش عالی که قرار بود دروازه‌های علم و پژوهش و تخصص و مهارت را به روی ما بگشاید، سال‌هاست مقهور و اسیر نگاهِ بازاری و سوداگرانهٔ جماعتی فرصت‌طلب شده است. نمی دانیم چه شده و چه خواهد شد و اصلا چرا باید از این دروازه بگذریم و چرا همه در پیِ حشمت و جاه آمده ایم؟ یا حتی نپرسیده ایم و نمی پرسیم که دروازه‌بان کیست و پشت دروازه چیست؟ اصلا اسم این دروازه چیست: دروازهٔ سراب یا دروازهٔ برهوت؟!

جوانان و خانواده‌های ایرانی بازنده‌های اصلی هستند و آیندهٔ علم و تخصص و فرهنگ نیز به‌هیچ‌وجه خوشایند و دارای برگ و بار نیست زیرا ما همه کرخت و بی اندیشه، بیمار و بی انگیزه جلوی این دروازه صف کشیده‌ایم، بی آن که بدانیم به کجامی رویم چنین شتابان؟

چهل سال پیش در همین روز

تمامی مطالب از روزنامه اطلاعات روز یکشنبه ۲۵ شهریور ماه ۱۳۵۸ (برابر با ۲۴ شوال ۱۳۹۹، ۱۶ سپتامبر ۱۹۷۹) نقل شده است.

نام طالقانی، با اشک و گل و سرود در آمیخته بود

میلیون‌ها نفر از اهالی تهران و ساکنان شهرهای دور و نزدیک در مراسمی باشکوه و کم‌نظیر که بمناسبت هفتمین روز درگذشت مبارز فقید و مجاه نستوه حضرت آیت‌اله طالقانی در بهشت‌زهرا برگزار شد، بر تربت پاک آن معلم کبیر قرآن حضور یافتند و بار دیگر در فضائی سرشار از اندوه و غم، مجاهدت‌ها و مبارزات و خدمات ارزشمند و فراموش‌نشدنی او را گرامی داشتند. تربت پاک آیت‌الله طالقانی، دیروز زیر پوشش انبوهی گل قرار گرفت که مردم دسته دسته و شاخه شاخه نثار آن کردند.

دستور امام به دادستان انقلاب در مورد مؤسسات مصادره شده

آیت‌الله آذری‌قمی دادستان دادسرای انقلاب اسلامی مرکز پیش از ظهر دیروز در یک مصاحبه مطبوعاتی که در زندان اوین ترتیب یافت، شرکت جست و طی آن استعفای خود را از دادستانی انقلاب اعلام کرد. آذری‌قمی در این مصاحبه، در مورد استعفای خود گفت: من مدتی قبل به علت بیماری، بطور شـــفاهی استعفا کردم و اخیرا امام با استعفای من موافقت کرده‌اند، اما هنوز بطور رسمی بمن ابلاغ نشده و نمی‌دانم لازم است که استعفایم را بصورت کتبی هم بدهم یـــا خیر؟ آذری‌قمی در اینجا به اطلاعیه دادســـتانی کل در مورد عدم دخالت دادسراها در امور دولت گفت: ما بنا بوظیفه شرعی و جلوگیری از بیکاری کارگرانی که در کارخانه‌های وابسته به رژیم گذشته کار می‌کردند، نمایندگانی به این کارخانه‌ها و مراکز صنعتی فرستادیم ولی چو ما را متهم کردند که می‌خواهیم در کار دولت اخلال کنیم دســـتور دادم که نمایندگان دادستانی کارخانجات را ترک گویند و در اینجا هم اعلام می‌کنم هر گاه دولت تصمیم گرفت کارخانه‌ای را رأساً اداره کند، نماینده دادستان موظف است، کارخانه را ترک کند. با این همه هنوز هم، ما کسی را دلسوزتر از خودمان برای اداره این مملکت و برای منافع مستضعفین نمی‌دانیم.

صاحبان اتومبیل باید سالانه مالیات بدهند

دکتر صادق طباطبائی، معاون سیاسی نخست‌وزیر و ســـخنگوی دولت، عصر دیروز، در گفتگوئی اعلام کرد: لایحه اصلاح قانون وصول مالیات از اتومبیل‌های سواری، برای بهبود امر عبور و مرور در تهران، به تصویب شورای انقلاب رسیده و به سازمان برنامه و بودجه ابلاغ شده است.

دولت کلیه مدارس را در اختیار گرفت

سرپرست موقت وزارت آموزش و پرورش امروز اعلام کـــرد که از این تاریخ کلیـــه امتیازات واحدهای آموزشی که بوســـیله آموزش و پرورش صادر شده در اختیار دولت جمهوری اسلامی قرار می‌گیرد. اداره این مؤسسات به وسیله یک هیأت امنا خواهد بود. محمدعلی رجایی سرپرست موقت وزارت آموزش و پرورش که در یک مصاحبه مطبوعاتی شرکت کرده بود ضمن اعلام این خبر به تشـــریح اصول کلی و هدف‌های آموزش و پرورش پرداخت.

بازرگان: از دولت سلب قدرت و سلب فرصت شده است

باماد امروز سمینار بررسی مسائل اقتصادی ایران با سخنان مهندس مهدی بازرگان نخست‌وزیر گشایش یافت و در این سمینار تحولات گذشته، وضع کنونی و راهی که بسوی سازماندهی نوین اقتصادی ایران باید اتخاذ شود مورد بررسی قرار میگیرد. مهندس مهدی بازرگان در سخنان خود ضمن تشریح وضع کشور گفت: ادارات باید پاک‌ســـازی شود ما در آغاز تصور میکردیم که در سطح وزرا و معاونان این کار امکان‌پذیر است اما دیدیم نمی‌شود. مهندس بازرگان همچنین تأکید کرد که باید دائماً افراد را عوض کنیم، سلب قدرت، سلب صلاحیت و سلب فرصت برای دولت بوجود آمده است ما باید برای انجام کارها وقت کافی داشته باشیم.

کلاه سبزها پل قطور را از دست مهاجمین خارج کردند

خوی: پل «قطور» خوی که از مدت‌ها قبل در اختیار ضدانقلابیون بود با تلاش ســـازنده کلاه سبزها ـ پرسنل ارتش و پاسداران انقلاب اسلامی براحتی تسخیر شد و در پی آن خط آهن قطار به خوی باز شـــد. کلاه سبزها و پاسداران و پرسنل ارتش که برای اولین بار پس از درگیری اخیر به منطقه قطور وارد شـــده بودند با استقبال مردم و برادران کرد این منطقه روبرو شدند و اکراد اسلحه‌های خود را تحویل آنان دادند.

قاب امروز



زندگی در حراره ـ پایتخت زیمبابوه/مهر

سرایه

تن چیست؟ مرکبی ز چندین معدن
پرگشته ز میراث نیاکان کهن
محکوم محیط و انقلابات زمن
تن گر گنهی کند چه بحثی است به من؟

ملک الشعراء بهار

پند بزرگان

انتخاب هایی که در طول زندگی می کنیم بیشـــتر از توانایـــی های ما حقیقت وجودی مان را نشـــان می‌دهند.

جی کی رولینگ

نقطه مقابل عشق، تنفر نیست، بلکه بی تفاوتی است.

الی ویزل

امروز در تاریخ

کشته شدن محمد تره کی در افغانستان

۱۶ سپتامبر ســـال ۱۹۷۹ نورمحمد تره کی رئیس جمهوری کمونیست افغانستان در جریان کودتایی که توسط یک سیاستمدار ظاهراً هوادار غرب به نام حفیظ الله امین انجام شد به قتل رسید.

طولی نکشید که سایر کمونیستهای افغانستان متوجه شـــدند که توطئه از خارج بوده و پی بردند که حفیظ الله امین با دسیسه خود را در صف کمونیستها قرار داده بود تا در فرصت مناســـب راه خویش را برود. بنابراین، او را از میان برداشتند و از شوروی تقاضای اعزام نظامی و اسلحه کردند.

روز بزرگداشت سالخوردگان در ایران باستان

ایرانیان عهد باستان نخستین مردمی بودند که برای ادای احترام و بزرگداشت و سپاسگزاری از سالخوردگان روز مشـــخصی را در سال تعیین کرده بودند و این روز، ۲۵ شهریور ماه هر ســـال بود و قدمت آن به ۳ سه هزار سال می رســـد. در آن زمان و تا ۱۴ قرن پیش، روزهای هر ماه ایرانی نام خاص داشت و روز ۲۵ شهریور «اشیش وانگ» خوانده می شد که روز رحمت خدا، اخلاقیات و معنویات و روان پاک بود.

رضاشاه از تهران خارج شد

۲۵ شهریور ۱۳۲۰ در زمانی که نیروهای شوروی و انگلستان به تهران نزدیک شـــده بودند محمدعلی فروغی به اتفاق علی ســـهیلی وزیر امور خارجه کابینه اش به دیدار سفیران انگلســـتان و شوروی شتافت و به آنان اطلاع داد که رضاشـــاه همچنان که آن دو دولت خواســـته بودند کناره گیری کرده و رهسپار اصفهان شده است.

بانو و فرزندان رضاشاه قبلا به اصفهان رفته بودند و تنها محمدرضا در تهران مانده بود. به احتمال زیاد در همین دیدار، موافقت دو دولت انگلستان و شوروی با شاه شدن محمدرضا به فروغی ابلاغ شده بود، زیرا که فروغی پس از آن دیدار، مستقیما به بهارستان رفت و نمایندگان مجلس را از کناره گیری رضاشاه و بر جانشینی محمدرضا آگاه کرد.

زلزله طبس و تشدید انتقاد از دولت

۲۵ شهریور ۱۳۵۷ در جنوب خراسان به مرکزیت طبس زمین لرزه ای به شدت ۷/۷ در مقیاس ریشتر روی داد که تلفات تقریبی آن را ۲۵ هزار تن گزارش کرده بودند. این زمین لرزه در جریان انقلاب ایران روی داد و مخالفان سلطنت از ضعف دســـتگاههای امداد و نارسایی‌های مربوط به آن انتقاد فراوان کردند.

www.iranianshistoryonthisday.com

جـــدول شـــرح در مـــتـــن ۵۰۷۴

غلامحسین باغبان

مجبور به کاری
تیم فوتبال آبی‌های پایتخت
تیره و مات
لباس متحدالشکل
ورزش توپ بیضی
وسیله تزریق
گفتگوی اینترنتی
تیر پیکاندار
روز
نوعی بستنی
مارکی بر کامیون
و
دستگاه شالیکوبی
حقه و نارو
فیلم بهمن فرمان آرا
کنایه از انسان
برهنه
ناجوانمرد
ذره تجزیه ناپذیر
ضمیر وزنی
جیوه
معدن
کشور آفریقایی
از مصالح ساختمانی
پناهگاه
برادر آبادانی
سرزمین
حجم هندسی
تهویه مطبوع
جمع ادب
شیوه
ا
ط
رشته کوه آمریکای جنوبی
پرنده جور هندوستان!
شهر استان مرکزی
محل عبور

حل جدول ۵۰۷۳

ســـودوکـــو ۲۵۶۱

	۱				۶		۲	۵
۳		۵	۹					۶
					۵	۹	۱	
	۹				۸			
	۸	۳				۶	۵	
			۱				۹	
	۴	۹	۷					
۱					۹	۲		۷
۵	۶		۲				۴	

۹	۲	۱	۶	۳	۵	۷	۸	۴
۷	۸	۴	۹	۲	۱	۶	۳	۵
۶	۳	۵	۷	۸	۴	۹	۲	۱
۱	۹	۲	۵	۴	۶	۳	۷	۸
۳	۶	۷	۱	۹	۸	۵	۴	۲
۵	۴	۸	۲	۷	۳	۱	۹	۶
۸	۱	۹	۳	۵	۲	۴	۶	۷
۲	۷	۶	۴	۱	۹	۸	۵	۳
۴	۵	۳	۸	۶	۷	۲	۱	۹

حـل ۲۵۶۰